



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - تالیفات قطب علمی

مقالات بنیادی و کاربردی در حکمت هنر و معماری اسلامی

(جلد اول)

(با تجدید نظر و ویراستاری جدید)



ابرسامانه پل خواجوی اصفهان

عبد الحمید نقره کار

اهداء

این مجموعه مقالات تحقیقاتی را در هزاره سوم معنویت که جهان در انتظار عدالت و صلح واقعی بسر می برد به معمارانی تقدیم می کنم که خاطر در گرو آبادانی ایران عزیز و سربلند بسته اند و با شخصیت و افکاری استوار در صدد تحقق الگوهای اسلامی ایرانی می باشند. بویژه جوانان برومند این سرزمین سرافراز که در عرصه معماری و شهرسازی با دستان هنرمند و ذهن خلاق و قلبی با ایمان در خدمتگزاری و نوآوری به ملت شریف و بزرگوار ایران بر اساس دانش بومی در راستای تحقق ارزش های فرهنگی در تلاش شبانه روزی بسر می برند .

فهرست موضوعات و عناوین مقالات بنیادی و کاربردی-جلد اول

مجموعه مقالات (۱) تبیین اصول تئوری های بنیادی در هنر و معماری اسلامی

مقاله اول (تئوری بنیادی)

حُسن شناسی، سرچشمه آثار هنر اسلامی

- ◆ خلاصه مقاله
- ◆ ۱- حُسن شناسی و آثار هنری
- ◆ ۲- تقسیم بندی موضوعی علوم و جایگاه هنر در علوم انسانی
- ◆ ۳- تقسیم گزاره های نظری و عملی و اصول حاکم بر آنها
- ◆ ۴- انسان از بعد شناخت شناسی در مکتب اسلام
- ◆ تحلیل کلی دیدگاه مکتب شک گرایی
- ◆ تحلیل کلی دیدگاه مکتب نسبی گرایی (طرفداران نسبیت)
- ◆ تحلیل کلی دیدگاه مکتب حس گرایی
- ◆ تحلیل کلی دیدگاه مکتب عقل گرایی (فلسفه)
- ◆ تحلیل کلی دیدگاه طرفداران ارسطو(مشائیون)
- ◆ تحلیل کلی دیدگاه عرفانی
- ◆ ۵- تشریح نفس های چهارگانه انسان، منقول از حضرت علی(ع)
- ◆ ۶- حُسن شناسی در فلسفه هنر اسلامی
- ◆ ۷- مفهوم زشتی در فلسفه هنر اسلامی
- ◆ ۸- زیبایی در هنر اسلامی و مکاتب دیگر
- ◆ ۹- صفات حُسن در هنر اسلامی
- ◆ ۱۰- مقایسه ای بین تجلی و عدم تجلی صفات حسن در یک اثر هنری
- ◆ ۱۱- تحلیل رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطبین در هنر اسلامی
- ◆ ۱۲- جمع بندی و نتیجه گیری

مقاله دوم (تئوری بنیادی)

ارتباط و هماهنگی معنی و صورت در هنر و معماری پیش گفتار

- ◆ پیش گفتار
- ◆ ۱- روش تحقیق در حوزه مباحث فرهنگی و هنری (معماری)
- ◆ ۲- تقسیم‌بندی علوم از منظر علماء تجربی (پوزیتیویست ها)
- ◆ ۳- ارائه منابع مستند و موثق در طرح مباحث نظری
- ◆ ۴- منابع و مأخذ تحقیق
- ◆ ۵- بررسی تطبیقی در ارزیابی گزاره‌های نظری
- ◆ ۶- نقد و ارزیابی گزاره‌های نظری برای رسیدن به یک نظریه واحد
- ◆ ۷- ابزار و شیوه‌های نقد و ارزیابی گزاره‌های نظری
- ◆ ۸- موضوع شناسی یک مکتب هنری از معنی تا صورت
- ◆ ۹- تفکیک اصول حاکم بر گزاره‌های نظری و عملی و... و روابط بین آنها
- ◆ اصول حاکم بر گزاره های نظری
- ◆ اصول حاکم بر گزاره‌های عملی
- ◆ اصول حاکم بر شخص هنرمند
- ◆ اصول حاکم بر آثار هنری
- ◆ ۱۰- اصول حاکم بر روابط مخاطبین آثار هنری و هنرمندان
- ◆ ۱۱- سیر تکاملی هنرمند در دو حوزه نظری و عملی
- ◆ جمع بندی منابع و مأخذ مقاله

مقاله سوم (تئوری بنیادی)

تأملی بر بنیان های معرفت شناختی معماری معاصر

- ◆ خلاصه مقاله
- ◆ مقدمه ای در تحقیق معرفت شناسی متن
- ◆ معماری در حکم یک متن و یک زبان است
- ◆ پرسش های تحقیق
- ◆ فرضیه تحقیق
- ◆ روش تحقیق
- ◆ ۱- تعریف معرفت شناسی
- ◆ ۲- معرفت شناسی متن و نسبیت شناخت
- ◆ ۳- معرفت شناسی متن و معماری معاصر
- ◆ ۴- نقد اجمالی بنیان های نظری معرفت شناسی متن
- ◆ نتیجه گیری
- ◆ منابع و مأخذ استفاده شده در این مقاله

مجموعه مقالات (۲) مساجد اسلامی و سامانه مسکن ایرانی

مقاله چهارم (کاربردی - معماری)

معماری مساجد اسلامی ایرانی از مفهوم تا کالبد

- ◆ مقدمه
- ◆ خاستگاه ارزش ها و مفاهیم در هنر و معماری اسلامی
- ◆ جایگاه شکل ها و کالبدها در هنر و معماری
- ◆ اهداف نیایش و مسیر پرستش

- ❖ جایگاه معنوی مسجد در اسلامروش تحقیق
- ❖ ۱-مهمترین ویژگی های فضایی خانه کعبه
- ❖ ۲-مهمترین ویژگیهای مسجد النبی
- ❖ ۳- تغییر ماهیت آتشکده های چهار طاقی به فضای مسجد
- ❖ ۴- مسجد در شهر مسلمانا
- ❖ ۵- اجزا و عناصر مسجد
- ❖ گنبد و منار دو نماد اصلی در حجم خارجی مسجد
- ❖ انتخاب زمین مسجد در بافت شهری
- ❖ مسجد و سایر خدمات شهری
- ❖ حریم قدسی مسجد
- ❖ بدنه ها و حجم خارجی مسجد
- ❖ جایگاه نماد ورودی در بدنه های خارجی مسجد
- ❖ ضرورت ایجاد حریم ها و عرصه ها بین فضاهای بیرونی و درونی مسجد
- ❖ تغییر جهت از محورهای متنوع بافت به سوی قبله
- ❖ تنوع عرصه ها و فضاهای داخلی مسجد
- ❖ درجه بندی و ارزش گذاری فضاهای داخلی
- ❖ هندسه همکف شبستان های مساجد
- ❖ عناصر اصلی و شکل دهنده داخلی شبستان
- ❖ هندسه مقاطع و عناصر فضایی
- ❖ استخوان بندی و ساختار مسجد تزئینات مناسب و نامناسب در مسجد
- ❖ نور و رنگ در مسجد
- ❖ ۶-معیارهای زیباشناسی مساجد
- ❖ ۷- طراحی مساجد آینده
- ❖ در مورد محتوی و مفهوم
- ❖ در مورد کالبد بنا

مقاله پنجم (کاربردی - معماری)

کندو کاوی پیرامون معماری مساجد ایران

- ❖ سؤال اول
- ❖ پاسخ سؤال اول
- ❖ ۱-کهن الگویی بنام کعبه
- ❖ اول -از نظر کیفی و محتوایی
- ❖ دوم - از نظر کالبدی و شکلی
- ❖ سوم - الهام سایر مساجد از کعبه
- ❖ چهارم -تفاوت با سایر معابد برخلاف نظر متعصبین
- ❖ ۲-نقش و تأثیر اجرای مراسم عبادی در شکل گیری معماری مساجد
- ❖ ۳-مرزهای باید هاو نبایدها در اجرای احکام شریعت
- ❖ از بُعد حکمت نظری
- ❖ از بُعد حکمت عملی
- ❖ سؤال دوم
- ❖ پاسخ سؤال دوم

- ◆ سؤال سوم
- ◆ پاسخ سؤال سوم
- ◆ تأثیر گزاری از بعد کمی-سیاسی
- ◆ تأثیر گزاری از بعد کمی-اجتماعی
- ◆ تأثیر گزاری از بعد کمی-اقتصادی: تأثیر گزاری از بعد کیفی:
- ◆ سؤال چهارم
- ◆ پاسخ سؤال چهارم
- ◆ تأثیر شرایط جغرافیایی
- ◆ تأثیر اقلیم چهارگانه ایران: تأثیر تراکم جمعیت
- ◆ سؤال پنجم
- ◆ پاسخ سؤال پنجم
- ◆ دوره اول : تنوع کالبد مساجد با حفظ ارزش های معنوی
- ◆ دوره دوم: ورود سبک های مدرنیسم غربی در ساخت مساجد ایران
- ◆ سؤال ششم
- ◆ جواب سؤال ششم
- ◆ ۱- ساختمان مساجد
- ◆ ۲- ایده فضایی-هندسی در نقشه مساجد
- ◆ ۳- حرکت از کثرت به وحدت در فضاها ی داخلی
- ◆ ۴- منطقی و دور از اسراف بودن شکل خارجی مساجد
- ◆ ۵- تنوع و انعطاف پذیری کالبدی مساجد
- ◆ تنوع شکل خارجی
- ◆ نقوش انتزاعی و هندسی هماهنگی و پیوند با بافت محله
- ◆ چهار الگوی کلی در طراحی مساجد اسلامی ایران

مقاله ششم (کاربردی-معماری)

مقایسه و ارزیابی معماری مساجد اسلامی با معابد یونان و روم قدیم

- ◆ خلاصه مقاله
- ◆ ۱- مقدمه^۱ و روش تحقیق
- ◆ سرچشمه اصول و ارزش ها در هنر و معماری
- ◆ ارتباط مفاهیم و ارزش ها با شکل ها و کالدها در هنر و معماری
- ◆ مفهوم عبادت و نیایش (فرضیات تحقیق)^۲
- ◆ جایگاه مسجد و عبادتگاه در مکتب اسلام
- ◆ روش تحقیق و تحلیل در حوزه هنر و علوم انسانی
- ◆ ۲- ضرورت تحقیق
- ◆ ۳- کلی ترین نیازهای انسان در سیرمتمالی او
- ◆ ۴- ویژگی های عبادت از دیدگاه اسلامی

^۱ مطالب این پیشگفتار از مقاله ای که با عنوان (معماری مسجد ، از مفهوم تا کالبد) در اولین همایش معماری مسجد در آذر ماه ۱۳۷۶ توسط اینجانب ارائه شده و در مجموع مقالات همایش فوق جلد (۲) توسط انتشارات دانشگاه هنر در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده نقل شده است. از آنجا که این مقاله در راستای مباحث فوق است، خوانندگان را به مطالعه مقاله مزبور توصیه می نماید.

^۲ از آنجا که این فرضیات از بدیهیات پذیرفته شده در حکمت نظری اسلامی است، از ذکر منابع متعدد آن خودداری می شود .

- ❖ ۵- تحولات فضای معماری در اروپا
- ❖ ۶- معابد یونانی
- ❖ ۷- سیر تحول معابد یونانی از معبد بودن به معبود شدن (تحول از درونگرایی به برونگرایی)
- ❖ ۸- مقایسه و ارزیابی (هندسی - فضایی) معابد یونانی^۱ با مساجد اسلامی
- ❖ ۹- معماری رومی
- ❖ ۱۰- معابد رومی
- ❖ ۱۱- مقایسه و ارزیابی (هندسی - فضایی) معابد رومی با مساجد اسلامی
- ❖ نتیجه گیری
- ❖ مراجع و مأخذ بکار گرفته شده در این مقاله

مقاله هفتم (کاربردی-معماری)

تحلیل نشانه شناختی سامانه مسکن ایرانی برپایه ارتباط لایه های متن / مسکن

- ❖ خلاصه مقاله
- ❖ ۱- چارچوب نظری
- ❖ مؤلفه های سه گانه دانش نشانه شناسی (شمایل، نماد و نمایه)
- ❖ نشانه های شمایلی
- ❖ نشانه های نمادین
- ❖ نشانه های نمایه ای
- ❖ معماری متن وار و مؤلفه های آن
- ❖ روابط همزمانی (همنشینی) و درزمانی (جانشینی) در معماری متن وار
- ❖ ۲- هم افزایی در مسکن سنتی ایرانی
- ❖ ۳- اغتشاش سامانه ای در مسکن معاصر ایران
- ❖ جمع بندی و نتیجه گیری
- ❖ فهرست منابع و مأخذ بکار رفته در این مقاله

مجموعه مقالات (۳) هویت و مدیریت شهری و شهرسازی اسلامی

مقاله هشتم (کاربردی-شهرسازی)

هویت شهری از منظر معماری و شهرسازی اسلامی ایران

- ❖ هویت شهری چیست و دارای چه تعریف و نشانه هایی است ؟
- ❖ چه عناصری هویت شهری را می سازند و شکل می دهند؟
- ❖ ثبات در هویت شهری با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی تأثیر گزار چگونه امکان پذیر است ؟
- ❖ با توجه به نظرات وزارت مسکن و شهرسازی در خصوص هویت شهری ، چه اقدامات اجرایی انجام گرفته است؟
- ❖ آیا الگوها و هویت بافت های معماری سنتی می تواند جایگزین طرح های معماری و شهرسازی کنونی ایران شوند؟
- ❖ در شهرهای جدید ایجاد چه عناصری می تواند هویت بخش باشد؟
- ❖ مهمترین شاخصه های اصلی معماری اسلامی کدام است؟
- ❖ چه ویژگی هایی می تواند به شکل مؤثری معماری دوران اسلامی را در سطح بین المللی مطرح سازد؟

مقاله نهم (کاربردی-شهرسازی)

^۱معابد یونانی از سه حوزه فضایی تشکیل شده است: ۱- فضای خارجی ۲- حرم ۳- گنجینه

جایگاه ارزشی فضاهای فرهنگی تاریخی در شهرهای دوران اسلامی ایران

روش تحلیل

مقدمه

۱- تأثیر اصول و مبانی اسلامی در حیات فردی و اجتماعی جامعه اسلامی

۲- تبلور باورهای اسلامی در کالبد و ساختار فضاهای شهرهای اسلامی

۳- نقش محورهای فرهنگی

۴- تاریخی در ساختار توسعه شهری

۵- ویژگی های بافت های قدیمی و محورهای فرهنگی - تاریخی

۶- ساختار فضاهای فرهنگی - تاریخی شهرها را چگونه طراحی و اصلاح نمائیم

مقاله دهم (کاربردی - شهرسازی)

نقد و تحلیلی بر عملکرد شهرداری تهران (۱)

پیرامون اولویت طرح های جامع و شهرسازی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی

بجای مقدمه

۱- اولویت تصمیم گیری پیرامون طرحهای جامع شهرسازی

۲- جایگاه عناصر فرهنگی - اجتماعی در معماری و شهرسازی

۳- شهرسازی تهران در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

۴- مهم ترین مشکلات شهر تهران در قبل از پیروزی انقلاب

۵- مهم ترین اقداماتی که بعد از انقلاب و علی الخصوص در دوران سازندگی باید انجام می شد.

۶- کارهای فوری و کوتاه مدت که انجام آن ضرورت داشت

۷- در این سالها در مقام شهرداری تهران چه کسی می توانسته است درست مدیریت نماید ؟

ویژگیهای دوره ریاست آقای کرباسچی به عنوان شهردار تهران (سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۷)

ارزیابی و تحلیل مهمترین اقدامات شهرداری تهران (بعد از جنگ تحمیلی)

بلند مرتبه سازی واحدهای مسکونی

در مورد توسعه و ساخت اتوبانها و بزرگراهها و پلها

توسعه فضای سبز و پارکهای عمومی

در مورد رعایت معیارها و ارزشهای علمی، قانونی و فرهنگی

طرح بزرگراه نواب

ساختن قصرهای طاغوتی و ساختمان ها و مبلمان اشرافی برای شهرداری ها

مقاله یازدهم (کاربردی - شهرسازی)

نقد و تحلیلی بر عملکرد شهرداری تهران (۲)

در خصوص تأثیر فرهنگی - اجتماعی فروش تراکم

پیشگفتار

محور های زیان فروش تراکم و مشاع سازی در تهران

مقاله دوازدهم (کاربردی - شهرسازی)

سازمان فضایی شهرهای ابواب البر دوره ایلخانی

خلاصه مقاله

پرسش های پژوهش

مقدمه

پیشینه تحقیق

هدف پژوهش

- ◆ راهبرد و روش تحقیق
- ◆ فرضیه تحقیق
- ◆ شهرهای ابواب البر
- ◆ ۱- شنب غازان ۲ سرآغاز پدیده‌ی ابواب البر در شهرسازی
- ◆ ۲- آرایش فضاها‌ی معماری مجموعه‌ی شنب غازان
- ◆ ۳- سازمان فضایی شنب غازان
- ◆ ۴- ربع رشیدی ابواب البری متعالی در شهرسازی ایلخانی
- ◆ ۵- سازمان فضایی شهر ربع رشیدی
- ◆ ۶- سلطانیه ابواب البری دیگر در شهرسازی ایلخانی
- ◆ ۷- سازمان فضایی شهر سلطانیه
- ◆ ۸- تحولات شهرسازی در دوره ایلخانی با استنباط از متون تاریخی
- ◆ نتیجه گیری و جمع بندی
- ◆ پی نوشت ها
- ◆ منابع و مآخذ

مجموعه مقالات (۴) تأثیر تعالیم اسلام بر معماری و معماران در سرزمین ایران

مقاله سیزدهم (کاربردی - معماری و شهرسازی)

سامانه معماری و شهرسازی پایدار از منظر تمدن فرهنگ معنوی و جهانی اسلام

- ◆ مقدمه و مدخل بحث
- ◆ اصول و مبانی شهر سازی پایدار تمدن اسلامی
- ◆ راه حل نهایی و اساسی

مقاله چهاردهم (کاربردی - معماری و شهرسازی)

تحلیل ساختار فضایی بیت الله الحرام و تأثیر آن بر معماری و شهرسازی دوران اسلامی ایران

- ◆ مقدمه و روش تحقیق در این مقاله
- ◆ ۱- تاریخچه بنای کعبه مکرمه
- ◆ ۲- نیاز های کلی انسان در سیر و سلوک معنوی
- ◆ ۳- تحلیل و بررسی فیزیکی مراسم حج بیت الله الحرام
- ◆ ۴- تجزیه و تحلیل سعی بین صفا و مروه^۱
- ◆ ۵- تجزیه و تحلیل طواف بیت الله الحرام
- ◆ ۶- تجزیه و تحلیل فیزیکی نماز
- ◆ جمع بندی کلی
- ◆ برداشت ها و نتایج (بخش گذشته)
- ◆ ۷- تأثیر معنوی و ماهوی کعبه و رمی جمرات بر انسان حج گزار
- ◆ ۸- تأثیر فضاها‌ی معماری مسجد الحرام و کعبه بر انسانی که آهنگ رسیدن به حضرت دوست دارد
- ◆ از دید بیننده ای که برای اولین بار کعبه را می بیند
- ◆ کیفیت فضای درونی
- ◆ ۹- تأثیر روانی بت های سه گانه بر روی انسان
- ◆ ۱۰- مقایسه تأثیرات کعبه و بت های سه گانه بر انسان

^۱ - مسیری که حضرت هاجر بالتهاب برای یافتن آب جهت رفع تشنگی یگانه فرزندش حضرت اسماعیل (ع) به دنبال (سرآب) می‌دود.

- ❖ ۱۱- چگونه معماری معنوی به معماری شیطانی تبدیل می شود؟!
- ❖ ۱۲- الگو برداری معماری دوران اسلامی ایران از معماری مسجد الحرام از بعد ساختار هندسی در فضاهای شهری
- ❖ ۱۳- نقدی بر رسوخ معماری غربی و طرحی برای معماری و شهرسازی آینده

مقاله پانزدهم (کاربردی - معماری شهرسازی)

تأثیر فرهنگ و تعالیم اسلامی بر معماری خانه‌های مسکونی و محلات شهرهای مسلمین

پیشگفتار

- ❖ ۱- حدود وظائف و مسیر رشد انسان در جهان بینی اسلامی
- ❖ ۲- قرآن و فضا سازی سکونت انسان در کره زمین
- ❖ اوصاف زمین (کره ارض)
- ❖ اوصاف آسمان (سماء)
- ❖ اوصاف شب (لیل)
- ❖ اوصاف روز (نهار)
- ❖ ۳- ویژگی های محل سکونت انسان در قرآن
- ❖ ۴- حکمت عملی اسلام در ساخت خانه ها و ایجاد محله های یک شهر
- ❖ ۵- حکمت عملی اسلام در خانه سازی مسلمین
- ❖ ۶- تأثیر اعتقادات اسلامی مردم در طراحی خانه های دوران تمدن اسلامی
- ❖ ۷- محله های بر اساس اسلوب اسلامی در دوران تمون اسلامی
- ❖ ۸- تأثیر فرهنگ مادیگرایی و اومانیستی غرب در بافت خانه و محله
- ❖ ۹- تأثیر فرهنگ مادیگرایی و اومانیستی غرب در باره زندگی فردی و اجتماعی
- ❖ ۱۰- برخی از تأثیرات فرهنگ غربی بر معماری خانه ها و محلات معاصر ایران
- ❖ ۱۱- جمع بندی نهایی و پیشنهادات اجرایی

مقاله شانزدهم (کاربردی - معماری و شهرسازی)

الگوی برداری و بکارگیری ارزش های اسلامی در معماری و شهرسازی ایران امروز

- ❖ ۱- اغتشاش در ساخت و ساز و مشکلات زیست محیطی شهرهای بزرگ را تهدید می کند
- ❖ ۲- مسکن ، کار ، تفریح و عبودیت چهار رکن شهرسازی اسلامی
- ❖ ۳- مهم ترین ابعاد فرهنگی معماری و شهرسازی اسلامی
- ❖ ۴- وضعیت معماری و شهرسازی در یکصد سال اخیر
- ❖ ۵- راه حل اجرایی برای حل معضلات شهرهای بزرگ
- ❖ ۶- حال چه باید کرد و اقدام فوری چیست؟!!

مقاله هفدهم (کاربردی - معماری و شهرسازی)

دسته بندی معماران امروزی ایران و نقدی بر نظرات آنان

پیشگفتار

- ❖ ۱- معماران و شهرسازان غیرمتخصص
- ❖ ۲- معماران و شهرسازان غیرمتعهد
- ❖ ۳- معماران و شهرسازان غرب زده و طرفدار مد روز
- ❖ ۴- معماران و شهرسازان غرب زده ولی نا آشنا با هنر اسلامی
- ❖ ۵- معماران و شهرسازان غرب زده ولی آشنا با هنر اسلامی
- ❖ ۶- معماران و شهرسازان هنرمند و آشنا با هنر اسلامی

مقاله هجدهم (کاربردی - معماری و شهرسازی)

نظام مهندسی ساختمان ایران و اصول حکمت و ارزش های عملی اسلام

- اساسی ترین ارزش های پایدار اسلامی در حوزه عمل
- ۱-جامعیت و فراگیر بودن دستورالعمل های اسلامی
- ۲-اجتهاد پذیری
- ۳-رعایت اصل بنیانی «عدالت» به مفهوم بجا و شایسته بودن
- ۴-سادگی و پذیرش نسبیت در کار
- ۵-اهمیت دادن به توسعه و آبادانی
- ۶-مسئولیت پذیری نسبت به جامعه و گرایش به کارهای گروهی
- ۷-رعایت حقوق و آزادی فرد
- ۸-حق تقدم جامعه بر فرد
- ۹-اصل مشورت با خبرگان
- ۱۰-دوری از وارد نمودن ضرر و زیان
- ۱۱-اصل قرار دادن فایده در کارها و پرهیز از کارهای بیهوده و لغو
- ۱۲-اصالت خیر در مبادرات
- ۱۳-پرهیز از ربا و نزول (که جنگ با خدا و رسول است)
- ۱۴-انجام معاملات شفاف با اطلاعات کافی
- ۱۵-رعایت خردگرایی و منطقی بودن
- ۱۶-دوری از کارهای پوچ ، بیهوده ، بی معنی و هوس آلوده
- ۱۷-اهمیت دادن به کار و تولید
- ۱۸-تأمین نیازهای جامعه از طریق کسب تخصص های لازم
- ۱۹-هر گونه استثمار و بهره برداری از دسترنج دیگران ممنوع است
- ۲۰-دوری از مصرف بی رویه و بالابردن میزان بهره وری
- ۲۱-جدیت در تأمین نیازهای عمومی و روزمره مردم
- ۲۲-حرام بودن رشوه دادن و رشوه گرفتن و واسطه بودن
- ۲۳-احتکار و عرضه نکردن هر گونه کالای مورد نیاز جامعه ممنوع است
- ۲۴-مکاسب مُحرمه (اصولی که معاملات بر اساس آن مجاز شمرده نمی شوند)
- ممنوعیت فریب مردم در انجام مبادلات و معاملات
- حرام بودن مبادلاتی که موجب گمراهی و اغفال مردم می شود
- ممنوعیت مبادلاتی و معاملاتی که موجب تقویت دشمن شود
- تحریم مبادلات و معاملاتی که در آن زیان جامعه باشد
- مشاغل خاصی که تنها دولت عهده دار تأمین و اداره آن طبق برنامه ریزی می باشد
- ۲۵-وجوب دفاع از حقوق فردی و اجتماعی
- ۲۶-اصل رعایت امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۷-اصل توکل و اعتقاد به مؤثر دانستن خداوند در همه امور
- ۲۸-نفی و الغای واسطه‌هایی که بین انسان و خدای متعال قرار گرفته اند
- ۲۹-هم‌زیستی با اهل توحید و پرهیز از هر گونه اجرای شرک آمیز در جامعه
- ۳۰-رعایت اصل مساوات بین انسانها
- ۳۱-رعایت شرایط متفاوت زنان و مردان
- ۳۲-نفی شباهت ظاهری به کفار

❖ ۳۳- نفی مالکیت مطلق انسان بر زمین (روی این اصل خیلی دقت شود!!)

❖ ۳۴- استحباب مؤکد وقف

❖ ۳۵- اصل انجام کلیه امور بر اساس حکمت



مجموعه مقالات (۱) (تئوری بنیادی)

تبیین اصول تئوری های بنیادی در هنر و معماری اسلامی

مقالات و سلسله بحث هایی پیرامون :

مقاله اول - حُسن شناسی، سرچشمه آثار هنر اسلامی

مقاله دوم- ارتباط و هماهنگی معنی و صورت در هنر و معماری

مقاله سوم- تأملی بر بنیان های معرفت شناختی معماری معاصر



مقاله اول (تئوری بنیادی)

فلندران حقیقت به نیم جو نخرند قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است
لسان الغیب حافظ

حُسن شناسی، سرچشمه آثار هنر اسلامی

(بررسی تطبیقی در مکاتب حُسن شناسی و هنر)

بمناسب همایش هنر نبوی - ۱۳۸۵/۱۰/۱۲ خورشیدی

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه مقاله:

این مقاله پاسخ به دو سؤال اساسی را در حوزه زیبایی شناسی و هنر مورد تحقیق و بررسی قرار داده و پیگیری می کند:

۱- چه نسبتی بین یک مکتب فکری و اعتقادی با مباحث زیبایی شناسی و هنر وجود دارد؟

۲- در یک بررسی تطبیقی بین مکاتب زیبایی شناسی و هنر، مکتب حسن شناسی و فلسفه هنر اسلامی چه جایگاه منطقی وجود دارد؟

برای تبیین و دسترسی به سرچشمه های هنر نبوی، در روند خلق و ایجاد آثار هنری از ایده های خودآگاه و ناخودآگاه هنرمندان تا انتخاب سبک و شیوه عمل و در نهایت خلق اثر، آنچه مبنای ارزیابی و نقد آثار هنری خواهد بود، حسن شناسی و زیبایی شناسی انسان هاست و از آنجا که انسان ها در مکاتب مختلف فلسفی و اعتقادی، تعاریفی مختلف و بعضاً متضاد دارند، بنابراین بررسی مباحث زیبا شناسی و هنر مبتنی بر مکاتب مختلف به صورت تطبیقی و استدلالی قابل طرح خواهد بود و نه توصیفی و نه به شکل مکاتب مادی و لائیک و سکولاریستی.

با توجه به مقدمه فوق و نیز بر اساس فرهنگ اسلامی گزاره های نظری و عملی از هم تفکیک می شوند و مقوله زیبایی شناسی در حوزه نظر، گزاره ای حقیقی، قطعی، کلی و غیر وابسته به شرایط زمان و مکان مطرح شده و مقوله هنر و هنرمندی در حوزه گزاره های اعتباری، نسبی، جزئی و وابسته به شرایط زمان و مکان مطرح می شوند. در مراحل بعدی تعاریف انسان و زیبایی و زشتی و انواع زیبایی و صفات حسن در یک بررسی تطبیقی بین فرهنگ قرآنی با سایر مکاتب ها مطرح می گردد و جامع و کامل بودن نظریات و تعاریف مکتب اسلام مورد استدلال قرار می گیرد. و در هریک از موضوعات فوق با ارائه جداول و نمودارها ضمن تشریح مبنای، مقایسه ها، جمع بندی و نتیجه گیری مشخصی از منظر فرهنگ نبوی ارائه شده است. در خاتمه جامع و کامل بودن ساختار حسن شناسی و زیبایی شناسی نبوی چه در حوزه نظر و چه در حوزه ارزیابی آثار مورد توجه و جمع بندی قرار گرفته است.

جلال الدین مولوی سراینده پر قدر مثنوی در باره دانش های گوناگون اینگونه می گوید: حکمت دنیایی باعث ظن و شک و حکمت دینی باعث رشد معنوی است. اگر می خواهی تا شقاوت و تیره بختی را از خود کم نمایی، سعی کن تا این دانش های خیالی و خود ساخته را از ذهن خود کم کنی. حکمت و دانشی که از طبع حیوانی و تخیلات آدمی سرچشمه گرفته است حکمتی است که از نور فیض خداوند ذوالجلال خالی است.

این حکمت ها در این دنیا برای خود نمایی و خود فریبی بدست می آوریم جز گمان و پندار و شک نتیجه ای نخواهد داشت، در صورتی که حکمت عالیه ی دینی است که صاحبش را به ما فوق هستی هدایت می کند. این شیاطین و اوباش و عالم نماها که بسیار در کار خود زیرک و ماهرانه خود را بر گذشتگان برتری می دهند. اینان کسانی هستند که تمام حيله ها و راه های نفوذ ر مردم را آموخته و از ظلم آنان جگر مردم سوخته است! شگرد ها و راه های زیادی در این زمینه فرا گرفته اند! ارزش های اخلاقی و انسانی را نظیر شکیبایی، ایثار در راه خدا و بزرگواری، بخشندگی و گذشت را به باد فنا داده و بدنبال اکسیر سود طلبی می باشند.

فکر و اندیشه ی صحیح آن است که راهی را برای موفقیت انسان بگشاید و راه درست آن است که ما را پیش شاهی (ولی خدا) برساند. شاه کسی است که لیاقت و شایستگی شاهی و رهبری معنوی را داشته باشد نه اینکه به خاطر داشتن مخازن طلا و جواهر و لشکریان بی شمار و بر اساس قدرتی که دارد شاه شناخته شود. اگر شاهی به لیاقت و خود ساختگی باشد پابرجا و ماندگار است مانند عزت و دوامی که حکومت معنوی روحانی آئین احمدی (ص) دارد.

(مثنوی معنوی، دفتر دوم، ابیات ۳۲۰۱ الی ۳۲۰۹)

گرتوخواهی کی شقاوت کم شود	جهد کن تا از تو حکمت کم شود
حکمتی کز طبع زاید و خیال	حکمتی بی فیض نور ذوالجلال
حکمت دنیا فزاید ظن و شک	حکمت دینی پرد فوق فلک
زو بعان زیرک آخر زمان	بر فرزوده خویش بر پیشینیان
حیله آموزان جگر ها سوخته	فل ها و مکر ها آموخته
صبر و ایثار و سخای نفس وجود	باد داده کان بود اکسیر سود
فکر آن باشد که بگشاید رهی	راه آن باشد که پیش آید شهی
شاه آن باشد که از خود شه بود	نه به مخزن ها و لشگر شه بود
تا بماند شاهوی او سرمدی	همچو عز ملک دین احمدی

واژه های کلیدی در این مقاله چنین است: حُسن شناسی، زیبایی، انسان شناسی، اسلام، فطرت، وجود، ماهیت هنر، هنرمند،

صورت، معنا، تجلی، مخاطبین

۱- حُسن شناسی و آثار هنری

در روند آفرینش آثار هنری سه مرحله تعیین کننده قابل تصوّر و تفکیک است:

مرحله اول، خلق و نوآوری ایده های جدید است. که سرچشمه آن ایده ها، ابتدا از ضمیر ناخودآگاه هنرمند آغاز و سپس در

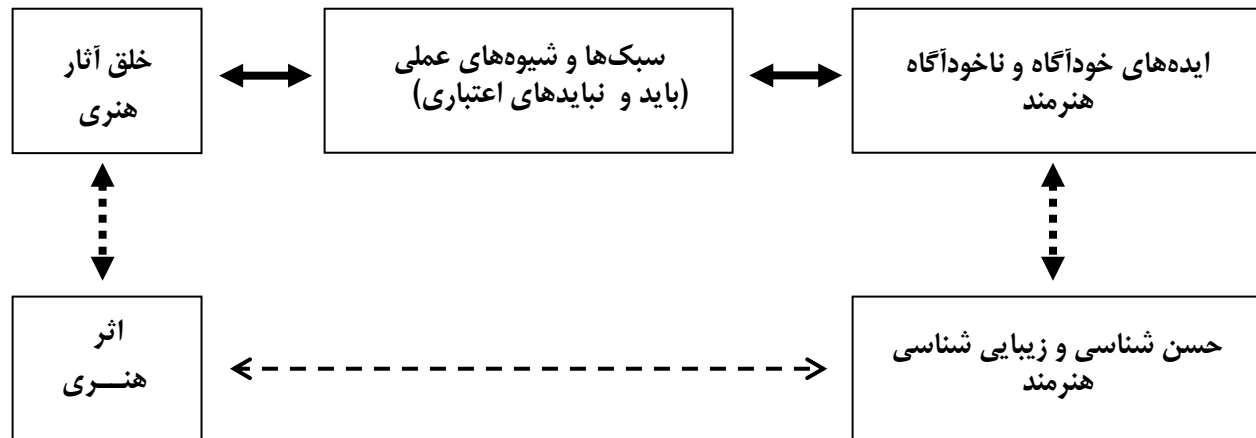
ضمیر خودآگاه او به ظهور می رسد و هنرمند را برای خلق اثر هنری برمی انگیزاند و به او مسئولیت و نقش آفرینی می بخشد.

در **مرحله دوم** مجموع شرایط و تحولات زمان و مکان از جمله نوع مخاطبین و استعداد های عملی و تجربی هنرمندان، بایدها

و نبایدهایی که مطرح می شود شکل می گیرد و هنرمند احکامی را اعتبار می بخشد و در نهایت سبک و شیوه و بستری را برای خلق اثر انتخاب و آشکار می سازد.

در **مرحله سوّم** خلاقیت هنری است که با سعی و تلاش هنرمند، محتوی و مفاهیم هنری که منظور همان ایده ها و استعداد های درونی هنرمند است در قالب ها و صورت ها تجلّی یافته و به شکل نمادین و سمبولیک ظاهر می شوند که در نتیجه مخاطبینی که بدنبال حقایق و خودآگاهی هستند به آن اثر هنری توجه و تمایل پیدا خواهند نمود و در این صورت تأویل از صورت به معنا و از ظاهر به باطن، مخاطب آشنا را به عالم معنا سیر خواهد داد.

نمودار شماره ۱- رابطه حسن شناسی (ایده های هنرمند) با سبک ها و آثار هنری او



با توجه به نمودار شماره ۱، مطالب ذیل را می توان استنتاج نمود:

- منشأ ایجاد و آفرینش ایده های هنرمندان در بدست آوردن سرچشمه های حُسن شناسی و زیبایی شناسی آنها بستگی دارد.
- برای کشف و آشکار نمودن این سرچشمه ها باید به علوم انسانی مراجعه کرد و از آنجا که به تعداد فیلسوفان و حکیمان و ادیان و مکاتب، هستی شناسی و انسان شناسی های مختلف و متضادی مطرح می باشد، ضرورتاً باید بر محور موضوعات مورد نیاز بررسی های مقایسه ای و تطبیقی انجام داد.
- در مباحث نظری باید به صورت منطقی و در چهار چوب علمی نظریات مخالف را مورد نقد و بررسی قرار داده و نظر منطقی و درست را به اثبات رسانید. (الیه برای تحقق این راه باید از جامع و کامل بودن و متکی بودن مکتب اسلام به وحی خدایی و نیز کلام امامان معصوم (ع) ، حسن شناسی و آثار هنری آن را در عمل تجربه نموده و ارائه کرد).

خلاف پیمبر کسی ره گزید که هرگز به منزل نخواهد رسید
کسانی کزین راه برگشته اند برفتند بسیار و سر گشته اند
مپندار سعدی که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی

۲- تقسیم بندی موضوعی علوم و جایگاه هنر در علوم انسانی

در یک تقسیم بندی متعارف و موضوعی که از نگاه مکتب اسلامی هم می توان آنرا قابل تأیید دانست، علوم را به سه دسته کلی تقسیم می نمایند: علوم مادی (مربوط به موجودات بی جان)، علوم زیستی (مربوط به موجودات جاندار غیر از انسان) و علوم انسانی (مربوط به انسان) و علوم انسانی را از آنجا که به تعداد فیلسوفان و حکیمان تعاریف بسیار متفاوتی از انسان و مباحث انسانی شده است، به نام علوم مکتبی (ایدئولوژیک) می نامند، زیرا بر خلاف عناصر مادی که در همه جهان و زمانهای تاریخی یک تعریف مشخصی داشته و صورتهای فیزیکی و واکنشهای شیمیایی آنها همسان است، در مورد انسانها، هم در حوزه نظر تعاریف متفاوت است

و هم در حوزه عمل عکس العملهای انسانها یکسان نیست، حتی یک انسان در شرایط متفاوت عکس العملهای متفاوتی از خود بروز می دهد.

نظریه پرداز فلسفه خودی و مصلح بزرگ **دکتر علامه محمد قبال لاهوری** می فرماید که این علوم که در دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت می آموزند پارا از ظواهر زندگی بیرون نگذاشته اند و توجه ای به عمق زندگی ندارند و چون این علوم از دایره ی محسوسات و ملموسات بیرون نمی روند با حقایق عالم کاری ندارند. و انسان را از پیمودن صراط زندگی مأیوس می سازند و خنجری برگلوی او می گذارند و عامل قتاله ی او می شوند. و آتش این علوم مثل گل لاله سرد و بی روح است و شعله اش مثل ژاله (شبنم) سرد و یخ زده است. و فطرتش از سوز عشق و تحولات آن آزاد است و در جهان پس از جستجوها و کندوکاوها انسان را به سعادت و شادی درون نمی رساند. همه ی شور و شوق در دنیای غرب برای محدود سازی نقش های عقل و خرد آدمی در دایره حس صورت می گیرد و او را بیمار و زمین گیر نموده است. در حالیکه همه ی عالم مسجود عشق الهی هستند و عشق برتر از عقل است و سومنات عقل بالاخره توسط محمود عشق فتح می گردد.

اقبال می گوید: این اکسیر عشق که کارهای عظیمی از آن بر می آید و باعث الفت و خویشی و پیوند بشریت می گردد در ظرف علوم غرب که دنیای امروز را در بر گرفته است وجود ندارد و آن خدا خواهی و یارب گفتن ها در قاموش جایی ندارد و خلاصه با دین و حقیقت عالم بیگانه است.

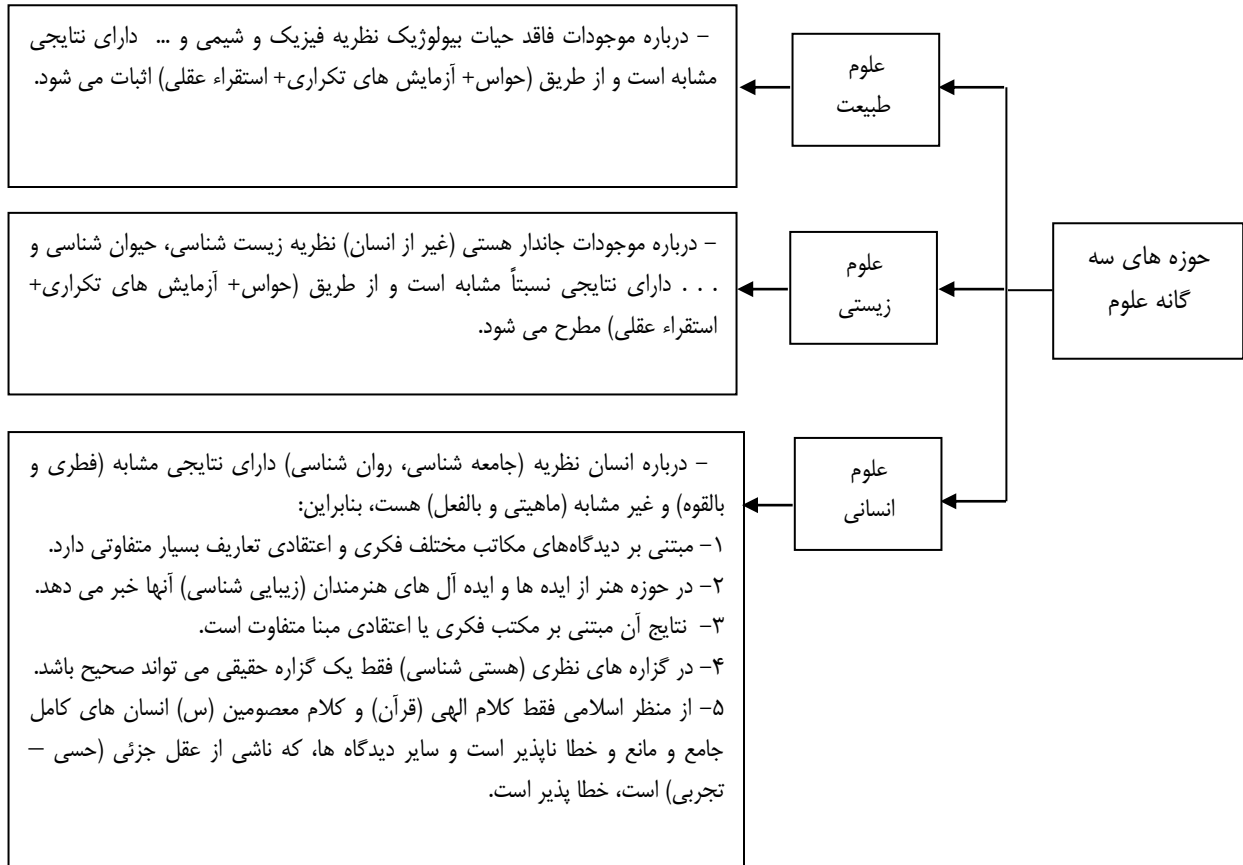
دانش حاضر حجاب اکبر است	بت پرست و بت فروش و بتگراست
پا به زندان مظاهر بسته است	از حدود حس برون ناجسته است
در صراط زندگی از پا افتاد	بر گلوی خویش خنجر نهاد
جمله ی عالم ساجد و مسجود عشق	سومنات عقل را محمود عشق
این می دیرینه در میناش نیست	شور یارب قسمت شبهاش نیست

اقبال با قدرت و اطمینان تمام می گوید: ما اعتبار از توحید و خداپرستی داریم. و با پیامبر اسلام(ص) عهد وفا بسته ایم. و این ما هستیم که در دل حق جای گرفته ایم و خود وارث پیامبران بزرگی چون موسی و هارون می دانیم. و بی شک هنوز مهر و ماه مغرب زمین از روشنایی اسلام و مسلمین در تالُل و درخشش است. چون ذات مسلمانان انعکاسی از ذات حق و هستی مسلم ناشی از آیات حق است.

سینه عصر من از دل خالی است	می تپد مجنون که محمل خالی است
عصر نواز جلوه ها آراسته	از غبار پای ما بر خاسته
کشت حق سیراب گشت از خون ما	حق پرستان جهان ممنون ما
عالم از ما صاحب تکبیر شد	ز گل ما کعبه ها تعمیر شد
حرف اقرأ حق به ما تعلیم داد	رزق خویش از دست ما تقسیم کرد
در نگاه تو زیانکاریم ما	کهنه پنداریم ما، خواریم ما
مهر و مه روشن ز تاب ما هنوز	برق ها دارد سحاب ما هنوز
ذات ما آئینه ی ذات حق است	هستی مسلم ز آیات حق است

بنابراین، تعریف انسان و تعریف زیبایی از منظر انسانها مقوله ای مکتبی است و انتساب آن به یک مکتب فلسفی یا دینی، موضوعی لازم و علمی است، بخصوص در حوزه هنر که از عالی ترین و عمیق ترین عواطف و کنش های انسانی بحث می شود.

نمودار شماره ۲- تقسیم بندی موضوعی و متعارف علوم



در مجموع این بحث ها می توان به این نتایج رسید:

- از آنجایی که ایده ها و ایده آلهای انسان خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تأثیر معرفتها و انگیزه های درونی و بیرونی اوست، بنابراین ادعای بی نظر بودن در علوم انسانی و هنر و معماری، امری محال و غیر عقلانی و است.
- در فرهنگ غربی و جوامع مسیحی بدلیل تحریف متن اناجیل و تورات (تعارض اناجیل با یکدیگر بدلیل روائی بودن و دهان به دهان گشتن آنها و ادغام مطالب فیلسوفان و علماء یهودی با متن وحی الهی که با دخالت متصدیان دین تحریف پذیرفته است) و جزء نگری و کمیت گرایی و در نهایت استیلا شک گرایی و نسبیت گرایی غرب باصلاح مدرن در حوزه نظری، به جای تحول اساسی، به ناحق روش عدم دخالت دین یا کلاً هر نوع مکتب فکری و اعتقادی را در حوزه عمل مانع شدند یعنی سکولاریسم و عدم اعتقاد به خدا را مدعای خود قرار داده اند، که این مقوله هم، امری زیان آور و غیر عقلانی است.
- در ارزیابی و تحلیل مباحث نظری هنر، (حسن شناسی و زیبایی) باید روشی مقایسه ای و تطبیقی و استدلالی داشت، تا مخاطبین بتوانند بین دیدگاههای مختلف به طور آزادانه دیدگاه صحیح و جامع را انتخاب نمایند بنابراین نقد آزاد و توصیفی و سلیقه ای رویکردی غیر منطقی و غیر علمی است و برای مخاطبین نتیجه ای در بر نخواهد داشت.

۳- تقسیم گزاره های نظری و عملی و اصول حاکم بر آنها

یک تقسیم بندی مناسب و اصولی که حکمای بزرگ شرقی و غربی بر آن تأکید دارند، تقسیم گزاره های یک مکتب فکری یا اعتقادی به حکمت نظری و حکمت عملی و تفکیک اصول حاکم بر هر کدام است، که در نمودارهای شماره ۳ و ۴ به تشریح آن می پردازیم.

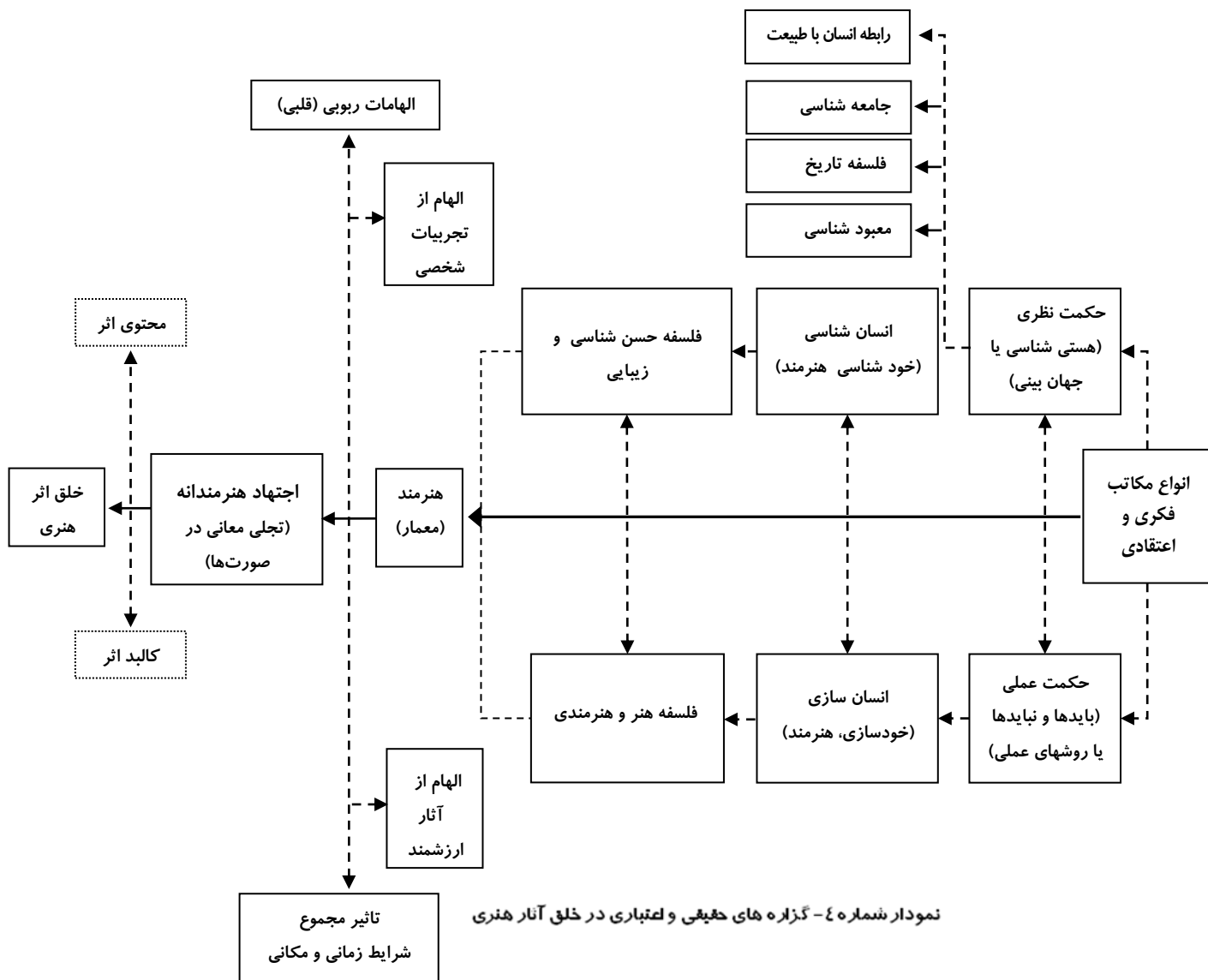
- هنرمند در خلق اثر هنری، بطور معمول (خودآگاه یا ناخودآگاه) تحت تأثیر ادراکات، اعتقادات و الهامات درونی و بیرونی خود می باشد.
- مباحث زیبایی شناسی انسان چون در مقوله هست ها است (نیازها و گرایشات فطری و ذاتی انسانها) بنابراین باید در حوزه گزاره های نظری مورد بررسی قرار گیرد.
- مباحث مربوط به فلسفه هنر مبنی بر اینکه هنر چیست و هنرمند کیست را باید در حوزه گزاره های عملی مورد بررسی قرار داد.

با توجه به نمودار شماره ۳ به بررسی رابطه حسن شناسی (زیبایی شناسی) با سبکها و آثار هنری و اصول مبنی بر هریک و نیز در نمودارهای شماره ۴ و ۵ از منظر فرهنگ اسلامی می پردازیم:

- مباحث مربوط به زیبایی شناسی جزء گزاره های نظری و حقیقی و اصول مبتنی بر آنهاست.
- مباحث مربوط به سبکها و شیوه های هنری و طراحی دارای دو وجه حقیقی و اعتباری است. سبکهای هنری تا در ایده هنرمند و در ساحت علم حضوری او هستند وجهی حقیقی و قطعی دارند و از آنجا که در ساحت عمل و تحت تأثیر مجموع شرایط زمان و مکان و نوع مخاطب مورد توجه و تلاش عملی هنرمند قرار می گیرند وجهی اعتباری و نسبی پیدا می کنند.

• مباحث مربوط به آثار هنری و معماری، جزء گزاره های اعتباری و نسبی و اصول مبتنی بر آنها می باشند.

نمودار شماره ۳ - رابطه عرضی مکاتب فکری و اعتقادی تا خلق آثار هنری

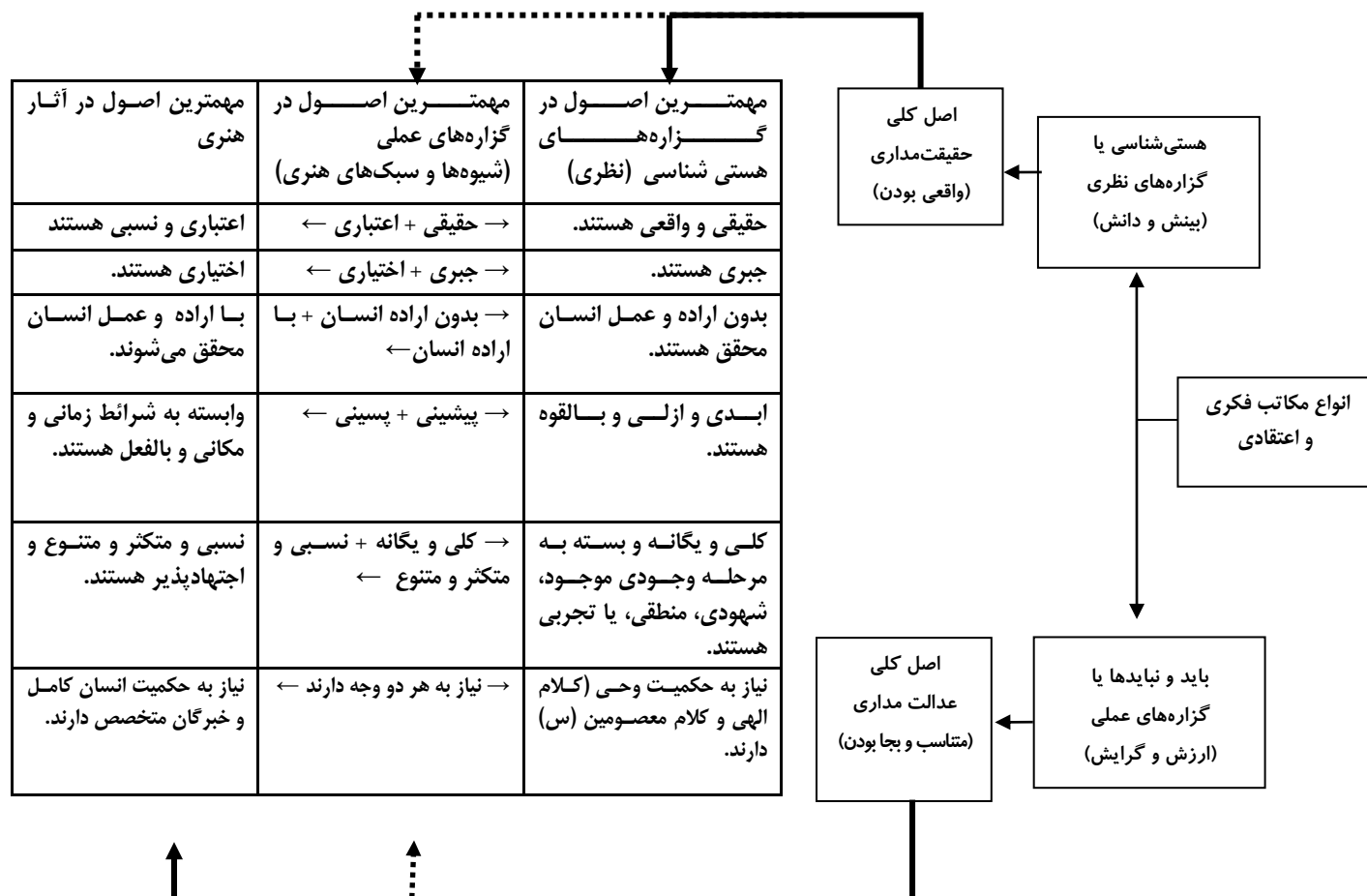


نمودار شماره ۴ - گزاره های حقیقی و اعتباری در خلق آثار هنری

اصول کلی و مهم ترین

اصول حاکم بر گزاره های فوق را در نمودار شماره ۵ بررسی می نماییم.

نمودار شماره ۵- اصول متفاوت و حاکم در گزاره های نظری، عملی و آثار هنری



۴- انسان از بعد شناخت شناسی در مکتب اسلام

تعریف انسان را در یک بررسی تطبیقی و از چند منظر مورد ارزیابی و تحلیل قرار می دهیم:

الف- بررسی تطبیقی انسان شناسی از بُعد شناخت شناسی در جدول شماره ۶ (مکاتب مختلف انسان شناسی از شک گرایان

تا دیدگاه اسلامی) که بر مبنای روش های گوناگون شناخت و زیبایی شناسی مورد بررسی قرار گرفته است.

مکاتب از بعد شناخت شناسی	ابزار و شیوه شناخت	حاصل معرفتی شناخت	حاصل زیبا شناسی	فیلسوفان شاخص	سبک هنری و معماری (همه به صورت نسبی)
۱- شک گرایان	عصر باستان سوفسطائیان (لادریون) عصر جدید	عدم وجود ابزارها و شیوه های قابل اعتماد (تصادف و اتفاق)	عدم امکان شناخت حقیقت وجود یا راه های آن	گرگیاس و پیرهون و ... - دریدا - پات نم - لیرز - فوزیک	Deconstruction Chaos Dada سامان شکنی آشوب دادانیسم فوویسم - سورتالیسم؟
۲- نسبی گرایان	۱-۲- فردگرایان	ابزارها و شیوه های فردی	معیارهای فردی زیبایی و زشتی	- پروتاگورس - لیونار - فوکو - دلوز - بودریار	Postmodernism Historicism Regionalism Contextualism Neovernacularism فرانز گرای تاریخ گرای منطقه گرای زمینه گرای نوبومی گرای

[illegible]

نمودار شماره ۶- بررسی تطبیقی انواع مکاتب شناخت‌شناسی، از بعد زیبایی‌شناسی و سبک‌های هنری و معماری

○ تحلیل کلی دیدگاه مکتب شک گرایي

- حواس پنج گانه انسان جهت ارتباط با عناصر و پدیده های هستی، یکی از ابزارهای مفید و مؤثری می باشند که شناخت آنان در اکثر مواقع نتیجه بخش بوده است و موارد خطا پذیری آن نیز این حقیقت مهم را روشن می سازد که غیر از ذات احدیت (واجب الوجود) سایر مراتب وجودی، اصالت و واقعیتی محدود و اعتباری دارند و به اصطلاح ممکن الوجود هستند.
- واقعیتهای موجود از طریق احساس گرسنگی، تشنگی، درد و نیز سایر نیازها و برخورداریهای حسی را در شرایط طبیعی همواره لمس می نماییم، بطور مثال نظیر فرو رفتن سوزن در دست.
- غیر از حواس از طریق بدیهیات اولیه عقلی و فلسفی، می توان به معرفتهای عمیق تر و کلی تری دست یافت، نظیر (داشتن علت برای هر معلول، بزرگتر بودن کل از جزء و باطل بودن دور تسلسل و ...) .
- علاوه بر ادراکات حسی و عقلی، انسان به حالت‌های درونی و روحی خود، معرفت و شناخت بی واسطه دارد، نظیر احساس غم، شادی، حیات، عظمت، قدرت، دانایی و
- خطایذیریهای حواس پنجگانه انسان را با ابزار عقل و شیوه های عقلانی تا حدودی می توان ترمیم نمود.

- حکمت خطاپذیری حس، برای آن است که انسان به این ابزار ابتدایی، که برای بهره برداری از طبیعت و عناصر مادی است اکتفا ننموده و از ابزار قوی تر ی بنام خرد گرایی و اشراق درونی هم برای رشد و تعالی خود استفاده نماید.

○ تحلیل کلی دیدگاه مکتب نسبی گرایی (طرفداران نسیت)

- هویت فردی و شخصی انسانها که ناشی از وراثت، تربیت، شرایط تاریخی و طبقات اجتماعی و نژادی و ... می باشد، ناشی از مجموع شرایط وابسته به زمان و مکان بوده و هویت کسبی و اعتباری و ثانوی و بالفعل است و درعین حال قابل تغییر و تحول توسط انسان می باشد.
- انسان غیر از هویتی که در عمل و زندگی بدست آورده و کسب نموده است دارای یک ذات و فطرت ثابتی نیز می باشد. همین ذات مشترک، ضامن تفاهم و درک متقابل و ارتباط عمیق وجودی و هنری بین انسانها (طبقات اجتماعی و نژادی و ...) می باشد.
- از آنجایی که انسان موجودی مرکب^۱ از نفس گیاهی، نفس حیوانی، نفس عقلانی و نفس روحانی است در عین اینکه هر نفسی خواص خود را دارد^۲ ولی موجودی آزاد است و خود می تواند هویت بالفعل خویش را برگزیند، لذا در بُعد حیوانی، انسان در جبر غرایز درونی خود، هویتی منفعل، از خود بیگانه، متکثر، متغیر و وابسته به مجموع عوامل خارجی می یابد یعنی در هر لحظه ممکن است هویتی متفاوت داشته باشد، اما اگر در بُعد اراده و گزینش عقلانی و خودآگاهی روحی خود قرار گیرد، فطرت انسانی و نوعی خود را که ناشی از روح الهی است که خداوند در ترکیب او قرار داده است، در عمل خواهد داشت.

○ تحلیل کلی دیدگاه مکتب حس گرایی

- برای نتیجه گیری علمی از تجربیات حسی ما عملاً از استقراء عقلی (از جزئیات بدیهی عقلی پی به کلیات بردن) بهره برداری می نماییم و بدون آن تعمیم تجربیات حسی امکان پذیر نیست.
- حواس پنج گانه برای درک مرتبه نازلی از پدیده های هستی (عالم طبیعت) مفید است و برای درک کلی تر و عمیق تر مراتب وجود، نیاز به بهره برداری از استعدادهای بالاتری دارد، یعنی به استنتاجات عقلی و نهایتاً معرفت های بی واسطه و حضوری دارد.
- علاوه بر پاسخهای بالا باید گفت انسان یک موجود یک بعدی و تک ساحتی نیست، بلکه عنصر مرکبی است که استثنائاً عناصر ترکیب شونده وجود او، استقلال و یکپارچگی خود را حفظ نموده اند. بنابراین تمایلات و انگیزه ها و احساسات درونی او فقط غریزی و غیرارادی نیست که از طریق روان شناسی و روانکاو متکی بر جبر غرایز حیوانی شناخته شود، بلکه او موجودی آزاد و جستجوگری است که می تواند با استمداد از استعدادهای بالقوه عقلانی و روحانی خود همه مراتب هستی را کشف نموده و همه ابعاد وجودی خود را تا مرحله انسان کامل محقق سازد (بر دنیای درون و دنیای برون تسلط یابد)

○ تحلیل کلی دیدگاه مکتب عقل گرایی (فلسفه)

انسان، در آغاز از حوزه دریافتهای حسی و تجربی وارد عالم معقول و دریافتهای ذهنی و عقلانی می شود و وجود او به هر دو حوزه نیازمند است و با هر دو حوزه به تناسب مراتب آنها می تواند ارتباط برقرار نموده و دریافتهایی داشته باشد. در ضمن اینکه حقایقی

^۱ کتاب شناخت اسلام، صفحه ۲۱ (انتشارات ستاد بزرگداشت شهید استاد مطهری)

^۲ همان

در عالم وجود دارند که تنها با بکارگیری از قوای عقلانی بشر قابل تفسیر و توجیه نیستند و نیاز به متدها و روش های دیگر شناخت مانند حواس یا علم حضوری (آگاهی انسان نسبت به درون خود) پیدا می کنند.

○ تحلیل کلی دیدگاه طرفداران ارسطو (مشائیون)

- دریافتهای حسی و عقلی، در ارتباط با واسطه با عالم خارج و علوم حصولی هستند، انسان از آنجا که دارای نفس روحانی است، می تواند با شیوه تزکیه روح، هم ابعاد برتر وجودی خود را بالفعل نماید و هم به عوالم برتر وجود، معرفت بی واسطه و حضوری داشته باشد.
- عقل بالفعل (جزئی و حسی-تجربی)، در نهایت یقین و معرفت با واسطه و حصولی ایجاد می کند، نه یقین و معرفت بی واسطه و حضوری و اختلاف نظر فیلسوفان و اندیشمندان از این منظر توجیه پذیر است و از آنجا که دریافتهای حضوری و عرفانی مستلزم طی مراحل و کسب شایستگی های درونی است، به همین دلیل ارسال پیامبران و انزال وحی برای هدایت انسانها (یعنی عقل کل و انسان کامل)، ضرورتی اجتناب ناپذیر تلقی می شود.^۱

○ تحلیل کلی دیدگاه عرفانی

- با توجه به مرکب بودن عناصر وجودی انسان و از آنجایی که بستر رشد و کمال معرفتی انسانها در طول زمان و به تدریج صورت می گیرد و عناصر نازل تر وجود او مزرعه و زمینه معرفت به مراتب برتر می شوند، لذا معرفتهای حضوری در انسان تدریجی است و به کمک سایر ابزار و شیوه های ادراکی بسترسازی می شوند.
 - از آنجایی که نظام خلقت به کانون لطف خدای مهربان شناورند و از او خلق شده و بسوی او باز می گردد، بنابراین میزان معرفت عرفاء به حقیقت هستی محدود و تا یک درجه و مرتبه خاصی است و از آنجا که در انتقال معرفتهای حضوری خود به انسان های نیازمند، از عبارات حسی و معقول استفاده می نمایند، لذا در نوشته های عرفانی آنها اختلافاتی در بین انسان ها ملاحظه می شود، به همین دلیل وجود انسان کامل که به عالی ترین درجات معرفت و یقین حضوری در سلسله مراتب وجود رسیده باشد (و در لسان قرآن راسخین در علم باشند)، در جهت تفسیر و تبیین وحی و هدایت انسانها بدون خطا و نقص، امری واجب و اجتناب ناپذیر تلقی می شود.
- از تحلیل های بعمل آمده در این گفتار می توان به این نتیجه دست یافت:
- حکیمان و محققین علوم اسلامی تمام اشکالات مطرح شده توسط مکاتب و مشرب های مختلف فکری را در کتابهای خود آورده و با استدلال و با اسفاده از منبع غنی قرآن و سنت نبوی و آراء و نظرات درست و منطقی پاسخ می دهند.
- در تکمیل این سخن دکتر اقبال می گوید: مسلمان از یک آئینی زنده است و پیکر ملت اسلام از پیروی قرآن به حیات واقعی خود ادامه می دهد. ما در برابر قرآن مانند خاک هستیم که حیات و روح این قالب خاکی قرآن است که مانند یک دل آگاه در این پیکره ی خاکی قرار دارد. اگر به رشته ی محکم قرآن دست آویزیم به حبل الله و عنایت الهی رسیده ایم. و اگر مانند گوهر در رشته ی آن وارد نشویم و در کنار هم قرار نگیریم بزودی پراکنده خواهیم شد و هویت مسلمانی خود را گم خواهیم نمود.

از یک آئینی مسلمان زنده است	پیکر ملت ز قرآن زنده است
ما همه خاک و دل آگاه اوست	اعتصامش کن که حبل الله اوست
چون گهر در رشته ی او سفته شو	و نه مانند غبار آشفته شو

۴- آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه، هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم (۶۲/۲) می فرمایند، خود پیامبر هم نسبت به وحی الهی ابتدائاً آملی است. و خداوند به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «و علمک مالم تکن تعلم (۲/۲۶۸)»، خداوند به تو چیزی آموخت که نمی توانستی یاد بگیری و خداوند به همه انسانها می فرماید: «یعلمکم مالم تکن التعلمون» (۲/۱۵۱)، انبیاء چیزی را به شما یاد می دهند (کلام وحی) که نمی توانید بدانید (نه فقط نمی دانید)

■ در مجموع، پیرو مباحث فوق ملاحظه می شود، تعریف اسلامی انسان از بعد شناخت شناسی (ابزار و شیوه های ادراکی) جامع و بی نیاز به مکتب های دیگر بوده و ابزار و شیوه های معرفتی انسان، مبتنی بر مراتب وجود و سیر تکاملی انسان نه تنها محدود و متعارض نیستند بلکه، در طول یکدیگر مطرح بوده و ساختاری جامع برای صیورت و رشد و بالندگی او در زندگی فردی و اجتماعی فراهم می سازند. این نوع انسان شناسی ضامن وحدت، صلح و برادری انسانهاست، درحالیکه شکاکیت و نسبی گرایی در معرفت شناسی مقدمه از خود بیگانگی و پوچی (نهیلیسم) و هرج و مرج طلبی (آنارشسیسم) و توجیه گر جنگ و بی عدالتی در همه حوزه های علوم انسانی از جمله فلسفه هنر و معماری است.

۵- تشریح نفس های چهارگانه انسان، منقول از حضرت علی(ع)^۱

بسیار شایسته و بجا است تا برای ورود به حکمت شهر نبوی از درب بی بدیل آن یعنی حکمت علوی عبور نماییم. در روایت منقول از آن حضرت و در پاسخ جناب کمیل که درخواست نموده است ایشان نفس او را برایش تشریح کنند می فرمایند: کدام نفس؟، جناب کمیل با تعجب می پرسد: مگر من چند نفس دارم و ایشان برای او (غیر از جسم) چهار نفس قائل می شوند و هر نفسی را دارای پنج قوه و دو فرآیند معرفی می کند که خلاصه آن در نمودار شماره ۷ آمده است.

نمودار شماره ۷- چهار ساحت انفسی انسان و قوا و خواص آن از دیدگاه حضرت علی (ع)

نفس های چهارگانه انسان	قوای پنج گانه نفوس انسان					خواص دوگانه نفوس انسان
رشد کننده گیاهی	جذب کننده	هضم کننده	دفع کننده	پرورش دهنده	نگهدارنده و کنترل کننده	کم و زیاد شدن، رشد (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی) (انسان منفعل)
حس کننده حیوانی	شنیدن	دیدن	بوییدن	چشیدن	لمس کردن	خشنودی و ناراحتی غریزی، (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی) (انسان منفعل)
تدبیرگر قدسی (عقل)	فکر (تدبیر)	ذکر (یادآوری)	علم (دانایی)	حلم (بردباری)	تنبه (بیداری و پند پذیری)	حکمت و نزاهت (داوری و درک خوبی ها و بدی ها و زیبایی ها و زشتی ها و گرایش به خوبی و زیبایی) (انسان فعال)
ملکه الهی (روح)	بقاء در فنا	تعم در سختی	عزت در ذلت	غنا در فقر	صبر در بلاء	رضایت و تسلیم (کرامت) (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی) (انسان فعال)

معلم شهید مرتضی مطهری در کتاب شناخت اسلام^۲، ضمن تأکید بر چند بعدی و مرکب بودن انسان، به این نکته اشاره می نمایند که مرکب بودن انسان تفاوتی با سایر عناصر مرکب در طبیعت دارد. آنها در هنگام ترکیب خواص خود را از دست داده و خواص مشترک جدیدی را می پذیرند، (نظیر ترکیب ئیدروژن و اکسیژن و ایجاد آب) اما انسان موجود مرکبی است که عناصر ترکیب شونده در آن خواص خود را از دست نمی دهند. با توجه به حدیث فوق و مطالب شهید مطهری نتایج ذیل را می توان مطرح نمود:

- انسان یک موجود مرکب است که غیر از جسم، چهار نفس (ارگانیسم زنده) دارد.
- چون نفس های چهارگانه انسان خواص خود را بطور مستقل حفظ می نمایند، بنابراین آزادی انسان با در نظر گرفتن این چهار نفس فعال قابل تفسیر و تعبیر است.

^۱ این حدیث در منابع گوناگونی نقل شده است از جمله، مواظ العدلیه، علی مشکینی، صفحه ۲۲۲ و همچنین کتاب هزار و یک کلمه، آیت اله حسن زاده آملی صفحه ۳۲۵.

^۲ کتاب شناخت اسلام- صفحه ۲۱- (انتشارات ستاد بزرگداشت شهید مطهری)

- تعریف بسیار متضاد مثبت و منفی از انسان (از اعلیٰ علین تا اسفل السافلین) در قرآن و احادیث با توجه به مراتب نفس های انسان و مقایسه خواص و آثار هر کدام قابل توجه بوده و مسیر صیورورت جوهری و تکاملی انسان و اختیار او را در هر لحظه و در طول حیات تفسیر می نماید.
- در یک بررسی تطبیقی از تعریف انسان در مکاتب مختلف، ملاحظه می شود که تعریف فوق که دیدگاه اسلامی است کاملاً جامع می باشد.
- منبع الهام هنرمندان هم می تواند از نفس حیوانی آنان منشأ داشته باشد و موجب خلق آثار فاقد وجهه هنری و ارزشمند شود و بر عکس خشونت بار گردد و هم می تواند نفس عقلانی و روحانی باشد و موجب خلق آثاری حکیمانه، تعالی بخش و موجب رضایت و تسلیم کرامت و جودی هنرمند و مخاطبین قرار گیرد.

۶- حُسن شناسی در فلسفه هنر اسلامی

در نمودار شماره ۸ تعریف حسن و زیبایی در مکاتب مختلف مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. حضرت امام خمینی «ره» در کتاب شرح دعای سحر^۱ در تفسیر عبارت « اللهم انی اسئلك به بهائک و کل بهائک بهی، اللهم انی اسئلك من بهائک کله» می فرمایند: زیبایی یعنی وجود به نسبت قوت آن؛ نتایج ذیل را با توجه به مطالب فوق می توان استنباط و استنتاج نمود:

نمودار شماره ۸- ارزیابی تعریف حسن و زیبایی در انواع مکاتب

تعریف زیبایی انواع مکاتب	تعریف حسن و زیبایی	نقد و ارزیابی
۱- شکاکان	زیبایی قابل تعریف نیست	با نداشتن تعریف زیبایی، عملاً هر نوع معیار و مبنایی برای ارزیابی آثار هنری نفی می شود؛ که پیامد آن نوعی پوچ انگاری و هرج و مرج طلبی در حوزه هنر است.
۲- نسبی گرایان (فردی یا اجتماعی و یا تاریخی)	زیبایی قابل تعریف فطری نیست و بر حسب افراد یا طبقات اجتماعی و یا دوران های تاریخی متفاوت و متغیر تعریف می شود.	تعاریف آنان حقیقی و فطری و بر پایه مراتب وجود نیست و گرایش هایماهیتی و اعتباری و کسبی و متغیر و تربیت پذیر انسان مطلق شده و اصیل شمرده می شود.
۳- حس گرایان بیرونی	زیبایی در صورت های مادی و کالبدی تعریف می شود.	حقیقت لایتنهای زیبایی در صورت های کالبدی آن محدود و ناقص تعریف می شود.
۴- حس گرایان درونی	زیبایی با لذت های غریزی و انفعالی مربوط به نفس انسان تعریف می شود.	حقیقت لایتنهای زیبایی در لذت ناشی از گرایش های غریزی و حیوانی انسان محدود و ناقص تعریف می شود.
۵- عقل گرایان دکارتی	زیبایی را با مفاهیم ذهنی و با صفات محدود تعریف می نمایند.	زیبایی شناسی آنها محدود به یک یا چند صفت حسن شده و ناقص است.
۶- حکمای اسلامی (حکمت متعالیه)	بر پایه تعریف زیبایی: «وجود به نسبت قوه آن» جامع و مانع ترین تعریف ارائه شده است.	بر پایه این تعریف صورت و محتوای زیبایی، هم در ظاهر (عالم ماده و طبیعت) بصورت جامع و مانع تعریف شده و هم در عوالم برتر بر پایه مجموع صفات حسن که در قرآن مجید آمده (یکصد صفت) تبیین شده است.

- از آنجائیکه خدای متعال صمد و و جودی مطلق و بی نیاز از غیر است بنابر این در کمال حسن و زیبایی می باشد و هر زیبایی دیگر که دیده شود از اوست نه از غیر او .
- عالم وجود دارای مراتبی است^۲ که در حال تکامل و حرکت بسوی مالک واقعی خود خدای متعال است و زیبایی در آن هم دارای مراتب و درجاتی می باشد.

^۱ ترجمه: خدایا تو را به جلوه زیباییهایت می خوانم و همه زیباییهایت، زیباست، خدایا از همه زیباییهایت می خواهم.

^۲ -مراتب وجود نظیر جمادات، گیاهان، حیوانات، عالم عقول و عوالم ملکوتی و برتر.

- با این تعریف، مفهوم زیبایی درعالی ترین و ارزشمندترین امکان تعریف خود یعنی با مجموع عناصر و اجزاء در عالم طبیعت و در سایر مراتب وجود تبیین شده و خود را نشان می دهد (یعنی تجلی زیبایی مطلق در همه مراتب وجود)
- در این تعریف مفهوم زیبایی دارای ابعاد گسترده و معنوی و عمیقی خواهد یافت که هرگز محدود و مقید در ابعاد مادی نمی شود.

۷- مفهوم زشتی در فلسفه هنر اسلامی

با توجه به تعریف زیبایی که با نور وجود به نسبت قوه و استعداد درونی آن تعریف می شود، بنابراین زشتی را می توان مقوله ای عدمی و ناشی از عدم نور وجود دانست نظیر تاریکی در مقابل روشنائی، یعنی تاریکی چیزی نیست مگر نبود روشنائی.

کسی به دیده ی انکار اگر نگاه کند نشان صورت یوسف دهد به ناخوبی
و گر به چشم ارادت نگه کنی در دیو فرشته ایت نماید به چشم ، کروی
(سعدی)

جلال الدین مولوی در بیان قدرت الهی در خلق زشت و زیبا اینگونه می فرماید: آفریدن دو گونه نقش های زشت و زیبا دلیل بر توانایی و از نشانه های حکمت و عظمت خداوند است. اگر تو بگویی که بدی ها و زشتی ها هم از اوست بدان و آگاه باش که آفرینش بدی ها نشانه و علت نقص فضل او نخواهد بود. این بدی دادن و آفریدن دلیل بر کمال اوست و من برای روشن شدن این مطلب مثالی برای تو، ای آدم فهمیده و محتشم می زنم. و آن اینکه نقاشی هست که دو نوع نقاشی ترسیم نموده است یکی نقش های باصفا و زیبا و دیگری نقش های بی صفا و زشت. نقش هایی به زیبایی یوسف و خوش سیرتی حور العین آفریده است و نیز نقش هایی از عفريت (موجودات زشت و پلید) و ابلیس بدکردار خلق نموده است. هر دو گونه نقش های زشت و زیبا نشانه استادی بلکه از عظمت وی حکایت می کند. بعضی از زشتی ها را در نهایت و بالاترین زشتی خلق نموده است که انگار همه زشتی ها را در آن قرار داده است (و مافوق آن متصور نیست). تا خداوند بتواند کمال علم و دانش خود را آشکار سازد و کسانی که توانایی و استادی او را انکار می نمایند رسوا و بی حیثیت شوند. اگر خداوند نمی توانست زشتی ها را بیافریند این خود از نقص و عیب خداوند کشف می کرد و بهمین جهت است که خداوند هر دو صنف گبر و مخلص را آفریده است.

پس به این علت است که کفر و ایمان (کافران و مؤمنین) هر دو گواه و شاهد بر توانای اویند و هر دو در برابر عظمت الهی ساجد و مطیع هستند. لیکن انسان با ایمان از روی میل و اختیار تسلیم و مطیع خداوند است و این بخاطر آن است که در پی رضا و خشنودی خداست و چون پیکری بسوی او روان است. ولی فرد بی ایمان از روی اکراه (بدون اینکه خودش بخواهد) خداپرست است. و در این کار قصد و اراده منحرفی را دنبال می نماید. دژ محکم حکومتی را می سازد و بر پا می کند ولی بعداً ادعای ریاست و فرماندهی بر آن را طلب می نماید. (کارش برای رضای خدا صورت نمی گیرد!). ابتدا او گر چه برای گرفتن ملک و سر زمین می شورد و طغیان می کند ولی عاقبت خود عاملی برای برپایی قلعه سلطانی و مقر حکومتی می گردد. مؤمن آن قلعه و دژ را برای رضای خدا آباد می سازد نه اینکه این کار را انجام دهد و در چاه خودخواهی های خود بیفتد.

زشتی می گوید (با توجه به خلقت خود): که ای خداوندی که زشت را آفریده ای تو هم بر آفرینش خوب و زیبا قادری و هم توانایی بر ایجاد یک موجود زشت و سست و ضعیف. ولی از جهتی خلقت خوب و زیبا می گوید: ای خدایی که نیکویی و ارزش را آفریدی به درگاهت سپاسگزارم که مرا از عیب ها و نقص ها دور گردانیدی.

(مثنوی معنوی، دفتر دوم، ۲۵۳۵ الی ۲۵۵۰)

ور تو گویی هم بدی ها از وی است	لیک آن نقصان فضل او کی است
این بدی دادن کمال اوست هم	من مثالی گویمت، ای محتشم
کرد نقاشی دو گونه نقش ها	نقش های صاف و نقشی بی صفا
نقش یوسف کرد و حورخوش سرشت	نقش عفريتان و ابلیسان زشت

هر دو گونه نقش استادی اوست
 زشت را در غایت زشتی کند
 تا کمال دانشش پیدا شود
 ورنه زشت کردن ناقص است
 پس از این رو کفر و ایمان شاهد اند
 لیک مؤمن دان که طوعاً ساجدست
 هست کرهاً گبر هم یزدان پرست
 قلعه سلطان عبادت می کند
 گشته یاغی تا که ملک او بود
 مؤمن آن قلعه برای پادشاه
 زشت گوید ای شه زشت آفرین
 خوب گوید ای شه حسن و بها
 زشتی او نیست آن رادی اوست
 جمله زشتی ها به گردش بر تند
 منکر استادیش رسوا شود
 زین سبب خلاق گبر ومخلص است
 بر خداوندیش هر دو ساجداند
 ز آنک جویای رضا و قاصدست
 لیک قصد او مراد دیگر است
 لیک دعوی امارت می کند
 عاقبت خود قلعه سلطانی شود
 می کند معمور نه از بهر چاه
 قادری بر خوب و بر زشت مهین
 پاک گردانیدیم از عیب ها

با توجه به این تعریف ، این نتایج را می توان استنباط نمود :

- در رابطه با مراتب وجود ، مفهوم زشتی مقایسه بین دو مرتبه وجودی است، یعنی از مقایسه زیبایی کمتر با زیبایی بیشتر، مفهوم زشتی ادراک می شود (زیبایی کمتر).
- در رابطه با انسان ، از آنجایی که انسان ذاتاً دارای نفس های متفاوت درونی تعریف شده و قوای ادراکی متنوع و دارای اراده آزاد در بکارگیری قوای خود است در خلق آثار هنری ، تسلیم اراده حیوانی (نفس امّاره) خود می شود و بهمین لحاظ زشتی ها به شکل های ناشایست و مذموم در آثار هنری انسان به ظهور می رسد.
- در فرایند خلق آثار هنری چنانچه زیبایی در مرحله ظهور به شکل ناقصی ارائه شود و همه ابعاد آن دیده نشود ، زشتی که همان نقص و عیب است خود را آشکار خواهد نمود.
- در رابطه با ارائه و تولید کار هنری به مخاطبین و علاقمندان ، چنانچه هنر در ابعاد گوناگون پاسخگوی نیازهای واقعی زندگی مردم نباشد و با فطرت آنان هماهنگی نداشته باشد در این صورت زشتی هنقص و عدم هنر و زیبایی است خود را بروز می دهد..
- در نگاه کلی به عالم خلقت مفهوم زشتی در مقایسه دو پدیده که با یکدیگر سنجیده شوند قابل اظهار نظر خواهد بود ، در صورتیکه تفاوت پدیده ها و عناصر در نظام خلقت نشان از حُسن و زیبایی است زیرا تنوع در خلقت موجودات بهتر از یکنواختی است و همچنین تنوع در آفرینش و بدیع بودن آن خود برترین حُسن و زیبایی است.
- زشتی در حوزه آزادی و اراده و صیوررت انسان و آثار او پدیدار می شود و از این نظر زشتی و زیبایی با مقوله اعمال و اخلاق انسانی و رعایت یا عدم رعایت ارزشها و احکام شرعی ظاهر و ملازم می شود.

۸- زیبایی در هنر اسلامی و مکاتب دیگر

همانطور که در مباحث قبل نیز به نوعی مطرح شد، تجلیات زیبایی در هستی یک لایه و یک بُعدی نیست، بلکه برحسب مراتب وجود و ابزار و شیوه های متنوع ادراکی انسان انواع مختلفی از حقیقت زیبایی به ظهور می رسد. در جدول شماره ۹ مکاتب زیبایی شناسی برحسب انواع مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است.

دیدگاه ها	دیدگاه های زیبایی شناسی (انواع زیبایی)	نقد و ارزیابی دیدگاه ها
-----------	---	-------------------------

انواع مکاتب		
۱- شکاکان و سکولارها	مفهوم زیبایی قابل تعریف و تبیین نیست	منکر ادراک زیبایی و لذت‌های ناشی از آن می شوند. (ارتباط زیبایی شناسانه انسانها و تعامل هنرمندان، آثار هنری و مخاطبان را منکر می شوند).
۲- نسبی گرایان (فردی، طبقات اجتماعی و نژادی یا دوره های تاریخی و ...)	ادراک زیبایی قابل تعریف فطری و نوعی، انسانها نیست. ادراک زیبایی، نسبی، متفاوت و متغیر است.	با عدم اعتقاد به فطرت نوعی انسانها، وجه اعتباری و عارضی و متغیر و تربیت پذیر انسانها را مطلق می کنند. منکر تعامل هنری انسانها در طول تاریخ و بین طبقات اجتماعی می شوند.
۳- حس گرایان بیرونی	فقط زیبایی های مادی را که از طریق حواس ادراک می شود می پذیرند.	انواع زیبایی و ابزار ادراکی انسان را در عالم ماده و حواس پنجگانه محدود می کند.
۴- حس گرایان درونی	فقط زیبایی های غریزی را که از طریق انفعالات نفس انسانی است می پذیرند.	انواع زیبایی و ابزار ادراکی انسان را در نفس بهیمی انسان و انفعالات غریزی محدود می نمایند.
۵- عقل گرایان دکارتی	فقط زیبایی های ذهنی و مفهومی را مورد توجه و تأکید قرار می دهند.	انواع متنوع زیبایی را فقط در زیبایی های فهمی و ذهنی محدود و ناقص مطرح نموده اند.
۶- حکمای اسلامی (حکمت متعالیه)	احساس زیبایی و لذت را ناشی از ادراک وجود دانسته و از آنجا که وجود و ابزار ادراکی انسان را متنوع می دانند برای زیبایی انواع قابل هستند.	با طرح مراتب وجود و انواع ابزار ادراکی انسان، متناسب با آن مرتبه وجودی و در نتیجه طرح انواع زیبایی ها، توانسته اند سیر انسان را از زیباییهای ظاهری به سوی زیبایی های برتر و زیبایی مطلق تبیین و توصیه نمایند.

جدول شماره ۹- بررسی تطبیقی زیبایی در مکاتب گوناگون

- مکاتبی که زیبایی را کمی (objective) و کالبدی و توصیفی تعریف می نمایند، زیبایی شناسی سطحی و ظاهری و صورت پرستانه دارند.
- مکاتبی که زیبایی را کیفی (subjective) ولی با صفات محدود تعریف می نمایند، زیبایی شناسی محدود و ناقص دارند.
- در تعریف اسلامی زیبایی به شکل گسترده و کاملی ارائه می شود، چون از طرفی مراتب وجود و هستی را کامل تعریف می کند و از طرفی دیگر برای انسان ابزارهای شناختی قائل است که او می تواند تا کوی دوست و مقامات عرفانی و زیبایی معنوی را طی نماید.

۹- صفات حُسن در هنر اسلامی

معمولاً مکاتبی که زیبایی و هنر را با صفات تعریف می نمایند، تعاریف محدود و ناقصی ارائه می نمایند، نظیر عملکردگراها که صرفاً مفید بودن را توصیه می کنند و یا در یونان باستان، ویتروویوس، سه صفت **مفید بودن** (کارایی) و **قدرت** (استحکام) و **زیبایی** را مطرح می نماید. در فرهنگ قرآنی صفات حُسن در قالب صفات الهی (زیبایی مطلق) به عنوان اسماء الحسنی در صد صفت (عود کامل) ارائه شده است در حالی که اگر مجموع صفات حُسنی را که در تمام مکاتب زیبایی شناسی و ادیان مطرح شده است جمع آوری نماییم، اینگونه کامل و بدون نقص نیست، یعنی می توان گفت هیچ صفت حُسنی را در هیچ مکتب زیبایی شناسی دینی و غیردینی نمی توان یافت که در این صد صفت مطرح نشده باشد و این صد صفت، نهایت ظرفیت ذهنی انسان را برای درک مفاهیم متمایز از یکدیگر اشباع می نماید.

- زیبایی را نباید به صورت توصیفی و در شکلهای ظاهری محدود نمود، بلکه با تبیین زیبایی از طریق مفاهیم و صفات حسن، زیبایی بسیار عمیق تر توصیف و تعریف می شود.

- از معجزات پیامبر اعظم(ص) تعریف زیبایی مطلق، با تبیین تعداد صفات حسن (تعداد یکصد صفت) است که در هیچ یک از کتب ادیان و فیلسوفان مشابه، نظیر ندارد و تنها در قرآن کریم ارائه شده است.

۱۰- مقایسه ای بین تجلی و عدم تجلی صفات حسن در یک اثر هنری

این مطلب در جدول شماره ۱۰ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۰- مقایسه تجلی و عدم تجلی صفات حسن در اثر هنری

تجلی صفات حسن در اثر هنری	عدم تجلی صفات حسن در اثر هنری	
دارای صفات الهی	فاقد صفات الهی	صفت
مفید، لازم و ضروری	غیر مفید، بی فایده و بی مصرف	مفید
تازه، نو مبتکرانه	تکراری، تقلیدی و کهنه	بدیع
پر جاذبه و پر انگیزاننده	بی تفاوت و بی جاذبه و خنثی	باعث
با شکوه و عظمت	حقیر و بی مقدار	عظیم
با جاذبه های معنوی و روحی عمیق	سست و فرومایه، سطحی و مبتذل	عالی
ویا و پر حرکت	سست و ضعیف و تنبل	قیوم
گویا و روشن و بارز	گنگ و مبهم و سر در گم	مبین
کمال و جامع و بی نقص	ناقص و نیمه کاره	کمال
بدون ایراد و نقصان	پر عیب، دارای نقاط ضعف و ایراد	قدوس
زنده و با روح	مرده، لش و بی روح	حی
متناسب، بجا و شایسته	نا متناسب، نابجا و غیر شایسته	عدل
درست، سزاوار و منطبق با فطرت	نادرست و بر خلاف قوائد حاکم بر هستی	حق
آرامش بخش و ایمن کننده	اضطراب آور، نا مأنوس و نا امید کننده	سلام

۱۱- تحلیل رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطبین در هنر اسلامی

در ارزیابی و تحلیل رابطه هنرمندان با آثار هنری آنها و مخاطبین چند نکته به این شرح قابل تأمل است:

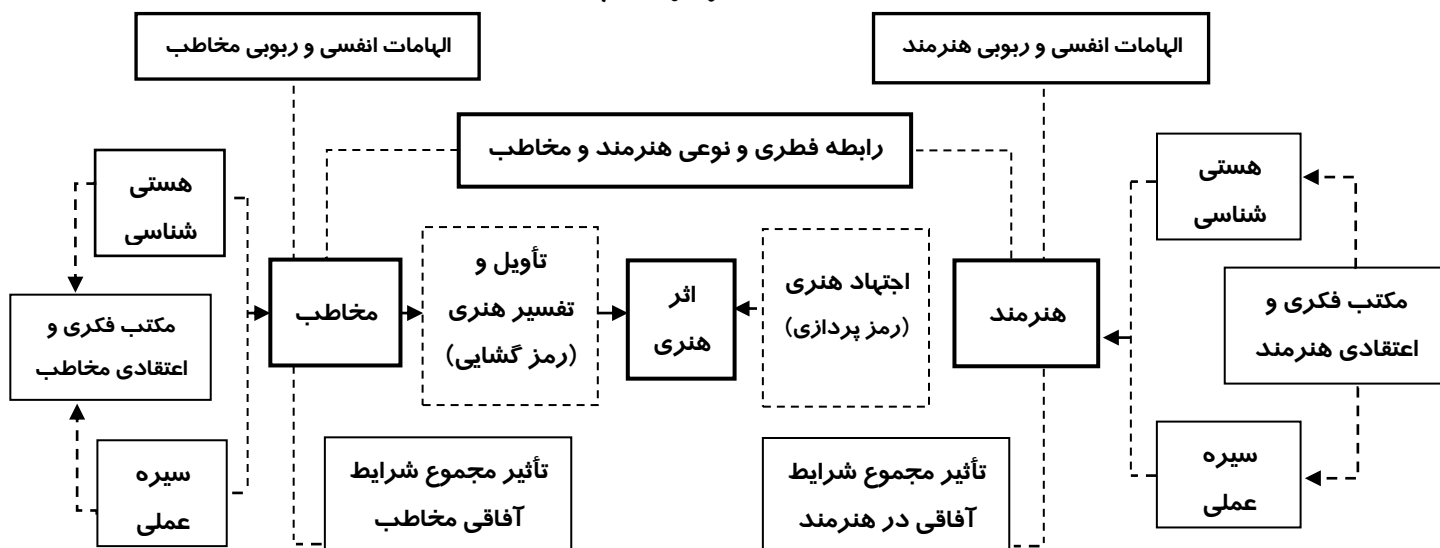
- هنرمندان نظیر همه انسانها یک ذات و فطرت حقیقی و بالقوه و نوعی دارند که با همه انسانها در طول تاریخ و عرض جغرافیایی مشترک است و یک ماهیت اعتباری بالفعل و فردی و وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی دارند که اعراضی، کسبی و تحوّل پذیر، متغیّر و تربیت پذیر است و طبیعتاً با مخاطبین آثار آنها متفاوت می باشد.
- هنرمندان می توانند ادراکات زیبایی شناسانه خود را در آثار هنری خود به صورت آیه ای و تمثیلی متجلی سازند،^۱ نظیر رابطه انسان با تصویرش.
- مخاطبین نیز مانند هنرمندان دارای دو بُعد فطری و نوعی و غیر وابسته به شرایط زمانی و مکانی و یک بُعد اعتباری و ماهیتی و و وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی خود دارند.

^۱ از منظر اسلامی مفاهیم معقول قابل تجسد در عالم صورت و ماده نیست، زیرا مترادف بُت پرستی خواهد بود و در عین حال اثر هنری خنثی و ساکن نیز نیست بلکه هر کالبد و صورتی (اثر هنری) تجلی معانی و مفاهیم خاصی می باشد.

- مخاطبین نیز بر مبنای بُعد فطری و نوعی خود که نفخه الهی است و تبدیل و تحویلی ندارد.^۱ و با هنرمندان مشترک می باشد، می توانند ادراکات زیبایی شناسانه هنرمندان را که در آثار آنها تجلی شده است استنباط و تأویل و تعبیر نمایند.
- هنرمندان به میزانی که فطرت خود را از قوه به فعل شکوفا می نمایند و انبساط وجودی پیدا می کنند و به ساحت حکمت و نزاهت و رضایت و کرامت بار می یابند، پیامبر گونه، متعهد و مسئول خلق آثار هنری و ایجاد فضای ذکر و انبساط وجودی مخاطبین می گردند و مخاطبین نیز به میزانی که به این ادراکات بار یافته اند توان تأویل و تعبیر می یابند و از ادراک حُسنها و زیباییها در اثر هنری سرشار لذت می شوند.

نمودار شماره ۱۱- بررسی روابط هنرمند، اثر

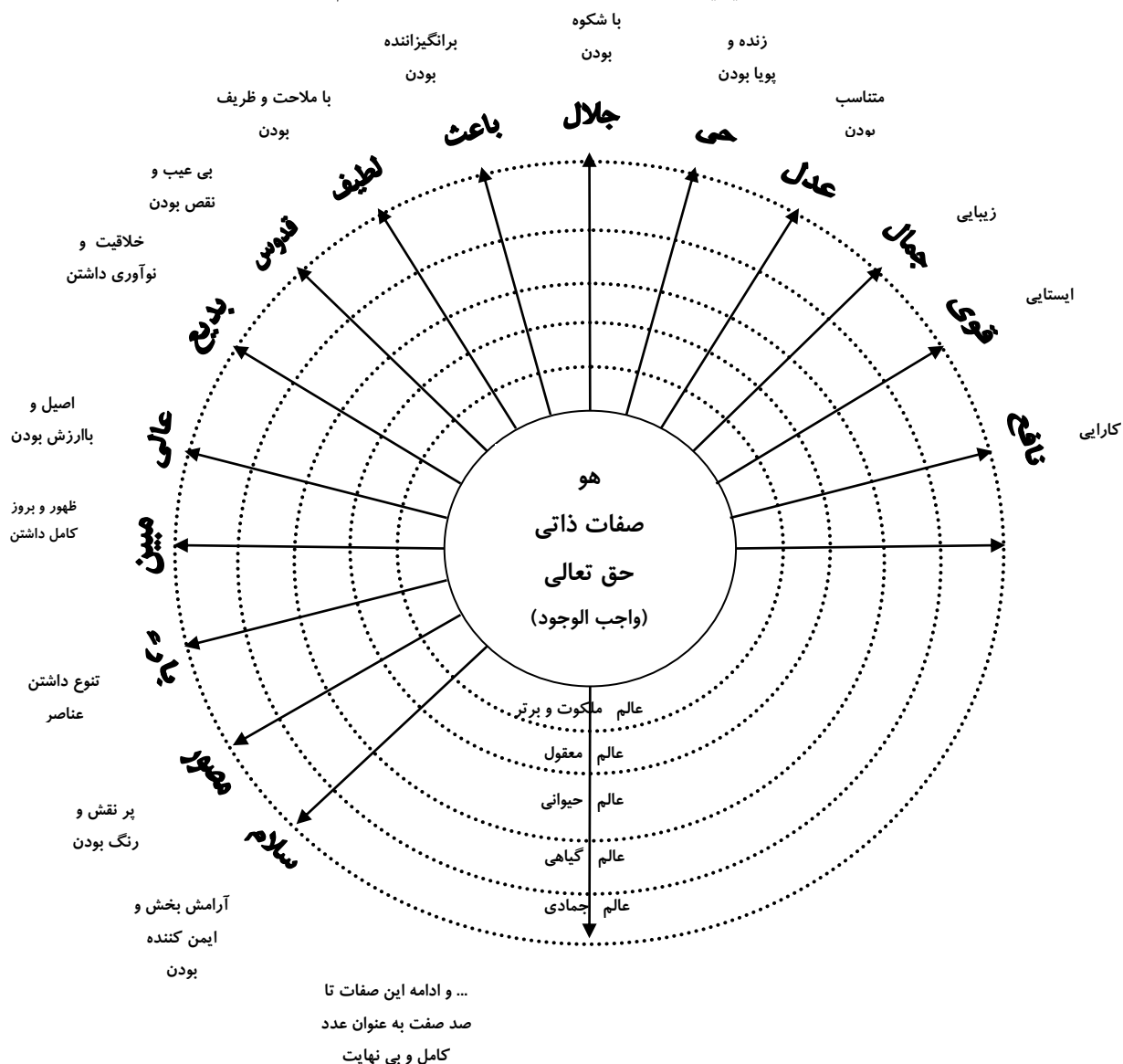
هنری و مخاطب



۱۲- جمع بندی و نتیجه گیری

مجموع نتیجه گیریهای مطرح شده در هفت محور فوق ساختاری را در مقوله حسن شناسی و زیبایی شناسی مطرح می نماید که مبتنی بر هستی شناسی و انسان شناسی در فرهنگ اسلامی و نبوی از سامانه ای جامع برخوردار است. این ساختار را می توان در نمودار شماره ۱۲ نیز نشان داد

^۱ فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ. سوره الروم آیه ۳۰



در توضیح نمودار شماره ۱۲ (اسماء الهی) باید گفت:

- دایره های نقطه چین، نمودار انواع مراتب وجود و متناظر انواع مراتب ظهور زیبایی ها یا مراتب طولی و عمقی حسن و زیبایی است.
- شعاع دایره ها، انواع صفات وجود و متناظر انواع صفات حسن یا مراتب عرضی حسن و زیبایی است.
- از نظر مراتب زیبایی، هرچه از پیرامون دایره (عالم جمادات) به مرکز دایره (مرز واجب الوجود) نزدیکتر می شویم، زیبایی از عمق و قوت و هستی بالاتر و ماندگارتری برخوردار است.
- از نظر صفات حسن و زیبایی، یک پدیده هر چه مظهر صفات بیشتری باشد، (سطح بیشتری از دایره را اشغال نماید) از حسن و زیبایی وسیع تر و همه جانبه تری برخوردار است.
- کمترین زیبایی یک پدیده وقتی است که زیبایی او متعلق به عالم جمادات و فقط در یک صفت (مثلا جمیل، مصور یا ...) خلاصه شود.

- ۹) **مباحث زیبایی شناسی** در کدام گزاره و به چه دلیل باید مطرح شود؟
- ۱۰) در فلسفه هنر مبنی بر اینکه **هنر چیست و هنرمند کیست** در کدام گزاره و به چه علت باید مورد بررسی قرار داد؟
- ۱۱) **نمودار شماره ۳** در باره چه موضوعی است و از آن به چه نتایجی می توان رسید؟
- ۱۲) **نمودار شماره ۴** در باره چه موضوعی می باشد؟
- ۱۳) موضوع بحث در **نمودار شماره ۵** چیست؟
- ۱۴) در **جدول شماره ۶** در باره چه موضوعی پرداخته شده است؟
- ۱۵) شما در باره **مکتب شک گرایی** چه اطلاعاتی دارید مختصر بیان کنید؟
- ۱۶) تحلیل شما در باره **مکتب نسبی گرایی** را بیان کنید؟
- ۱۷) دیدگاه طرفداران **مکتب حس و تجربه** را بطور اختصار شرح دهید؟
- ۱۸) در باره **عقل و عقل گرایی** چه چیزی می دانید خلاصه توضیح دهید؟
- ۱۹) طرفداران ارسطو (**مکتب مشائیون**) چگونه می اندیشند ، به اختصار بیان شود؟
- ۲۰) در **مکتب عرفانی** چرا به وجود انسان کامل اعتقاد و استدلال می شود؟
- ۲۱) **حکیمان و دانشمندانی** که به مکتب های گوناگون پاسخ داده و دیدگاه های آنان را نقد نموده اند سه نفر را نام ببرید؟
- ۲۲) **نفس آدمی** از دیدگاه علی علیه السلام بر چند قسم است ، نام ببرید؟
- ۲۳) تحلیل شما از **جدول شماره ۷** چیست؟
- ۲۴) نظر معلم شهید استاد مرتضی مطهری در رابطه با **انسان** چیست؟
- ۲۵) **حسن و زیبایی** را در مکتب های گوناگون چگونه ارزیابی می کنید ؟ در این رابطه **جدول شماره ۸** را توضیح دهید و نتایج حاصله را ذکر کنید؟
- ۲۶) **مفهوم زشتی** چیست ؟ چگونه می توان آن را در کنار حسن و زیبایی مطرح نمود؟
- ۲۷) از تحلیل مفهوم زشتی به **چه نتایجی** می رسیم؟
- ۲۸) **بررسی تطبیقی زیبایی** در مکاتب گوناگون را طبق **جدول شماره ۹** توضیح دهید؟
- ۲۹) **صفات حسن و زیبایی** را در اسلام و مکتب یونان چیست؟ هر کدام را توضیح داده و با هم مقایسه کنید؟
- ۳۰) در **یک اثر هنری** ، زمانی که صفات حسن در آن متجلی است و خود را نشان می دهد و زمانی که در آن از صفات حسن خبری نیست را با هم مقایسه نمائید؟ و جدول ۱۰ را توضیح دهید؟
- ۳۱) چه رابطه منطقی بین **هنرمند ، اثر هنری و مخاطبین** در هنر اسلامی وجود دارد؟
- ۳۲) بین **فطرت پاک هنرمند و مخاطبین آن** چه رابطه ای وجود دارد ؟ **جدول شماره ۱۱** را توضیح دهید؟
- ۳۳) از **زیبایی شناسی قرآن** که بر اساس اسماء الهی است چه چیزی می دانید ، در این رابطه **نمودار شماره ۱۲** را توضیح دهید؟
- ۳۴) **جدول شماره ۱۳** در باره چه موضوعی گفتگو می کند؟

مقاله دوم (تئوری بنیادی)

بیا که چاره ذوق حضور و نظم امور به فیض بخشی اهل نظر توانی کرد
لسان الغیب حافظ

ارتباط و هماهنگی معنی و صورت در هنر و معماری

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

پیش گفتار :

اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، اعتقادات و ایده‌آلهای هنرمندان و ساحت ادراکات وجودی و زیبایی شناسانه آنها بشناسیم، لاجرم انکشاف تجلی و تبلور این آرمانها در آثار هنری و معماری از مهمترین مباحث آموزش هنر و معماری و نقد و ارزیابی و تحلیل آثار هنری و معماری خواهد بود. امروز آسیب شناسی آموزش هنر و معماری و اصلاح آن و تبیین اصول نقد و ارزیابی آثار هنری از مهمترین مسئولیتها و رسالتهای محققین دل آگاه و متعهد است.

۱- روش تحقیق در حوزه مباحث فرهنگی و هنری (معماری)

آثار معماری را در یک تعریف رایج مجموع «**مهندسی ساختمان**» به علاوه «**هنر ساختمان**» تعبیر می‌نمایند. ابعاد مهندسی ساختمان یعنی عناصر و اجزاء سازه‌ای و مواد و مصالح و ... که در مجموع عوامل اجرائی و مادی بنا را سامان می‌دهند که از دستاوردهای علوم تجربی تلقی می‌شوند. یعنی ابزار حس به علاوه استقراء عقلی، مهندسی ساختمان را تبیین می‌کنند و به صورت مستمر رشد و توسعه می‌دهند و نتایج علمی آن برای همه انسان های معمولی در جهان بدیهی تلقی شده و با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی قابل توجیه و بهره‌بردار مناسب می‌باشد.

اما آن بُعدی که آثار معماری را در حوزه هنری مورد توجه قرار می‌دهد و از مقوله زیبایی و حسن شناسی و فلسفه هنر در معماری سخن می‌گوید، عملاً معماری در حوزه علوم انسانی قرار می‌گیرد، آن هم لطیف‌ترین و عمیق‌ترین وجوه انسان، یعنی رابطه آثار معماری با ابعاد عاطفی و معنوی و روحی هنرمندان معمار (تولید کنندگان آثار معماری) و مخاطبین آن آثار .

۲- تقسیم‌بندی علوم از منظر علماء تجربی (پوزیتیویست ها)

از منظر علماء تجربی، تقسیم‌بندی رایجی وجود دارد که مجموع علوم را به سه حوزه:

۱- **علوم طبیعت** = موجودات بی‌جان هستی: علوم دقیقه (علوم تجربی)

۲- **علوم زیستی** = موجودات جاندار، غیر از انسان (گیاهان و حیوانات): علوم نیمه دقیقه (علوم آماری)

۳- **علوم انسانی** = در مورد انسانها و روابط و آثار آنها (فلسفه زیبایی و هنر): علوم غیر دقیق و مبتنی بر تعاریف مکاتب فکری و اعتقادی مختلف تقسیم می‌نمایند.

علوم طبیعت را مربوط به موجودات بی‌جان جهان و علوم زیستی را مربوط به موجودات جاندار، غیر از انسان یعنی گیاهان و حیوانات و علوم انسانی را به طور خاص برای انسان تعریف می‌نمایند و از آنجایی که فقط به مشاهده و آزمایش و استنتاج نتایج آن در تحقیقات متکی هستند و موجودات بی‌جان در شرایط مساوی همیشه خواص مشابه از خود بروز می‌دهند بنابراین تنها این حوزه از علوم را یعنی (علوم طبیعت) را به رسمیت علمی شناخته و نام (علوم دقیقه) را برای آن برگزیده‌اند.

در مقابل از آنجا که **گیاهان و حیوانات** حتی در مواردی که از نظر آزمایشگاهی سعی می‌شود شرایط مشابهی داشته باشند ولی به دلیل تفاوتهایی که کم و بیش از خود بروز می‌دهند، آنها را (علوم نیمه دقیقه) تلقی نموده و با درصدهای آماری نتایج تجربیات خود را می‌پذیرند.

اما در مورد **انسان ها** و ابعاد روحی و معنوی آنها، از آنجا که هیچ دو انسانی در عالم تجربه و موجودیت‌های بالفعل خود، عکس‌العمل‌های یکسانی را نشان نمی‌دهند و حتی هیچ انسانی در دو زمان مختلف و شرایط متفاوت دارای یک عکس‌العمل همسان نیست، بنابراین از منظر علماء تجربی، مباحث انسانی و لاجرم موضوع زیبایی و هنر با شیوه آزمایشگاهی و آماری قابل تبیین علمی و

دقیق نیست. بنابراین مباحث انسانی از این منظر غیر دقیق بوده و با توجه به تعاریف بسیار متفاوت و اغلب متضاد که از انسان و مباحث انسانی توسط فیلسوفان و دانشمندان متعدد و در نهایت پیامبران و ادیان مختلف از انسان ارائه می‌شود، لاجرم این علوم و معرفت‌ها مبتنی بر منابع مکتبی و دینی خود، **علوم مکتبی و ایدئولوژیک** تلقی می‌شوند و به تعداد این مکاتب ما اغلب گزاره‌های متفاوت و متضاد را شاهد هستیم که نمی‌توانیم آنها را با شیوه تجربه حسی و آزمایشگاهی و استقراء عقلی به قطعیت برسانیم و باید از ابزار و شیوه‌های دیگری برای مقایسه گزاره‌ها و ارزیابی و تحلیل آنها و استنتاج نتایج قابل استناد بهره‌برداری نمائیم.

۳- ارائه منابع مستند و موثق در طرح مباحث نظری

با توجه به مقدمه فوق در طرح مباحث نظری در حوزه علوم انسانی و زیبایی و هنر (از طرح فرضیه تا اثبات یک نظریه)، نظریه‌پرداز، باید خود یا یک فیلسوف مؤسس باشد با رساله‌ها و تألیفات متعدد در مقوله هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ و ... و یا یک پیامبر مرسل باشد با وحی الهی و کتاب حکمت و هدایت برای بشر. در غیر اینصورت باید نظریات خود را دقیقاً مبتنی و مستند بر منابع یک مکتب فلسفی یا اعتقادی مشخص ارائه نماید، در غیر اینصورت نظریاتش لغو و قابل ارزیابی نخواهد بود و یک پشتوانه منطقی و اثبات شده نخواهد داشت.

۴- منابع و مآخذ تحقیق

از منظر اسلامی برای رسیدن انسان به حقایق وجودی همانطور که وجود، مراتب و تجلیات گوناگون دارد، برای انسان نیز ارکان و مراجع و منابع مختلفی در طول یکدیگر پیش‌بینی شده است. این ارکان عبارتند از (**قرآن، سنت نبوی، کلام معصومین (ع)**، **اجماع فقهاء و عقل هدایت شده**) یعنی بعد از حواس پنج‌گانه که نقطه آغاز معرفت و مشترک انسان و حیوان است به **عنصر عقل** (که تعبیر به پیامبر درونی می‌شود) که فصل ممیز انسان با حیوان و بال پرواز شخصی او بسوی کشف حقایق برتر است، توصیه و تاکید می‌شود.

بدلیل عقل و قوه تشخیص در انسان است که اعتقاد یافتن به مباحث نظری را تقلیدی ندانسته بلکه تحقیقی و استدلالی می‌دانیم. از آنجائیکه عقل و خرد آدمی در حیطه عمل و رفتار بلحاظ محدودیت و کم تجربه بودن خطا پذیر می‌شود و دچار نقصان و کمبود می‌گردد برای تقویت خود نیاز به کارشناسان و خبرگان در موضوعات گوناگون دارد. و گذشته از کمک کارشناسان در خیلی از مسائل و در درک حقایق به انسان‌های کامل و معصوم که خطایی در شناخت حقایق ندارند محتاج است و در نهایت به کلام الهی قرآن مجید که پیام وحی خدایی است باید مراجعه نماید تا تئوری‌های نظری و سیر عملی و اصول زندگی و مفاهیم مورد نظر را در آیات آن مشاهده نماید و مقتدای خود قرار دهد.

۵- بررسی تطبیقی در ارزیابی گزاره‌های نظری

از آنجا که گزاره‌های نظری در مباحث انسانی و فلسفه حُسن‌شناسی و زیبایی در مکاتب مختلف بسیار متنوع و متضاد است محقق و نظریه‌پرداز در صورتیکه خود را پیامبر یا فیلسوف مؤسس نمی‌داند برای اثبات فرضیه خود و قانع نمودن مخاطبین چاره‌ای ندارد جز آنکه این نظریات بسیار متضاد را در کنار هم بگذارد و در مقایسه آنها نسبت به نظریه مورد قبول مکتب خود با شیوه‌های منطقی استدلال نموده و نظریه خود را اثبات نماید و یا با جمع‌بندی نقاط مشترک نظریات نزدیک به هم، نظریه کامل‌تر را تثبیت کند. از هر دو شیوه نیز جهت تقویت نظریه مورد قبول می‌تواند بهره‌برداری نماید. در هر صورت در طرح و اثبات یک نظریه در مباحث انسانی و فلسفه زیبایی‌شناسی، که بتواند ضمن بالا بردن آگاهیها و زمینه معرفتی مخاطب با حفظ آزادی و خودآگاهی، او را نیز قانع و راضی نماید، چاره‌ای جز یک بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای از نظریات برجسته‌ترین و مطرح‌ترین فیلسوفان و ادیان در موضوع مورد بحث، راه حل مناسب‌تری به نظر نمی‌رسد. در فرهنگ اسلامی نیز مقوله نفی و اثبات را در حوزه مباحث نظری از شعار (لا اله الا الله) به طور کلی می‌توان استنباط نمود. به این مفهوم که هر چه غیر خدایی است باید کنار گذاشته شود چون با حقیقت همخوانی ندارد!!

۶- نقد و ارزیابی گزاره‌های نظری برای رسیدن به یک نظریه واحد

طرح توصیفی نظریات مختلف در کنار هم هرگز نمی‌تواند ما را به یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مشخص و به یک نظریه قابل دفاع در حوزه مباحث انسانی و فلسفه هنر و زیبایی برساند. متأسفانه در تحقیقات و مقالاتی که در این حوزه ارائه می‌شود، اغلب با ادعای بی‌طرف بودن و متعصب نبودن و غیر جزمی اندیشیدن، گزاره‌های کاملاً متناقض و متعارض را در کنار هم بدون نفی یا اثبات ارائه می‌نمایند و عملاً بجای جمع‌بندی و استنتاج یک نتیجه مشخص برای ورود به مراحل بعدی خواننده و مخاطب نیاز مند را با مطالبی بدون دلیل و اغلب متناقض و سردرگم رها می‌کنند.

از آنجایی که **گزاره‌های نظری** کلی و مفهومی هستند و از هستی‌ها یا نیستی‌های حقیقی و غیر نسبی و غیر اعتباری سخن می‌گویند و اراده و خواست انسان و پذیرش یا عدم پذیرش او در ساحت وجودی آنها دخالت نداشته و مؤثر نخواهد بود، بنابراین باید برای اثبات یک گزاره نظری تمام نظریات متعارض و یا متفاوت با آن به صورت مستدل و منطقی رد شده و نظریه مورد ادعا متقابلاً به عنوان تنها نظریه صحیح به صورت مستدل و منطقی اثبات شود. زیرا در حوزه مباحث نظری (هستی‌شناسی) فقط یک نظریه می‌تواند بطور واقعی درست باشد و بقیه نظریات نادرست می‌باشند.

۷- ابزار و شیوه‌های نقد و ارزیابی گزاره‌های نظری

در رویکردی معرفت‌شناسانه که بعد از رنسانس و شکاکیت دکارتی بیشتر مورد توجه محققین غربی بوده است و با عنوان (شناخت‌شناسی) در اکثر دانشگاهها تدریس می‌شود از قبل در ذیل مقوله هستی‌شناسی همواره مورد توجه اکثر حکمای شرقی و غربی بوده است. و لذا موضوع ابزار و شیوه‌های ارزیابی گزاره‌های نظری را طرح و تبیین می‌نماییم.

معرفت‌شناسان در کل غیر از **شکاگان**، که متأسفانه امروزه مجدداً در دنیای غرب مطرح شده‌اند و هیچگونه ابزار و شیوه‌ای را برای رسیدن به باورهای صادق خطاناپذیر نمی‌دانند و در مباحث معرفت‌شناسی به طور خاص از طریق حکمای اسلامی مورد نقد و رد قرار دارند^۱، گروه **نسبی‌گرایان و کثرت‌گرایان** مطرح می‌شوند^۲ (پلورالیست‌ها) که نتایج تجربیات حسی و آزمایشگاهی را (لازم) دانسته ولی (کافی) نمی‌دانند و در عین حال راه حلی نیز برای رسیدن به باورهای صادق ندارند و مقوله تواضع معرفتی را مطرح نموده و نظریات معرفتی را به صورت هم عرض در کنار هم بدون اثبات یا رد و حداکثر به صورت پرسشنامه‌های آماری می‌پذیرند و در واقع خودآگاه یا ناخودآگاه به شک‌گرایی می‌پیوندند.

از دو گروه شک‌گرا و نسبی‌گرای فوق که در مجموع مبانی و اصول نظری را به صورت نوعی برای همه انسانها مشترک نمی‌دانند، سایر گروه‌ها، یک یا چند ابزار و شیوه معرفتی را برای نوع انسانها و در مجموع شرایط زمانی و مکانی قابل حصول و اثبات می‌شناسند:

دسته اول، حس‌گرایان (پوزیتیویست‌ها) هستند که نتایج تجربیات آزمایشگاهی را (هم لازم و هم کافی) می‌پندارند و بطور طبیعی نمی‌توانند وارد حوزه مباحث فهمی و نظری شوند و در مباحث انسانی و فلسفه هنر و زیبایی از شیوه‌های توصیفی کالبدی و تجربی بهره‌برداری می‌نمایند و در این سطح متوقف می‌مانند، این گروه در درون خود به **حس‌گرایان بیرونی و درونی** تقسیم می‌شوند.

دسته دوم، گروه‌های عقل‌گرا را می‌توان نام برد که به طور کلی به دو دسته متمایز عقل‌گرایان دکارتی و عقل‌گرایان مشائی (حکمای اسلامی) قابل تقسیم هستند. **عقل‌گرایان دکارتی**، اجمالاً حواس را خطاپذیر دانسته و فقط اندیشه و ذهن انسان را خطاناپذیر می‌دانند و از آنجا که در عمل فقط متکی به عقل بالفعل (عقل جزئی، تجربی، حسی و استقرائی و قیاسی و ...) می‌باشند و از عقل بالقوه (عقل کلی) و به طور خاص از کلام الهی (وحی و نبوت) محروم می‌باشند، در نهایت دچار تضادها و تناقضها و محدودیتهای ناشی از

^۱ - بسیاری از ساختارشکنان (دیکانستراکتیویستها) نظیر آیزنمن و گهری در این حوزه قرار دارند.

^۲ - کثرت‌گرایان و نسبی‌گرایان گروه‌های متعددی را در برمی‌گیرند نظیر (فردگرایان، نژادگرایان، طبقات اقتصادی و اجتماعی‌گرایان و تاریخ‌گرایان و ...) پسامدرن‌ها در این حوزه قرار دارند.

این ابزار و شیوه‌های معرفتی شده و با ارائه اصول و گزاره‌هایی انتزاعی به سوی **نسبی‌گرایی و شک‌گرایی** منحرف می‌شوند. آنچنان که در اغلب جریانهای پسامدرن (پست مدرنیته) شاهد آن بوده و هستیم.^۱

دسته سوم: عقل‌گرایان اسلامی و به طور خاص حکمت متعالیه صدرائی را می‌توان نام برد. در این دسته از آنجا که هستی را به دو نوع **واجب و ممکن** (خالق و مخلوق) تقسیم نموده و مخلوقات را تجلیات خالق در مراتب وجود می‌شناسند و عالم ماده را عالم شهادت می‌دانند و حواس ظاهری را مناسب در جهت ارتباط با این عالم می‌شناسند و در عین حال عقل تجربی - حسی و استقرائی را برای جبران خطاپذیری حواس مطرح می‌نمایند و از طرفی برای انسان و عقل دو ساحت (**فطری و بالقوه**) و (**تجربی و بالفعل**) قائل هستند، در مجموع برای معرفتهای انسان یک بستر عرضی و یک بستر طولی می‌دانند. در بستر عرضی انسان رو به عالم کثرت (دنیا) دارد و در بستر طولی رو به هستی مطلق و عالم وحدت. آنها برای عوالم برتر و عمیق‌تر بر عوالم سطحی‌تر اشراف وجودی و معرفتی قائل هستند.

بنابراین نه تنها همه **ابزارهای معرفتی انسان** (حواس ظاهری و باطنی، عقل بالقوه و بالفعل و معرفتهای قلبی و حضوری و فطری اولیه و معرفتهای شهودی کسبی و تجربی ثانویه ...) را در سطح وجودی خود می‌پذیرند و مؤید یکدیگر می‌شناسند، برای جبران خطاپذیری هر یک، ضرورت و نیاز به دعوت و رسالت پیامبران را مطرح و تنها منابع غیرقابل خدشه و خطا را آیات الهی (وحی) و کلام و راهنمایی‌های معصومین علیهم السلام می‌شناسند و در این سامانه بی‌بدیل یک ساختار معرفت‌شناسی جامع و کامل را ارائه نموده‌اند، که ضمن پاسخ به شبهات سایر گروه‌ها و نقد و ارزیابی مبانی آنها، با ارائه یک هستی‌شناسی و انسان‌شناسی کامل ضمن توضیح ابزار و شیوه‌های متنوع در عالم وجود، مبانی و اصول نظری و حقیقی و غیر قابل خدشه در حوزه فلسفه زیبایی و حسن‌شناسی مطرح ارائه می‌دهند.^۲

۸- موضوع شناسی یک مکتب هنری از معنی تا صورت

با توجه به تقسیمات مناسبی که حکمای یونانی از قدیم نظیر ارسطو و حکمای اسلامی نظیر فارابی و ابن سینا و ... داشته‌اند و آیات قرآنی نیز آنها را با تفکیک مضمون (ایمان و عمل صالح) تایید می‌نماید، تفکیک دو حوزه از گزاره‌های نظری و عملی مطرح است که در این تقسیم یک **مکتب فکری و اعتقادی** ابتداء به دو حوزه حکمت نظری و حکمت عملی تقسیم می‌شود. در **موضوع حکمت نظری**، به طور کلی مباحث هستی‌شناسی نظیر (معبود شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ و رابطه انسان با طبیعت و ...) مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد، که به آن **جهان‌بینی** هم گفته می‌شود و از هست‌ها یا نیست‌ها، سخن می‌گوید و از مطالب آن فلسفه حسن‌شناسی و زیبایی‌شناسی که سرچشمه مباحث هنری و آثار هنری است ارائه و اثبات می‌شود.

در موضوع **حکمت عملی**، به طور کلی از احکام عملی و باید و نبایدها و ارزشهای اخلاقی و روشها و شیوه‌های اجرائی، اصول و چهار چوبی مطرح می‌شود که در آنها سخن از انسان‌سازی و جامعه‌سازی است و در نهایت فلسفه هنر و فلسفه هنرمندی را ارائه می‌نماید و پاسخ **هنر چیست و هنرمند کیست** را بیان می‌دارد.

سعدی در تعریف هنر و معرفی هنرمند می‌گوید: **هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده و گر هنر مند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است هر جا رود قدر بیند و در صدر نشیند و بی هنر لقمه چینه و سختی بیند.**

گلستان - باب هفتم در تأثیر تربیت - حکایت دوم

^۱ - عقل‌گرایان دکارتی بدلیل بی‌توجهی به صورتهای حسی، عملاً به هنرهای مجازی و انتزاعی گرایش پیدا می‌کنند و نهایتاً به نوعی از هنرهای باصطلاح (مفهومی) می‌رسند که نه صورت دارد و نه سیرت یا مفهوم.

^۲ رجوع شود به نمودار شماره ۶ (بررسی تطبیقی انواع مکاتب شناخت شناسی، از بعد زیبایی شناسی و سبک‌های هنری و معماری) در مقاله «حسن شناسی، سرچشمه هنر نبوی»

در حوزه مکاتب هنری ایده‌های حسن‌شناسی و زیبایی‌شناسی هنرمند با انجام روشهای اجرائی و عملی، به خلق آثار هنری منتهی می‌شود و مصادیق و نمونه‌های عینی آثار هنری را خلق می‌نماید. در واقع سرچشمه و موجودیت آثار هنری از نظر و عمل هنرمند ناشی می‌شود و اصول و مبانی خاص خود را دارد.

موضوع دیگر رابطه هنرمند و اثر هنری با مخاطبین است و تاثیر آثار هنری بر مخاطبین و ارزیابی و تحلیل آنکه در حوزه هنرهای نظیر معماری و شهرسازی که آثار مربوطه برای مخاطبین خاصی طراحی و اجرا می‌شود و هنری است اجتماعی-اقتصادی و ... از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد^۱.

۹- تفکیک اصول حاکم بر گزاره‌های نظری و عملی و... و روابط بین آنها

• اصول حاکم بر گزاره‌های نظری

گزاره‌های نظری مفهومی و کلی و بدون ارتباط به زمان و مکان بوده و در مرز بین نیست و هست قرار دارند و از آنجا که خواست و اراده و پذیرش یا عدم پذیرش انسان‌ها در تحقق آنها بی‌تأثیر است، غیر وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی بوده و قطعی می‌باشند. یعنی با یک تعریف مشخص از انسان و ابزار و شیوه‌های ادراکی او از مراتب وجود، ما در حوزه حسن‌شناسی و زیبایی‌شناسی بطور مسلّم دارای یک مجموعه مشخصی از مبانی و اصول حسن‌شناسی و زیبایی‌شناسی می‌توانیم باشیم و **انسان‌ها بطور ذاتی و فطری و بصورت بالقوه دارای گرایشهای زیبایی‌شناسانه مشترکی خواهند بود**. یعنی در پرتو یک مکتب نظری فقط ما یک مجموعه از اصول ثابت در حوزه حسن‌شناسی خواهیم داشت. حتی اگر در مکتبی نظری انسان متغیر تعریف شود و تعاریف جدیدی بپذیرد، خواهیم گفت، این موجود، موجود جدیدی است با تعریفی جدید، بنابراین اصول جدیدی در حوزه زیبایی و حسن خواهد داشت که آنگاه مبتنی بر تعریف جدید، این اصول ثابت خواهد بود.

البته در طرح گزاره‌های این حوزه از آنجا که تئوری و نظری هستند مبتنی بر مباحث معرفت‌شناسی که ذکر شد باید از طریق **منابع مستند و به طور مستدل و به شیوه‌ای تطبیقی** ارائه شوند. یعنی ابتدا نظریات مخالف نقد و بررسی شود و سپس در مورد اثبات نظریه ارائه شده استدلال ارائه گردد. (آنچنان که در بندهای قبل توضیح داده شد). به طور مثال اگر در تفکر اسلامی ما انسان‌ها را بطور ذاتی و بالقوه یک نوع می‌شناسیم بنابراین انسان‌ها را دارای گرایشهای زیبایی‌شناسانه می‌دانیم و مجموعه‌ای از اصول ثابت حسن‌شناسی (فرازمانی و فرامکانی) برای آنها قائلیم. ولی از آنجایی که انسان‌ها بالفعل و در عالم تجربه و در مجموع شرایط زمانی و مکانی خود دارای سلیقه‌ها و گرایشهای مختلف و متنوعی در حوزه زیبایی‌شناسی می‌شوند، ما زیبایی‌شناسیهای فردی و شخصی آنها را کسبی و متغیر و قابل تربیت دانسته و اصول ثابت و فطری و نوعی انسان‌ها را معیار و داور در ارزیابیهای زیبایی‌شناسانه خود قرار می‌دهیم و جهت‌گیری هنری خود را در سطح جهان و در طول تاریخ با آن می‌سنجیم و تنظیم می‌کنیم.

در عین حال در عمل و در آثاری که جنبه محدود شخصی و یا منطقه‌ای و قومی دارند با حفظ اصول ثابت به سلیقه‌های بومی تا آنجا که به حریم اصول ثابت خدشه‌ای اساسی وارد ننماید احترام می‌گذاریم و در نظر می‌گیریم. در مجموع اصل کلی و زیربنایی گزاره‌های نظری **حقیقی بودن و واقعی بودن** آنها است. به طور خلاصه: «گزاره‌های نظری» باید «حقیقی و واقعی» باشند و برای ما یک فلسفه مشخص زیبایی‌شناسی را تبیین نمایند.

• اصول حاکم بر گزاره‌های عملی

در مورد گزاره‌های عملی و اصول رعایت باید‌ها و نبایدهای اجرائی، یعنی در خلق آثار هنری و معماری بکارگیری مواد و مصالح مختلف یا ایده‌های مختلف فضائی و هندسی و روشها و سبکهای مختلف اجرائی و تکنیکی همه در اول **اعتباری** هستند، یعنی

^۱ رجوع شود به نمودار شماره ۳ (رابطه عرضی مکاتب فکری و اعتقادی تا خلق آثار هنری) در مقاله «حسن‌شناسی، سرچشمه هنر نبوی».

ابتدا خنثی تلقی می‌شوند ولی در مرحله بعد به میزان تجلی حسن ها و زیبایی‌ها (گرایشهای زیبایی شناسانه انسان ها) در اثر هنری و تاثیر آن بر مخاطبین قابل ارزیابی حقیقی و داوری نهایی خواهند بود.

بنابراین احکام عملی و باید ها و نبایدهای اجرائی، در ذات خود دارای ارزش و اعتبار نمی‌باشند، بلکه ارزش و اعتبار آنها به ارزیابی نتایج کار آنها وابسته است و از آنجا که انسان ها و هنرمندان، موجوداتی بالفعل و نسبی و بطور طبیعی وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی می‌باشند، بنابراین گزاره‌های عملی علاوه بر اعتباری بودن، نسبت پذیر و وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی و در نتیجه اختیاری و تنوع پذیر و اجتهاد پذیرند و با اراده و عمل انسان محقق می‌شوند. ولی این گزاره ها از بعد علت غائی و نتایج کار یعنی تجلیات حسن و زیبایی در آثار هنری به طور ثانوی **گزاره‌هایی حقیقی** تلقی می‌شوند یا به طور کلی می‌توان گفت گزاره‌های عملی از آنجا که بوسیله انسان ها به ظهور می رسد یعنی از بُعد علت فاعلی آنها **اعتباری** و از آنجا که در نهایت تجلی بخش حسن ها و زیباییها هستند گزاره‌هایی **حقیقی** تلقی می‌شوند و در مجموع واجد هر دو وجه (اعتباری بودن و حقیقی بودن) می‌باشند. اصل کلی و زیربنایی گزاره‌های عملی در این است که بجا و دارای تناسب و بر میزان عدالت باشند.

به طور خلاصه: «گزاره های عملی» باید «بجا و متناسب» انتخاب شوند و با توجه به تجلی مفاهیم زیبایی شناسانه و تاثیر بر مخاطبین مورد ارزیابی قرار گیرند^۱.

• اصول حاکم بر شخص هنرمند

در مورد شخص هنرمند باید گفت که هنرمند از بعد وجودی یعنی هویت بالقوه و نوعی شامل مبانی و اصول نظری می‌شود یعنی هویت هنری (حقیقی و غیروابسته به شرایط زمانی و مکانی و ...) دارد و از بعد تجربی و تربیتی، شامل مبانی و اصول عملی می‌شود یعنی هویتی (اعتباری و نسبی و وابسته به شرایط زمانی و مکانی و ...) پیدا می کند و با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی، متغیر و تربیت پذیر می‌شود. یعنی از **بعد فطری و استعداد درونی دارای مبانی و هویتی با ثبات و غیر قابل تغییر است ولی در**

عمل و در بروز هنر، هویتی متغیر دارد.

• اصول حاکم بر آثار هنری

در مورد آثار هنری نیز از آنجا که این آثار دارای دو وجه صورت و معنا می‌باشند، هر وجه مبتنی بر اصول مختص خود می‌باشد که با یکدیگر یک رابطه علت و معلولی و یا رمزی و سمبولیک دارند که منبعث از تجلی معنی در کالبد و صورت است.

معنی و محتوی و مفهوم **آثار هنری**، مبتنی بر گزاره‌های نظری، کلی و حقیقی بوده و از ایده‌ها و ادراکات حسن شناسی و زیبایی شناسی هنرمند بصورت خودآگاه یا ناخودآگاه سرچشمه می‌گیرند و در مراتب عالی تر حامل الیهامات ربوبی و کشف و شهود عرفانی هنرمند هستند. صورت و شاکله آثار هنری نیز مبتنی بر گزاره‌های عملی، نسبی و اعتباری بوده و از استعدادهای فردی و تجربیات شخصی و تربیتی هنرمند سرچشمه گرفته و در حوزه سبک ها و روش های تکنیکی و مجموع شرایط زمانی و مکانی و آثار ارزشمند و مشابه قبلی قابل تبیین و توصیف و ارزیابی هستند.

در فلسفه هستی شناسی، آنچه در آثار هنری باید مورد توجه قرار گیرد این است که مراتب پایین تر و ضعیف تر وجود، قابلیت ظهور و حضور در وجودهای برتر و غنی را ندارند، یعنی ما **در هنر اسلامی حق تجسم معنی در صورت را نداریم** بلکه در مورد آثار هنری از آنجا که حُسن ها و زیبایی‌ها متعلق به عالم کلی و معقول می‌باشند بنابراین، عالم جزئی و مادی قابلیت ظهور و حضور آنها را ندارد بلکه مفاهیم و معانی معقول یعنی صفات حُسن و زیبایی به صورت رمزی و سمبلیک می‌توانند در کالبدها و صورتها متجلی شوند و برای مخاطب و به اعتبار حسن شناسی و زیبایی شناسی مخاطب، برای او حالت ذکر و ادراک معنوی و مفهومی را پیدا کنند و ادراکات

^۱ رجوع شود به نمودار شماره ۵ (اصول متفاوت و حاکم در گزاره‌های نظری، عملی و آثار هنری) در مقاله «حُسن شناسی، سرچشمه هنر نبوی».

زیبایی‌شناسی او را از قوه به فعل تبدیل کنند. در این رابطه آثار هنری علاوه بر انتقال زیبایی‌های مادی خود به مخاطبین در واقع نقش واسطه را برای انتقال ادراکات زیبایی‌های معقول هنرمند به مخاطبین و در نتیجه انبعاث وجودی آنها، به عهده دارند.

۱۰- اصول حاکم بر روابط مخاطبین آثار هنری و هنرمندان

در مورد رابطه مخاطبین با آثار هنری باید گفت همانطور که در بند قبلی مطرح شد معنی و مفهوم اثر هنری منبعث از ایده‌ها و مبانی فطری و کسبی، حسن‌شناسی و زیبایی‌شناسی هنرمند است که در اثر هنری تجلی یافته است. یعنی هنرمند مثل هر انسان دیگر یک بعد فطری و نوعی و حقیقی و بالقوه غیرقابل تبدیل و تحویل دارد و یک بعد استعدادهای فردی و تجربی و تربیتی که وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی است. در نقطه مقابل، مخاطب اثر هنری نیز هر دو وجه فوق را دارا است. یعنی در وجه فطری و نوعی و حقیقی و بالقوه با هنرمند مشترک است و در وجه فردی و تجربی و تربیتی با او مشترک نیست و تحت تاثیر مجموع شرایط زمانی و مکانی خود می‌باشد.

بنابراین به میزانی که اولاً **هنرمند** ابعاد فطری و بالقوه زیبایی‌شناسی خود را بالفعل نموده و به خودآگاهی رسانده باشد، در ثانی استعداد رمزپردازی و تجلی آن معانی و صفات را در کار هنری خود یافته و در اثر هنری خود محقق ساخته باشد، اثر هنری واجد ارزشهای هنری و صفات حُسن شده و آن صفات را بازتاب می‌دهد و از طرف مقابل در صورتیکه **مخاطب** اثر هنری نیز به میزانی که ابعاد فطری و بالقوه زیبایی‌شناسی خود را بالفعل نموده و به خودآگاهی رسانده باشد، می‌تواند تجلیات صفات حُسن را در اثر هنری رمزگشائی نموده و ادراک نماید و ساحت‌های فطری و بالقوه او خود را نشان دهد. البته در این ارتباط، اثری موثرتر است که هنرمند آن نسبت به مخاطب به درجات بالاتری از ادراکات حسن‌شناسی رسیده باشد و در رمزپردازی اثر و تجلی معنی در صورت توانایی کافی داشته باشد. مخاطب نیز مانند هنرمند از بُعد بالفعل فردی و تجربی و تربیتی وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی خود است، اما این وجوه در هنرمند و مخاطب متغیر و اعتباری بوده و در نهایت آنچه اصیل و حقیقی و غیرقابل تغییر است ابعاد فطری و نوعی مجموع انسان‌ها است که معیارها و اصول بی‌زمان و مکان را در نقد و ارزیابی آثار هنری و رابطه هنرمندان و مخاطبان ایفا می‌نماید. همان حقیقتی که موجب درک متقابل همه انسان‌ها در طول تاریخ و فرهنگ‌های مختلف بوده است، آنچنان که آثار هنری اصیل و ارزشمند متعلق به هر دوره تاریخی و یا هر فرهنگ نژادی و جغرافیایی باشد از نظر همه انسان‌های خودآگاه و برای همیشه ارزشمند، ستایش‌انگیز خواهد بود.

۱۱- سیر تکاملی هنرمند در دو حوزه نظری و عملی

سیر تکاملی هنرمند در حوزه نظری یعنی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و ... و در نهایت در فرایند ادراکات حسن‌شناسی و زیبایی‌شناسی (فلسفه زیبایی) و همچنین در رشد استعدادهای عملی و تجربی و کسبی هنرمند است که توان خلق آثار هنری را در او تحقق می‌بخشد و باعث تجلی حُسن‌ها و زیبایی‌ها در آثارش می‌شود.^۱

جمع بندی

همانطور که از مجموع مطالب فوق استنباط و استنتاج می‌شود، اندیشه‌ها، اعتقادات و آرمانهای هنرمند (بنیانهای فرهنگی هنرمند) از یک سو او را به ادراکات زیبایی‌شناسانه می‌رساند و از الهامات انفسی و ربانی برخوردار می‌گرداند و از دیگر سو استعدادهای عملی و تجربی او (توان اخلاقانه هنرمند) با تمرین و ممارست و تربیت و برخورداری از الهامات آفاقی و تجربی توان خلق آثار هنری را کسب می‌نماید و بدین ترتیب می‌تواند آثاری ارزشمند و اصیل و با محتوی عمیق و مؤثر و برانگیزاننده به وجود آورد.^۲

^۱ رجوع شود به نمودار شماره ۳ (رابطه عرضی مکاتب فکری و اعتقادی تا خلق آثار هنری) در مقاله «حُسن‌شناسی، سرچشمه هنر نبوی».

^۲ رجوع شود به نمودار شماره ۱۱ (الهامات انفسی و ربوبی هنرمند و الهامات انفسی و ربوبی مخاطب) در مقاله «حُسن‌شناسی، سرچشمه هنر نبوی».

منابع و مآخذ مقاله:

این مقاله با استفاده از پژوهشی با عنوان "تعریف جامعی از هویت اسلامی در معماری" که توسط اینجانب و همکاران، برای وزارت مسکن و شهرسازی انجام و تحویل شده است و اکنون تدوین گردیده و به صورت کتاب چاپ شده است در انجام پژوهش مزبور کلیه منابع و مآخذ این مقاله ارائه شده است که خوانندگان محترم می توانند در صورت لزوم به متن مقاله ذکر شده مراجعه فرمایند.

پرسش ها و پژوهش ها (مقاله دوم)

- ۱) چرا آسیب شناسی آموزش هنر و معماری از مهمترین مسئولیت و رسالت محققین دل آگاه است؟
- ۲) تعریف رایج معماری بطور خلاصه چیست؟
- ۳) از نظر علمای تجربی علوم بطور کلی به چند دسته تقسیم می شوند؟ نام ببرید و توضیح مختصر بدهید؟
- ۴) چرا مباحث مربوط به شناخت انسان را نمی توان در آزمایشگاه ها به قطعیت رساند؟
- ۵) منابع و مآخذ تحقیق را در اسلام نام ببرید؟
- ۶) بررسی تطبیقی در ارزیابی گزاره های نظری را توضیح دهید؟
- ۷) برای رسیدن به یک نظریه واحد و مورد قبول باید از چه راهی وارد شد؟
- ۸) پلورالیست ها (کثرت گراها) از چه ابزاری برای شناخت استفاده می کنند؟
- ۹) عقل گرایی دکارتی در باره حواس و ذهن انسان چه نظراتی دارند؟
- ۱۰) عقل گرایی اسلامی ابزارهای معرفی انسانی را از چه زاویه ای مطرح می سازند؟
- ۱۱) حکمت نظری و حکمت عملی در معرفت شناسی اشاره به چه موضوعاتی دارد؟
- ۱۲) سعدی در باره هنر چه سخنی دارد؟
- ۱۳) اصول حاکم بر گزاره های نظری را بطور مختصر توضیح دهید؟
- ۱۴) اصول حاکم بر گزاره های عملی را توضیح دهید؟
- ۱۵) اصول حاکم بر شخص هنرمند چیست؟
- ۱۶) اصول حاکم بر آثار هنری چیست؟
- ۱۷) چه رابطه ای بین آثار هنری و مخاطبین آنها وجود دارد؟

مقاله سوم (تئوری بنیادی)

تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش
لسان الغیب حافظ

تأملی بر بنیان های معرفت شناختی معماری معاصر

نویسندگان مقاله مشترک : (۱) عبدالحمید نقره کار*

(۲) کریم مردمی**

(۳) محمدمنان رئیسی***

* A_noghrekar@iust.ac.ir دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

** K_mardomi@iust.ac.ir استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

*** شماره تماس ۰۹۱۷۳۰۱۱۵۵۰ taeesi@iust.ac.ir نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری و مدرّس گروه آموزشی معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

خلاصه مقاله :

یکی از مباحثی که هنر و معماری سالهای اخیر را به لحاظ مبانی نظری تحت الشعاع قرار داده، مباحث مرتبط با دانش «معرفت شناسی» و زیرشاخه های آن می باشد. و «نسبیت شناخت» از مهمترین مباحث مطرح در قلمرو معرفت شناسی هنر معاصر می باشد که با مسائلی نظیر تعیین جایگاه پدید آورنده اثر هنری، مخاطب اثر، چگونگی شکل گیری فرایند درک اثر و تعیین سهم هر یک در به وجود آمدن و این درک مرتبط می گردد. این مسائل ریشه در حوزه ای از معرفت شناسی تحت عنوان «**معرفت شناسی متن**» دارند که امروزه بیش از سایر زیرشاخه های معرفت شناسی، در زیرشاخه **هرمنوتیک** (hermeneutic = هنر و علم تفسیر متون بویژه ادبی و مذهبی) و به طور خاص هرمنوتیک مدرن نمود یافته است. مطابق با آخرین نظریاتی که در حوزه «معرفت شناسی متن» ارائه گردیده، همه دانش ها متأثر از پیش داوری مفسرین است و پیش داوریها متأثر از سنت و تاریخند و سنت و تاریخ هم در فراشد سیال در حال تغییر دائم بوده، فاقد ثبات و استحکام می باشند. طبق این نگاه، هر نوع ابژه ای از جمله ابژه های معماری بایستی متناسب با این فراشد سیال ارائه گردیده، از هندسه هایی در طراحی آثار معماری استفاده شود که متناظر با اصل «نسبیت شناخت» باشند. در این مقاله ضمن اتخاذ رویکردی تاریخی - تفسیری با بهره گیری توأمان از روش استدلالی - منطقی، پس از تعریف اجمالی «دانش معرفت شناسی» به تبیین اصل «نسبیت شناخت» به عنوان یکی از مهم ترین اصول معرفت شناسی معاصر پرداخته، سپس به بررسی تأثیرات این اصل بر تحولات معماری معاصر می پردازیم. در قسمت پایانی مقاله نیز به نقد این نهضت فکری در بستری معرفتی - فلسفی می پردازیم و نشان خواهیم داد که نسبی گرایی محضی که بر پایه بنیانهای فلسفی «معرفت شناسی متن» بیان می شود سبب می گردد تا نتوان به هیچ معیار و ضابطه ای برای شناخت و ارزیابی روشمند آثار استناد نمود که این امر، ارزش درک و دانایی را دچار چالشی جدی می کند چراکه هر فهمی را موجه می نمایند. کلمات کلیدی: معرفت شناسی متن، معماری معاصر، نسبیت شناخت، مؤلف اثر، مخاطب اثر

مقدمه ای در تحقیق معرفت شناسی متن

❖ معماری در حکم یک متن و یک زبان است

هنر معاصر شاهد طرح مباحث جدیدی است که بسیاری از آنها ریشه در حوزه ای از معرفت شناسی دارد که به «معرفت شناسی متن» موسوم است. مباحثی مانند امکان قرائت های مختلف از یک اثر هنری، تاریخمندی فهم و تغییر مستمر آن، تاریخمندی متن یا اثر هنری، تأثیرپذیری آن از فرهنگ معاصر و ذهنیت تاریخی پدیدآورنده آن، محوری بودن نقش مفسر (در واقع بیننده اثر هنری) در فهم اثر به جای اهمیت دادن به نقش پدیدآورنده اثر یا حتی خود اثر و تأکید بر دخالت پیش دانسته ها یا پیش داوریهای بیننده در شناخت و فهم اثر، گوشه ای از مباحث نوینی است که در مباحث هنری معاصر مطرح است و ریشه در تأملات معرفت شناختی دارد. اتفاق مهمی که در نتیجه ی این جریانات فکری در حوزه هنر و معماری بروز یافته، فرصتها و تهدیدهای حاصل از آن در عرصه معماری معاصر می باشد که به زعم نگارندگان اینگونه هنر و معماری ها لازم است تا قبل از بهره گیری و یا پرهیز از آنها، با میزانی معتبر و موجه به نقادی مبانی آنها اقدام شود تا بتوان با ذکر دلایل موجه به داوری پیرامون درستی یا نادرستی به قضاوت نشست و با این جریانات در معماری معاصر وارد شد.

اساس تأثیرات مباحث فوق در دانش معماری بر این اندیشه استوار است که «**معماری نیز نوعی زبان است**» (شولتز، ۱۳۸۷، ۵۳۱) و در نتیجه "به یک بنا می توان در حکم یک متن نگریست" (سجودی، ۱۳۸۸، ۳۳۲). لذا پرسش اصلی این مقاله، ریشه در تأثیرات دانش معرفت شناسی بر حوزه تئوریک معماری دهه های اخیر و به طور خاص، تعمیم نظریه تأویل متن به چگونگی ادراک

آثار معماری معاصر داشته^۱ و خوانندگان می‌توانند در این نوشتار ضمن مشاهده اجمالی تأثیرات این تفکر بر معماری معاصر، به داوری پیرامون درستی یا نادرستی مبانی تئوریک آن - به ویژه اصل «نسبیت شناخت» به عنوان اصل مبنایی معرفت‌شناسی معاصر- بپردازند. پس شاکله اصلی این نوشتار، ناشی از شکل چگونگی **ارتباط** «معرفت‌شناسی متن» و «معماری معاصر» - به طور عام- و **چیستی** اقتضائات تعمیم اصل «نسبیت شناخت» به «فرایند فهم آثار معماری» - به طور خاص- می‌باشد.

قبل از ورود به متن نوشتاری مقاله لازم می‌دانیم متذکر گردیم که در این نوشتار، منظور از «معرفت‌شناسی متن»، آن اندیشه معرفتی‌ای است که در جریانهای فلسفی متأخر غرب در حوزه معرفت‌شناسی آثار در متنی مطرح و تبیین شده است و لذا مراد از پایه‌های تئوریک آن نیز صرفاً مبانی و مبادی‌یی است که فلاسفه متأخر غرب مطرح نموده‌اند و نه سایر فیلسوفان (نظیر فیلسوفان مکاتب شرقی، اسلامی و غیره). به بیان دیگر قرائت **مکاتب فلسفی غرب** از «معرفت‌شناسی متن» با سایر مکاتب فلسفی - اعم از فلسفه اسلامی و غیر از آن- متفاوت می‌باشد و آن قرائتی که در این مقاله به تبیین و نقد آن می‌پردازیم، مورد اول (یعنی قرائت مکاتب فلسفی غرب) می‌باشد.

❖ پرسش‌های تحقیق

- مطابق با مبانی تئوریک «معرفت‌شناسی متن» - و به طور خاص اصل «نسبیت شناخت» - آیا می‌توان معنایی نهایی و قطعی برای یک اثر معماری را تعریف نمود؟
- تعمیم نظریه تأویل متن به دانش معماری، چه تأثیراتی را در حوزه طراحی معماری به بار آورده است؟
- برپایه تأثیرات فوق‌الذکر، آیا می‌توان برای گفتمان معنایی میان معمار، مخاطب و اثر، چارچوبی ضابطه‌مند و قطعی را ارائه نمود یا خیر؟

❖ فرضیه تحقیق

بر پایه پاسخهایی که برای پرسشهای فوق‌الذکر شکل می‌گیرد، فرضیه این تحقیق بر این امر استوار است که «تأثیرات حاصل از اعمال مبانی تئوریک معرفت‌شناسی متن در معماری معاصر سبب بروز نوعی آنارشسیسم معرفتی در ادراک معانی آثار معماری شده است که این امر منجر به نفی چارچوبی ضابطه‌مند برای گفتمان معنایی میان معمار، مخاطب و اثر می‌گردد.

❖ روش تحقیق

نوع اطلاعات مرتبط با موضوع این پژوهش اغلب بر پایه زمینه‌های تاریخی، تفسیری و به ویژه کالبدی خواهد بود. اخذ اطلاعات لازم از طریق روشهای مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. از آنجایی که **"ماهیت راهبرد تحقیق تاریخی - تفسیری معمولاً بر مدارک اسنادی یا منابع نوشتاری استوار است"** (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۱۴) و با عنایت به الزامات این پژوهش، جهت بهره‌گیری مطلوب از **روش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای** صورت گرفته در این مقاله ضمن بهره‌گیری از گونه تحقیق تاریخی - تفسیری در مرحله گردآوری داده‌ها، از گونه تحقیق استدلالی - منطقی در مرحله تحلیل و داوری داده‌ها استفاده شده است. با توجه به اینکه در پژوهش‌های استدلال - منطقی "پذیرش منطقی بودن یک سامانه در محیط فرهنگی همان سامانه معنی دارد" (رنجبر، ۱۳۸۹، ۵۷)، ضروری است تا در بخش داوری داده‌ها به بسترهای فرهنگی سامانه معنایی ارائه شده در این مقاله توجه گردد.

۱- تعریف معرفت‌شناسی

«معرفت‌شناسی» یا نظریه معرفت یکی از شاخه‌های مهم فلسفه است که امروزه به صورت یک بحث مستقل و گسترده در کنار سایر علوم قرار گرفته است. از علم معرفت‌شناسی، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است که همگی بر این نکته تأکید دارند که

^۱ اغلب اندیشمندان ضمن قبول اینکه معماری را می‌توان همچون نوعی زبان تصور نمود، معنای اجزای زبانی معماری را متأثر از کارکرد آنها می‌دانند. جهت اطلاع بیشتر در این خصوص مراجعه شود به وود، پال، هنر مفهومی، ترجمه مدیا فرزین، نشر هنر ایران، ۱۳۸۳

معرفت شناسی به طور کلی، از باور، توجیه و اعتبار معرفت و منشأ و انواع آن بحث می کند. فی الواقع، "معرفت شناسی علمی است که درباره معرفت‌های انسان و ارزشیابی انواع آنها و تعیین معیار صدق و کذب آنها بحث می کند" (حسین زاده، ۱۳۸۱، ۱۷). بر این اساس می توان چنین گفت که "معرفت شناسی، ناظر بر چگونگی بسط و گسترش علوم است" (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲۵۵). به بیان دیگر، در دانش معرفت شناسی، معرفت به معارف سایر علوم مورد کاوش و ارزیابی قرار می گیرد و لذا برپایه ی متعلق معارف این دانش، بایستی آن را معرفتی درجه دوم محسوب نمائیم^۱ (حسین زاده، ۱۳۸۵، ۲۹) چراکه در معرفت شناسی، دانسته و معرفت (از آن جهت که معرفت است و نه از حیث دیگر) مورد ارزیابی قرار می گیرد.

چنانچه اشاره گردید، از مهمترین زیرشاخه های معرفت شناسی، معرفت شناسی متن است که از معرفتی که به متن داریم - یعنی از فهم و تفسیر متن - بحث می کند. **معرفت شناسی متن در حوزه هنر**، تبعات نظری گسترده ای داشته که از مهمترین آنها، تلقی آثار هنری به عنوان نوعی متن و خوانش و فهم آنها به مثابه آثاری متن واره می باشد. «نسبیت شناخت» از مهمترین موضوعات مطرح در قلمرو معرفت شناسی متن می باشد که در آغاز از طرف سوفیست ها مطرح گردید (کاپلستون، ۱۳۷۵، ۱۲۶) و امروزه در حوزه مبانی نظری معماری تأثیرات عمیقی را سبب گردیده است. در ادامه تلاش خواهیم نمود تا در حد وسع خود، به تبیین، تشریح و سپس نقد این تأثیرات بپردازیم.

۲- معرفت شناسی متن و نسبیت شناخت

در این بخش، جهت تبیین اصل «نسبیت شناخت» در معرفت شناسی متن از نظریات برخی اندیشمندان متأخر غرب همچون مارتین هایدگر، هانس گئورگ گادامر، امبرتو اکو، رولند بارت، ژاک دریدا و ... بهره خواهیم برد که اگرچه در نگاهی تفصیلی، بایستی آنها را در مکاتب مختلف فلسفی جای داد اما همگی آنها در بسط اصل نسبیت شناخت، تأثیر گذار و از جهت اعتقاد به آن وجه اشتراک دارند.

در میان فلاسفه متأخر، **هایدگر** از مطرح ترین نظریه پردازانی است که با نگاهی عمیق و به صورت روشمند، به تبیین مؤلفه های معرفت شناسی متن پرداخته است؛ تا جایی که بدون نظریات فلسفی او نمی توان روندی را که معرفت شناسی متن و به ویژه هرمنوتیک تا به امروز طی کرده برای آن متصور شد (حسین زاده، ۱۳۸۵، ۱۳۸۵، ۱۶۷). از نظر هایدگر، معرفت شناسی متن و زیرشاخه های آن به ویژه هرمنوتیک باید از سطح روش شناسی و معرفت شناسی ارتقاء یافته و در جایگاه فلسفه قرار گیرد. "او در کتاب هستی و زمان، هرمنوتیک را نه یک روش بل نظریه ای دانسته است که نتایج روش شناسیک به بار می آورد" (احمدی، ۱۳۸۰، ۵۶۲). به اعتقاد هایدگر نباید «نظریه تفسیری» و «روش فهم» را موضوع تأمل معرفت شناختی قرار داد، بلکه این خود تفسیر و فهم است که باید مورد تحلیل قرار گیرد. یعنی معرفت شناسی متن به جای بحث از روش فهم متون باید در خدمت درک معنی هستی (Being) درآید و البته تأکید می کند که "این هستی شناسی صرفاً همچون پدیدار شناسی ممکن است" (Heidegger, 1998, 60). از نظر هایدگر، دازاین (dasein) یا وجود انسانی که پرسش از معنای هستی (Being) برای او مسأله شده، با تحلیل ساختار وجودی خودش می تواند به فهم معنی هستی دست یابد. او بر این عقیده بود که «وضعیت بودن» با بودن هر چیز متفاوت است و برای چنین بودنی است که واژه (dasein) را وضع می کند.

اگر چه پروژه فلسفی هایدگر ناتمام ماند و او نتوانست گام روشنی به درک معنی هستی بردارد (حسین زاده، همان، ۱۶۸) لیکن مباحثی که در تحلیل ساختار dasein مطرح کرد دستمایه کوشش علمی شاگرد برجسته اش هانس گئورگ گادامر قرار گرفت و

^۱ طبق دیدگاه معرفت شناسان، تقسیم بندی علوم به معارف درجه یک و درجه دو بر حسب متعلق معارف آن علوم صورت می گیرد. در معرفت درجه اول، متعلق دانش، خود معرفت نیست بلکه موضوعاتی نظیر طبیعت، تاریخ، دین، فرهنگ و ... مورد کاوش قرار می گیرد. اما در معرفت درجه دوم، مطلق معرفت از آن جهت که معرفت است مورد ارزیابی قرار می گیرد. لذا معرفت شناس، معارف سایر علوم را از بیرون آن علوم به تماشا می نشیند و به ارزیابی اعتبار و صدق آنها می پردازد؛ حال آنکه متخصصان سایر علوم از منظری درونی به سنجش معارف آن علم می پردازند (حسین زاده، ۱۳۸۱، ۲۲).

به همت او بود که «**معرفت شناسی متن**» قوام و انضباط یافت. از مهمترین آموزه‌های هایدگر که مورد توجه گادامر قرار گرفت نخست تأکید وی بر نقش «**پیش‌دید**» و «**پیش‌ساختار**» در حصول فهم است و دیگری اشاره به **تاریخمندی وجود** است که او از این تاریخمندی وجود، تاریخی بودن فهم را استنباط کرد (Gadamer, 1977, 95). او در مهم‌ترین اثر فلسفی خود «**Truth and Method**» که به سال ۱۹۶۰ منتشر شد این ایده رایج را که از راه روش می‌توان به حقیقت رسید مورد نقد قرار داد و بیان داشت که روش اگر کارآمد باشد در اموری است که بتوان کلیت آنها را به عنوان موضوع شناسایی (ابژه) پیش رو نهاد و به شناخت منطبق با حقیقت آنها نائل شد که این کار در باب اشیای طبیعی که موضوع علوم تجربی هستند امکان‌پذیر است اما در امور تاریخی و آثار و پدیده‌های انسانی و بسیاری از امور دیگر ممکن نیست زیرا نمی‌توان آنها را همچون ابژه پیش رو نهاد، چراکه این امور متغیر و سیال و تمام ناشدنی بوده، نمی‌توان آنها را به مثابه اموری پایان یافته تلقی نمود و به شناسایی آنها پرداخت. (حسین زاده، همان، ۱۶۷). لذا انسان، تاریخ، سنت و هنر از جمله مواردی هستند که به مدد روش نمی‌توان به درک حقیقت آنها نائل گردید.

از **نظر گادامر** این عدم امکان، مرهون ماهیت فهم ما نیز هست. چرا که **مجموعه‌ای از پیش دانسته‌ها و پیش‌داوری‌ها** هر مفسری را احاطه کرده و فهم او را متأثر ساخته و در نتیجه به اعتقاد او افق معنایی مفسر شرط وجودی حصول فهم است و "نه تنها دخالت دادن این افق معنایی مخل به عمل فهم نیست بلکه شرط لازم برای حصول آن نیز است" (رئسی، ۱۳۸۹، ۵۲). زیرا **فهمیدن** واقعه‌ای است که بر اثر امتزاج افق معنایی مفسر با افق معنایی موضوع رخ می‌دهد و این افق معنایی مفسر چیزی نیست جز مجموعه‌ای از پیش‌دانسته‌ها و انتظارات او. به زعم او از آنجایی که انسان و سنت تاریخی سیال و متغیرند، جریان **شناخت جریانی** پایان‌ناپذیر است. یعنی **یک متن یا اثر هنری قابلیت تفسیر و فهم‌های متعدد را داراست** زیرا "پیام می‌تواند لایه‌های معنایی متعددی را در بر بگیرد و طیف گسترده‌ای از افراد را مخاطب قرار دهد که ابهام یا وضوح پیام به آنها بستگی دارد" (باورز، ۱۳۸۷، ۱۰۴).

مفسرین جدید با افق‌های معنایی جدید به سراغ اثر هنری می‌روند و امتزاج و فهم جدیدی بر اساس گذشته ذهنی آنها رخ می‌دهد؛ لذا "موضوع معرفت از منظر و افق معنایی مخاطب بازخوانی می‌شود" (پارسانیا، ۱۳۹۰، ۱۴۵) و این مخاطب اثر هنری است که معناهای اثر را می‌آفریند و "معنا یا معناهایی که هر مخاطب می‌سازد لحظه‌ای از افق دلالت‌های معنایی اثر است" (احمدی، ۱۳۷۱، ۲۰۵). این پیدایش فهم‌های جدید عمدتاً ناشی از انکار «**نیت مؤلف**» می‌باشد که سرچشمه آن به برخی بحث‌های زیبایی‌شناسی در سده ۱۹ می‌رسد. در قلمرو معرفت‌شناسی، این بحث پیشینه و زمینه‌ای فلسفی در نوشته‌های مارتین هایدگر دارد؛ زیرا "او بود که با کنارگذاشتن سوژه راه را بر انکار نقش نیت مؤلف در تعیین معنای نهایی و قطعی متن گشود" (احمدی، ۱۳۷۷، ۱۹). چنانچه ملاحظه می‌گردد **رویکرد معرفت‌شناسی معاصر** به مقوله فهم اثر کاملاً با تلقی سنتی از فرایند ادراک متفاوت می‌نماید. در این جا ضمن ارجاع به تقریرات فلاسفه متأخر غرب، اهمّ تبعات معرفت‌شناسی متن در باب تفسیر و ادراک اثر را بیان خواهیم نمود. اما قبل از آن بار دیگر یادآوری می‌نمائیم که فلاسفه‌ای که به تقریرات آنها در ادامه مورد استناد می‌گردد را بایستی در مکاتب فلسفی گوناگونی همچون هرمنوتیک فلسفی، شالوده‌شکنی و ... دسته‌بندی نمود؛ لیکن بر پایه همین تقریرات، همه آنها در اعتقاد به اصل معرفت‌شناختی «نسبیت شناخت» اشتراک داشته و لذا تأکید ما در بیان موارد ذیل، بر این وجه اشتراک آنهاست و نه بر فصل افتراق‌هایی که می‌توان برای تمییز دادن آنها از یکدیگر اقامه نمود. در هر حال، اهمّ تبعات معرفت‌شناختی اصل نسبیت در حوزه تفسیر و فهم اثر را می‌توان چنین برشمرد:

- **فرآیند تفسیر** اثر فرآیندی بی‌انتها است. زیرا اثر هنری متنی گشوده است که با ماهیت بی پایان زبان خواناست (Barthes, 1998, 375) و لذا قابلیت قرائتهای متنوع را دارد.^۱ از این رو "تأویل متن به معنای کشف مفهومی کمابیش درست برای آن نیست بلکه دانستن اهمیت چگونگی کثرت مفاهیم آن است" (Barthes, 1990, 11).

- **پیش‌داوریهای مفسر** یا مخاطب اثر، شرط وجودی حصول شناخت و مؤلف عمل فهم است. "این منش پژوهش فلسفی است که فهم موضوع را دارای پیش فرض‌هایی می‌داند که به راستی هدف آن محسوب می‌شوند" (Gadamer, 1986, 182). در واقع ما معنایی از پیش موجود را جستجو نمی‌کنیم بلکه معنایی جدید را بر اساس محسوسات و خواست‌های خود ایجاد می‌کنیم.^۲ پیروان زیبایی‌شناسی دریافت این حالت، از اصطلاح «استراتژی متن» یاد کرده‌اند، چیزی که اومبرتو اکو آن را *intention lectoris* خوانده است. نمونه چنین روشی، بررسی هانس روبرت یاس درباره شعر «خواب، ۲» بود. یاس می‌گوید: «این شعر به گونه‌ای است که به سال ۱۹۸۸ منتشر شده است. البته طبق تقریرات گادامر باید از دخالت دادن پیش‌داوریهای که موجب سوء فهم می‌گردد پرهیز نمود» (حسین زاده، ۱۳۸۵، ۱۷۰).

- **فهم عینی** (درک مطابق با واقع) از اثر هنری ممکن نیست. زیرا "زبان اساساً استوار به غیاب است" (Carroll, 1982, 69) و به علت فاصله زمانی میان مفسر و متن و دخالت افق معنایی مفسر در عمل فهم، هیچگاه نمی‌توان به شناختی عاری از دخالت ذهنیت مفسر نائل گردید. در واقع ما در فهم یک اثر با پدیدارها مواجه هستیم نه با واقعیات. قبول این که علم با پدیدارها مواجه است و نه با واقعیات، راهگشای اندیشه‌ای بود که از زبان نیچه بیان کرد که "واقعیات دقیقاً همان چیزهایی هستند که وجود ندارند. تنها تأویل‌ها وجود دارند، معنایی جدا از تأویل وجود ندارد" (Nietzsche, 1968, 267). **دریدا** نیز از این موضوع که **تنها تأویل‌های ما وجود دارد و واقعیاتی در کار نیست** تحت عنوان "منش بیرونی هرگونه ارجاع در زبان" نام برده است (Derrida, 1987, 18).

- طبق قرائتی که معرفت‌شناسی متن از فرآیند شناخت ارائه می‌دهد، **"ادراکات و دریافتهای ما متأثر از تجسم واقعیتهاست نه خود واقعیت"** (Lash, 1990, 24) زیرا **"حقیقت عبارت است از ساختار یک**

نظام، نشانه شناختی است که تنها به گروه خاصی تعلق دارد و لاغیر؛ چون از ارزشها، اعتقادات، باورها و سنتهای همان گروه نشأت می‌گیرد" (Kress and Leeuwen, 1996, 159).

- طبق فرآیندی که در معرفت‌شناسی متن برای ادراک و شناخت آثار هنری



پیشنهاد می‌گردد، تجربه اثر هنری از هر افق ذهنی و شخصی تأویل بالاتر می‌رود، هم از افق هنرمند و هم از افق مخاطب و لذا شناخت، همواره حاصل تعامل این افق‌هایی است که به نظر می‌رسد مستقل از یکدیگر وجود دارند (Gadamer, 1989, 146). نکته مهم نه نیت یا مقصود مؤلف است و نه اثر به مثابه ی شیئی بیرون از تاریخ، بلکه مهم «آنچه» در مواجهه های تاریخی به طور مکرر به ظهور می‌آید است (Palmer, 1969, 181). به بیان دیگر در فرایند شناخت آثار، مؤلف یا خالق اثر صرفاً نشانه ساز است و نه عنصری متعین در اثر و **"فرآیند فهم، محصول امتزاج افق معنایی مخاطب با افق دلالت های اثر بر اساس قواعد بازی می‌باشد"** (احمدی، ۱۳۷۷، ۳۱۵).

۳- معرفت شناسی متن و معماری معاصر

طبق فرایندی که معرفت شناسی متن برای خوانش آثار متن وار پیشنهاد می‌دهد هر اثری از جمله یک کالبد معماری به مثابه یک متن است که فهم هرباره آن مستلزم تأویل نشانه‌های نهفته در آن طی تجربه ای تازه و سفری متفاوت است (رئیزی، ۱۳۸۹، ۵۰). به بیان دیگر، معماری نیز متنی است که کلمه‌های آن اجزای تشکیل دهنده بنا بوده، خواندن آن همان دیدن و سفر کردن در آن است. "با سفر در این متن/ معماری، بیننده/ مسافر گوشه‌های اثر را برپایه پیش‌ساختها و پیش‌داشته‌هایش به گونه‌ای می‌خواند/ می‌بیند. این خواندنی‌های گوناگون بر پیچیدگی و ابهام فضای معماری می‌افزاید و باعث شادابی اثر معماری می‌شود" (شیرازی، ۱۳۸۱، ۱۶). معمارانی که سعی در تحقق بخشیدن به معماری متن‌وار دارند به دنبال نوعی از معماری هستند که از ارجاع بپرهیزد و دلالت معنایی مشخصی نداشته باشد چراکه طبق مبانی معرفت شناختی آنها، "اثر هنری با رها شدن از بندهای دلالت معنایی، همچون زبان به هدفی در خویش تبدیل می‌شود" (Adorno, 2004, 206). اگر بخواهیم تبلور کالبدی افکار این معماران را با تفصیل بیشتری شرح دهیم بایستی اشاره کنیم که **جهان‌بینی چند بعدی و متغیر** آنان نهایتاً در کاربست عناصر و سطوح سیال، پویا و پیش‌بینی ناپذیر بروز می‌یابد که به واسطه فراوانی استفاده از این نوع سطوح و پرهیز از به کاربردن اصول هندسی کلاسیک حتی تا مرز اتهام تفنّن‌گرایی نیز پیش رفته‌اند. برای روشن‌تر شدن این موضوع می‌توان به برخی از آثار پیتز آیزنمن یا دانیل لیبسکیند اشاره نمود. پروژه ماکس راینهارد هاس آیزنمن (تصویر ۱) و یا موزه یهود دانیل لیبسکیند (تصویر ۲) به خوبی بیانگر این اصرار بر عدم به کارگیری اصول هندسی کلاسیک توسط این دسته از معماران می‌باشد.

معماران پیرو این تفکر فلسفی، با تمرکز بر چینهایی که متراکم و مجدداً در فضا مستحیل می‌شوند، آنها را مترادفی برای پدیده‌ای خودانگیخته یا چیزی فیما بین (چیزی که زمان حال را نمی‌شناسد و آغاز و پایان مشخصی ندارد) و وسیله‌ای برای ارتباط دائمی فضا و زمان می‌بینند (حکیم، ۱۳۸۲، ۴). از دیدگاه آیزنمن **یک اثر معماری باید مانند یک نوشته در فرآیند شکل‌گیری خود جان گرفته و از بطن خود بسط یابد؛** او برای طراحی یک اثر پایانی باز و نه معلوم و تمام شده را قائل است. آیزنمن با اشاره به حضور یک وجود غایب در طرح، از معماری به مثابه متن صحبت کرده، معتقد است که این حاضر غایب در لابه‌لای متن/معماری جان می‌گیرد و از این لحاظ درکی شخصی است که ناظر بر اصل نسبیت شناخت می‌باشد (همان، ۶). بر این اساس، او توانسته در طرح‌های متأخرش تا حد زیادی این گفته تئودان داسبورگ را تحقق بخشد که **"معماری جدید به دنبال قرار دادن فضاهای مختلف در یک مکعب نیست بلکه فضاهایی با کاربریهای مختلف را به گونه ای پراکنده می‌کند که به کمک آن، طول، عرض، ارتفاع و زمان به سوی بیانی جدید و انعطاف پذیر از فضای آزاد حرکت می‌کنند"** (کورتیس، ۱۳۸۵، ۴۱).

نمونه تمام و کمالی که در آن می توان تأثیر اصل «نسبیت شناخت» در شکل گیری یک کالبد معماری را مشاهده نمود طرح پیشنهادی پیتر آیزنمن برای شهر فرهنگ Galicia می باشد. این شهر فرهنگ، یک مرکز جدید فرهنگی برای استان Galicia در شمال غربی اسپانیا است که بر روی یک تپه کوچک مشرف به Santiago de compostela واقع شده است. این پروژه کلان



تصویر ۳: ، اسپانی، ۱۹۹۹ Galicia پیتر آیزنمن، شهر فرهنگ
<http://archidose.blogspot.com>

– مقیاس مانند یک سطح منحنی است که تابع فرم خاصی نبوده و از طریق نرم افزار شبیه سازی کامپیوتری حاصل گردیده است. با دقت در این طرح می توان اصول معماری متن وار را به وضوح ملاحظه نمود؛ تأکید بر چینه های غیر خطی پیوسته، هندسه غیر قابل پیش بینی و فضاهای لغزنده و سیال کاملاً در این پروژه جلب توجه می نماید (تصویر ۳). آیزنمن در دفاع از این نوع هندسه سیال و به ظاهر فاقد نظم در آثارش چنین می گوید: "اگر انسانها امروز از بی نظمی دچار وحشت و ترس هستند نمی توان این ترس را با به نمایش گذاشتن ساختارهای هارمونیک و منظم از بین برد. بلکه باید ریشه این ترس را شناسایی و با زیباسازی بی نظمی در هنر و معماری بر آن غلبه کرد" (حکیم، همان، ۷). اما دلیل اصلی استفاده از این نوع هندسه سیال توسط این گروه از فیلسوف- معماران را چنانچه ذکر گردید بایستی در دیدگاه آنان نسبت به مقوله شناخت و فهم اثر جستجو نمود. آنان

معتقد به نسبیت شناخت و تأثیر پذیری آن از سنت، تاریخ و ... بوده و لذا از هندسه متناظر با مطلق اندیشی و جزمیت گرایی برحذر بوده و اصولاً اعتقادی به مفهوم ثبوت نداشته، هر مفهوم و ادراکی را نسبی می دانند. برنارد چومی که خود از بزرگترین معماران این مکتب می باشد معماری را متنی گشوده می انگارد (نزبیت، ۱۳۸۶، ۱۵۰) و بر همین اساس در توجیه طرح خود برای پارک دولاویت صراحتاً اظهار می دارد که "تنها یک معنی به تجربه آدمی در نمی آید؛ معنی ثابت اصلاً موجود نیست" (برادبنت، ۱۳۷۵، ۱۵۸). آیزنمن نیز در تمجید از این نسبیت گرایی و پرهیز از مطلق اندیشی و قطعیت گرایی در مقاله En Terror Firma, In Trails of Grotexes چنین اظهار می دارد: "عدم قطعیت اکنون هدیه مضاعفی است؛ محتوای این عدم قطعیت طبیعتاً باید یافته شود. معمار می بایست شیوه های قدیمی تصور فضایی خود را تغییر دهد. این تغییر پیامدی خواهد داشت که باعث می شود پس از آن تصور از خانه یا هر شکلی از اشغال فضا، فرم پیچیده تری از زیبایی را طلب کند" (Eisenman, 1988, 115).

۴- نقد اجمالی بنیان های نظری معرفت شناسی متن

چنانچه اشاره گردید، معرفت شناسی متن با نگاهی فلسفی به ماهیت فهم بر آن است که شرایط وجودی تحقق فهم را بررسی نماید. این اندیشه، ماهیت فهم را تحلیل می نماید که دستاورد اصلی آن در این تحلیل، نسبیت شناخت و اثرپذیری آن از سنت و تاریخ می باشد. همه شناخت ها متأثر از پیش داوری های مفسرین هستند و پیش داوری ها متأثر از سنت و تاریخند و سنت و تاریخ هم در حال شکل گیری دائم بوده فاقد ثبات و ایستایی اند. در چنین تابلویی که معرفت شناسی متن از مقوله شناخت ترسیم می کند جایی برای مطلق اندیشی و اعتقاد به وجود قضایای ثابت و همیشه صادق وجود ندارد و نمی توان برای گفتمان معنایی میان مؤلف اثر، مخاطب اثر و خود اثر چارچوبی قطعی و ضابطه مند تعریف نمود؛ بر این اساس اهم نقدهای وارد بر این اندیشه را می توان در محورهای ذیل ارائه نمود:

❖ نقد نخست وارد بر این اندیشه آن است که اگر هر شناختی سیال و نسبی است چرا اصول و آموزه‌های معرفت‌شناسی متن و تحلیلی که این اندیشه از ماهیت شناخت عرضه می‌نماید به عنوان قضایایی مطلق، قطعی و غیرنسبی قلمداد گردد؟ اگر همه فهم‌ها ناشی از پیش‌داوری و متأثر از دخالت ذهن، باور، علائق، انتظارات و پیش‌داوریهای بیننده یا مفسر است، پس می‌توان ادعا کرد که تحلیل **گادامر، هایدگر، آیزنمن و چومی** از ماهیت فهم نیز متأثر از پیش‌داوریهای خاص آنان است و ارزش مطلق ندارد و نمی‌توان آن را به عنوان تحلیل نهایی و قطعی در نظر گرفت. اگر قضایایی نظیر «همه شناخت‌ها نسبی است» و «همه فهم‌ها ناشی از دخالت پیش‌داوری هاست» نسبی و متغیر باشند، معنایش این است که خود این قضایا نیز می‌توانند نادرست باشند. (حسین زاده، همان، ۱۷۱). پس نقد اولی که به این جریان فلسفی وارد است متنافی الاجزاء و خود ویران سازی آن است؛ یعنی از شمول آن نسبت به خودش، عدم شمولش لازم می‌آید (آملی لاریجانی، ۱۳۷۶، ۹۵).

❖ معرفت‌شناسی متن راه را بر هرگونه نقد و ارزیابی فهم در شاخه‌های مختلف معارف انسانی، تاریخی و هنری می‌بندد. زیرا تحلیل خاص آن از ماهیت شناخت به گونه‌ای می‌باشد که **هرگونه فهمی موجه می‌گردد و نمی‌توان میان تفاسیر متعدد از یک متن داوری کرد و فهمی را برتر از سایر فهم‌ها بر شمرد** (واعظی، ۱۳۸۱، ۱۳۳). براساس تحلیل معرفت‌شناسی متن از ماهیت شناخت، جریان فهم یک اثر اعم از یک متن یا یک پروژه معماری فرآیندی بدون پایان است و شناخت نهایی ممکن نمی‌باشد. شناخت، ناشی از امتزاج افق هاست و این امتزاج، امکانهای بدون پایانی دارد. پس، از یک اثر و به طور خاص یک اثر معماری می‌توان فهم‌های بی‌شمار داشت بی‌آنکه معیاری برای داوری در صحت و سقم این فهم‌ها وجود داشته باشد. این نسبی‌گرایی محض که معیار و ضابطه‌ای برای سنجش، ارزیابی و نقد ارائه نمی‌دهد ارزش فهم را به شدت تنزل می‌دهد، زیرا هر فهمی موجه است.

❖ طبق مبانی نظری معرفت‌شناسی متن، برخی پیش‌داوری‌ها مؤلد و برخی دیگر موجب سوءفهم می‌شوند؛ اما نظریه پردازان این مبانی، ضابطه و معیاری برای تفکیک این دو نوع پیش‌داوری عرضه نکرده و بیان نداشته اند که چگونه می‌توان پیش‌داوریهایی که موجب سوءفهم می‌شوند را از دخالت در عمل فهم بازداشت (حسین زاده، همان، ۱۷۰). حال آنکه "برای آن که بتوانیم میان فهم و بدفهمی تمیز دهیم، باید معیاری در دست داشته باشیم تا بتوانیم آن تمیز را بر این معیار استوار کنیم" (هولاب، ۱۳۸۳، ۹۷). به نظر می‌رسد این معضل آنگاه حل می‌شود که وظیفه اصلی تأویل‌کننده و مخاطب را بر این اساس استوار سازیم که "منطق مؤلف (طراح)، شیوه برخورد و دانسته‌های فرهنگی و در یک کلام جهان او را بازشتاسد" (Hirsch, 1976, 242).

❖ طبق مبانی معرفتی که این اندیشه برای اصل «نسبیت شناخت» اقامه می‌نماید نه تنها هنرمند(مؤلف) و نیت خاص او، بلکه خود اثر هنری هم مرده است و مخاطب است که اثر را زنده می‌کند و روح معنا را در آن می‌دمد (نقره کار، ۱۳۸۷، ۳۰۸). لذا معرفت‌شناسی متن از این واقعیت غافل است که اثر هنری در جوهر خود همواره واجد دو جزء است: حاضر و غائب؛ دال و مدلول. طراحان پیرو این طرز فکر سعی دارند با به قهقرا بردن جزء "حاضر"، حضور "غایب" درک گشته و اثر چون متنی مستقل از نیت و اراده پدیدآورش خوانده شود. نتیجه اجتناب ناپذیر این نگاه منجر به آن می‌گردد که نزدیک شدن به اصل پیام (اثر)، معنای خود را از دست دهد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۷، ۵۶) و لذا سبب می‌گردد گفت‌وگو معنایی میان معمار، مخاطب و اثر، فاقد چارچوبی ضابطه مند بوده، نوعی **آناشسیسم معرفتی در فرآیند شناخت** رسمیت یابد.^۱

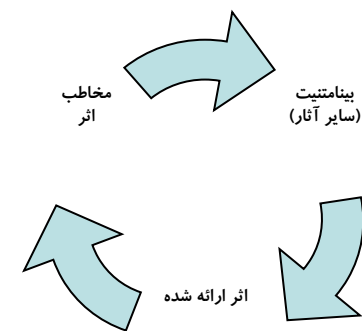
❖ تمامی ادله‌ای که می‌توان بر تجرد و غیر مادی بودن ادراک و شناخت اقامه نمود غیر نسبی بودن آن را نیز به اثبات می‌رساند. زیرا "آنچه مادی نیست از حرکت و تدریج منزّه بوده و ثابت و دائمی می‌باشد" (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲۷۹).

❖ اگر همه شناخت های بشری را مشمول نسبیت و تابع تاریخ، سنت و به طور کلی معارف قبلی بدانیم، در این صورت تمام معارف جدید که حاصل شناخت و ادراک بشر از موضوعات مختلف می باشد بایستی متناسب با اندیشه های گذشته باشد و هرگز نباید اندیشه جدیدی بروز یابد که متناسب با پیش فرضها و معارف گذشته نباشد؛ در حالی که "اندیشمندان بسیاری را می یابیم که موجب هدم و نابودی تمامی پیش فرضها گردیده بلکه زمینه دست یابی به معارف بعدی را بدون آنکه تأثیری از اصول قبلی بپذیرند فراهم می آورند" (همان، ۲۸۰). مبرهن و روشن است که هر یک از مثال های نقضی که می توان در این خصوص ارائه نمود به تنهایی برای ابطال قاعده کلی نسبیت شناخت بشری کفایت می کند.

نتیجه گیری:

در این مقاله ضمن ارزیابی مبانی فلسفی معرفت شناسی متن (طبق قرائت جریان های معاصر فلسفی غرب) به بررسی نتایج تبلور آن در عرصه معماری معاصر پرداخته شد. با تحلیل نقادانه مبانی و مفاهیم این اندیشه مشخص گردید که بن مایه های معرفت شناختی آن نمی تواند دستمایه موّجهی برای ایده پردازی در عرصه معماری باشد. اهمّ نتایجی که برپایه مباحث ذکر شده می توان استنباط نمود به شرح ذیل بیان می گردد:

■ بر پایه مبانی تتوریک معرفت شناسی متن، **هر اثری از جمله آثار هنری را می توان اثری متن وار پنداشت**. یعنی هر اثری از جمله یک بنای معماری به مثابه یک متن است که کلمه های آن احجام، بافتها و اجزای تشکیل دهنده بنا بوده که اغلب از طریق رمزگانه های زیبایی شناختی پیام خود را انتقال می دهند و خواندن آن معادل است با بازخوانی نشانه های نهفته در آن متن/ معماری و تأویل آن نشانه ها توسط مخاطب اثر. این اصل که می توان هر اثر را همچون یک متن تلقی نمود و آنرا مورد بازخوانی قرار داد اصلی موّجه است که حتی منتقدان جریان های معاصر فلسفی غرب نیز به آن اذعان دارند.



■ اختلاف بین مدافعان و مخالفان معرفت شناسی متن از آنجایی آغاز می شود که مدافعان آن، گفتمان معنایی میان معمار، مخاطب و اثر را فاقد چارچوبی قطعی و ضابطه مند تعریف می کنند و آن را کاملاً نسبی و متغیر می دانند؛ چراکه هر نوع شناخت و ادراکی از معنای متن/ اثر را مقبول و موّجه انگاشته و حتی فراتر از آن، معنای اثر را در دُور هرمنوتیکی متشکّل از اثر، مخاطب و بینامتنی (به معنای سایر آثار و متون مرتبط با متن) دست نیافتنی و وهمی می پندارند (نمودار شماره ۱). حال آنکه طبق نگاه منتقدان این اندیشه، ضمن آنکه معنای اثر، حقیقتی دست یافتنی تلقی می گردد بایستی برای فهم و شناخت و همچنین نقد و ارزیابی آن از رویکردی ضابطه مند استفاده شود و هر چه روشی که مخاطب در فرایند ادراک و تأویل اثر به کار می گیرد با این رویکرد مطابقت بیشتری داشته باشد، شناخت و

نمودار شماره ۱: ارکان مؤثر در فرایند فهم معنای اثر طبق جریان های معرفت شناختی معاصر غرب
مأخذ: نگارندگان

تأویل او از درجه اعتبار بیشتری برخوردار است. لذا نه تنها هر فهمی از معنای متن/ اثر موّجه نیست بلکه آن دسته از فهم هایی که معتبر می باشند نیز هم ارزش نبوده و بسته به میزان مطابقت آنها با ضوابط بازخوانی رمزگان اثر، دارای درجات اعتبار متفاوتی بوده، در رابطه ای طولی قرار می گیرند.

■ یکی از مهمترین پایه های فلسفی که سبب رواج **کاربست فولد** و هندسه های متأثر از آن در آثار معماری دهه های اخیر گردیده مبانی فلسفی معرفت شناسی متن و به ویژه اصل نسبیت شناخت می باشد. نسبی گرایی محضی که به دنبال اصل «نسبیت شناخت» بروز می یابد سبب گردیده تا سازمان فضایی آثار آوانگاردی که طی دهه های اخیر طراحی و اجرا گردیده اند عمدتاً متأثر از هندسه هایی باشند که اصول کلاسیکی همچون سلسله مراتب فضایی، محوربندی، مرکزیت فضایی و

غیره را نفی کرده و ایده هایی را بیروارند که ارزش فضایی در قسمتهای مختلف آن در رابطه ای همانی و یا نهایتاً عرضی واقع شود و نه طولی. این امر تا جایی پیش رفته است که برخی معماران جهت **کار بست** این نوع هندسه سیال، حتی اصولی بدیهی همچون لزوم توجه به فونکسیون را منکر شده، در برخی طرحهای خود عملاً پروژه هایی را ارائه می کنند که عملکرد اولیه ساختمان را نیز پاسخگو نمی باشد. مقاله ای که پیتر آیزنمن در سال ۱۹۷۶ تحت عنوان «پساعملکردگرایی» تقریر نموده است شاهد مناسبی است برای اثبات این مدعا.

تشریح بیشتر چالش هایی که به دنبال تأثیرات معرفت شناسی متن در عرصه دانش معماری بروز یافته پژوهش های گسترده تری را می طلبد که با توجه به دامنه وسیع این چالش ها، ضرورت دارد در پژوهشهای آتی مورد توجه اساتید و پژوهشگران عرصه معماری قرار گیرد.

پرسش ها و پژوهش ها (مقاله سوم)

- (۱) معرفت شناسی متن را توضیح دهید؟
- (۲) چرا یک معماری بعنوان یک متن و یک زبان است؟
- (۳) روش تحقیق مطالعات اسنادی و کتابخانه ای را توضیح دهید؟
- (۴) معرفت شناسی علمی چیست و چه ارکانی دارد؟
- (۵) نظر هایدگر نظریه پرداز آلمانی پیرامون معرفت شناسی متن چیست؟
- (۶) چگونه هایدگر از تاریخمندی وجود تاریخی بودن فهم را استنباط کرد؟
- (۷) از نظر گادامر فهمیدن چیست؟
- (۸) رویکرد معرفت شناسی معاصر را توضیح دهید؟
- (۹) فرایند تفسیر را شرح دهید؟
- (۱۰) در باره پیش داوری های مخاطب اثر ، چه می دانید ، آها را نقد کنید؟
- (۱۱) این سخن که : زبان اساساً استوار به غیاب است ، از چه کسی است و منظور او را توضیح دهید؟
- (۱۲) این جمله را توضیح دهید : (فرایند فهم محصول امتزاج معنایی مخاطب با افق دلالت های اثر بر اساس قواعد بازی می باشد)
- (۱۳) کورتیس در باره معماری جدید چه تعریفی دارد؟
- (۱۴) طرح پیشنهادی پیتر آیزنمن در باره شهر فرهنگ اسپانیا چیست ؟ در این باره توضیح دهید؟
- (۱۵) این سخن برادینیت که گفته است : معنی ثابت اصلاً موجود نیست را نقد و بررسی نمایید؟
- (۱۶) آیا معرفت شناسی متن بر اساس نسبیت شناخت شکل گرفته است ؟ در این نتایج بررسی خود را ارائه دهید؟
- (۱۷) آثار شیسم معرفتی در فرایند شناخت چگونه ایجاد می شود به بررسی ان بپردازید؟
- (۱۸) اختلاف بین مدافعان و مخالفان معرفت شناسی متن در کجاست؟
- (۱۹) در باره پساعملکرد گرایی و تأثیر آن بر هنر و معماری که پیتر آیزنمن در سال ۱۹۷۶ بیان داشته است تحقیقی ارائه دهید؟

منابع و مآخذ استفاده شده در این مقاله:

- آملی لاریجانی، صادق، ۱۳۷۶، نقد تفسیرهای متجددانه از منابع اسلامی، مجله قیسات، سال دوم، شماره اول
- آیت اللهی، حمید رضا، ۱۳۸۷، بررسی دیدگاه های هرمنوتیکی در ساحت های مختلف فهم، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۱۱
- احمدی، بابک، ۱۳۷۱، از نشانه های تصویری تا متن، تهران، نشر مرکز
- احمدی، بابک، ۱۳۷۷، آفرینش و آزادی: جستارهای هرمنوتیک و زیبایی شناسی، تهران، نشر مرکز

احمدی، بابک، ۱۳۸۰، ساختار و تأویل متن، تهران، نشر مرکز

باورز، جان، ۱۳۸۷، مقدمه ای بر طراحی دو بعدی: آشنایی با فرم و عملکرد، ترجمه کیوان جورابچی، انتشارات روزنه

برادبنت، جفری، ۱۳۷۵، واسازی، ترجمه منوچهر مزینی، نشر شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری

پارسانیا، حمید، ۱۳۹۰، روش شناسی انتقادی حکمت صدرایی، قم، انتشارات کتاب فردا

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، "شریعت در آینه معرفت - بررسی و نقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت"، قم، مرکز نشر اسراء

حسین زاده، محمد، 1385، مبانی معرفت دینی، قم، انتشارات موسسه امام خمینی

حسین زاده، محمد، ۱۳۸۱، معرفت شناسی، قم، انتشارات موسسه امام خمینی

حکیم، نگار، ۱۳۸۲، معماری متن وار و پیشگامان آن، مجله معمار، شماره ۲۰

سجودی، فرزانه، ۱۳۸۸، نشانه شناسی: نظریه و عمل، تهران، نشر علم

شولتز، کریستیان نوربری، ۱۳۸۷، معنا در معماری غرب، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات فرهنگستان هنر

شیرازی، محمدرضا، ۱۳۸۱، نشانه شناسی معماری، مجله معمار، شماره ۱۶

رئیس، محمدمنان، ۱۳۸۹، معماری به مثابه متن: واکاوی امکان قرائتهای مختلف از یک اثر معماری، مجله منظر، شماره ۷

رنجبر، علی محمد، ۱۳۸۹، ساختار و روش پژوهش، جزوه روش تحقیق مقطع دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران

کاپلستون، فردریک، ۱۳۷۵، تاریخ فلسفه، ترجمه مجتبی مینوی و دیگران، تهران، نشر سروش

کورتیس، ویلیام، ۱۳۸۵، کوبیسم دستایل و مفاهیم جدید فضا، ترجمه سعید موسوی، مجله اسکان، شماره بهمن ماه ۸۵

گروت، لیندا و وانگ، دیوید، ۱۳۸۶، روش های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران

نزیت، کیت، ۱۳۸۶، نظریه های پسامردن در معماری، ترجمه و تدوین محمدرضا شیرازی، نشر نی

نقره کار، عبدالحمید، ۱۳۸۷، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، تهران، تهران، نشر پیام سیما

واعظی، احمد، ۱۳۸۱، درآمدی بر هرمنوتیک، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۳

هولاب، رابرت، ۱۳۸۳، "یورگن هابرماس؛ نقد در حوزه عمومی"، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی

Adorno, Theodor W, 2004, Aesthetic Theory, trans. Robert Hullot-Kentor, Continuum International Publishing Group

Barthes, Roland, 1998, L'aventure semiologique, Paris, Editions du Seuil

Barthes, Roland, 1990, S/Z, United Kingdom, Blackwell Publishers

Carroll, Lewis, 1982, Complete works, London, Chancellor Press

Derrida, Jacques, 1987, Positions, trans. Alan Bass, London, The Athlone Press

Eisenman, Peter, 1988, "EN Terror Firma: In Trails of Grotexes", in Form, Being; Absence, Architecture and philosophy, Pratt journal of Architecture 2, New York, Rizzoli

Gadamer, Hans-Georg, 1977, Philosophical Hermeneutics, trans. D.E. Linge, Berkeley, University of California Press

Gadamer, Hans-Georg, 1986, The Idea of Good in Platonic-Aristotelian Philosophy, trans. Christopher Smith, New Haven, Yale University Press

Gadamer, Hans-Georg, 1989, Truth and Method, trans. J. Weinsheimer and D.G. Marshall, New York, Crossroad

Heidegger, Martin, 1998, Being and Time, trans.Joan Macquarrie, State University of New York Press
Hirsch jr, E.D, 1976, The Aims of Interpretation, University of Chicago Press
Kress, Gunther, and Van Leeuwen, 1996, Reading Images: The Grammar of Visual Designs, London, Routledge
Lash, Scott, 1990, Sociology of Postmodernism, London, Routledge
Nietzsche, Friedrich, 1968, The will to power, trans.Walter Kaufmann, New York, Knopf Doubleday Publishing Group
Palmer, Richard e, 1969, Hermeneutics: Interpretation theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger, and Gadamer, Evanston, Northwestern University Press
<http://archidose.blogspot.com>
<http://laura-carter.com>

<http://www.daniel-libeskind.com>

مجموعه مقالات (۲) (کاربردی - معماری)

مساجد اسلامی و سامانه مسکن ایرانی

مقالات و سلسله مباحث پیرامون:

مقاله چهارم - معماری مساجد اسلامی ایرانی از مفهوم تا کالبد

مقاله پنجم - کندو کاوی پیرامون معماری مساجد ایران

مقاله ششم - مقایسه و ارزیابی معماری مساجد اسلامی با معابد یونان و روم قدیم

مقاله هفتم - تحلیل نشانه شناختی سامانه مسکن ایرانی برپایه ارتباط لایه های متن / مسکن

مقاله چهارم (کاربرد معماری)

جهان جمله فروغ نور حق دان حق اندر وی زپیدایی است پنهان
شیخ محمود شبستری

معماری مساجد اسلامی ایرانی از مفهوم تا کالبد

به قلم : مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

مقدمه:

(واقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین-۲۹/اعراف)

در هر مسجدی روی خود را بسوی قبله کنید در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید.

• خاستگاه ارزش ها و مفاهیم در هنر و معماری اسلامی

- ارزشها در معماری، اصالت خود را از سیرتعالی و ترقی انسان بسوی معبود کامل خدای متعال اخذ می نمایند.
- مفاهیم و ارزشهای مؤثر در سیرتعالی معنوی انسان از آنجایی که باید جانشین خدا و شبیه ترین موجود به او باشد، همان **صفات حق تعالی** است که در قرآن به صورت استثنایی و جامع مطرح شده است.
- در این سیر و سلوک آدمی خلوص نیت و اراده به خیر و فلاح انسان اصل است و هر چیز دیگر از جمله معماری وسیله ای است برای رسیدن به آن ارزش ها.
- با توجه به ثبات فطری انسان و مسیر ترقی و تعالی او، ارزشها و اصالتها، پایدار و دارای استحکام هستند و غیر وابسته به زمان و مکان و جغرافیا و تاریخ و در یک کلام، فطری و ذاتی هستند نه مربوط به یک نژادی و سرزمین خاص.
- مسیرتعالی فردی انسان، از حیات مادی و جلوه های های آن شروع و به عرصه حیات معقول و زیباییهای آن می رسد و از آنجا در حوزه حیات روحانی به کمال معنوی و نورانی خود و کسب زیباییهای ملکوتی رهنمود می گردد و به سیر خود ادامه می دهد.

• جایگاه شکل ها و کالبدها در هنر و معماری

- کالبدها از آنجایی که دارای ابعاد مادی هستند، تحت تأثیر زمان و مکان بوده و فقط به صورت متشابه، رمزی، سمبولیک و تمثیلی می توانند برای انسان اندیشمند و دل آگاه معنی پیدا کنند.
- کالبدهای مادی به صورت نسبی می توانند معنی و مفهوم را تداعی نمایند و در مجموع حداکثر زمینه و وسیله مناسب برای سیر و حرکت متعالی انسان باشند (حداکثر در حد لباس مناسب) و نیز جنبه اعتباری دارند.
- هر مفهوم و هر ارزشی نظیر مفهوم حسن و زیبایی می تواند در بی نهایت شکل ها و کالبدهای متفاوت به صورت نسبی و تمثیلی متجلی شود و در واقع در نوآوری، خلاقیت و ابداع حد و انتها یی ندارد، بخصوص با توجه به جمیع واقعیت های زمان و مکان این قضیه صادق است.
- بنابراین هر مفهوم ثابتی می تواند در بی نهایت از کالبدها و اشکال خلاقانه، حکیمانه و بدیع ظهور یابد و متجلی گردد.

• اهداف نیایش و مسیر پرستش

(ان مساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً-۱۸/بقره)

مساجد برای خداست ولذا هیچ کس را در پرستش شریک خدا قرار ندهید و غیر خدا را نخوانید

- مسئله نیایش و عبادت چیزی هم ردیف سایر اعمال انسان نیست، بلکه بطور اصولی هدف از خلقت انسان رسیدن به عبودیت و پرستش خدای متعال است (در آیه مبارکه : ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون-۵۶/ذاریات).

- پرستش و سیرتعالی معنوی انسان در اسلام و در کلی ترین وجه آن با سه قیام و تعهد تبیین می گردد: «خودسازی، جامعه سازی، ولایت پذیری و امام شناسی» یا به تعبیری «سیر در آفاق و سیر در انفس یا حرکت عرضی و حرکت جوهری با هدایت و رهبری انسان کامل».
- در طول تاریخ زندگی بشر در بعضی از جوامع بشری مسیر پرستش انسان از انحرافی ترین آن تا صراط مستقیم توحید از پرستش بتها و طواغیت آغاز و نهایتاً به پرستش خدای یگانه انجامیده است. (عبادت نیازی فطری است و پیامبران بیشتر تأکید نموده اند که چه چیزهایی را نپرستید)
- مهمترین وجه تمایز شرک و توحید در رابطه با انسان در این است که مذاهب شرک انسان را به پرستش خودشان دعوت می کنند و مذهب توحید انسان را به خودسازی برای برخوردار شدن از صفات خدا و خداگونه شدن (قرب الی الله) می خوانند و بر این نکته تأکید می کنند که **راه خداشناسی از خودشناسی می گذرد.**

• جایگاه معنوی مسجد در اسلام

(انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر - ۱۸/توبه)

تنها کسانی همت به تعمیر و آباد نمودن مساجد خدایی خواهند نمود که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشند

- مسجد در شکل نهایی خود **مناسب ترین فضا برای خودسازی و جامعه سازی** و سیر همه انسان ها از حیات مادی و غریزی به حیات معقول و حیات ملکوتی در پرتو هدایت و رهبری معنوی انسان کامل (انسان افضل) است.
- در مذاهب شرک، بت اصل است و بتخانه خانه بت و معابد خانه رب النوع هاست و انسان منفعل و تماشاچی. اما در مکتب توحید، انسان خود قهرمان داستان است و خانه محترم خدا، کعبه، خانه همه انسانها خوانده می شود و خانه هدایت بخش و مبارک او که خانه قیام انسانها است. (جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس و...^۱).

• روش تحقیق

- در این مقاله مفاهیم و ارزشهای انسانی و معیارهای زیباشناسی در ابعاد و انواع آن از معارف اسلامی اخذ شده اند.
- از آنجا که اسلام انسان را به صورت فطری و استعدادهای او را به صورت جامع و گسترده معرفی می نماید، بنابراین مفاهیم مطرح شده در این مکتب همه انسانها را در برمی گیرد و فراتاریخی و فراجغرافیایی است و در یک کلام «انسانی» است.
- در این مقاله سعی شده است در طرح اجزا و عناصر کالبدی، ساختار کلی فضا و هندسه در فضای معماری و شهرسازی، که مجردترین و بی زمان ترین عناصر کالبد است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و اجزاء و عناصری که بیشتر وابسته به زمان و مکان هستند مطرح نگردد تا قادر باشیم حداکثر الهام و کسب تجربه را از گذشته برای آینده به همراه آوریم. (توضیح آنچه که هست تقریباً مساوی آنچه که می تواند باشد).

۱- مهمترین ویژگی های فضایی خانه کعبه

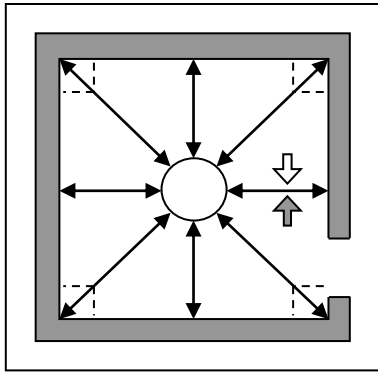
(جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس - ۹۷/مائده)

خداوند زیارت کعبه که بیت الحرام (حرمت و احترام آن بر همه واجب است) وسیله به پا داشتن مصالح مردم قرار داده است.

خانه کعبه که طراح آن خداوند و مجری آن پیامبران بوده اند، اولین خانه ای است که برای پذیرش توبه آدم و محل عبادت و قیام او ساخته شده است و خداوند آنرا برای هدایت انسان قرار داده و سرزمینی امن و مبارک معرفی می نماید. کعبه دارای ویژگیهای استثنایی و فوق العاده ای نسبت به سایر معابد و اجمالاً دارای ابعاد ذیل است:

^۱ سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۹۷

■ کعبه و مسجد الحرام یک توتم و بت و مجسمه یا شیء مستقل نسبت به انسان نیست، بلکه یک خانه معنوی و یک فضای ملکوتی برای سیر سلوک و بالندگی عرفانی انسان است.

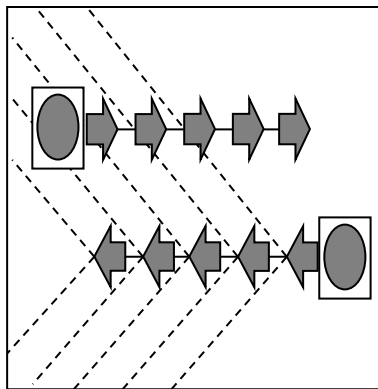


نمودار شماره ۱- خانه کعبه، فضایی کاملاً متعادل، متوازن، ساکن و آرام را القا می نماید.

■ جدار خارجی آن فقط یک پوسته است، با دربی به درون و حجم آن یک مکعب یعنی منظم ترین حجم با سطوح متشابه و یکنواخت و یالهای قائم و قیام کرده بر زمین.

■ این حجم کاملاً منظم است و نسبت به طبیعت اطراف آن یعنی کوهها و صخره ها و دامنه دره پرنشیب و فراز آن و چشم انداز افق بعنوان یک حجم کاملاً خلاقانه و خارق العاده و بدیع تلقی شده و مکمل فضای طبیعت به شکا هماهنگی طراحی شده است.

■ پلان آن مربع می باشد که در بین بی نهایت اشکال منظم و نامنظم، بیشترین تأثیر برای ایجاد تعادل و آرامش را در انسان دارد. زیرا چهار ضلعش بر چهار وجه انسان منطبق شده و در او ایجاد سکون می نماید و برآیند محورها و قطرهای آن نیز به صفر می رسد و هیچگونه جاذبه حرکت ایجاد نمی نماید و می تواند انسان را در کانون فضا کاملاً آرام نگه دارد.



نمودار شماره ۲- حرکت انسان در سعی بین کوههای صفا و مروه (انسان متحرک- نقطه دید هم متنوع و متغیر و متحرک)

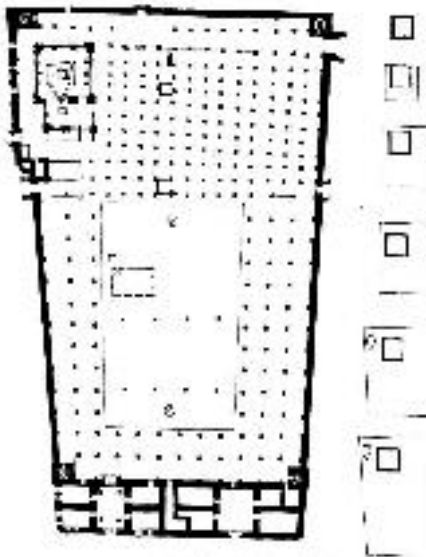
■ حجم مکعبی آن از داخل با مساوی بودن طول و عرض و ارتفاع و نیز با یالهای قائم خود، هم انسان را تعادل می بخشد و هم به حالت قیام نگه می دارد.

■ پوسته داخلی آن بدون روزن حریم مناسبی است که نگاه انسان را از افق (سیر در آفاق) بر می گیرد و فضا را مناسب برای تأمل و تذکر و حضور قلب (سیر در انفس) و عبادت می نماید.

■ ابتدا سقف نداشته و بی نهایت آسمان را بر سر داشته است. در واقع فضا چشم از افق بسته و در صورت لزوم، انسان می تواند چشم بر آسمان بگشاید.

■ در مجموع فضای خانه کعبه، در مقابل فضای طبیعت که بهترین فضا برای سیر در آفاق است، بهترین فضا برای حالت تمرکز و توجه و تذکر و تعقل در انسان بوده و می تواند مقدمه مناسبی برای حالت خودآگاهی و دعا و نیایش و حالت حضور قلب و سیر در انفس و سیر و سلوک الی الله و وصال حضرت حق باشد.

■ در مجموع انجام حج در **بیت الله الحرام** (حج ظاهر)، و سعی بین صفا و مروه فضای مناسب **سیر در آفاق** و فضای خانه کعبه فضای مناسب برای **سیر در انفس** و دو رکعت نماز در پشت مقام حضرت ابراهیم (ع) فضای مناسب **شهود و زیارت حضرت حق** می باشد.



تصویر ۱- مسجد النبی، مدینه، سیر توسعه آن در طول تاریخ، از کتاب معماری مساجد جهان، تألیف: امجد بهومیل پروچازکا ترجمه: حسین سلطانزاده

۲- مهمترین ویژگیهای مسجد النبی

(ما كان لاهل المدينة و من حولهم من الاعراب ان يتخلفوا عن رسول الله و لا يرغبوا بانفسهم عن نفسه- ۱۲۰/توبه)

مردم مدینه و بادیه نشینان پیرامونشان را نرسد که از فرمان پیامبر خدا سرباز زنند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند.

- شهر یثرب، شهر کفر بود و با ایمان به خدا و تبعیت از پیامبر از نظر ماهوی شهر ایمان و برادری و وحدت گشت.
- از نظر کالبدی همه فضاهای شهر در جای خود محفوظ است، تنها فضای مسجد و خانه پیامبر(فضای عبادت و خانه امیر المومنین (ع) و حضرت فاطمه(س)) بر آن افزوده می شود، کالبد شهر (بصورت نسبی) اسلامی می شود.
- کالبد مسجد النبی همان کالبد خانه کعبه است، پلان مربع، بدنه ها حریمی است که فضای داخل را از خارج جدا می کند و چشمها را به داخل بر می گرداند.
- فضای داخلی دو قسمت شده است، سرباز با سقفی آسمانی و سرپوشیده نه با سقفی همانند کف زمین (که پیامبر با چنین سقفی مخالفت می نمایند)، بلکه همانند خیمه حضرت موسی(ع) دل به آسمان سپرده، سبک و کهکشانی (پیامبر فقط با سایه بانی از شاخسارهای درختی خوشبو موافقت می نمایند).
- خانه ها چون نگینی فضای مسجد را در برمی گیرد و از این میان تنها خانه پیامبر(ص) و وصی او علی علیه السلام بطور مستقیم به فضای مسجد النبی باز می شود.
- فضای مسجد خانه قیام و عبودیت خداست، که با هدایت رهبری معنوی رسول خدا محمد مصطفی(ص) و بدون تبعیض بروی همه گشوه است.
- در مجموع، شهر قدیمی و موجود یثرب بطور طبیعی فضای مناسب سیر در آفاق انسان ها بوده است و پیامبر فضای خودآگاهی و سیر در انفس و سیر و سلوک الی الله را با ساختن فضای معنوی و ملکوتی و درونگرایی مسجد النبی را بر آن می افزایند و خود سکان دار کشتی فلاح و رستگاری انسان های مومن می شوند.

۳- تغییر ماهیت آتشکده های چهار طاقی به فضای مسجد

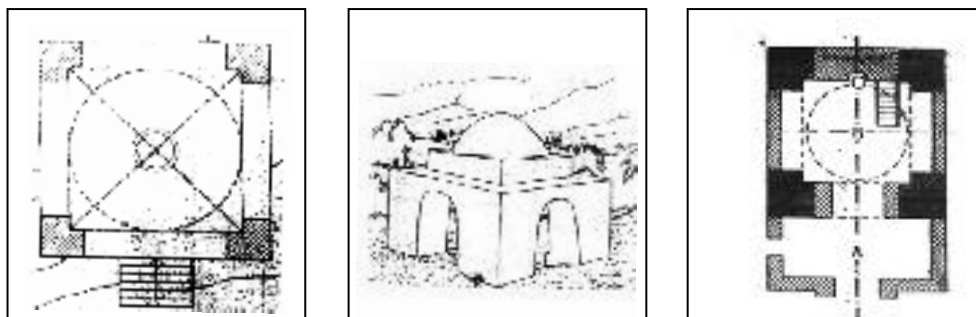
هنگامی که مردم ایران با تفکر و انتخاب خود از دین اسلام استقبال کردند، ایمان توحیدی بر جانشان نشست و مرزهای طبقاتی در سلسله مراتب حکومتی و اقتصادی و روحانی و علمی در هم شکسته شد و قلب هر انسانی کانون شعله ور آن آتش اهورایی و مقدس گردید و راه بی نهایت از انسان تا خدا از درون و جان او مایه گرفت و خدا با همه عظمتش دیرنشین معبد جانهای پاک و دلهای مصفا شد.

مسلمانان که برحسب طریق عقل و شرع از آنچه می توانست مفید باشد بهره می گرفتند و هرگز مجوز اعمال تعصبات جاهلانه و مغرضانه را نداشتند از ساختمان آتشکده ها تا آنجا که ممکن بود برای ایجاد مساجد و محل اجتماع مسلمین بهره برداری می کردند، منتها از نظر کیفی و ماهوی فضای آنرا کاملاً براساس اعتقادات توحیدی خود منقلب و دگرگون ساختند. در واقع با کمترین تغییرات فیزیکی بزرگترین تغییرات کیفی را در جهت هماهنگی با اعتقادات توحیدی خود به شرح ذیل به وجود آوردند:

- آتش و آتشدان را از مرکز و کانون فضای داخلی برداشتند و آنگاه فضای جدید و بیشتری برای حضور جمعی انسانها فراهم گردید.
- مردمی که قبلاً در خارج از فضا، نقش نظاره گر و منفعل و تماشاچی را داشتند، خود قهرمان داستان و حماسه ساز حادثه شدند، در طرح جدید فضا کاملاً متعلق به آنها شد، در واقع معبد و خانه خدا با خانه انسان ها و خانه قیام آنها یکی شده بود.
- جهت ضلعی را که به سمت قبله قرار می گرفت با دیوار و نماد قبله پوشاندند، تا چشم ها و نظرها از داخل به خارج سیر نکند و آرامش و توجه و تأمل نمازگزار برای سیر باطنی مهیاتر شود.

- از آنجا که لازم بود بین فضای پاک و آرامش بخش داخلی با مسیر نسبتاً آلوده و پر غوغا و هیاهوی خارجی کاملاً تفکیک شود و حریم هایی در این فاصله ها قرار گیرند، به ایجاد دیوارهای کاملاً پوشاننده و درها و درگاهها و سپس راهروها و حیاطهای داخلی و ایوان ها پرداختند.

تصویر ۲- تغییر ماهوی در تبدیل آتشکده های چهارطاقی به مسجد



نقشه همکف آتشکده

آتشکده چهارطاقی

مسجد یزد خواست

- از آنجایی که فضای داخلی چون گذشته فقط سن تئاتر برای اجرای نمایش توسط آتشبانان نبود و اسلام، استقبال و هجوم توده مردم را به مراکز عبادی می طلبید، به سرعت چهار طاقی ها از هر سمت که امکان پذیر بود توسعه یافتند و به شبستانهای بزرگ و تالارهای عظیم اجتماعی تبدیل شدند که تا آن زمان بدین صورت کاملاً بی سابقه بود و ساختمان های بزرگ، اختصاص به سلاطین و درباریان داشت نه توده مردم، آنهم با این وسعت و عظمت که تقریباً در تمام مراکز اجتماع و زندگی مردم در شهر و روستا ایجاد می شد.
- بعدها که شهرها توسعه می یافت، آتشکده های سابق که در خارج بافت و بر بالای بلندی ها قرار گرفته بود، به مرور توسط خانه ها و سایر مراکز فرهنگی و خدماتی احاطه می شد، از ارتفاع سطح ورودی و همکف آن نیز نسبت به گذرها و فضاهای اطراف کاسته شد، تا هر چه بیشتر حالت جذب و دعوت کنندگی خود را نسبت به جماعت و توده مردم افزایش دهد و از یک عنصر تزئینی و بتخانه ای و مجسمه گونه که می توانست موجب از خود بیگانگی انسانها شود، خارج شده و به صورت یک تالار اجتماعی - مذهبی در خدمت همه اقشار و طبقات مردم و مناسب صیورورت انسان باشد. البته مساجد جدید از ابتدا در آغوش مراکز پُر تراکم و تردد شهر ها ساخته می شد.

- هر چند در مدخل ورودی و همکف، ساختمان مسجد با اطراف خود هماهنگ و همسطح گردیده و با خشوع زمینه جذب و دعوت و پذیرش بیشتری را یافته بود، اما این نکته باعث نشد از عظمت و جلال و رفعت ساختمان کاسته شود. بلکه از خارج بلور کاشیها و ترنم رنگهای دلپذیر آنها در عظمت گنبدها و رفعت مناره ها و جاذبه و دلنشینی سردرها درخشید و از میان انبوه ساختمانهای شهر در حجم و رنگ و تبلور نور قلب روحانی شهر گردید

۴- مسجد در شهر مسلمانان

شهر اسلامی باید آباد باشد، مسلمانان شهر آباد و پر جمعیت را ترجیح می دهند. در طراحی شهری مسیرها و گذرهای عبوری بر بستر طبیعت و هماهنگ با آن هندسه ای بی نظم، آزاد و رها دارند و در کنار آنها فضای معماری از طبیعت برآمده، زمین پیرامون



تصویر ۳- میدان نقش جهان، مسجد عنصری

آنها و بدنه دیوارها هماهنگ با مسیر و درونگرا می باشند. بدنه ها و نماها در عناصر عملکردی مشابه از نظر حجم و ارتفاع و مواد و مصالح و رنگ نسبتاً هماهنگ هستند.

در مجموع بناها از خارج با خود هماهنگ و نسبت به فضای طبیعت حالتی مکمل و منظم تر و بدیع دارند. (نظم حاکم بر فضای معماری مظهری از نظم پیکر انسان در بی نظمی ظاهری طبیعت است).

شهر محل کار، مسکن و برخورداری از همه خدمات عمومی، بالاخص علم و عبادت است. عبادت برگزیده ترین فعل انسان و هدف از آفرینش اوست. جایگاه عبادت مسجد است و بزرگداشت شعائر الهی و یاد خدا. از این رو عناصر شاخص و نمادهای مسجد را می بینیم که برجسته و شایسته تر از همه عناصر دیگر شهری قد برافراشته و خودنمایی می کنند. گویی همه مانند تن هستند و او یک سر برای آنان، سایر عناصر شهری، بخصوص مسکن ها، سر در آغوش هم دارند و خط پشت بام را کم و بیش با هم می سازند، اما در این میان بنای مسجد شاخص و دعوت کننده و دارای کشش معنوی است.

۵- اجزا و عناصر مسجد

❖ گنبد و منار دو نماد اصلی در حجم خارجی مسجد

مهمترین نماد کالبدی مسجد از دور دو عنصر است، پوسته ای که آسمان را خیمه زده و به درون برده است و سر در درون دارد و در نقطه مقابل آن دستی از زمین که بر آسمان برآمده و به گُل نشسته است (گلدسته). گنبد رو به فضای درون و منار سر به آسمان بیرون، تمثیلی از دو سیر انسان، سیر در آفاق و سیر در انفس، و تمثیلی از فضای مناسب برای خودسازی و خودآگاهی (شبستان) و فضایی مناسب پیام رسانی و جامعه سازی (منار)، تعهد در مقابل از قوه به فعل در آوردن استعدادهای فطری فرد و مسئولیت در مقابل امت است.

گنبد مسجد یک پوسته است، همچنان که همه پوسته ها، مغز ها را در بر می گیرد. پوسته ها شکلی محدب و قرینه دارند. پوسته گنبد حضور انسان عابد را، حفظ شده است، و قبل از آن که خود را به نمایش مستقل بگذارد، به هسته انسانی خود اشاره دارد. رنگ های روشن، صیقل یافته و شفاف گنبدها، گویی خورشید را در کمند خویش دارد. در متن رنگ بی تفاوت و ساده کاهگل و آجر نشسته، گویی خبر از آفتاب درون مغز خود می دهد و دهان گشوده **منار مسجد**، آنقدر بالا آمده که گُل بانگ اذانش هم شهادت بخواند و هم به شهادت بخواند.



تصویر ۴-ق، منار مسجد اعظم

چون **پیام اسلام جهانی بوده** و در طول تاریخ برای همه انسان ها و برای رستگاری آنهاست، لذا برای همه انسانها بر بلندای منار فضا چنان طراحی می گردد که پیام در تمام جهات منعکس شود، هر خفته ای را برانگیزاند، بنابراین پلان منار دایره می شود و پنجره های همیشه باز پیرامون آن به هر طرف گشوده است.

بهترین پیام در قالب کلام است، آنچنان که خداوند با ما سخن گفت و بهترین پیام آور، انسان کامل است. بنابراین بر بلندای منار نه مجسمه قرار می گیرد و نه آتشی و نه هر چیز دیگر... بر بلندای منار فقط فضایی برای حضور انسان طراحی می گردد که به آن فراز آید و کلام حق را بر خروشد و به گوش افراد بشری رساند.

- عظمت در حقیقت کلام الهی است، بنابراین از عظمت های کاذب و مادی پرهیز می گردد، پس منار در حد اعتدال و با حداقل مصالح، متین و محکم و استوار بنا می گردد.
- در اسلام اصلی است که نباید به دیگران ضرر و زیان رسانید (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) بخصوص همسایگان، و نگاه کردن در خانه همسایه بدون اجازه او حرام است، پس منار در حدی بالا می آید که مزاحم همسایگان نباشد.

❖ انتخاب زمین مسجد در بافت شهری

مسجد در بافت شهری در کجا قرار گرفته است، بالای کوه و مشرف بر شهر، در زیر کوه و در قلب صخره های خارج شهر، در خلوت پارکها و حوزه های اطراف یا در پر ازدحام ترین و متراکم ترین نقاط جمعیتی شهر؟ آنجا که بیشترین قلبها می تپد و انسانها بارعام می دهند، **زمین مسجد** در قلب شهر آنجا که راه ها و گذرهای اصلی و تراکم خانه هاست انتخاب می شود.

بهترین مسجد برای نماز در شهر مسجد جامع است، آنجا که امامش امام جمعه است و امام افضل است و جمعیتش افزونتر می باشند، پس راهها و تراکم بافت به آن سمت می رود و توسعه و احیاء شهر از آن نقطه اوج می گیرد.

در مجموع شکل و ابعاد زمین مسجد تابع امکانات بافت و نیازهای توسعه درونی است و علی رغم بسیاری از معابد، زمین و حجم خارجی آن الگوی تقلیدی و تکراری ندارد و در جایی که زمین کافی و افقهای اطراف آن باز باشد، میل به نظم و تا حدی قرینه سازی برای ایجاد حجم و فضایی بدیع و مکمل فضای طبیعت دارد.

❖ مسجد و سایر خدمات شهری

- علم و معرفت همیشه سکوی پرواز ایمان بوده است و اندیشه و ذکر خدای عزیز سرآغاز سیر و سلوک عرفانی است ، پس مسجدها کاربری مدرسه هم می توانند پیدا کنند.
 - هدایت هرگز بدون رهبری معنوی ، امتی را تشکیل نمی دهد و استوار نمی دارد، حال که حسینها مظلوم و شهید تاریخند، حسینیه ها در کنار مساجد ساخته می شوند تا غصب کنندگان حق آنان تثبیت نشوند و مردم امام زمان خود را بشناسند و در جهل و بی خبری و به مرگ جاهلی نمیرند.
 - **دنیا مزرعه آخرت است** بنا بر این باید با سیر در آفاق و انفس پس از خودسازی و تلاش برای یک زندگی معنوی به نتایج آن در آخرت امیدوار باشیم. پس هر جا امور دنیای مردم سامان می یابد، همانجا مسجد ساخته می شود، و بدین طریق نیازهای عمومی و خدماتی مردم برآورده می گردد.
- از آنجا که رهبانیت و ترک لذات دنیا ، سنت پیامبر خاتم نیست بازار با همه اجزاء و عناصرش نیازهای مردم را از خانه تا مسجد و از مسجد تا خانه (یعنی همه نیاز های خدماتی و مادی و معنوی را) تامین خواهد نمود.

❖ حریم قدسی مسجد

مسجد همچون کعبه، خانه محترم و فرخنده خدا و خانه هدایت و قیام انسانهاست. پاره ای از بهشت در زمین و خانه امن و محترم است پس حریمش از سایر فضاها ی شهری جدا می گردد و از آنچه پلید است دور نگه داشته می شود. احکام شرعی در این مورد حدود آنرا مشخص نموده است.

❖ بدنه ها و حجم خارجی مسجد

حجم خارجی مسجد هر شکلی که داشته باشد، در ابعاد و نقشه زمین تابع بافت شهر و امکانات موجود است و هر جا لازم شد و از هر طرف امکان بود بر سطح بنا و محوطه مسجد افزوده می گردد.

با هر زمینی، هندسه لازم سامان می یابد، بدنه های خارجی، استوار و متین و هماهنگ با بدنه های سایر ساختمانهای شهری و همچون اندام انسان برآمده بر زمین ساخته می شود. حاشیه دیوارها از مصالحی است که هم ساختمان را از عوارض طبیعی حفظ کند و هم بدنه ها را از زمین جدا سازد، جرزها به شکلی طولی دیوارها را تعیین می بخشند، آنچنان که بر زمین قیام کرده باشد. کتیبه ها عروج فیزیکی جرزها را تعادل می دهند، آنچنان که خط آسمان از ظرافت و زیبایی مادی یا معقول خالی نباشد. پنجره به بیرون برای دید، لازم نیست، چرا که باید دیده بر دل نشیند تا بارعام یابد و هواکشها و روزنها دور از دسترس دید و منظر قرار گرفته اند و شبکه ها از غلظت و شدت نور آن می کاهند. در مجموع نماسازی بدنه ها ساده، بی پیرایه و در حدی که جدار خارجی از حد یک پوشش و حفاظ برای فضاها ی داخلی خارج نشود و چهره خود را به سوی ورودی بازگرداند صورت می پذیرد.

❖ جایگاه نماد ورودی در بدنه های خارجی مسجد

اگرچه بدنه خارجی ساده و بی آرایش باقی می ماند، اما همه جلب توجه و جاذبه خود را به ورودی مسجد می بخشد.



تصاویر ۵ و ۶- ورودی مسجد جامع یزد و ورامین، دعوت و تعظیم حضور انسان در فضای ورودی مسجد

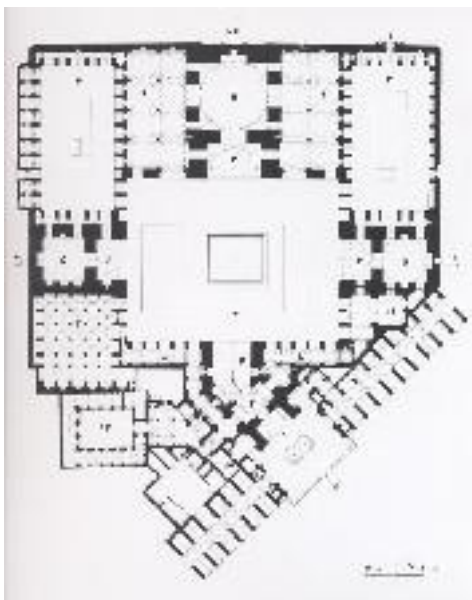
چراکه انسان را تماشاچی و رهگذر نمی خواهد، خانه خدا برای حضور آگاهانه اوست، فضای ورودی چون چتری دلپذیر و چون شاخساری سربهم آورده، برای دعوت و تعظیم حضور انسان آغوش برگشوده است. سطح صاف زمین و میل آن به فرود در عمق، قطره را به دریا می خواند. ساقها برآمده و متناسب با حالت قیام انسان است و قوس سر در مظهری از بی نهایت آسمان سر در از خط آسمان بدنه های مسجد سری برآورده و بر پیکر خود کتیبه ای بر فراز آورده تا ورود بی اذن و نام خدا نباشد. نور و رنگ و بافت و هندسه و نقش به تزئین خاک و سنگ نشسته و زیبایی کلام قدسی زیبایی معقول را بر زیبایی مادی افزون نموده است. نظم هندسی در نمای ورودی، همچون پیکر انسان در خط افق، قرینه و همسنگ است در حالی که در خط عمود بر زمین چیزی قرینه نیست. در مجموع فضای ورودی تشبیهی است از فضای آفرینش، که این خود مظهر صیورت انسان کامل، از خاک تا خدا است. توکشیدگی درب ورودی، متواضعانه، انسان را به داخل فرا می خواند.

نسبت بلندتر طول به عرض ایوان، ورودی را در دسترس قرار می دهد و هندسه برافراشته بدنه ها نهایتاً با هندسه کهکشانی رسمی ها و مقرنس ها، فضا را از جهان کثرت تا ابدیت و از زمین تا آسمان تمثیل می کند و این همه چتری می شود زیبا و شاخسار و سایه بانی پرشکنج که بر سرانسان خیمه زده است و در مجموع مهمان پذیر، دعوت کننده، امنیت بخش است که صفات جلال و جمال حضرت حق را با هم متجلی نموده است.

❖ ضرورت ایجاد حریم ها و عرصه ها بین فضاهای بیرونی و درونی مسجد

اگر فضای بیرون فضای سیر در آفاق و شناخت طبیعت و فضای تحرک و تنوع و تغییر یعنی جهان کثرت است، فضای درون باید فضای تامل و توجه و تذکر و حضور قلب (برای خودآگاهی و سیر در انفس) باشد و در عین حال مسجد مردمی و در کانون جماعت باشد، پس معمار باید معجزه گر باشد و روز و شب را در کنار هم بی تزاحم به طراحی آورد. این مهم از طریق حریم ها و مفصل های متعدد و متنوع در طراحی معماری ظاهر می گردد.

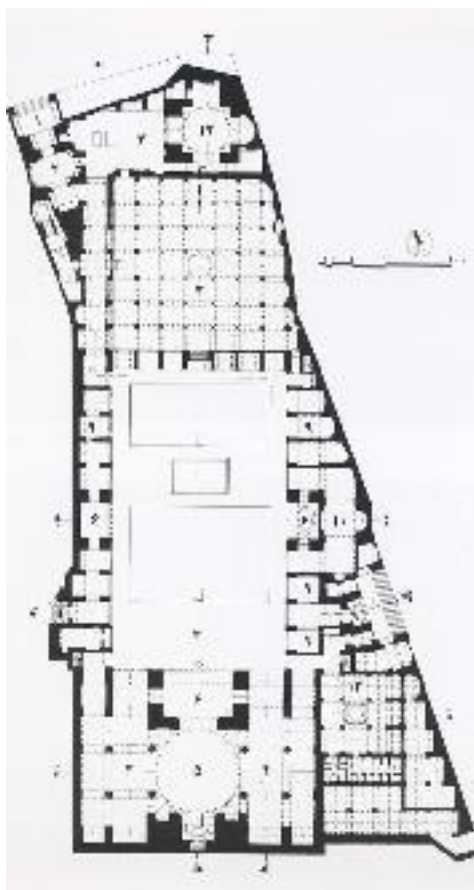
در میان ایوان ورودی ارتفاع کوتاه و قاب متناسب و قطر کافی دربهای چوبی، حریم داخل را حفاظت می کنند. و هشتی ها و راهروهای متعدد تاریک و نیمه تاریک و پیچ و خمهای مسیر آنها به سوی صحن، جداسازی کامل فضای بیرونی و درونی را به عهده دارند.



تصاویر ۸ و ۷- اصفهان، مسجد امام- حریم سازی در فضای درونی مسجد

❖ تغییر جهت از محورهای متنوع بافت به سوی قبله

جهت گیری هندسی در فضاهای عبوری تابع نشیب و فراز زمین و دامنه پر موج و نامنظم طبیعی است و این بی نظمی و کثرت متنوع جهت ها، حتی قطعه بندی های زمین را نیز بی نصیب نگذاشته است و تابع هیچ مرکز و جهت واحدی نیست و نگاه را به هر طرف می کشاند و می گریزد و سیر در آفاق را برای انسان تسهیل می بخشد و زمینه تغییر و تنوع و تکثر دید را فراهم می نماید.

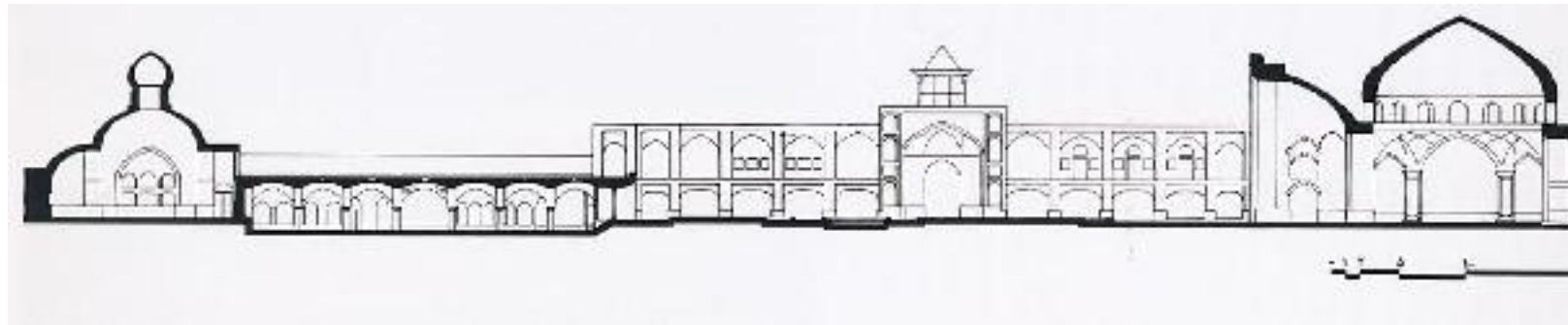


اما در **مسجد جهت تغییر می کند** و این خود بر غنای هندسی بافت می افزاید، جهت واحد می شود و تمام مولکول های فضایی را به نظمی بر حول محور خود فرا می خواند. پلان نظم می یابد و حول محور قبله تعادل می گیرد و ورودی ها و ایوانها و فضاهای اصلی و فرعی بر حول این محور ارزش گذاری می شوند. این امر سرآغاز جداسازی نظم فضایی داخل از خارج است و مقدمه ای برای ایجاد توجه، تمرکز و باروری اندیشه و ورود به مولکول های فضاهای داخلی که دارای تمرکز و استقلال و نظمی خاص می باشند.

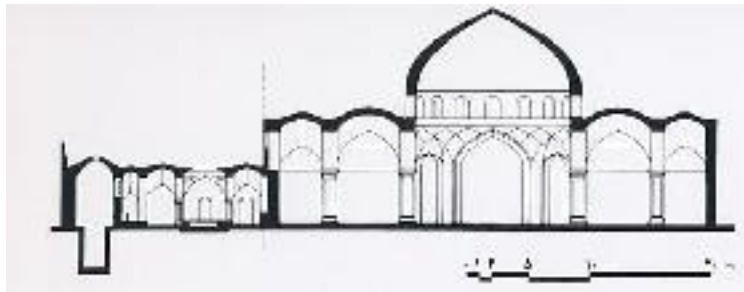
❖ تنوع عرصه ها و فضاهای داخلی مسجد

عرصه های داخلی از دو فضای اصلی سرباز و سرپوشیده تشکیل شده اند. وقتی در مسجد بدنه ها از خارج حریم می گیرند و روزنها و پنجره های خارجی به حداقل ممکن می رسند، این بنا همچنان از منظر آسمان و ظهور روشنایی و کوران باد و آب و سبزه محروم نمی گردد و حیاط داخلی بدون مزاحمت های همجواری این همه را در خود گرد هم می آورد.

فضاهای سرپوشیده محدودیتی ندارد و هر آنچه را که نیازهای مذهبی، فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جماعت طالب باشد و ظرفیت ها و امکانات بپذیرند و در موارد مشخصی منع شرعی و کراهت نداشته باشند، در جامع جمع می شوند و مدرسه ها، حجره ها، کتابخانه ها، حسینیه ها و... مجموع فضاهای مورد نیاز برای امور خدماتی و بهداشتی و... ایجاد می شوند.



تصویر ۹- اصفهان، نقشه همکف و مقاطع مسجد رحیم خان، تنوع فضاهای مورد نیاز در مسجد



❖ درجه بندی و ارزش گذاری فضاهای داخلی

فضاهای داخلی بر حسب ارزش و جایگاه خود درجه بندی شده و در نقشه همکف پلان جایابی می شوند. محراب و فضاهای عبادی، ایوانهای اصلی که محل ورود به شبستانها و گنبد خانه ها می باشند، در کانون محور قبله و محور تقاطع آن قرار می گیرند، دربها و ایوانهای فرعی و رواقها و ورودی های سایر فضاهای داخلی در اطراف آنها قرار می گیرند، فضاهای خدماتی و ارتباطی در کنج ها و در دورترین نقطه از محور مرکزی جایابی می شوند.

فضاهای خدماتی، بهداشتی، وضوخانه ها، حتی المقدور از صحن اصلی و حیاط مرکزی کنار می کشند و در اطراف درب ورودی و حیاطهای فرعی و زمین های ناقص جایگزین می گردند در این نظم و آرایش هندسی آنچه که بیش از همه به چشم می نشیند فضاهای اصلی و عبادی است.

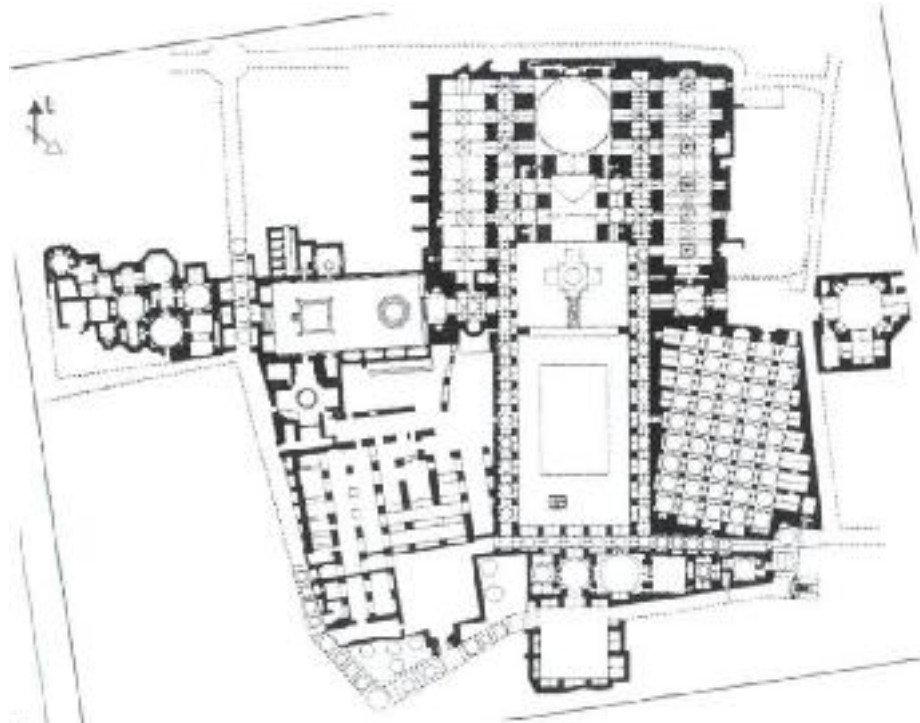
❖ هندسه همکف شبستان های مساجد

هندسه اصلی هسته های فضایی در همکف مساجد، همچون کعبه و مسجد النبی مربع است، در بین بی نهایت اشکال منظم و نامنظم هندسی مربع مناسب ترین شکلی است که انسان را از نظر فیزیکی آرام و متعادل نگه می دارد، زیرا اولاً چهار ضلع آن با چهار وجه انسان منطبق می شود و همچون پنج ضلعی یا دایره یا اشکال نامنظم انسان را تشویق به حرکت نمی کند و ثانیاً از آنجا که برآیند طول و عرض و اقطار آن در یک نقطه و در مرکز قرار می گیرد در انسان هیچ نوع جاذبه حرکت و توجه به اطراف ایجاد نمی کند. با حضور انسان در مرکز فضا، انسان قطب و کانون فضای داخلی می شود.

گسترش این هسته اصلی، بزرگ و کوچک شدن مقیاس آن از هر طرف، برحسب شرایط و ضرورت های متفاوت هیچ مانعی نمی یابد و محدودیت و تعیین خاصی از نظر توسعه در هر جهت ندارد و فقط فضاها باید بتوانند اتصال نمازگزار را با جماعت و امام

فراهم کنند. این گسترش با توجه به افزودن عناصر فضایی مستقل در کنار فضای اصلی مقیاس و هویت هندسی فضای اصلی را بر هم میزنند.

تناسبات اصلی و هندسی عناصر فضایی شبستان مسجد در همکف همیشه مربع باقی می ماند و اگر شکل دیگری که حداکثر مستطیل می باشد اتفاق افتد با استمداد از چرخندگی های توازن بخش و هندسه فضایی مناسب در سقفها، معمار سعی می کند در فضا به تاثیر شکل مربع نزدیک شود و در مجموع فضا را از نظر فیزیکی آرام و متعادل گرداند. در این توسعه و گسترش همیشه هر مولکول فضایی استقلال خود را باز می یابد، در حالی که با تمام وسعت لازم با سایر فضاها هماهنگ و وحدت بخش است. اگرچه خواندن صیغه برای مسجد شرايطی را از نظر حقوقی و شرعی برای زمین مسجد ایجاد می نماید ولی مبنای آن برای نمازگزار در اتصال انسان به جماعت و امام است.



تصویر ۱۰- یزد-مسجد جامع، معمار سعی می کند در فضا به تاثیر شکل مربع نزدیک شود و در مجموع فضا را از نظر فیزیکی آرام و متعادل گرداند.



تصویر ۱۱- منبر و محراب مسجد جامع اصفهان

❖ عناصر اصلی و شکل دهنده داخلی شبستان

منبر مظهر رابطه هدایتگری و موعظه امام است با امت، بنابراین در این جهت شبستان به نحوی گسترش می یابد که عامه نمازگزاران بتوانند مخاطب در دسترس و آشنای امام باشند و امام بر منبری فراز می آید تا ذکر و پیام را بهتر به آنان منتقل نماید و قدرت توجه و تفکر و تعقل و مخاطبین را که مقدمه حال دعا و نیایش و حضور قلب است، برانگیزاند و تعهد متقابل امام و امت تسهیل شود.

در این نظام هندسی **امام** در مقابل امت قرار می گیرد و شبستان از

نظر طول و عرض و از نظر تداخل فضاهای داخلی به نحوی گسترش می یابند که این رابطه حتی المقدور فراهم بوده و تضعیف نشود. **صف جماعت** مظهر ارتباط جمعی و بی واسطه همه انسانهای مؤمن با خداست. بنابراین با توجه به استحباب پرکردن صفهای جلو و طویل بودن آن و استحباب تعداد بیشتر نمازگزاران با هم ادغام می شوند و علی رغم استقلال فضایی خود به صورت منظم از هر طرف گسترش می یابند.

محراب، یک فضای مستقل نیست، یک نشانه و یک جهت به مفهوم یکی بودن هدف و یکی بودن سیر متعالی انسانها است. در هر کجا که هستی و هر که می باشی، تجلی این مفهوم علی رغم واحد بودن مکانش یعنی خانه کعبه که در فاصله بعید است و نمود مادی و حضوری ندارد، باعث شده است هندسه همکف از تمرکز حول یک نقطه محدود رها شده و حول محورهای عمود بر هم با سر زندگی و آزادی به هر طرف که ضرورت یابد گسترش گیرد و بر استقلال هسته های فضایی و تقدس هم نوای مجموع فضاهای شبستان بیفزاید.

❖ هندسه مقاطع و عناصر فضایی

هر **عنصر فضایی** که بر پایه مربع قد می افزارد، تا ارتفاع نزدیک به یک مکعب (تساوی طول و عرض و ارتفاع) بر پیکر جرزها و ستون ها قیام می نماید.

ارتفاع این عناصر فضایی از مقیاس انسان دست برافراشته پا می گیرد تا طول و عرض و ارتفاع بزرگترین گنبد خانه ها شکل می گیرد اما همیشه سقف آنها تمایل به آسمانی شدن دارد.

سقف ها تمثیلی از فضای لایتناهی و کهکشانی آسمانها می شوند و دامن و چتری بر زمین و در هر حال مرکز ثقل فضا را به داخل بر می گردانند.

اگر زیر پای انسان صاف است، فضای کهکشانی سقف ها تخیل برانگیز و اندیشه زا می شود و مجموعاً در هر عنصر فضایی کفها همچون زمین هموار و دست یافتنی، بدنه ها همچون طبیعت بر زمین قیام کرده و **سقف ها تمثیلی از آسمان** می شود. این تنوع و کثرت در نهایت به خورشید وحدت زا و دایره شمس ختم می شود یا به تعبیری از خورشید و دایره واحد و گسترش یابنده همه اشکال و فرمهای کثیر ظهور می یابد. همچنان که ظهور ظاهری همه پدیده ها در زمین از ذات نورانی خورشید است و بی وجود او ظلمات شب. سیر از ظاهر به باطن، از زمین به آسمان، از محدود به نامحدود و تمثیلی از سیر مخلوق به خالق و حرکت جوهری انسان تلقی می شود که **وجه مشترک سیر و سلوک همه مومنان** از عالمان و عابدان و هنرمندان و سایر صنوف می باشد.

❖ استخوان بندی و ساختار مسجد

واقعیت پذیری، استحکام، صرفه جویی و مفید بودن اجزاء و عناصر ساختمان از مهمترین اصولی است که **ساختار سازه و پیکر بنا** را سامان داده است. قدرت خلاق و اعجاز انگیز فنی و مهندسی، معمار را آنچنان توانا نموده که با کمترین امکان یعنی از توده خاک، خشت و آجر، بسازد و خاک را مقاوم نموده و سنگ کند و با ابعاد کوچک و دست آورد بیش از یکصد برابر خود را پوشش دهد و امروز نیز این شگرد در نوع خود تیزهوشی، خلاقیت و توان بسیار بالای علمی و فنی را می طلبد.

انتخاب شکل مربع در پلان که حول نقطه مرکزی پایه های قرینه می یابد در خدمت این مفهوم که هر عنصر فضایی باید در مجموع مستقل، وحدت بخش و تمرکز آفرین باشد، معمار را در ساختن فضای داخلی بر حول محورهای مرکزی آن به شکل قرینه هدایت می نماید و این امر بهترین زمینه را برای انتقال طبیعی و متوازن و متعادل کلیه نیروهای ساختمان فراهم نموده است. نیاز به گشایش سقفها و دل بازی آن که سقفها را پر دامنه و محدب نموده است، خود بهترین وسیله ای می شود که نیروهای عمودی از کانون مرکزی به شکلی قرینه و متوازن و متعادل به سوی چهار ضلع خم شوند و هر جا که تداخل فضاهای داخلی ایجاب نماید، متقابلاً با قوسی دیگر از روی اضلاع مربع به سمت نقاط تقاطع برگردند و با کمترین تراکم در حجم پُر ساختمان و به کمک ستونهایی ظریف و توانمند، شبستانی یک پارچه و فراگیر در کف ایجاد نمایند.

شکل گیری منطقی و متناسب و اعجاب انگیز سقفهای داخلی واقعاً قضاوت را مشکل می گرداند که هنر خلاق و زیبا آفرین معمار، این رسمی ها و کاربرندی ها را بدین صورت طراحی نموده است یا واقعیت های التزام آور انتقال نیروها در سقف و شاهکار معمار ما در هماهنگی هنر طراحی با فن ساختمان در همین نکته نهفته است.



تصویر ۱۲- رسمی بندی و کاربرندی در معماری مسجد

در مجموع استخوان بندی و ساختار بنا در پوشش خارجی تابع مقیاس اطراف آن و نیاز طراحی شهری و مسائل متنوع اقلیمی و هنری است و از داخل تابع مقیاس فردی و جمعی انسان و تعادل طولها و عرضها با ارتفاع مناسب آنها است.

مهمترین ویژگی در استخوان بندی و سازه بنا، تنوع، حالت پذیری، نوآوری و قدرت شگفت انگیز و بی بدیل هندسه سقف ها در تسخیر فضا و شکل بخشی آن است.

هندسه اعجاز آمیز رسمی ها، کاربرندی ها، مقرنس ها و معمار را توانا ساخته دو شکل بسیار نامتجانس مربع و دایره را در فضا با ظرافت کامل ترکیب نماید و خطوط و سطوح عمودی را با زیباترین حالت با خطوط و سطوح منحنی سقف پیوند دهد. و در مجموع ضمن حفظ استخوان بندی و ساختار کلی فضا، راه را برای هر نوع ابداع و ابتکار مناسب تا بی نهایت باز بگذارد.

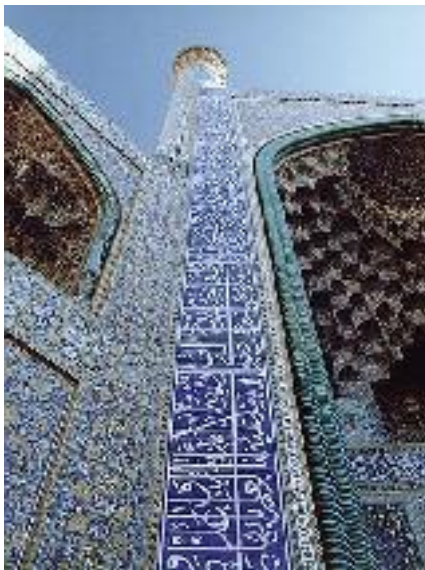


تصاویر ۱۳ و ۱۴- اصفهان، مسجد امام

❖ تزئینات مناسب و نامناسب در مسجد

اگر شیطان تعهد نموده است که با تزئین کردن آنچه زمینی است و آنچه در زمین است، زخارف دنیا را در مقابل انسان بیاراید و انسان را با دلباختگی به دنیا بفریبد^۱ و او را اسیر و زندانی حصار تنگ دنیا زدگی گرداند اما **معمار از خداوند الهام می گیرد** که آسمان تاریک را به زینت پاره های نور می آراید. ستارگان روزنی به باغ ملکوت می شوند و چشم انسان روشن و دلش سرشار از امید به رفتن و شدن و رسیدن و وصل می شود.

^۱ اشاره به سوره مبارکه حجر آیه شریفه ۳۹



تصویر ۱۵- اصفهان، مسجد امام- استفاده از کلام و عناصر تجریدی در تزئین بدنه ها

معمار سعی می کند با استفاده از عناصر کاملاً تجریدی نظیر کتیبه بندی و ایجاد بافت های متنوع هندسی و نقوش اسلیمی و به کمک رنگ و نور و شفافیت و ایجاد ابداع و تنوع در ساختار کلی و استخوان بندی بنا، کدورت و محدودیت عناصر بکار برده شده در سفت کاری بنا را از بین برده و ضمن برخورداری متناسب از زیباییهای مادی، فضا را سبک، بسط یابنده وحدت بخش و بی وزن نموده و فضایی رها از زمان و مکان و ازلی و ابدی بوجود آورد.

در این فضای معنوی و برانگیزاننده و آسمانی، معمار با استفاده از زیباییهای معقول در کلام خدا و کلام معصوم انسان را به توجّه و تأمل و تذکر می خواند تا به سرمنزل تعقل نشیند و در عرصه لایتناهی زیباییهای معقول، محرم راز شود و لایق حضور، دیده بر دل نشاند و برای وصال حضرت یار به نماز آید.

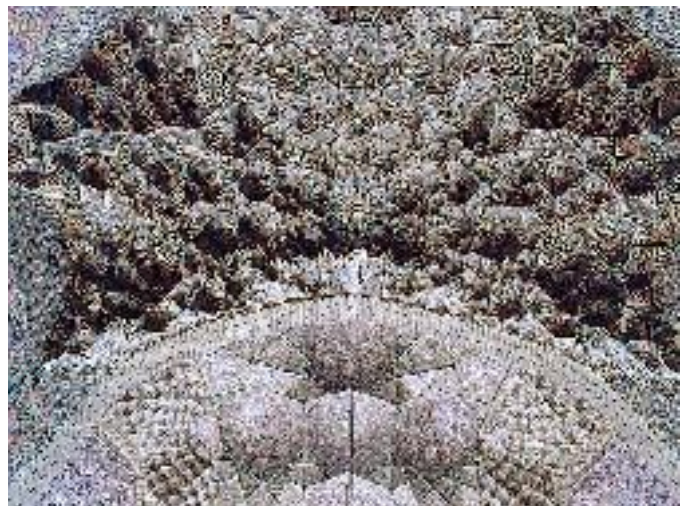
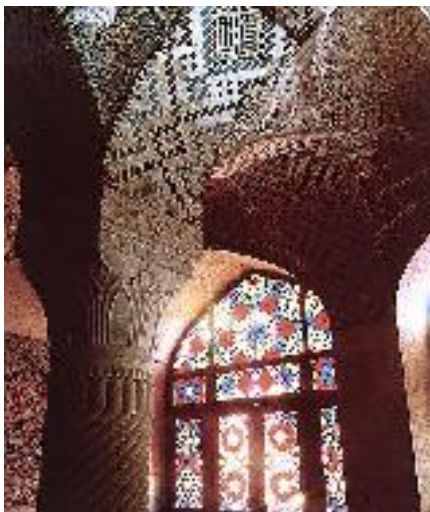
❖ نور و رنگ در مسجد

در کاربرد نور و رنگ نیز معمار از فضای طبیعت محاط بر انسان بخصوص

رنگهای آسمانی الهام می گیرد. **تا آنجا که بتوان از رنگهای ملایم، عمیق، هماهنگ و**

آرامش بخش همچون آبی روشن آسمان و سپید ابرها که رنگی بهشتی است استفاده

می شود اما آنجا که اراده بر انتخاب بیشتر رنگها است، رنگهای تند و کدر در کف و هر چه به سقف نزدیک تر شویم رنگها ملایم تر، روشن تر و هماهنگ تر و شفاف تر می گردد در بکاربردن رنگ و نقش در کف، رنگین ترین تابلوهای نقاشی جهان در قالب قالی، همچون مزرعه طبیعت در زیر پای انسان مفروش است و نزدیکتر به سقف یکرنگی و یگانگی و هماهنگی و روشنی و شفافیت ایجاد شده است. **اگر رنگهای تند و متفاوت در افق قرار گیرد**، آنچنان در پیچ و تاب نقوش می لغزد و می آمیزد که تفاوت و خودنمایی رنگها خیره گی ایجاد نخواهد کرد و هماهنگی و وحدت آنها تمرکز را نخواهد گرفت. در تعادل بکارگیری رنگها بیرنگی ایجاد می گردد که روشنی و ظهور نور و شفافیت را که صفت خداست به ظهور می رسانند و روشن و شفاف می نمایند. در مجموع بدنه های داخلی نظیر بدنه ها و نماهای خارجی در حد یک پوشش و حفاظ باقی می ماند تا فضا همچنان مخاطبی جز انسان حاضر در صحنه نداشته باشد.



تصاویر ۱۶ و ۱۷- کاربرد نور و رنگ در مسجد نصیرالملک

۶- معیارهای زیباشناسی مساجد

در مجموع هنر معماری ما که اوج آن در ساخت مساجد و بخصوص زیارتگاهها تبلور و ظهور یافته است از نظر ابعاد و صفات حسن و زیبایی، تجلی جمیع صفات جلال و جمال الهی است و با توانی حیرت انگیز توانسته است جامع صفات حسن را به تعادل و وحدتی قدسی و اعجاب برانگیز برساند.

از نظر انواع زیبایی، این معماری ضمن برخورداری مناسب و بجا از زیباییهای مادی به سمت زیباییهای معقول و ملکوتی اوج می گیرد و فضایی سبک، بی وزن، بسیط و وحدت بخش و نورانی خلق می نماید. این فضا دامن پر مهر و زمینه مساعد سیر انسان از جهان کثرت به ساحت وحدت بخش ربوبی می تواند باشد، آنچنان که مؤمن در فضای مسجد بتواند مثل ماهی در آب شناور باشد^۱.

۷- طراحی مساجد آینده

▪ در مورد محتوی و مفهوم

ملاحظه شد که مفاهیم و ارزشهای انسانی از آنجا که متعلق به ساحت فطرت انسان و سیر تعالی بخش او است محدود به زمان و مکان نبوده و برای همیشه قوانین تابع سنتهای حاکم بر صبرورت انسان می باشد و در آینده بیش از امروز مردم جهان نیاز به آنرا که در اسلام بطور کامل تبیین شده، احساس نموده و طالب آن خواهند بود. (در ضمن هر مفهومی می تواند در بی نهایت کالبد مادی بروز و ظهور نسبی و تمثیلی داشته باشد) بنابراین زمینه ابداع و خلاقیت و نوآوری تا بی نهایت باز است.

▪ در مورد کالبد بنا

می دانیم کالبدها متعلق به شرایط مکان و زمان و خلاقیت و نوآوری می باشند اما این وابستگی نسبی است و از کلی ترین و مجردترین آن یعنی شاکله های کلی فضایی و کاربردهای هندسی در فضای معماری - با استفاده از نمادها و کهن الگوها که بیشترین تجرید را دارند- شروع شده و در ادامه به ابعاد و عناصری از کالبد می رسند که کاملاً وابسته به شرایط زمان و مکان است، نظیر مواد و مصالح، تکنولوژی زمان، شرایط اقلیمی و اقتصادی و غیره، که باید طراح با توجه به آنها فضا را سامان دهد. بار دیگر بر این نکته تأکید می نماییم که در این مقاله تلاش نموده ایم از عناصری از کالبد در تحلیل ها استفاده کنیم که مجرد و کمتر وابسته به زمان و مکان خاص باشند و بتوان در طراحی های آینده از آنها بیشترین الهام گرفت.

او خانه همی جوید و من صاحب خانه	من یار طلب کردم و او جلوه گر یار
مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه	مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
شیخ بهایی	

پرسش ها و پژوهش ها (مقاله چهارم)

- ۱) **خاستگاه ارزش ها و مفاهیم** در هنر و معماری اسلامی را بیان کنید؟
- ۲) **شکل ها و کالبدها** در هنر معماری چه نقش و تأثیری دارد؟
- ۳) **نیایش** به کدام نیاز انسان پاسخ می دهد . با استفاده از آیات قرآنی و کتاب مفاتیح الجنان در این باره تحقیق نمائید؟
- ۴) چه تفاوتی بین **مذاهب شرک و دین توحید** وجود دارد؟
- ۵) **جایگاه معنوی مسجد** در اسلام را توضیح دهید؟
- ۶) مهمترین ویژگی های **فضایی خانه کعبه** را به اختصار بیان کنید؟
- ۷) در آیه مبارکه : (جعل الله الکعبة البیت الحرام قیماً للناس - ۹۷/مائده) در باره **قیام** در آیه تحقیق نمائید؟
- ۸) **در نمودار شماره یک** خانه کعبه چگونه فضایی استف رابطه انسان با کعبه چیست؟
- ۹) **در نمودار شماره ۲** حرکت انسان در سعی بین دو کوه صفا و مروه در مکه در ایام حج ، چه مفهومی دارد و نشان دهنده چه حالتی است؟

^۱ اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم(ص)

- ۱۰) **ویژگی های** مسجد النبی را بیان کنید؟
- ۱۱) مسلمانان با چه تغییراتی **فضاهای آتشکده های چهار طاقی** دوران ساسانی را به **مساجد** تبدیل کردند؟
- ۱۲) **شهر اسلامی** دارای چه مشخصاتی است و برای چه منظوری ساخته می شود؟
- ۱۳) **مهمترین نما و مسجد** کدام است؟ علت آن را بیان کنید؟
- ۱۴) برای **زمینی** که مسجد در آن بنا خواهد شد در کجای شهر در نظر گرفته می شود؟
- ۱۵) **بهترین مسجد** در یک شهر کدام است ؟ چرا؟
- ۱۶) **چرا دنیا مزرعه آخرت است** ؟ این جمله از کجا گرفته شده است و منظور از آن اشاره به چه حقیقتی است؟
- ۱۷) در باره **بدنه خارجی مسجد اسلامی** توضیح دهید و ویژگی های آن را بشمارید؟
- ۱۸) **نماد ورودی** در بدنه خارجی مسجد چه تأثیری بر مومنین دارد؟
- ۱۹) چرا باید بین **فضاهای بیرونی و فضاهای درونی** حریم ها و عرصه هایی را در نظر گرفت؟
- ۲۰) **فضاهای داخلی** مساجد از چند فضا تشکیل شده اند هر کدام را توضیح دهید؟
- ۲۱) **هندسه همکف شبستان مساجد** را بطور مختصر توضیح دهید؟
- ۲۲) عناصر اصلی و شکل دهنده داخلی **شبستان** چیست؟
- ۲۳) **سقف** در مساجد نشانه چه چیزی است؟
- ۲۴) چرا در پلان مساجد از **شکل مربع** استفاده می شود؟
- ۲۵) یک معمار مسئول در **زینت بخشیدن** به معماری مساجد به چه عنصر معنوی می اندیشد؟
- ۲۶) **نور و رنگ** در فضاهای مساجد از کجا الهام گرفته است؟ و معمولاً از چه رنگ هایی در مساجد استفاده می شود؟
- ۲۷) **طراحی مساجد آینده** اسلامی بر چه ارکانی استوار است؟ در این باره تحقیق نموده و ارائه نمایید؟

منابع و مآخذ:

- آوینی، مرتضی، مبانی نظری هنر، نبوی، تهران، ۱۳۷۷.
- آوینی، مرتضی، مجموعه مقالات در مورد هنر.
- امام خمینی، شرح دعای سحر.
- بورکهارت، تیتوس، جاودانگی و هنر، ترجمه محمد آوینی، نشر برگ، تهران، ۱۳۷۰.
- بورکهارت، تیتوس، مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی.
- خامنه ای، سیدعلی، هنر از دیدگاه سیدعلی خامنه ای، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷.
- شریعتی، علی، هنر در انتظار موعود، مشهد، ۱۳۴۹.
- مطهری، مرتضی، در اهتزاز روح، مجموعه مقالات درباره هنر، نشر کانون، ۱۳۷۷.
- مظلومی، رجبعلی، حاشیه بر کتاب هنر چیست تولستوی، آفاق، تهران، ۱۳۷۱.
- مظلومی، رجبعلی، روزنه ای به باغ بهشت، جهاد دانشگاهی دانشگاه هنرهای اسلامی، تهران، ۱۳۶۶.
- نصر، سید حسین، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه محمد سعید حنایی، نشریه هنر، ش ۲۸، تهران، ۱۳۷۴.

مقاله پنجم

(کاربردی – معماری)

چو کنعان را طبیعت بی هنر بود پیمبر زادگی قدرش نیفزود
هنر بنمای اگر داری نه گوهر گل از خارست و ابراهیم از آزر

سعدی

کندو کاوی پیرامون معماری مساجد ایران

میزگرد تخصصی شبکه قرآن سیمای جمهوری اسلامی ایران به مناسبت هفته جهانی مساجد

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال اول:

طراحی و معماری مساجد در دوران گذشته چگونه شکل گرفت و دارای چه ویژگیهایی بوده است؟

پاسخ سؤال اول:

در شکل گیری معماری مساجد چند عامل اساسی شرکت و تأثیر داشته اند:

❖ کهن الگویی بنام کعبه

❖ مراسم و مناسک عبادی که برای مسلمانان توصیه شده است. (نظیر اقامه نماز جماعت و مراجعه به عالمان دین

و ...)

❖ توصیه ها و تأکیدهایی که در متون دینی درباره ساختمان مسجد، مدرسه، درمانگاه و بطور کلی ساختمان سازی برای استفاده عام المنفعه و فلسفه هنر و زیبایی مطرح شده است.

۱- کهن الگویی بنام کعبه

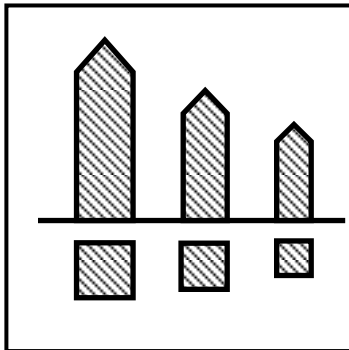
به نظر بنده مهمترین و اصلی ترین عنصری که الهام بخش معماری مساجد از ابتدا تا کنون بوده است خانه کعبه است، که هم از نظر مفهومی و کیفی و هم از نظر کالبدی و شکلی می باشد، زیرا:

اول - از نظر کیفی و محتوایی: بر اساس طیف آیات و احادیث این خانه اولین خانه ای است که برای انسان وضع شده و حضرت آدم با الهام الهی برای پذیرش توبه خود آنرا ساخته است. تمام پیامبران به تقدس آن ایمان داشته و بطور خاص حضرت نوح (ع) و حضرت ابراهیم (ع) آنرا بازسازی نموده اند و پیامبر اکرم (ص) هم آنرا از آثار بت پرستی و شرک پاکسازی نموده اند و بطور سمبلیک این خانه محل تولد مولای متقیان و انسان کامل است و خداوند آنرا محترم و مبارک و محل قیام انسان ها قرار داده است. یعنی خانه خدا، همان خانه قیام و تکامل انسانها است و در نهایت آنجا قبله گاه و محل اجتماع و وحدت مسلمین است. بنابراین تمام مفاهیم کیفی که باید یک مسجد داشته باشد در خانه کعبه به ودیعه گذاشته شده است.

دوم - از نظر کالبدی و شکلی: یک فضای خالی و درونگراست، یعنی کعبه مانند حضور یک بت و یک مجسمه در درون خود، انسان را به خود دعوت نمی کند و انسان را تماشاچی و منفعل نمی خواهد، بلکه انسان را به درون معنوی و پر جاذبه خود دعوت می نماید، به فضایی که می تواند متناسب با تفکر و حضور قلب انسان یعنی خودآگاهی و سیروورت کمالی انسان باشد، درست نقطه مقابل جمرات سه گانه که اول آنکه وحدت ندارند و کثیر هستند، دوم آنکه تو پر و صلب هستند و انسان را به تماشای خود دعوت می کنند و به خود بیگانگی فرا می خوانند.

نقشه مربع و حجم مکعب در میان تمام اشکال منظم و نامنظم، بهترین و مناسب ترین حجمی است که موجب ایجاد سکون و آرامش فیزیکی در انسان می شود و این سکون و سکوت بر طبق گفته اکثر حکما بهترین مقدمه اندیشه و حضور قلب و تکامل وجودی انسان است.

سوم - الهام سایر مساجد از کعبه: تمام مساجد بعدی نظیر مسجد قباء و مسجدالنبی و مسجدالاقصی، سلول فضایی اصلی و گسترش یابنده آن همین نقشه مربع در کف و حجم مکعب



تا زیر آسمانه‌های سقف می‌باشد و سقف‌ها هم با الهام از آسمان، دلگشا و دل‌باز و آسمانی طراحی و ساخته می‌شوند.

چهارم - تفاوت با سایر معابد برخلاف نظر متعصین: در پاسخ به مورخین و متخصصین که متعصبانه می‌گویند اسلام و

مسلمین از خود تمدنی نداشتند و عناصر معماری خود را از بیزانس و مصر و ایران به عاریه گرفته‌اند، باید گفت:

اسلام تداوم دهنده فرهنگ همه انبیاء و پیامبران و مصلح تمدنها و انحرافات آنها

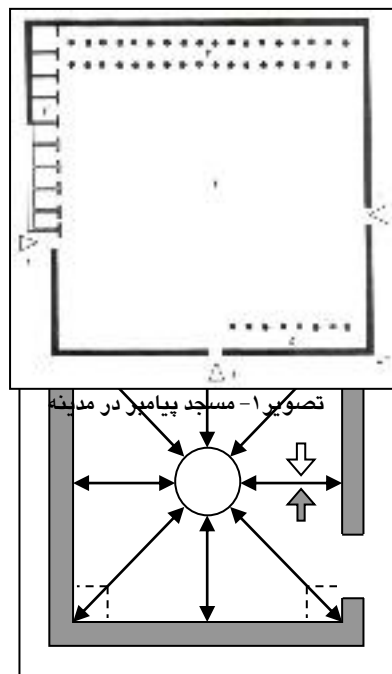
است، مثلاً در تبدیل چهارطاقی آتشکده‌ها به مسجد، در مسجد یزدخواست ملاحظه می-

نماییم:

- آتشدان را از مرکز فضای داخلی خارج کرده و انسانها را به داخل دعوت می‌نمایند. یعنی آتشی که هرگز نمیرد و الهی است، در قلب شما است، خدا در قلب مؤمن است.

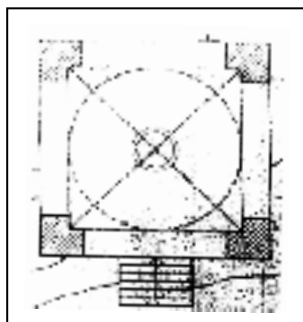
- بدنه‌های اطراف و بطور خاص طرف قبله را می‌بندند، تا ساختمان بیرون‌گرا و کوشک مانند آتشکده تبدیل به فضایی درون‌گرا و مناسب سیر در انفس و تفکر و حضور قلب شود.

- از آنجا که در اسلام در مقوله عبادت و پرستش هر نوع واسطه‌ای بین انسان و خدا حذف می‌شود و انسانها از این نظر طبقه‌بندی نمی‌شوند (مثلاً کشیش و غیرکشیش یا مؤید و غیر مؤید) و درجه‌بندی انسانها بین خودشان از بعد علم و تقوی و جهاد است، بنابراین، همه جماعت به فضای داخلی دعوت می‌شوند و بلافاصله شبستانهای مساجد، تبدیل به بزرگترین سالنهای اجتماعی شهر می‌گردد. (بطور مثال در کلیساها، قسمت مقدس یعنی محراب از قسمت نامقدس که مردم جمع می‌شوند کاملاً جدا طراحی می‌شود و ورودی افراد مقدس یعنی کشیشان از افراد معمولی نیز کاملاً جداست! در معابد شرقی و هند و بودایی نیز در مرکز فضای عبادی یا خاکستر مردگان است و یا مجسمه‌های متعدد بودا).



نمودار شماره ۲- خانه کعبه، فضایی کاملاً متعادل، متوازن، ساکن و آرام

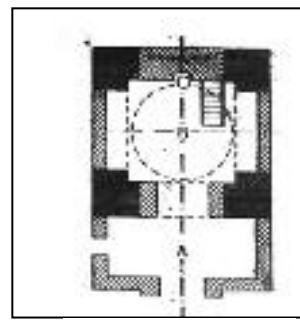
نمودار شماره ۳- تغییر ماهوی در تبدیل آتشکده‌های چهارطاقی به مسجد



نقشه همکف آتشکده



آتشکده چهارطاقی



مسجد یزدخواست

- از آنجا که در اسلام، دنیا و آخرت، از هم جدا نیست و دنیا مزرعه آخرت است و ما رهبانیت و بی رغبتی به زندگی نداریم، بنابراین مساجد دردل مجموعه‌های شهری و خدماتی ایجاد می‌شوند و برای رفع مزاحمت‌های هم‌جواری حیاط داخلی و مرکزی اضافه می‌شود تا مزاحمت‌ها به حداقل ممکن برسد.

۲- نقش و تأثیر اجرای مراسم عبادی در شکل‌گیری معماری مساجد

- در شریعت برای انجام مراسم عبادی بویژه اقامه نماز جماعت و اجرای سایر مراسم مذهبی و اعیاد و سوگواری و غیره توصیه‌ها و سفارش‌هایی به مسلمانان شده است که باید در مساجد انجام گردد، برای مثال:
- **توصیه به جماعت:** توصیه مؤکد به مسلمان در برگزاری نمازها به صورت جماعت و اینکه تا چهل خانه همسایه مسجد تلقی می‌شوند، باعث رونق و گسترش مساجد شده است.
 - **توصیه به پاکی:** در آیه مبارکه: (یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد-۳۱/اعراف) به این معنی است که با زینت و زیبایی به مسجد بروید و در این ارتباط در سنت نبوی توصیه شده است که مسلمین با بدن و لباس پاک و تمیز و با ظاهری آراسته در اجتماع مساجد شرکت کنند و محل نماز و عبادت را تمیز و پاک نگهدارند، که موجب تمیزی و صفای مساجد شده است.
 - **توصیه به علم‌آموزی:** توصیه به مراجعه به علماء و علم‌آموزی و آشنایی با قرآن و حدیث و معارف و احکام اسلامی که مساجد را تبدیل به یک دانشگاه و مرکز علمی و فرهنگی برای عامه مردم نموده است.
 - **توصیه به تعاون:** در آیه مبارکه: (تعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان -۲/مائده) که همه مسلمین را به مسئولیت‌پذیری و تعاون و همکاری عمومی برای رفع نیازهای مردم دعوت می‌کند و در احادیث معتبر است که مسلمان تا چهل خانه در همسایگی خود مسئول گرفتاری و گرسنگی اهالی آنجا خواهد بود. و این نشان می‌دهد که چقدر مساجد می‌تواند در حل مشکلات مردم نقش مثبت داشته باشد.

۳- مرزهای باید‌ها و نبایدها در اجرای احکام شریعت

- ❖ **از بعد حکمت نظری:** از آنجا که اسلام مقوله زیبایی‌شناسی را امری وجودی و فطری و غیرقابل تبدیل و تحویل می‌داند (علی‌رغم گرایشهای معاصر که امر زیبایی را امری قراردادی و نسبی و ماهیتی می‌داند) دیدگاه اسلامی باعث شده است، یک تفاهم و درک متقابل زیبایی‌شناسانه بین همه انسان‌ها و اقوام مختلف مسلمین، صورت بگیرد، بگونه‌ای که امروز همه محققین به وجود **یک روح و یک فلسفه مشترک و هماهنگ در تمام تمدن اسلامی** بخصوص معماری مساجد تأکید می‌نمایند.
- ❖ **از بعد حکمت عملی:** در این ارتباط توصیه‌های فراوانی وجود دارد، نظیر:

- **حرام بودن کار لغو:** هر کار لغو و عبث، بیهوده و بیفایده حرام است، بنابراین معماران از ساختن عناصر بیفایده و صرفاً تزئینی و بی‌مصرف نهی می‌شوند، مثل کنگره‌های مرتفع و
- **عدم مزاحمت:** پرهیز از هر نوع مزاحمت هم‌جواری، بخصوص انحراف دیداری و شنیداری، که باعث می‌شود فضاها درونگرا شده و مزاحمت‌ها به حداقل برسد.
- **نهی از مجسمه و نقاشی:** نهی از مجسمه‌سازی و نقاشی موجودات زنده و گیاهی که معماری داخلی مسجد را به سمت پاکی و خلوص و سادگی و بی‌پیرایگی هدایت می‌نماید.
- **عدم تغییر کاربری مسجد:** خواندن صیغه برای مساجد و عدم کاربری آن که باعث ماندگاری و تثبیت مرکز عبادی و عمران و آبادانی مستمر آن می‌شود.
- **تعظیم و گرامیداشت شعائر:** توصیه به گرامیداشت شعائر اسلامی، که باعث رونق و شکوه و عظمت معماری مساجد در فضای شهری شده است.

• **عدم تقلید:** توصیه به عدم تقلید از کفار و مشرکین، باعث شده است معماری مساجد ضمن بدیع بودن و بی‌بدیل بودن از عناصر کفرآمیز و شرک‌آلود معابد و مراکز عبادی دنیا مبرا و بر کنار باشد.

سؤال دوم:

آیا طراحی معماری موجود مساجد پاسخگوی نیازهای امروز جامعه مسلمین ایران است؟!

پاسخ سؤال دوم:

با توجه به دلایل ذیل به هیچ‌وجه نیازهای موجود را تأمین نمی‌نماید:

- **شرایط مساجد در قبل از انقلاب اسلامی:** اکثر مساجد ما قبل از پیروزی انقلاب و با کمترین امکانات موجود از نظر موقعیت زمین و نقشه مهندسی و امکانات مالی و اجرایی ساخته شده است و اکثراً از کمترین امکانات لازم برخوردار است و نیاز به بازسازی و نوسازی دارد.
- **نیازهای مساجد در بعد از انقلاب اسلامی:** خواسته‌های جدید و بیشتری از مساجد مطرح شده است، که نیاز به برنامه‌ریزی‌های جدید و همه‌جانبه در طراحی مساجد را ایجاب می‌نماید. بطور مثال نیاز به فضایی برای بسیج نیروهای مردمی، خدمت‌رسانی به اقشار آسیب‌پذیر یا مسئله شوراهای حل اختلاف مردمی و ...
- **مجمع‌سازی مراکز شهری:** بنظر می‌رسد که راه حل اساسی این است که ما طراحی مسجد را در کنار طراحی سایر خدمات عمومی یک ناحیه در نظر بگیریم، یعنی مراکز فرهنگی، آموزشی، هنری، مذهبی و سایر خدمات عمومی نظیر تجاری و اداری و آموزشی و تفریحی و ... باید با هم ساماندهی شوند و مجموعاً نیازهای اقشار مختلف یک ناحیه مسکونی را تأمین نماید.
- **نقش دولت و شهرداری‌ها:** با توجه به ضرورت فوق، لازم است، دولت و شهرداری‌ها، بطور جدی و اساسی سرمایه‌گذاری نموده و وارد عمل شوند یعنی همانطور که تأمین سرانه‌های آموزشی و فضای سبز را وظیفه خود دانسته‌اند، تأمین فضاهای مذهبی را هم وظیفه سازمانی خود دانسته و بخصوص در طراحی‌های شهری، چه در محلات موجود و یا در محلات تازه احداث، از مهندسين مشاور معماری و شهرسازی بخواهند مجموعه خدمات شهری را در کنار هم و با هماهنگی در یکجا طراحی نمایند، همچنانکه در محلات تفریحی و بازارها و بازارچه‌ها شاهد آن بوده‌ایم.

سؤال سوم:

شرایط متغیر اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کشور چه تأثیری بر روند ساخت و ساز مساجد در ایران دارند؟

پاسخ سؤال سوم:

- در پاسخ به این سؤال باید گفت که بطور اصولی معماری مهندسی‌ای است وابسته به مسائل اجتماعی و شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و بی‌شک بر جنبه‌های کمی و بر ابعاد کیفی معماری مساجد اسلامی ایران تأثیرگذار است.
- **تأثیر گزاری از بعد کمی-سیاسی:** مثلاً در بعد کمی و سیاسی، اگر حکومتها مخالف گسترش اسلام باشند، طبیعتاً با هر نوع وسیله‌ای سعی می‌نمایند از توسعه و ساخت و ساز مساجد جلوگیری نمایند، یا حداقل هیچ کمکی نکنند، همچنان که در زمان ستم‌شاهی چنین بود. و به عکس اگر حکومت‌ها مدافع اسلام و موافق ارزش‌های اسلامی باشند، طبیعتاً باید یکی از مهمترین وظایف خود را گسترش پایگاه عبادی و اجتماعی و علمی اسلام، یعنی مساجد بدانند. گذشته از این گر چه انتظاری که می‌رفت تا مساجد به شکل شایسته‌ای

توسعه یابند تحقق نیافته است ولی هنوز به کمک های مردمی مومنین و اقدامات مدیران لایق کشور چشم امید داریم که به لطف خدا در این زمینه تحولی در ساخت و ساز مساجد از خود نشان دهند.

- **تأثیر گزاری از بعد کمی-اجتماعی:** در بعد اجتماعی نیز، از آنجا که مساجد تشیع، همواره توسط مردم حمایت و سازماندهی می شده است، قطعاً در مواقعی که مردم احساس کنند، دولت ها بی توجهند و یا مخالف توسعه مراکز عبادی و مذهبی هستند، خود به میدان می آیند و با همه توان از ساخت و ساز و توسعه و آبادانی مساجد حمایت می کنند.
- **تأثیر گزاری از بعد کمی-اقتصادی:** در بعد اقتصادی نیز، چون معماری هنری است متکی به تکنولوژی و اقتصاد و یکی از پرهزینه ترین عناصر توسعه است، طبیعتاً آبادانی مساجد و ساخت و ساز آن تابعی است از پیشرفت و توسعه مجموع شرایط اجتماعی و بطور خاص تکنولوژی و اقتصاد در بخش های دولتی و مردم.
- **تأثیر گزاری از بعد کیفی:** همانطور که در آیات و احادیث تأکید شده شرافت و ارزش مساجد به تعداد نمازگزاران و میزان خلوص و معرفت و تقوی آنها است. بنابراین مسایل اجتماعی بطور خاصی از بعد میزان اعتقادات و گرایشهای مذهبی و اخلاقی مردم، در کیفیت و آبادانی روحی و معنوی مساجد، بسیار مؤثر است و در این مورد، نقش امام جماعت و پیشکسوتان و دست اندرکاران مسایل فرهنگی و تبلیغاتی مساجد بسیار با اهمیت و مؤثر می تواند باشد.

سؤال چهارم :

آیا موقعیت های متفاوت جغرافیایی در نوع معماری مساجد می تواند اثرگذار باشد؟

پاسخ سؤال چهارم :

در این باره به چند موضوع اساسی می توان اشاره نمود:

- **تأثیر شرایط جغرافیایی :** یکی از مهمترین عوامل در طراحیهای معماری، عوامل اقلیم و مجموع شرایط جغرافیایی است. نظیر اقلیم های چهارگانه **گرم و مرطوب**، یا **سرد و مرطوب**، یا **گرم و خشک** و یا **مناطق سرد** و عواملی نظیر درجه تابش و حرارت خورشید، میزان بارندگی سالیانه، با دمای مطلوب و نامطلوب و
- **تأثیر اقلیم چهارگانه ایران:** در ایران به دلیل شرایط خاص آب و هوایی، مسئله اقلیم در معماری از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا ما در سرزمین پهناور خود، تقریباً همه آب و هواهای متنوع و مختلف را داریم، برای مثال اکثراً در کشور ما اختلاف **درجه حرارت ماکزیموم و مینیموم** بسیار زیاد است. بنابراین رعایت مسایل اقلیمی در طراحی ساختمان ها از اهمیت بسیار برخوردار است و باید دانشکده ها در این مورد آموزش های بیشتری بخصوص در درس های طراحی به دانشجویان بدهند.
- **تأثیر تراکم جمعیت:** ساختمان مساجد نیز که در واقع یک بنای اجتماعی است **سیستم و تجهیزات تأسیساتی** بدلیل ورود و خروج سریع و زیاد جمعیت و فعالیت های متنوع در آن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشند و در این خصوص معماران و متصدیان ساخت و ساز مساجد، حتماً با متخصصین تأسیساتی در طراحی مساجد باید بطور دائم و جدی مشورت نمایند و در طرح های خود نقطه نظرات آنان را لحاظ کنند..

سؤال پنجم :

در ابتدا مساجد را به چه شکلی می ساختند و آنگاه در گذر زمان چه تحولاتی در نحوه ساخت و ساز و معماری مساجد رخ داده است؟

پاسخ سؤال پنجم:

بنده معلم تاریخ معماری نیستم ولی بعنوان کسی که حدود ۲۰ سال است حکمت هنر اسلامی تدریس می‌نمایم، تحولات کیفی و محتوایی معماری مساجد اسلامی را در ایران به دو دوره کلی تقسیم می‌نمایم:

دوره اول: تنوع کالبد مساجد با حفظ ارزش های معنوی

دوره اول که از صدر اسلام تا قبل از آغاز غرب زدگی یعنی دوران پهلوی اول و دوم است. در این دوران طولانی حدود ۱۳۰۰ سال، علی‌رغم تنوع شکلی و اختلاف‌های بسیار متنوع کالبدی و خلاقیتها و نوآوری‌هایی که ما در دورانهای مختلف و مناطق مختلف، توسط معماران مختلف داشته‌ایم، اصول کلی حفظ شده است. برای مثال در شهر اصفهان، مسجد جامع را داریم، مسجد امام را داریم و مسجد شیخ لطف‌الله و سایر مساجد را داریم، که هیچکدام شبیه هم نیست، نه از نظر شکل و کالبد خارجی و نه از نظر تنظیم فضاهای داخلی و بهمین ترتیب در سایر شهرهای شمالی و جنوبی و مرکزی و یا شرقی و غربی ایران، اما نکته مهم و ارزشمند در این مساجد **قابلیت یگسان ماندن اصول و ارزشهای کیفی معماری و فضایی است**، علی‌رغم تنوع بی‌حدی که در کالبد آنها وجود دارد. این مطلب با هیچ تمدنی در شرق و غرب قابل مقایسه نیست.



تصاویر ۲، ۳ و ۴- مساجد امام، جامع و شیخ لطف ا... اصفهان



مثلاً در شرق، یعنی کشورهای هند و چین، که دارای اعتقادات نسبتاً مشترک (ودائی، هندویی و بودایی) هستند، شما معابد (غاری و گنبدی و برجی) را دارید که کالبد‌ها و ایده‌های فضایی آنها تقریباً ۱۸۰۰ درجه با هم تفاوت دارد و تعامل متفاوتی با انسان برقرار می‌نماید ولی در مساجد ما علی‌رغم تنوع بیشتر شکلی، اصول و مبانی طراحی و معماری آن ثابت مانده است و این نشان از پایداری و جاودانگی و اصالت ارزشهای انسانی و فرهنگی آن دارد که به معماری و معماران جهتی صحیح و ماندگار داده است.

دوره دوم: ورود سبک های مدرنیسم غربی در ساخت مساجد ایران

تصویر ۵- از مجموعه غارهای بهاجا در هند

در دوره دوم، که با آغاز سلطنت پهلوی اول آغاز می‌شود و می‌توان آن را آغاز غرب-

زدگی حکومت و شبه روشنفکران ایرانی خواند، همانطور که می‌دانید، آموزش تجربی معماران سنتی تبدیل به آموزش دانشگاهی توسط اساتید غربی و دانش‌آموختگان کشورهای غربی شد. در نتیجه در این دوران از یکطرف شاهد **طرد معماران سنتی** و به حاشیه‌کشاندن آنها و دور ماندن ایشان از تکنولوژی و امکانات ساخت جدید شدیم و از طرف دیگر معمارانی غرب‌زده، تحت‌تأثیر دوران مدرنیته و سبک‌های مدرنیسم به طراحی مساجدی پرداخته و متأسفانه هنوز هم می‌پردازند که فاقد اصول ارزشمند معماری سنتی و سنتهای مسجدسازی ما است. نظیر مسجد و میدان هفت‌تیر، یا کلاً مساجدی که سلول فضایی شبستانهای آنها بجای مربع از هشت‌ضلعی و دوازده‌ضلعی و غیره شکل گرفته است.

البته در این دوره نیز مساجد اصیلی ساخته شده‌اند ولی بطور کلی هنوز اصالت لازم و شاکله مناسب و درخور را نیافته‌اند.

سؤال ششم:

اصول و ارکان طراحی مساجد اسلامی در ایران بر کدام پایه استوار است؟

جواب سؤال ششم:

در جواب این سؤال مهم باید به چند مطلب اساسی توجه نمود:

۱- ساختمان مساجد: ساختمان مساجد، اصولاً ساختمانی است معنوی و درون گرا، یعنی:

- دارای مرز و بوم مشخصی نسبت به فضاهای اطراف خود می باشد.
- عناصر کالبدی به کار گرفته شده در خارج یعنی دیوارها و گنبد و منارها و مآذنها در مجموع ساده و درونگرا طراحی می شوند و **مهمترین عنصر در نمای خارجی سردرب ورودی و ایوان ورودی است** که همچون طاق نصرتی مهمان پذیر بوده و انسان را به داخل دعوت می کند.
- با ایجاد فضای باز داخلی و حیاط مرکزی، سعی می شود، پنجره ها و ایوانها به فضای داخلی باز شود و ضمن برخورداری از نور و هوا و فضای سبز، **مزاحمت های همجواری به حداقل ممکن رسد.** عدم مزاحمت های همجواری مهمترین علل ایجاد آرامش و سکون داخلی، یعنی فضای مناسب برای تفکر و عبادت است.



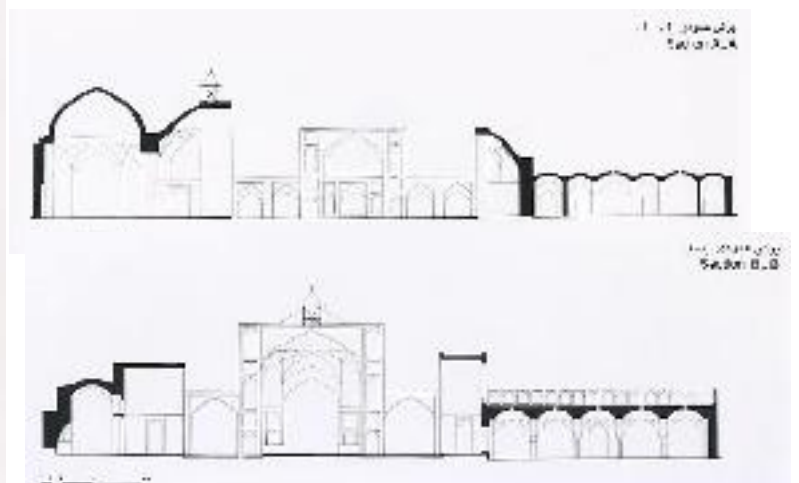
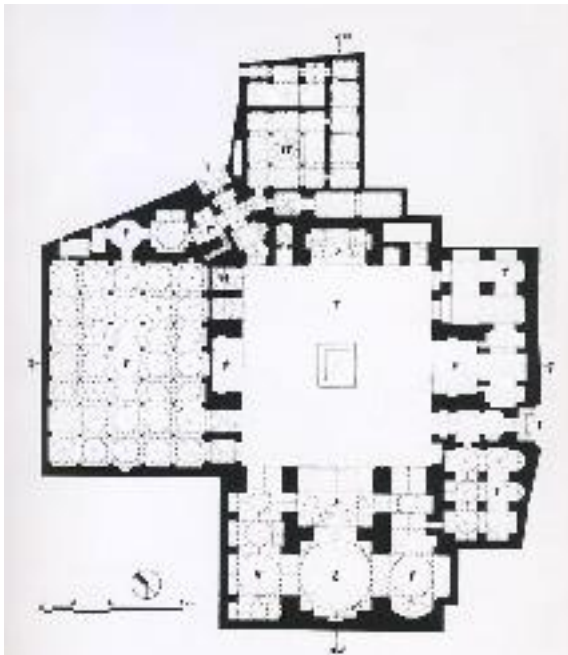
تصویر ۶- سردرب و ورودی

مسجد امام اصفهان

۲- ایده فضایی-هندسی در نقشه مساجد:

ایده فضایی-هندسی در نقشه مساجد هندسه ای و سیر در انفسی یا از کثرت به وحدت دارد یعنی:

- هندسه معمول در فضای طبیعی و در طراحی شهری، یعنی هندسه راهها و گذرها، هندسه ای موجی و سیر در آفاقی است، یعنی **این هندسه مناسب حرکت انسان و حواس پنجگانه اوست** و در شهرسازی و مسیرهای عبوری به کار گرفته می شود.
- هندسه داخلی مساجد، به نحوی است که بعد از ورود، با یک تغییر جهت، **تمام فضاهای اصلی به سمت قبله جهت پیدا می کند** و قسمتهایی از پیرامون زمین که در جهت قبله نیست در جزرها و یا فضاهای فرعی و خدماتی پنهان می-شوند.
- فضاهای داخلی، از کوچک و بزرگ، یا فضاهای باز و سرپوشیده، بلااستثناء و به کمک قرینه سازی در سطح، دارای یک کانون و نقطه مرکزی هستند. این مرکزیت هندسی یکی از مهمترین عوامل ایجاد سکون و آرامش فیزیکی



تصویر ۷- نقشه مسجد آقانور اصفهان

ث می‌شود **فضا مناسب تفکر و نیایش و حضور قلب باشد**. هندسه شاخص در کلیه شبستانها و گنبدخانه ها، هندسه الهام گرفته شده از خانه کعبه و مربع است که بیشترین سکون و تمرکز را در بین همه اشکال منظم و نامنظم ایجاد می‌نماید و در شرایطی که یک فضا مستطیلی باشد، به کمک جزرها و در جهت مخالف، مستطیل‌های دیگری تشکیل می‌شود که در غایت تأثیر مربع را به فضای ایجاد شده می‌دهد.

۳- حرکت از کثرت به وحدت در فضاهای داخلی :

- **نقشه کف با هندسه مربع** به نحوی سامان می‌یابد که با جرزهای دیوارها در نهایت به شمسه مرکزی و نقطه وحدت بخش همه اشکال ایجاد شده در فضا برسد.

- با الهام از معماری آفرینش و نیازهای انسان، **کف ها معمولاً هموار و مسطح و کم افت و خیز است**. ولی سقفها با الهام از آسمان، تفکربرانگیز و خیال‌انگیز و کهکشان‌ی. در واقع سقفها متناسب افق دید انسان و اندیشه و تخیل انسان، دل‌باز و با صفا و لایتناهی طراحی می‌شود و **مهمترین اعجاز معماری ما در سقفها اتفاق می‌افتد**.



تصویر ۸- اصفهان، مسجد لبنان، تزیینات زیرگنبد

- از نظر تزیینات و رنگ‌آمیزی نیز سعی می‌شود، از زمین به آسمان، تزیینات و نقشها کمتر شده و اگر در کف و بدنه‌ها از رنگهای متنوع و گرم استفاده می‌شود نظیر قالی‌ها و کاشیکاری‌های بدنه‌ها، هر چه به طرف سقف نزدیک می‌شویم، رنگها با هماهنگی و یکنواختی بیشتر و از رنگهای سرد نظیر سفید و آبی کمرنگ استفاده شود.

۴- منطقی و دور از اسراف بودن شکل خارجی مساجد :

- این معماری از آنجایی که برخلاف معابد شرقی یا کلیساها ست در شکل خاصی محدود نمی‌شود و شکل خارجی آن انعطاف پذیر است، به راحتی بر حسب نیاز مخاطبین گسترش پیدا کرده و با ورودیهای متنوع، هم به راحتی با بافت اطرافش ترکیب می‌شود و هم بر حسب افزایش جمعیت و نیازهای آنها، فضاهای متنوع و متناسب پیدا می‌نماید.
- از آنجا که اسلام به تخصص و تجربه و مشورت با متخصص و سپردن کارها به کاردان بسیار تأکید و توصیه نموده و نیز انسان را نسبت به کار لغو و بیهوده و مسرفانه برحذر داشته است، بنابراین معماری ما در مجموع از مهندسی و منطق بسیار قوی چه در سازه و چه در رابطه با مسایل اقلیمی و تأسیساتی برخوردار می‌باشد و در یک کلمه می‌توان گفت **ساختمان مساجد ما بسیار منطقی، عاقلانه و دور از اسراف و کارهای بیهوده و غیر مفید است**.

- پلان مربع و محور داشتن فضاها، باعث شده است که اسکلت و سازه ساختمان در مقابل بارهای عمودی و نیروهای افقی، بهترین مقاومت و انتقال نیروها را داشته باشد.

۵- تنوع و انعطاف پذیری کالبدی مساجد :

- **تنوع شکل خارجی:** همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، از آنجا که علی‌رغم معابد شرقی و غربی (نظیر کلیساها) مساجد کالبد محدود و از قبل تعیین شده‌ای ندارند به راحتی بر حسب نیاز مراجعتی و تعداد جمعیت گسترش پیدا می‌کنند و بزرگ و کوچک می‌شوند و با حفظ اصول کیفی خود کالدها و شکلهای بسیار متنوع و مختلفی به خود می‌گیرند، به نحوی که شاید شما نتوانید دو مسجد کاملاً شبیه هم پیدا نمایید. نظیر مساجد (شبستانی یا گنبدی یا ترکیب آنها و مساجد بدون حیات و مساجد با حیاط و یک ایوانی تا چهارایوانی و غیره)



تصاویر ۹ و ۱۰- تزیینات مسجد علی اصفهان

• **نقوش انتزاعی و هندسی:** از نظر تزئینی و نمادین نیز چون از مجسمه و نقاشی انسانها و موجودات جاندار و طبیعی استفاده نمی‌شود و از نقوش هندسی و کاملاً انتزاعی استفاده می‌شود و ترکیبات این نقوش بی‌نهایت قابل تنوع و تکثر است، بنابراین از نظر نقش‌آفرینی و رنگ و بافت و در مجموع نازک‌کاری ساختمان نیز دست معماران بسته نیست و مسیر ابتکار عمل و خلاقیت برای آنها باز است.

• **هماهنگی و پیوند با بافت محله:** نوع درونگرایی طراحی مساجد و انعطاف‌پذیری نقشه پیرامونی آن و تعداد و محل ورودیهای آن باعث شده است، علی‌رغم معابد شرقی و غربی که سعی می‌کنند از سایر خدمات عمومی و بافت‌های مسکونی فاصله بگیرند، مساجد کاملاً در قلب بافت‌های مسکونی و خدمات عمومی محلات نظیر بازارها و بازارچه‌ها احداث شود و رابطه‌ای کاملاً نزدیک و هماهنگ با نیازهای مردم داشته باشد.

چهار الگوی کلی در طراحی مساجد اسلامی ایران:

- ۱- در سده‌های اول تا چهارم: مساجد با شبستان ستون‌دار
- ۲- مساجد خراسانی: شبستان با حیاط و یک ایوان به سمت قبله
- ۳- مساجد با شبستان و گنبدخانه، بدون حیاط
- ۴- مساجد چهارایوانی: شبستان با گنبدخانه و چهار ایوان در اطراف حیاط مرکزی

پرسش‌ها و پژوهش‌ها (مقاله پنجم)

- ۱) در شکل‌گیری معماری مساجد ایران چه ویژگی‌هایی الگو قرار گرفته‌اند؟
- ۲) مهمترین عامل تأثیر گزار در **ساخت مدارس** کدام است؟ در این باره تحقیقات ارائه نمائید؟
- ۳) **کعبه** دارای چه مشخصاتی است؟ نام برده و هر کدام را توضیح دهید؟
- ۴) **ویژگی‌های یک مسجد و یک آتشکده زرتشتی** را نام برده و با هم مقایسه و نتایج حاصل را ارائه نمائید؟
- ۵) **نمودار شماره یک** را توضیح دهید؟
- ۶) **نمودار شماره ۲** در باره قرار گرفتن کعبه در مسجدالحرام چه نظری دارد؟ نظر شما در این رابطه چیست؟
- ۷) بر اساس تعالیم شریعت محمدی برای **حفظ مسجد** چه توصیه‌هایی شده است؟
- ۸) **ایا مسجد در تمدن اسلامی** بیان‌کننده یک روح و یک فلسفه مشترک و هماهنگ می‌باشد؟ در این رابطه نقطه نظرات خود را بیان کنید؟
- ۹) در **بعد حکمت عملی** در مساجد اسلامی چه وظایفی به‌عهده نمازگزاران و مسلمانان گزارده شده است؟
- ۱۰) **تفاوت اساسی مساجد** در قبل از انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن را بیان کنید؟
- ۱۱) چرا باید **مساجد را در کنار** مجتمع تجاری، اداری و آموزشی و تفریحی ساخته شود؟
- ۱۲) در باره **نقش دولت و شهرداری‌ها** در ساخت مساجد تحقیق نمائید؟
- ۱۳) از نظر سیاسی و حکومت‌های تاریخی چه تأثیری در برپایی و رونق **مساجد** داشته‌اند؟ دوره پهلوی را تحقیق نمائید؟
- ۱۴) **قرآن** در باره مسجد و نقش آن چه نظری دارد؟ ۵ آیه در این ارتباط آورده و در باره آن نتیجه‌گیری نمائید؟
- ۱۵) **تأثیر اقلیم چهارگانه ایران** را در ساخت مساجد مورد تحقیق قرار داده و حاصل آن را ارائه دهید؟
- ۱۶) **ساخت مساجد در شهرهای با تراکم بالا** نیاز به چه تمهیدات جدیدی دارد؟ نام برده و توضیح دهید؟
- ۱۷) **تحولات مساجد اسلامی** در ایران به چند دوره تأثیرگذار تقسیم می‌شوند؟ علت آن را تبیین کنید؟
- ۱۸) **تقلید از سبک‌های معماری غربی** در ساخت مساجد ایران چه تأثیری گذاشته است در این باره تحقیق نمائید؟
- ۱۹) چرا ساختمان‌های مساجد **درونگرا و معنوی** هستند؟ عناصر آن را نام ببرید؟
- ۲۰) **دید فضایی-هندسی** در مساجد ایران بر چه پایه‌ای و عواملی استوار است؟
- ۲۱) در باره **مفهوم حرکت** از کثرت به وحدت در فضاهای داخلی مساجد توضیح دهید؟

- ۲۲) چرا **شکل خارجی مساجد** منطقی و دور از اسراف هستند؟ دلایل خود را بیان کنید؟
- ۲۳) **سر درب ورودی مساجد** ما را به یاد چه عامل معنوی می اندازند؟
- ۲۴) **مهمترین عوامل ایجاد سکون** و آرامش فیزیکی در مسجد کدام است ؟ نام ببرید؟
- ۲۵) در مساجد از نظر **نقوش انتزاعی و هندسی** از چه سلیقه هایی استفاده شده است؟
- ۲۶) **مساجد در محلاتی** که در آن بنا شده اند چه پیوندی در بافت و ساخت پیدا نموده اند؟
- ۲۷) **الگوهای کلی** در طراحی مساجد اسلامی را بیان کنید و در باره هر کدام از آنها با استفاده از منابع معتبر تحقیق و تتبع نمائید؟

مقاله ششم

(کاربردی - معماری)

(ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون - ۵۶/ذاریات)
جن و انسان را نیافریدم مگر اینکه مرا پرستش کنند

مقایسه و ارزیابی

معماری مساجد اسلامی با معابد یونان و روم قدیم

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

خلاصه مقاله :

مراکز عبادی عمیق ترین جلوه گاه اندیشه و اعتقادات فرهنگها و مذاهب در طول تاریخ بشری بوده و ماندگارترین دستاورد تاریخ هنر و تمدن جهانی می باشند. در این مقاله، «سرچشمه ارزشها و نحوه تجلی آنها در کالبدهای معمارانه» و در رابطه با تأثیر آن بر سیرتعالی و مقدر انسان از دیدگاه فرهنگ اسلامی و مبانی آن و با روش تحقیق در علوم انسانی و هنر، مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم عبادت اصیل که غیر مادی و معنوی است و دو نماد عبادتگاه اصیل و غیر اصیل از دیدگاه اسلامی در مجموعه بیت الله الحرام (خانه کعبه و جمرات سه گانه) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس دو تجربه تاریخی الهام گرفته از آنها یعنی احداث مسجد النبی در مدینه و تبدیل آتشکده های زرتشتی به مساجد اسلامی با تغییرات ماهوی آنها مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد. در انتها تعدادی از مدل های معابد یونانی و رومی از بُعد هندسی-فضایی و تأثیر آن بر سیرتعالی انسان با توجه به مبانی و معیارهای به دست آمده از دیدگاه اسلامی مورد مقایسه و ارزیابی اجمالی قرار گرفته و در نهایت از آنجا که اسلام همه زمین را عبادتگاه و همه اعمال انسان مکتبی را به اعتبار نیتش قابلیت عبادت می دهد و هدف از خلقت انسان را عبادت می داند، توصیه هایی کلی برای حل مهمترین مشکلات معماری و شهرسازی معاصر (از بُعد تأثیرات فضا و هندسه معماری بر انسان) نتیجه گیری و پیشنهاد می شود.^۱

واژه های کلیدی در این مقاله : مسجد، معبد، مفهوم، کالبد، تجلی، اسلام، یونان، روم

۱- مقدمه^۲ و روش تحقیق

❖ سرچشمه اصول و ارزش ها در هنر و معماری [۱] و [۲]

از دیدگاه اسلامی و درحوزه علوم انسانی، ارزشهای ثابت یا اصول نظری مفروض مبتنی بر منابع چهارگانه فقه شیعه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) اصالت خود را از مسیر رشد و تعالی انسان اخذ می نمایند. مفاهیم و ارزشهای مؤثر در سیرتعالی انسان از آنجا که او باید جانشین خدا و شبیه ترین موجود به او باشد، همان صفات حق تعالی است که در قرآن به صورت استثنایی و به شکل جامع مطرح شده است.

- در این سیر خلوص نیت و اراده به خیر و فلاح انسان اصل است و هرچیز دیگر از جمله معماری وسیله است و با توجه به ثبات فطری انسان و مسیر صیروت و تعالی او، ارزشها و اصالت های انسانی ازلی و ابدی و غیر وابسته به زمان و مکان و جغرافیا و تاریخ بوده و در یک کلام «انسانی» هستند، نه نژادی و سرزمینی.
- مسیرتعالی فردی انسان از جهان کثرت و حیات مادی و زیبایی های آن شروع و به عرصه حیات معقول و زیبایی های معنوی آن وارد می شود و از آنجا در حوزه حیات روحانی به کمال معنوی و نورانی خود و زیبایی های ملکوتی بار می یابد.

^۱ این مقاله در راستای طرح تحقیقاتی ارائه می شود که در آن به ترتیب رابطه صحیح عبادت و عبادتگاه از دیدگاه اسلامی بین مسجد و سایر عبادتگاه های مطرح در جهان به تدریج مورد مقایسه، تحلیل و ارزیابی قرار می گیرد.

^۲ مطالب این پیشگفتار از مقاله ای که با عنوان (معماری مسجد، از مفهوم تا کالبد) در اولین همایش معماری مسجد در آذر ماه ۱۳۷۶ توسط اینجانب ارائه شده و در مجموع مقالات همایش فوق جلد (۲) توسط انتشارات دانشگاه هنر در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده نقل شده است. از آنجا که این مقاله در راستای مباحث فوق است، خوانندگان را به مطالعه مقاله مزبور توصیه می نماید.

❖ ارتباط مفاهیم و ارزشی ها با شکل ها و کالبدها در هنر و معماری

این روابط در چند موضوع زیر قابل بحث و گسترش است:

- کالبدها از آنجا که مادی هستند، وابسته به زمان و مکان اند و فقط به صورت متشابه، رمزی و تمثیلی می توانند برای انسان اندیشمند و دل آگاه تداعی معنی نموده و عاملی یادآوری انسان شوند.
- کالبدها به صورت نسبی می توانند معنی و مفهومی را تداعی و یادآوری نموده و در مجموع حداکثر زمینه و وسیله ای متناسب برای سیر و سیوروت متعالی و ارادی انسان باشند و در ذات خود جنبه اعتباری دارند.
- هر مفهوم و ارزشی نظیر مفهوم زیبایی می تواند در بی نهایت شکلهای مختلف به صورت نسبی و تمثیلی متجلی شود و نوآوری و خلاقیت و ابداع در این بُعد بی نهایت است. بخصوص با توجه به جمیع شرایط متغیر و متنوع زمانی و مکانی.
- بنابراین هر مفهوم و اصل ثابت نظری، نظیر مفاهیم «جمال، جلال و عدل» می تواند در بی نهایت از کالبدها و اشکال خلاقانه، حکیمانه و بدیع ظهور یافته و متجلی گردد.

❖ مفهوم عبادت و نیایش (فرضیات تحقیق)^۱

بخاطر اهمیت و ارزش نیایش به این موضوعات توجه شود :

- موضوع نیایش و عبادت از دیدگاه اسلامی، عملی هم ردیف سایر اعمال انسان نیست، بلکه هدف از خلقت انسان تلقی می شود.
- مفهوم پرستش و به طور کلی سیرتعالی انسان در اسلام با سه قیام و تعهد کلی او تبیین می شود که عبارتند از «خودسازی، جامعه سازی و امام شناسی و قبول ولایت» یا به تعبیری «سیر در آفاق و سیر در انفس یا حرکت عرضی و حرکت جوهری با هدایت و رهبری انسان معنوی و کامل».
- مسیر پرستش معبود توسط انسانها در طول تاریخ و عرض جغرافیا، از انحرافی ترین آن تا صراط مستقیم توحید از پرستش بتها و طواغیت تا پرستش خدای یگانه به صورت های گوناگون انجام شده و می شود. از آنجا که عبادت نیازی فطری است، لذا پیامبران بیشتر بر این نکته تأکید نموده اند که معبود حقیقی غیر از آن چیزهایی است که می پرستید.
- مهمترین وجه تمایز شرک و توحید در رابطه با انسان، در این است که **مذاهب شرک** انسان را به پرستش خودشان و بتها و نمادهای خودساخته دعوت می کنند، ولی **دین توحید** انسان را به خودسازی برای برخوردار شدن از صفات خدا و خدا گونه شدن (قرب الی الله) دعوت می کند، بنابراین **راه خداشناسی از خودشناسی ارادی انسان می گذرد و** همه چیز از جمله هنر و معماری ابزار و وسیله ای بیش نیست!!

❖ جایگاه مسجد و عبادتگاه در مکتب اسلام

انسان و عبادت او که برای خدا ست از جایگاه خاصی در مکتب اسلام برخوردار است:

- با توجه به حکمت عملی اسلام، مسجد در شکل نهایی خود مناسب ترین فضا برای خودسازی و جامعه سازی و سیر همه انسانها از حیات مادی و غریزی به حیات معقول و ملکوتی در پرتو هدایت و رهبری پیامبران و انسان کامل (یا انسان افضل) است.

^۱از آنجا که این فرضیات از بدیهیات پذیرفته شده در حکمت نظری اسلامی است، از ذکر منابع متعدد آن خودداری می شود .

- در مذاهب شرک، بت اصل است و بتخانه، خانه بت و معابد، خانه رب النوع هاست و انسان منفعل و تماشاچی. ولی در مکتب توحید، انسان خود قهرمان داستان است و بنابراین قرآن، خانه محترم خدا، خانه کعبه، خانه همه انسانها و خانه هدایت بخش و مبارک او و خانه قیام انسانها تلقی می شود^۱.

❖ روش تحقیق و تحلیل در حوزه هنر و علوم انسانی

با توجه به دو موضوع :

- از آنجا یکه در سه حوزه علوم تجربی، زیستی و انسانی، مقوله معماری از بُعد هنری و انسانی آن در حوزه علوم انسانی و هنر قرار می گیرد، بنابراین جزء علوم ایدئولوژیک و مکتبی تلقی می شود.
 - در حوزه این علوم، اصول و مبانی (حکمت نظری) آنها لااقل از دیدگاه اسلامی اصولی ثابت و فطری تلقی شده و غیر قابل تبدیل و تحویل می باشد. اما آثاری که از تجلی این اصول در عرصه عمل و واقعیت های زمانی و مکانی ظهور می یابد، هم دارای نسبیت است و هم متکی به سعی و تلاش آدمی است..
- ارزیابی دو واقعیت در حیطه معماری، در دو منطقه از جهان و در بستری تاریخی، آن هم متعلق به فرهنگ هایی متفاوت و مختلف، ظاهراً دور از انصاف علمی است و از لحاظ واقعیت ها بسیار متفاوت و متنوعی به نظر می رسد که در هنجارهای زمانی و مکانی صورت گرفته است و معماران و معماری را در شرایط خاصی قرار داده و منطق و اصول تاریخ معماری را در گذر زمان به وجود آورده است. اما اگر از این حقیقت فرا تاریخی و فرا مکانی غافل نباشیم و این دیدگاه فرهنگ های توحیدی و اسلامی را پذیرفته باشیم که **انسان یک حقیقت نوعی و فطری است** و عبادت و راه کمال انسان آنچنان که اسلام می گوید از یک سیر و رشد و تعالی سرچشمه می گیرد و همه پیامبران الهی به حقیقت واحدی دعوت نموده اند و پذیرفتن تکثر نوعی و فطری (تفرقه و گوناگونی در میان انسان ها) ناشی از اعراض انسان از حق و یا جهل و غفلت و فریب ناشی شده است، بنابراین خواهیم پذیرفت علی رغم شرایط خاص زمانی و مکانی، معماری در هر زمان و مکان که باشد، متعلق به انسان است و باید قبل از هرچیز انسانی باشد و فکر و سلیقه انسان در آن نقش داشته باشد. اگر چه در شرایع ادیان توحیدی، تفاوت هایی برحسب شرایط زمانی و مکانی لحاظ شده است و شریعت خاتم با اجتهاد اسلامی-شیعی آن را در بستر تاریخ تداوم می بخشد، اما جوهر عبادت و نیاز پرستش معبود و حقیقت و اصول آن در هرجای تاریخ که باشد، یکی است.

با توجه به مقدمه فوق، همانگونه که در نقد و ارزیابی باورها و معتقدات مذهبی، ادیان مختلف به گفتگو و ارزیابی می پردازیم، کالبدهای بناهای معماری نیز که لاجرم تجلی وانعکاس همان باورها و اندیشه هاست، از دیدگاه روابط متقابل «محتوی و کالبد در معماری» قابل تأمل، تحلیل و در نهایت دارای ارزیابی اجتهادی است.

بنابراین در این مقاله، مجموع تحلیل ها مبتنی بر اصول ثابت و بدیهی اسلامی است و مجموع ارزیابی ها که ذاتاً نسبی و اجتهادی است، برداشتهای اجتهادی محقق می باشد.

۲- ضرورت تحقیق

در آغاز هزاره سوم میلادی، ضرورت بازنگری در آنچه بعد از رنسانس در فرهنگ غربی اتفاق افتاده است اجتناب ناپذیر است. ظهور فاشیسم و نازیسم و جنگهای خانمان برانداز جهانی در قلب لیبرال دموکراسی غرب و سیطره مادیت و بحران مادیگرایی جهان معاصر، آشفته شدن همه خواب و خیال های آرمانی دنیای متجدد، شک ها و ارزیابی های مجدد دنیای پُست مدرن، خودبنیادی و خودپرستی حاکم بر جریان های نیهیلیستی (پوچ گرایی) و آنارشویستی (هرج و مرج طلبی)، ترهای کثرت گرایی، **ضرورت گفتگوی تمدن ها**

^۱ « گردانید خداوند کعبه آن خانه محترم را ، موجب قیامی برای انسانها » (سوره مائده ، آیه ۹۷).

و فرهنگ ها و بازگشت به معنویت و دین داری را در هزاره آینده ضروری نموده است و به گفته یکی از فیلسوفان برجسته معاصر، «هزاره سوم یا مذهبی خواهد بود و یا وجود نخواهد داشت» ... ؟

در این مقطع و در آغاز قرن بیست و یکم، ظهور خجسته انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی تاریخی بوده است و اسلام به عنوان راه حل وحدت بخش که برای جهان و مردم امروز حرف ها ی زیادی دارد در پیش روی همه خیرخواهان و حق مداران که خواهان عظمت و اعتلای انسان هستند و از انحطاط و تشتت و چالش و تنازع بین انسان ها پرهیز می کنند و در پی کمال و تعالی بشر می گردند شاهراه نوینی را گشوده است.

۳- کلی ترین نیازهای انسان در سیرمتعالی او

ابتدا لازم است کلی ترین وجوه نیازهای انسان را در حرکت تکاملی و سرآمد متعالی وی که از دیدگاه اسلامی در سه بُعد و نتایج آن خلاصه می شود مطرح کنیم و سپس به تجزیه و تحلیل فیزیکی مراکز عبادی و تأثیر آن برانسان پردازیم:

- حرکت عرضی (قشری و مادی) که در آیات قرآنی به سیردر آفاق تعبیر می شود.
 - حرکت جوهری (رشد روحی و معنوی) که در آیات قرآنی به سیر درانفس آمده است.
 - نیاز به هدایت و رهبری های پیامبران الهی و نیز عقل و خرد آدمی که به پیامبر درونی انسان تعبیر می شود.
- از نظر معارف اسلامی این سه بُعد از نیازها و نتایج آن کلی ترین وجوهی است که یک انسان یا جامعه انسانی برای رشد و تعالی و سعادت جاودانی خود نیاز دارد و باید زمینه هر سه آنها درکنار هم فراهم شود تا انسان ها درحیات دنیوی و در جامعه و زندگی خود سیرکمالی داشته باشند، در غیر این صورت از شمول فطرت و سنت های الهی (شجره طیبه) خارج و مشمول کلمه (شجره خبیثه) و فساد و تباهی می شوند. همانطور که «دنیا» مزرعه «آخرت» است، رابطه «سیر در آفاق و حرکت عرضی» نیز با «سیر در انفس و حرکت جوهری» رابطه «زمین و مزرعه» با «گیاه و حیات گیاهی» است که هر دو لازم و ملزوم و زمینه ساز یکدیگرند، اگر چه منظور نهایی باغبان کشت میوه باشد. در مجموع انسان به هر دوی نیاز های مادی و معنوی وابسته است.

۴- ویژگی های عبادت از دیدگاه اسلامی

ویژگی های عبادت اسلامی را در چند گام زیر می توان مرور نمود:

- مقوله پرستش و عبادت چیزی در ردیف سایر اعمال انسان نیست، بلکه مهمترین هدف از خلقت انسان است و از این بُعد سایر اعمال وسیله و زمینه آن تلقی می شوند^۱.
- پرستش و عبادت یک بُعدی نیست، بلکه هم بُعد فردی و خصوصی و هم بُعد اجتماعی و عمومی دارد^۲.
- رابطه انسان با خدا، رابطه ای مستقیم و درونی است و هر پدیده دیگر که مانع این رابطه و موجب قطع آن شود، به عنوان بت و شرک، مانع شهود و کمال انسان شده است.
- هر پدیده ای که موجب تسهیل و تسریع رابطه مستقیم و درونی انسان با خدا شود، به عنوان امام و هادی، در نقش یک عنصر و وسیله مثبت تلقی می شود.
- هر جای زمین می تواند محل عبادت باشد، اما عبادت در مساجد و با جماعت بیشتر مسلمین، پسندیده تر است (آنهم سه یا پنج بار در روز).
- هر لحظه از زمان می توان عبادت نمود، اما اول وقت اذان و با جماعت بیشتر مسلمین، پسندیده تر است

^۱ و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون - ما جن و انس را خلق نکردیم ، مگر برای پرستش قرآن - سورة ۵۱ آیه ۵۶ (نه آنچنان که در کنگره بین المللی CIAM در آغاز دوران مدرنیسم فقط (مسکن و کار و تفریح) را نیازها و عملکردهای شهری معرفی و تثبیت می نمایند و هدف از خلقت انسان را فقط برآوردن نیازهای مادی او.

^۲ در کنار مساجد حوزه های علمیه احداث و درکنار نماز ، موعظه و درمجموع مسجد قلب ارتباطات اجتماعی می شود.

- نماد محل عبادت بهتراست برای یاد و یاد آوری مردم در هر نقطه شهر و محل دیده شود و از سایر ساختمان ها متمایز باشد.
- محل عبادت عمومی (مسجد) بهتر است در بیشترین محل تردد شهروندان قرار گیرد که سهل الوصول تر باشد.
- محل عبادت عمومی (مسجد) بهتر است در کنار سایر خدمات عمومی قرار گیرد تا رابطه بین نیازهای دنیایی و عبادی در حال تعادل قرار گیرد.
- محل عبادت باید از هر نوع مزاحمت همجواری (صوتی، تصویری، بویایی و ...) در امان باشد و خود نیز مزاحم نباشد.
- محل عبادت باید آرامش بخش، تمرکز آفرین، وحدت بخش و ... باشد و از هر نوع انگیزه دنیا پرستانه خالی باشد.
- محل عبادت باید آگاهی بخش، تفکر برانگیز، ایمان آفرین و برانگیزاننده عواطف روحی و معنوی و مشوق عمل صالح و تعهد و رسالت دینی و اجتماعی باشد.
- محل عبادت باید معبد باشد، نه معبود و بستر و زمینه و وسیله سیر و رشد و تکامل معنوی انسان باشد، نه اینکه خود هدف و مقصود^۱ قرار گیرد. صیوریت انسان جز با اراده و نیت شخص انسان تحقق نمی یابد.
- محل عبادت باید با حضور و فعایت عینی امام و عالم و هادی تحقق یابد، (لزوم نزدیکی خانه امام جماعت و واعظ به مسجد).
- حضور در مسجد برای کلیه اقشار و طبقات اسلامی آزاد است (چون بر اساس فرهنگ مسجد بین انسان ها یی که برای عبادت آمده اند تفاوت قائل نیست).

در این بخش از مقاله توضیحاتی درباره معماری خانه کعبه، مسجد النبی و تبدیل آتشکده های چهارطاقی به مسجد بیان گشته بود که به دلیل ارائه مطالب آن در مقالات «معماری مسجد از مفهوم تا کالبد» و «تحلیل ساختار فضایی بیت ... الحرام و تأثیر آن بر معماری و شهرسازی دوران اسلامی ایران» از تکرار آن خودداری شده است.^۲

با اتکا به مباحث گفته شده در خصوص معماری مسجد و خانه کعبه و تحلیلی که در این باره در مقالات پیش از این بیان شد در ادامه به مقایسه معماری مساجد و معابد می پردازیم.

۵- تحولات فضای معماری در اروپا^۳

«در فرهنگ معماری اروپا در طول تاریخ آن، سه نوع نگرش کاملاً متفاوت نسبت به فضا قابل بررسی است. [۴] نخستین آن همزمان با دوران شکوفایی تمدن و فرهنگ بین النهرین، مصر و یونان می باشد، معماری این دوره به صورت مجسمه بوده که می بایست درخشش آن در تمامی فضای بی پایان جلوه گر باشد و ارتباطی با کهکشان برقرار سازد. نقش فضاهای داخلی در این دوره نقشی ثانوی بوده و به آن چندان توجهی نمی شده است. در معماری رومی به عکس معماری یونان که نوعی «مجسمه سازی» بود، تبدیل به «فضا سازی» گردید. برای اولین بار در این معماری، برای کاربری های گوناگون، فضاهای متفاوت در نظر گرفته شد. فضای داخلی پرداخته تر و فعال تر گردید و از این طریق نقش اول را در معماری برعهده گرفت.

شروع دوران سوم را می توان آغاز قرن حاضر دانست. فضا در این دوره دیگر محفظه ای محصور و بسته نیست بلکه به یک حوزه یا پهنه تبدیل می شود، به این ترتیب است که رابطه بین فضای داخل و فضای خارج نیز متحول می گردد، البته فضای نیمه باز - که مثلاً به واسطه ستونها مشخص می شود- در معماری یونان و روم نیز وجود داشته است، اما در معماری رومی و یونانی این فضای

^۱ من یار طلب کردم و او جلوه گه یار

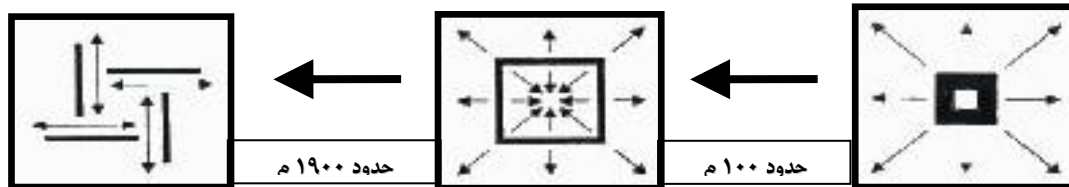
مقصود من از خانه و بتخانه تویی تو مقصود تویی، کعبه و بتخانه بهانه

^۲ برای توضیح بیشتر به مقالات مذکور مراجعه گردد.

^۳ از کتاب زیباشناختی در معماری، تألیف یورگ گروتز، ترجمه دکتر جهاننهاد پاکزاد صفحه ۱۸۹

نیمه باز تنها با یک فضای بسته در ارتباط بوده است و به عنوان یک فضای رابط میان داخل و خارج محسوب می شده و در این میان نقش اصلی با فضای داخل بوده است. فضای نیمه باز به عنوان یک عنصر اصلی یا به عنوان یک عرصه مستقل، تنها در معماری قرن بیستم پیدا شده است» .

نمودار شماره ۵- دیدگاه گروتز درباره سیر تحول نگرش به فضا در سه دوره تاریخی



فضا در قرن حاضر دیگر محفظه ای محصور و بسته نیست بلکه به یک حوزه یا پهنه تبدیل می شود. رابطه بین فضای داخل و فضای خارج نیز متحول می گردد. فضای نیمه باز، تنها در معماری قرن ۲۰ پیدا شده است.

معماری رومی تبدیل به فضا سازی گردید. در این معماری برای کاربردهای گوناگون، فضاهای متفاوت در نظر گرفته شد. فضای داخلی پرداخته تر و فعال تر گردید و نقش اول را در معماری بر عهده گرفت.

معماری در این دوره به صورت مجسمه بوده که می بایست درخشش آن در تمامی فضای بی پایان جلوه گر باشد. نقش فضای داخلی در این دوره نقشی ثانوی بوده و به آن چندان توجهی نمی شده است.

در نقد نظریه فوق چند نکته قابل تأمل است:

در دوره اول: کارها به جمرات سه گانه (در انجام مراسم حج) شبیه می شود، نظیر مجسمه سازی .

در دوره دوم: که فضای داخل و خارج نسبتاً به تعادل می رسد، اکثراً پوسته خارج هدف اصلی است و پُر از تزئینات .

در دوره سوم: تداخل افراطی و بی حریم مرز داخل و خارج، باعث سیر در آفاقی شدن فضاهای داخلی شده و فضای

مصنوع مکمل فضای طبیعی و مقدمه تفکر و عروج انسان نشده است بلکه فضاها بیش از پیش و از داخل و خارج، سیر در آفاقی شده است.

۶- معابد یونانی

توضیح کلی: معابد، برجسته ترین آثار ماندگار یونانی است که فرم و حجم شاخصی در میان سایر مراکز مذهبی دارند، فضای داخلی این معابد اکثراً ابعاد کوچکی به شکل مستطیل دارد که برای قرار دادن مجسمه و رب النوع مربوطه و ذخائر هدیه شده، کافی بوده است و مردم عادی در خارج از معبد (فضای بیرونی) به مراسم عبادی و قربانی می پرداختند. حجم کلی آنها متشکل از دو سقف شیب دار و دو ستوری در دو طرف ساختمان است. کتیبه ای در چهار طرف امتداد یافته و بر روی سرستونها و ستونها قرار گرفته است. ستونها نیز از طریق پایه ستونها بر روی سکوی بلندی از زمین قرار گرفته اند.

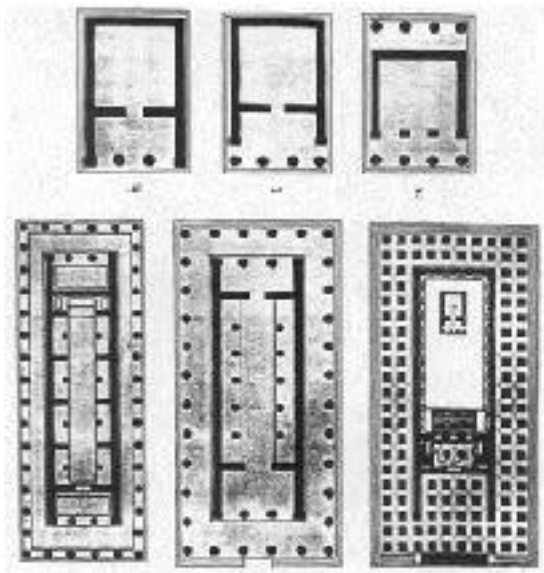
فضای داخلی معبد نیز بسیار ساده و مرکب از سه عرصه (رواق، حرم و خزانه) می باشد. مجسمه رب النوع را در انتهای فضای حرم و هدایا را در محل خزانه می گذاشتند. معمولاً فضای داخلی حرم را با دو ردیف ستون به سه قسمت تقسیم می نمودند که قسمت وسط بزرگتر بود.

غارها و شکافهای زمین نیز که مسکن خدایان زمین محسوب می شدند، برای عبادت به کار می رفتند. یونانیان معبد را خانه خدایان و نه عبادت کنندگان می دانستند. هر شهر و هر رب النوعی نیز معبد خاص خود را داشت.

۷- سیر تحول معابد یونانی از معبد بودن به معبود شدن (تحول از درونگرایی به برونگرایی)

در باره این تغییر و تحول این نکات قابل تذکر است:

- گنج خانه آتنی ها در دلفی، معبدی متشکل از یک عرصه ورودی (مقصوره) مستطیلی و یک فضای درونی (حرم) مربع شکل است.
- معبدی در سلینوس سبیل که ستونهای ورودی سرتاسر آن را فرا می گیرند.
- معبد آتنا، الهه پیروزی، در آکروپولیس آتن که ستونهای قسمت ورودی عیناً در طرف مقابل تکرار شده است
- معبد هرا در المپیا و معبد آفایا در آیسگینا، معبدی که در آنها یک ردیف ستون بنی دور تا دور فضای مرکزی (مقصوره) افزوده شده است.
- معبد آپولون در دیدوما نزدیک میلئوس که دو ردیف ستون دورادور فضای مرکزی را احاطه نموده و فضای ورودی با سه ردیف ستون اشغال شده است.



تصویر ۵- شش نقشه نمونه معبد یونانی :

- الف - گنج خانه آتنی ها در دلفی ، معبدی با ستونهای بین دو جز، که در آن دو دیوار جانبی پیش آمده و در فاصله آنها دو ستون بر پا داشته شده اند.
- ب - معبد ب در سلینوس سیسیل، معبد دارای ستون بندی بی دیوار که در آن ستونها در برابر مقصوره برپا داشته می شوند و سراسر پهنای آن را می گیرند.
- ج - معبد آتنا الهه پیروزی در آکروپولیس آتن، معبدی دارای ستون بندی خلفی و قدامی که در آن یک ردیف ستون مشابه ستونهای مقابل مقصوره معبد (ب) به عقب مقصوره افزوده شده است.
- د - معبد هرا در المپیا و (ه) معبد آفایا در آیسگینا، معابدی دور ستونی که در آنها یک ردیف ستون بندی دورادور مقصوره برپا داشته می شود و (و) معبد آپولون در دیدوما نزدیک میلئوس، معبدی با دو ردیف ستون دورادور مقصوره

۸- مقایسه و ارزیابی (هندسی - فضایی) معابد یونانی^۱ با مساجد اسلامی

انعکاس نوع اعتقادات در شاکله های معماری

- در سیر تحول معابد یونانی ملاحظه می شود به تدریج نسبت مساحت فضای بیرونی به فضای درونی بیشتر شده است.
- عناصر تزئینی نظیر ستونها به تدریج افزوده می شود، ابتدا در قسمت مقابل ورودی، سپس چهار طرف و به تدریج ردیف های بیشتر شده و پُرشدن محوطه ورودی اتفاق می افتد.
- فضای داخلی به تدریج از پلان مربع به مستطیل کشیده و نوارهای باریک فضایی تبدیل می شود.

^۱ معابد یونانی از سه حوزه فضایی تشکیل شده است: ۱- فضای خارجی ۲- حرم ۳- گنجینه

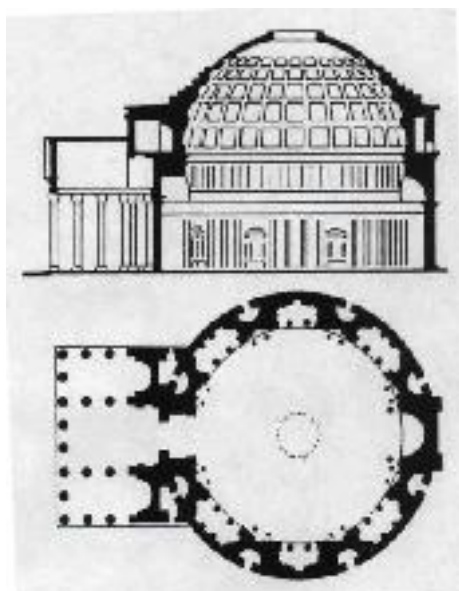
- هیچ عنصر تعیین کننده در بدنه دیوارها و فضاها مشوقی برای توقف وسکون و توجه نیست، مگر مجسمه و رب النوع.
- بطور عمی و کلی یک محور طولی در فضای داخلی و ورودی مسلط است و همواره حالت عبور را تشدید می کند.
- حجم خارجی یک حجم مستقل، منظم و درمجموع یکنواخت است که کاملاً از فضای اطراف خود جدا و حالت نمایشی یک مجسمه را دارد.
- هیچگونه ریتمی که محور ورودی را مشخص کند وجود ندارد و فواصل ستونها کاملاً یکنواخت است و این موضوع برونگرایی و مجسمه گونگی بنا را به شدت تشدید می کند.
- سکوی بلند و جدا شدن از زمین اطراف حالت نمایشی را تشدید می نماید.
- در مجموع قسمت پُرساختمان نسبت به فضای خالی آن مسلط است و ساختمان توپُر به نظر می رسد.
- عناصر تزئینی بخصوص سرستونها و نقش برجسته ها و مجسمه های متنوع بر روی سنتوری و بر روی سقف حالت نمایشی و مجسمه گونه آن را به شدت تشدید می نماید.
- همهٔ مراسم عبادی به صورت جمعی انجام می شود و فضایی برای حضور قلب و عبادت فردی وجود ندارد.
- امپراطوران و حاکمان، جانشینان خدا در زمین و انسان برتر تلقی می شوند و کاهنان منتخب آنان فقط مجری مراسم اند.
- در مجموع ملاحظه می شود فضای اولیه (گنجخانه آتنی ها در دلفی) از مدل فضایی شبیه به خانهٔ کعبه به تدریج به سوی مدل مجسمه گونه رمی جمرات در مکه نزدیک تر شده است.
- معبد درمجموع دور از بافت متمرکز و اصلی شهر و بر روی ارتفاعات قرار گرفته است و قابل دسترسی مداوم و روزمره افراد نیست و بیشتر در مراسمی که به ندرت برپا می شود، مورد استفاده است.



تصاویر ۷-۷-آتن، اکروپولیس-قرارگیری معبد در ارتفاع و تراکم ستونهای پیرامون آن بدون ایجاد دعوت کنندگی به درون، عملکرد اصلی معبد را تغییر داده است.

۹- معماری رومی^۱

^۱ از کتاب زیبا شناسی در معماری، یورگ گروتز، ترجمه جهان شاه پاکزاد، صفحه ۱۹۱
^۱ از قبل از رنسانس هیچ اطلاعی از این بنا ظاهراً وجود ندارد و تاریخ ساخت آن مشخص نیست.



تصویر ۸- پانتئون (Pantheon) - ۱۲۰ سال بعد از میلاد، رم، ایتالیا.

شروع دیدگاه دوم درمورد فضا همزمان با عصر ساختمان های بزرگ رومی بود و تا پایان قرن نوزدهم نیز ادامه داشت، در این دوره فضا، محفظهٔ میان تهی تلقی می شد و براین اساس مهمترین عنصر معماری بود. در چهارچوب چنین دیدگاه جدیدی نسبت به فضا، رومیان خالق دو گونه فضای جدید بودند که در مراحل بعدی تکامل، اهمیت ویژه ای پیدا کردند، **فضای مرکزی و فضای خطی**. هر دوی این فضاها پیش از این نیز موجود بود، ولی هرگز از این فرمها برای فضاهای داخلی استفاده نمی شد.

۱۰- معابد رومی

«خالص ترین نمونهٔ فضای مرکزی را می توان در **ساختمان**

پانتئون (Pantheon) ساخته شده در قرن دوم میلادی مشاهده کرد.

یک نیمکره که بر روی استوانه ای قرار گرفته که شعاع نیمکره و ارتفاع

استوانه برابر می باشند، ظاهر فضا چنین می نماید که گویی برای جایگزین کردن

یک گره کامل در نظر گرفته شده است. محور فضای اصلی در داخل به علت فرم کروی آن به راحتی قابل تشخیص نیست، اما این

محور جدید نمادی است از مسیر تاریخ که با ورود به فضای مدور اصلی، با نظام کیهانی یکی می شود و بدین سان در این فضا، انسان

گویی احساس می کرده که در آمان فاتحینی است که با الهامی خدایی، تاریخی را می سازد که افلاک طرح آن را ریخته اند^۱.

۱۱- مقایسه و ارزیابی (هندسی - فضایی) معابد رومی با مساجد اسلامی

تقریباً اکثر مواردی که برای معابد یونانی در این مورد مطرح شد، در این معابد نیز به چشم می خورد، برای مثال :

۱- در مجموع معبد حالت مجسمه گونه دارد و برای تماشا از خارج طراحی شده است.

۲- فضای داخلی فقط محلی برای نصب مجسمه رب النوع مربوطه بوده است، نه حضور انسانها.

۳- به طور مثال در **معبد سبیل (Sibiyl)** در تیولی (Tiuoli) قرن اول قبل از میلاد ملاحظه می شود:

▪ بیش از نیمی از پلان در فضای باز طراحی شده است.

▪ بیشترین تزئین و نمایش در جداره ها و ستونهای خارجی صورت پذیرفته است و فضای داخلی بسیار ساده برگزار شده است.

▪ ریتم ستونها کاملاً یکنواخت است و محور ورودی در آن مشخص و متمایز نیست.

۴- در **معبد ونوس (Venus)** در بعلبک لبنان، متعلق به قرن سوم میلادی نیز مراتب ذیل ملاحظه می شود:

• به شکل بسیار شدیدی کتیبه ها به سمت خارج انحناء پیدا نموده و حالت تزئینی دارد.

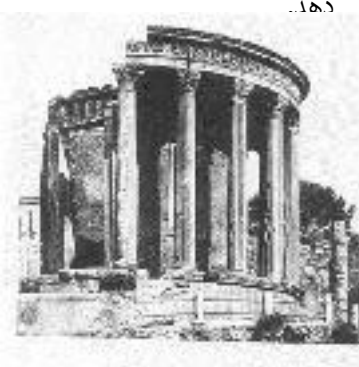
• بدنهٔ خارجی معبد با ایوانچه و مجسمه های داخل آن به شدت بر برونگرایی معبد افزوده است. علی رغم گشوده شدن محور ورودی فورم دایره ای معبد و گرایش ستونها در اطراف آن حالت چرخش به دور معبد را افزایش می

۱۵۵

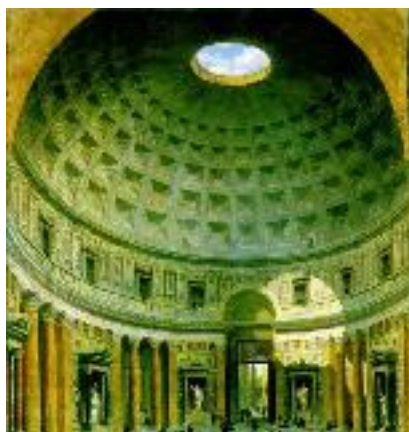


ناب زیباشناختی در

ان به واسطه هایی اس



۲۳ و ملاحظه می شو
معماری، تألیف یورگ



تصویر ۱۱- معبد پانتئون فضایی سیر در آفاقی را القای نماید.

۵- در **پانتئون (Pantheon)** که معبد بودن و زمان احداث آن 'دقیقاً روشن نیست و در رم ساخته شده است و ظاهراً قسمت ورودی آن الحاقی است و بعداً افزوده شده همانگونه که ملاحظه می شود علیرغم حجم نسبتاً ساده خارجی، فضای داخلی آن با پلان دایره و ستونهای تزئینی و درگاه هایی که در میان آن مجسمه های امپراطوران برافراشته شده، کاملاً یک فضای نمایشگاهی و سیر آفاقی را القاء می نماید^۲ و از سکون و آرامش و تمرکز فضای داخلی خبری نیست (برخلاف پلان مربع) و نورگیر آن در مرکز سقف بدون حفاظ و سایه بان مستقیماً به فضای آزاد باز می شود و تضاد شدید سایه روشن و انعکاس زیاد نور آفتاب بر این برونگرایی و عدم آرامش می افزاید.

نتیجه گیری:

عبادت به منزله ارتباط مستقیم انسان با مبدأ هستی است و از دیدگاه اسلامی سیر

تکاملی انسان به منزله هدف نهایی خلقت محسوب می شود و این ضرورت از طریق

عبور از ساحت سیر در آفاق به سیر در انفس و از حواس پنج گانه به ساحت اندیشه و تفکر و تعقل و سپس به مرحله تمرکز و حضور قلب و شهود عرفانی ارتقاء می یابد تا آنجا که در بیان سعدی (ره) این حقیقت اینگونه آمده است:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

صدر المتألهین شیرازی نیز در اسفار چهارگانه از خلق به سوی حق به این سیر عرفانی اشاره نموده است. لذا عبادتگاه به

منزله سکوی پرواز انسان، از ارتباط با مرتبه نازل هستی یعنی طبیعت خارج شده و وسیله ساز ارتباط انسان با مراتب عالی تر هستی

یعنی عالم معقول و ملکوت گشته است. **بنابر این معماری عبادتگاه باید بتواند با ایجاد حریم های لازم انسان را از ساحت غریزه و نفس**

بهمی و حیات دنیوی دور ساخته و با ایجاد فضاهایی امن، آرام، خالص، تمرکز آفرین، مقوم قدرت فکری و اندیشه انسان و زمینه ساز

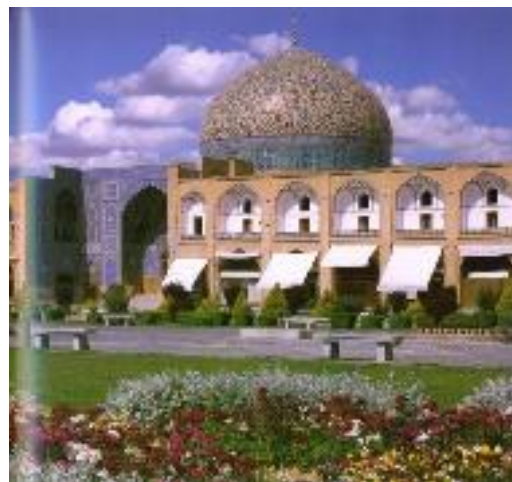
تمرکز و حضور قلب و خودآگاهی انسان باشد. همانطور که در معماری خانه کعبه و مسجد النبی ملاحظه می شود، با استفاده از کمترین

^۱ تا حدود پانصد سال پیش خبری از احداث آن در متون نیست و بعدها یک محقق آلمانی از روی بعضی از مصالح آن تاریخ احداث را پیش بینی نموده است (حدود ۱۲۰ بعد از میلاد)

^۲ نظیر خانه کعبه هنگامی که با قراردادن مجسمه های تزئینی در جدار خارجی و در بدنه های داخلی عملاً تبدیل به بتخانه شده و به دست پیامبر اکرم (ص) با شکستن و انهدام بتها، بتها دوباره به خانه خدا (توحید) و خانه قیام انسانها (قیام روحی) تبدیل شد.

مصالح و عناصر مادی، فضایی درونگرا و آرامش بخش و وحدت آفرین ایجاد شده است که با دو عملکرد مشخصی درون آن یعنی (موعظه و سخنرانی) به عنوان محرک تفکر و تعقل و «نماز» به عنوان ارتباط مستقیم با مبدأ هستی و حضور حضرت حق زمینه مناسب عبادت به مفهوم عمیق آن فراهم می شود.

در هر حال هریک از انسان ها قهرمان اصلی داستان و کمال آنها هدف اصلی معمار و معماری است. اما در معابد یونانی و رومی همانطور که ملاحظه شد، معماری آنها کاملاً تجلی بخش افکار و عقاید مشرکانه آنها بوده و انسانها حاشیه نشین و تماشایی معابد و توتّم‌ها و بت گونه ها مجریانی هستند که معبد را به صورت یک نمایشگاه و مجسمه بزرگ به نمایش درآورده اند و موجب اعجاب نامعقول و **از خود بیگانگی روحی و معنوی انسانها** می شوند. تداوم این دیدگاه را بعدها در تحولات طراحی و ساخت کلیساها و سپس تأثیر آن را بر معماری و شهرسازی معاصر غرب در دوران مدرنیسم و پست مدرنیسم و جریان های متأخرتر و در نهایت تأثیر نامطلوب آن بر معماری و شهرسازی معاصر خود نیز ملاحظه می نمائیم.

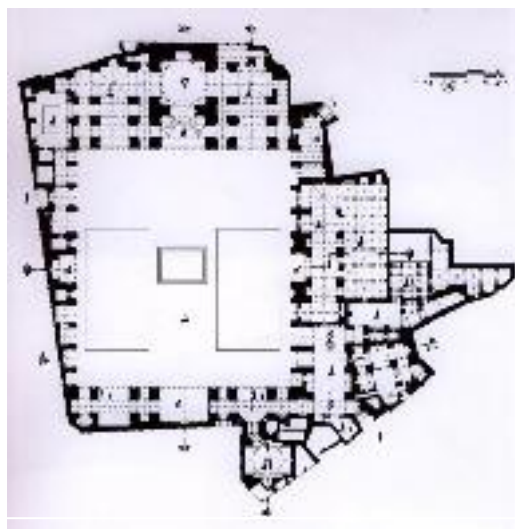


تصاویر ۱۲ و ۱۳- اصفهان، مسجد جامع و مسجد شیخ لطف ا...

اگر امروز در شهرسازی و معماری ساختمان ها همچون بتها و توتّم ها، احجام و اشیایی مقدس می شوند و انسان را از خود بیگانه و غافل به تماشای اجسام دلخوش می نمایند و اگر حجم ها و پلانها به گونه ای طراحی می شوند که انسان فقط بیننده باشد و رهگذر، اگر هندسه های تمرکز گریز، انسان را از فضاهای حضوری می گریزانند، اگر در شهرها فضاهای عبوری اصل می شوند و برفضاهای حضوری تسلط پیدا می کند و ماشین بر پیاده رجحان می یابد و در مجموع انسان در میان اجسام و اشیاء مضطرب و هراسان، منفعل و سطحی و گریزان و از خود بیگانه و مسخ می شود، قطعاً ناشی از رسوخ فرهنگ و معتقداتی است که حیات انسان را در ساخت مادی آن فرو کاسته است. **جاهلیت قدیم و بتخانه های قدیم با تغییر نام و صورت جدید دوباره جان گرفته و فضای خانه و محله و شهرها را تبدیل به بتخانه بزرگ و فریبنده نموده است.**

جاهلیت جدید، با تشبّه به دستاوردهای فیزیکی جدید، مبنی بر تحرک لاینقطع ماده و بی نظامی ظاهری سیستم ها و ارگانهای طبیعی با نام هندسه تصادفی یا فراکتال و یا فولدینگ و یا هندسه ژله ای و یا آشوب و یا با عنوان دیکانستره کردن هندسه های منظم در واقع دو باره از حقیقت فاصله گرفته است. در مرحله اول ملاحظه می نمائیم خداوندی که خالق ماده و طبیعت است، ظاهراً طبیعت را متناسب با ساختار وجودی انسان اینچنین آرام و سامان یافته خلق نموده و در مرحله دوم در قرآن مجید و ساخت فضای مصنوع به انسان توصیه می نماید که «خانه های شما را محل آرامش قرار دادیم» یعنی نسبت به طبیعت یک مرحله آرامش و

سکون آن قوی تر و امن تر باید باشد. اما متأسفانه سبکهای نیهیلیستی و آنارشستی جدید در مقوله هنر و معماری دو مرتبه از نیازهای واقعی و حقیقی انسان دور شده اند و با ارائه هندسه هایی نا آرام و درهم و ناهماهنگ سنتهای شایسته فاصله گرفته اند. **امید است با احیای هویت اسلامی و بهره برداری از تجربیات اصیل و الهام بخش تمدن اسلامی و بکار گیری استعدادهای مساعد و علاقمند و پر تحرک در سطح مدیریت کشور نه تنها مساجد را بلکه خانه ها و محلات و شهرهای امروز را از معماری و شهرسازی بت گونه و انسان ستیز نجات بخشیم.**



تصاویر ۱۴ و ۱۵- پلان مسجد حکیم و مسجد جامع اصفهان، مسجد نماد درونگرایی و سیر در انفس

پرسش ها و پژوهش ها (مقاله ششم)

- ۱) چرا **مراکز عبادی** عمیق ترین جلوه گاه اندیشه و فرهنگهاست؟ در این ارتباط تحقیق کنید؟
- ۲) سرچشمه ارزش های هنری و معماری در **فقه شیعه** بر چه اصولی استوار است؟
- ۳) **مفاهیم و ارزش اسلامی** با کالبدها و شکل ها در هنر و معماری چگونه و بر چه اصولی ارتباط برقرار می کنند؟
- ۴) جایگاه و ارزش **نیایش و عبادت** در اعتقادات اسلامی کجاست؟ و چه تأثیری روی افراد با ایمان دارد؟
- ۵) بین **مسجد** در مکتب اسلام و **بتخانه** در مکتب شرک چه تفاوتی موجود است؟ توضیح دهید؟
- ۶) چرا باید هنر و معماری در حوزه **علوم انسانی** قرار گیرد؟
- ۷) در باره سیر در آفاق (حرکت بیرونی) و سیر در انفس (حرکت درونی) با ذکر حداقل **دو آیه از قرآن** به بحث و نتیجه گیری برسید؟
- ۸) **ویژگی های عبادت** از دیدگاه اسلامی را فقط نام ببرید؟
- ۹) در باره **معماری یونانی** (که روی مجسمه سازی تأکید داشتند) و **معماری رومی** (که روی فضا سازی تکیه داشتند) با استفاده از منابع معتبر به تحقیق بپردازید؟
- ۱۰) با توجه به نگرشی تاریخی در **معماری اروپایی** در چند دوره قابل جمع بندی خواهد بود؟
- ۱۱) سیر تحول معابد یونانی که از **درونگرایی به برون گرایی** را تشریح نمائید؟

- ۱۲) عناصر تشکیل دهنده **معماری یونانی** را با معماری **مساجد اسلامی** مقایسه نمائید؟
- ۱۳) با توجه به تصویر شماره ۸ در باره **ساختمان پاتئون** (معماری رومی) توضیح دهید؟
- ۱۴) **معابد رومی** را با معماری **مساجد اسلامی** مقایسه نموده و نتیجه گیری کنید؟
- ۱۵) طبق نظر صدرالمآلهین شیرازی در باره سیر عرفانی انسان، مساجد اسلامی باید دارای **چه حریم هایی** باشند؟
- ۱۶) در باره **جاهلیت جدید** در معماری و شهرسازی چه نظری دارید؟ **یک مقاله تحقیقاتی** در این زمینه با استفاده از منابع مستند ارائه نمائید؟

مراجع و مآخذ بکار گرفته شده در این مقاله :

- ۱- نقره کار، عبدالحمید، معماری مسجد از مفهوم تا کالبد، مجموعه مقالات اولین همایش معماری مسجد، انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۷۶.
- ۲- طرح های تحقیقاتی با عنوان «بررسی تطبیقی و تحلیلی بین بعضی از نیایشگاههای جهان از دیدگاه اسلامی»، کارفرما: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران، محقق: عبدالحمید نقره کار :
- ۱-۲- بررسی و تحلیل مفهوم عبادت در اسلام و رابطه آن با کالبد مسجد، زمستان ۱۳۷۹.
- ۲-۲- مقاله «ارزشهای مانا» معماری مساجد و جایگاه شهری آنها ارائه شده در دومین همایش معماری مسجد (۲۲-۱۳۷۹/۷/۲۰) در شهر کاشان.
- ۳- قرآن مجید: سوره ذاریات آیه ۵۶ .
- ۴- گروتز، یورگ، زیباشناختی در معماری، ترجمه دکتر جهانشاه پاکزاد، صص ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴.

مقاله هفتم

(کاربردی-معماری)

(والله جعل لكم من بيوتكم سكناً - ۸۰ / نحل)
و خدا برای سکونت شما منزل هایتان را مقرر داشت

تحلیل نشانه شناختی سامانه مسکن ایرانی
برپایه
ارتباط لایه های متن / مسکن

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه مقاله :

از مسائل مطرح نشانه شناسی معماری، چگونگی ارتباط لایه های نشانه شناختی یک اثر معماری و تأثیر آن بر قوام یا زوال انسجام سامانه ای معماری می باشد. در این مقاله جهت تبیین این مسئله، ضمن تشریح مفاهیم نشانه شناسی شمایل، نمایه و نماد، رمزگانهای سه گانه علمی، زیبایی شناختی و اجتماعی که متأثر از مفاهیم فوق هستند معرفی می گردند. سپس دو رویکرد مهم نشانه شناختی تحت عنوان مناسبات همنشینی و جانشینی (که به لحاظ زمانی می توان آنها را به همزمانی و درزمانی تعبیر نمود) تبیین و مشخص خواهد شد که لایه های متشکل از رمزگانها، چگونه تحت این دو رویکرد سبب قوام یا زوال سامانه معماری خواهند شد. برای این امر، ضمن بهره گیری از مطالعات اسنادی و کتابخانه ای، تحلیل نشانه شناختی در مورد **متن/مسکن** ایرانی در دو بازه زمانی **سنتی و معاصر** اعمال و مشخص خواهد شد که چگونه لایه های مختلف **متن/مسکن** سنتی، ارتباطی هم افزا داشته و بالعکس در مسکن معاصر ایرانی، نتایج حاصل از مناسبات همزمانی و درزمانی این لایه ها، انسجام زدایی سامانه مسکن بوده است. در بخش پایانی مقاله نیز تشریح خواهد شد که شرط لازم برای تقویت انسجام سامانه مسکن ایرانی، تناسب و توازن در تغییرات همزمانی و درزمانی لایه های مختلف **متن/مسکن** می باشد.

کلمات کلیدی در این مقاله: معماری متن وار، مناسبت همزمانی، مناسبت درزمانی، مسکن سنتی ایرانی، مسکن معاصر ایرانی،

لایه های متن/مسکن

مقدمه :

از مهمترین مسائلی که طی سالهای اخیر توجه مجامع دانشگاهی و همچنین سازمانهای اجرایی و مدیریت شهری را به خود جلب نموده **عضلات سامانه ای مسکن معاصر ایرانی** می باشد. آنچه در همین خصوص بسیاری از اندیشمندان به آن اذعان دارند این است که مسکن معاصر ایرانی قابلیت پاسخگویی جامع به نیازهای خانواده های ایرانی (اعم از نیازهای فرهنگی، اجتماعی، معنایی، عملکردی و غیره) را نداشته و این امر سبب گردیده میزان رضایت مندی از مسکن معاصر ایرانی در مقایسه با مسکن سنتی ایرانی به میزان قابل توجهی کاهش یابد.

در این پژوهش به ژرفکاوای عضلات سامانه ای (به ویژه از بُعد محتوایی) مسکن معاصر ایرانی پرداخته تا مشخص گردد که چطور لایه های مختلف نظام مسکن ایرانی در دو سطح متفاوت «درزمانی» و «همزمانی» با یکدیگر روابط سامانه ای داشته و می توانند یکدیگر را تقویت یا تخریب نمایند. لذا مسئله اساسی این پژوهش بر این امر استوار است که تعامل لایه های مختلف متن یک بنا (در این مقاله یک متن/مسکن) چه نقشی در جهت تعریف یک سامانه منسجم معماری داشته و چطور این نقش ها و ارزشهای

* دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

** نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری و مدرّس گروه آموزشی معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، تلفن: ۰۲۱۷۷۴۹۱۲۴۳، نمابر: ۰۲۱۷۷۲۴۰۴۶۷،

E-mail: raeesi@iust.ac.ir

منبعث از آنها هم افزا شده و یا در تقابل با هم قرار گرفته و سبب واپاشیدگی سامانه مسکن می گردند. هدف از چرایی تبیین این مسئله، تبیین چگونگی تبادلات سامانه ای در مسکن ایرانی و در مرحله بعد ارائه رهیافتی مشخص برای **اصلاح سامانه ای مسکن معاصر ایرانی** از منظری نشانه شناختی می باشد. البته خاطر نشان می سازد که طی این مقاله به تبیین تئوریک این رهیافت خواهیم پرداخت و کاربردی نمودن یافته های بنیادی این مقاله مجال دیگری را می طلبد.

نوع اطلاعات مرتبط با موضوع این پژوهش بطور عمده و کلی بر پایه زمینه های تاریخی، تفسیری و به ویژه کالبدی خواهد بود. اخذ اطلاعات لازم اغلب از طریق روشهای مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه ای صورت پذیرفته است. از آنجایی که "ماهیت راهبرد تحقیق تاریخی - تفسیری معمولاً بر مدارک اسنادی یا منابع نوشتاری استوار است" (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۱۴) و با عنایت به الزامات این پژوهش، جهت بهره گیری مطلوب از روش مطالعات اسنادی و کتابخانه ای صورت گرفته در این مقاله، ضمن بهره گیری از گونه تحقیق تاریخی - تفسیری در مرحله گردآوری داده ها، از گونه تحقیق استدلالی - منطقی در مرحله تحلیل و داوری داده ها استفاده شده است. با توجه به اینکه در پژوهش های استدلال - منطقی "پذیرش منطقی بودن یک سامانه در محیط فرهنگی همان سامانه معنا دارد" (رنجبر، ۱۳۸۹، ۵۷)، ضروری است تا در بخش داوری داده ها به بسترهای فرهنگی سامانه معنایی ارائه شده در این مقاله توجه لازم مبذول گردد.

۱- چارچوب نظری

❖ مؤلفه های سه گانه دانش نشانه شناسی (شمایل، نماد و نمایه)

برخی نظریه پردازان **دانش نشانه شناسی** همچون چارلز سندرز پیرس^۱ اعتقاد دارند که "تنها در پرتو نشانه هاست که می توان اندیشید و تفکر بدون نشانه امکان پذیر نمی باشد" (ضمیران، ۱۳۸۳، ۴۰). نشانه ها ممکن است منشی کلامی، تصویری یا آوایی و یا بساوایی و نظائر آن را به خود گیرد پس "واژه ها، تصاویر، ایما و اشارات، ژست ها و چیزها می توانند نشانه باشند" (Chandler, 2007, 2). از این رو می توان دامنه دانش نشانه شناسی را به بسیاری از پدیده های هستی بسط داد. این امر به ویژه در حوزه هنر و معماری حائز اهمیتی مضاعف می باشد چراکه "هنر برای ورود به عرصه معنی و محتوی جز رمزپردازی و شیوه های نمادگرایانه و تمثیلی راه دیگری ندارد" (نقره کار، ۱۳۸۷، ۴۷۸). بر حسب چگونگی کارکرد نشانه، می توان آن را در یکی از حوزه های سه گانه دانش نشانه شناسی یعنی «شمایل»، «نمایه» و «نماد» تعریف نمود.^۲

🚩 **نشانه های شمایی** آن دسته از نشانه ها هستند که در آن "نشانگر(دال) به نشان شده (مدلول) شباهت دارد یا آن را تداعی می کند" (سامانیان و بهمنی، ۱۳۸۹، ۳۹) و فی الواقع "شمایل نشانه ای استوار بر شباهت صوری میان دال و مدلول است" (احمدی، ۱۳۸۰، ۲۵). بر پایه این تعریف، یک تابلوی نقاشی در سبک رئال را می توان شمایی برای طبیعتی که در این تابلو به تصویر کشیده شده دانست.

🚩 **نشانه های نمادین** "آن دسته از نشانه ها هستند که در آن دلالت کننده به هیچ وجه شباهتی با مدلول ندارد" (ضمیران، همان، ۴۹) و درواقع "میان صورت (دال) و معنایش (مدلول) رابطه ای قراردادی برقرار است" (صفوی، ۱۳۸۳، ۱۶). پس نشانه هایی همچون حروف الفبا، اعداد، چراغ راهنمایی، پوشیدن لباس مشکی به نشانه عزا و نظیر اینها را که صرفاً مبتنی بر قرارداد هستند بایستی نشانه هایی نمادین (سمبولیک) تلقی نمائیم.

🚩 **نشانه های نمایه ای**: سومین گروه نشانه ها که از آنها به نشانه های نمایه ای تعبیر می شود آنها هستند که "مناسبت دال و مدلول در آنها رابطه ای است علت و معلولی" (احمدی، همان، ۲۷). برای مثال دود نمایه ای است

^۱ Charles Sanders Peirce .

۱. ر.ک. احمدی، بابک، ۱۳۸۰، ساختار و تأویل متن، تهران، نشر مرکز، صفحه ۲۵

بر وجود آتش و یا تب نمایه ای است بر بیمار بودن انسان و یا بخار کتری نمایه ای است بر گرم بودن آب درون آن که در همه اینها دلالت از نوع طبیعی (برپایه رابطه علت و معلول) می باشد و نه قراردادی.

برپایه دسته بندی فوق، سه نوع رمزگان در دانش نشانه شناسی قابل تعریف می باشد که عبارتند از **"رمزگان های علمی (منطقی)، اجتماعی و زیبایی شناختی"** (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ۵۲). منظور از رمزگان مجموعه نشانه هایی است که میان ارسال کننده پیام و دریافت کننده آن پیوند برقرار می کند. لذا رمز چارچوبی را به وجود می آورد که در آن نشانه ها واجد معنا می شوند (ضمیران، همان، ۱۳۳). ویژگی های رمزگان های سه گانه و دامنه کاربرد آنها در جدول شماره ۱ مشاهده می گردد. بر پایه محتوای این جدول، آنچه بستر اصلی این نوشتار بر آن استوار می باشد نشانه های شمایی و نمادین و در نتیجه، رمزگان های زیبایی شناختی و اجتماعی است که ماهیتاً با دانش معماری قرابت بیشتری دارند. زیرا از بین تجارب سه گانه ی "عقلی، زیبایی شناختی و اجتماعی" که انسان می تواند کسب نماید (گیرو، ۱۳۸۷، ۱۳۰)، **اثر معماری در اغلب موارد می تواند تجربه های زیبایی شناختی و اجتماعی را پوشش دهد.** البته ممکن است برخی از استنتاجات این نوشتار ریشه در رمزگان های علمی (منطقی) نیز داشته باشد اما تأکید می گردد که بستر اصلی و غالب این پژوهش معطوف به رمزگان های زیبایی شناختی و اجتماعی می باشد.

شاخصهای عملیاتی رمزگانهای منطقی	شاخصهای عملیاتی رمزگانهای زیبایی شناسی	شاخصهای عملیاتی رمزگانهای اجتماعی
ماهیت: بر اساس نظامی از اصول بدیهی دامنه کاربرد: هماهنگ کردن کنشها و بازنمایی ساختار عینی یک واقعیت پیچیده انواع رمزگان: نظامهای علامتی، قوانین و برنامه های آموزشی	ماهیت: غالباً منش شمایی دارند و با آفرینش همراهند و نشأت گرفته از تجربه احساسی هستند دامنه کاربرد: انتقال چندوجهی معنا، وحدت پیام و ابژه انواع رمزگان: هنر (معماری، نقاشی و...)	ماهیت: فرد توسط نشانه، هویت خود را به گروهی مشخص می نماید، نشأت گرفته از تجربه منطقی و احساسی دامنه کاربرد: برای سازمان بندی جامعه و سازمانهای دلالتی انواع رمزگان: آیین ها، جشنها، مراسم و...

جدول ۱: شاخصهای عملیاتی رمزگان ها، مأخذ: ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ۵۲

❖ معماری متن وار و مؤلفه های آن

بر پایه دانش نشانه شناسی، هر اثری از جمله یک بنای معماری به مثابه یک متن است که خواندن آن عبارت است از تأویل نشانه های آن توسط کاربر فضا. از این منظر، "معماری نیز نوعی زبان است" (شولتز، ۱۳۸۷، ۵۳۱) و از آنجایی که "زبان نظامی است از واژه های وابسته به هم" (Saussure, 1966, 114)، **یک اثر معماری همچون متنی است که کلمه های آن احجام، بافتها و اجزای تشکیل دهنده بنا بوده که ضمن وابستگی معنایی به هم، اغلب از طریق رمزگانهای زیبایی شناختی و اجتماعی پیام خود را انتقال می دهند.** "با سفر در این متن/ معماری، بیننده/ مسافر گوشه های اثر را برپایه پیش ساختها و پیش داشت هایش می خواند/ می بیند" (شیرازی، ۱۳۸۱، ۱۳). بر این اساس، "معماری متن وار به زمان دوخته شده، در نتیجه زمانمند و عصری می شود" (رئیزی، ۱۳۸۹، ۵۰). زمانمند شدن فرایند خوانش معماری متن وار، محصول مناسباتی است که از آن به روابط بینامتنی تعبیر می شود. به این ترتیب که "از طریق یک فرایند مستمر دگرگونی، محیط پیرامون ما تغییر می کند و به اصطلاح تاریخی می شود" (Johanson and Larsen, 2002, 4) که این دگرگونی و تاریخی شدن از طریق مناسبات بینامتنی صورت می پذیرد. لذا **"بینامتنیت صرفاً نامی نیست که بیانگر رابطه یک اثر با متون بخصوص قبلی باشد بلکه مفهومی است بیانگر مشارکت یک اثر در فضای گفتمانی یک فرهنگ"** (Culler, 1981, 114). پس **بینامتنیت**، متضمن ارتباط لایه های یک پدیده با لایه های سایر پدیده ها (از نوع هم سنخ یا

غیر هم سنخ خود) می باشد که این ارتباط سبب تطوّر رمزگان های زیبایی شناختی و اجتماعی معماری متن وار در **دو نوع رابطه همزمانی و درزمانی** می گردد. در ادامه به تبیین این دو نوع رابطه می پردازیم.

❖ روابط همزمانی (همنشینی) و درزمانی (جانشینی) در معماری متن وار

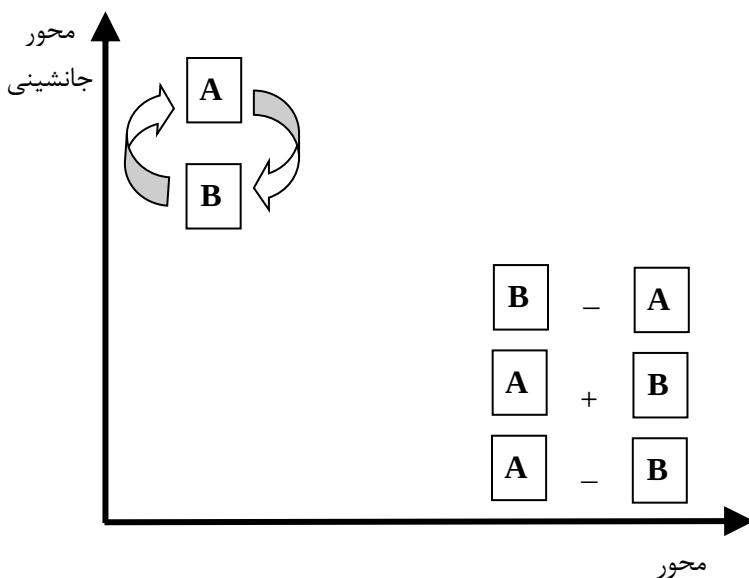
بر اساس مباحث پایه ای دانش نشانه شناسی، یک متن (اعم از یک متن ادبی یا یک اثر هنری) محصول دو جریان کلی به لحاظ چگونگی ترکیب و ترتیب عناصر سازنده آن می باشد که عبارتند از روابط **همنشینی و جانشینی** (که به لحاظ زمانی می توان از آنها به روابط **همزمانی و درزمانی** تعبیر نمود). منظور از **روابط همزمانی** در دانش نشانه شناسی آن دسته از روابطی است که ناظر بر ترکیب زمانی عناصر یک متن می باشد. برای مثال در جمله «او امروز می رود» از ترکیب سه واژه «او»، «امروز» و «می رود» جمله ای با بارمعنایی مشخصی شکل گرفته که این بار معنایی به طور مستقیم متأثر از روابط همنشینی واژه ها و چگونگی ترکیب اجزای این جمله (یعنی واژه ها) می باشد. لذا مناسبات همزمانی، "اهمیت روابط جزء به کل را برجسته می کنند" (سجودی، ۱۳۸۷، ۵۷). این نوع مناسبت را به طور مشخص می توان در سایر پدیده های متن وار (از جمله معماری) نیز مشاهده نمود.

حال اگر در همان جمله «او امروز می رود» واژه «او» را با «من» یا واژه «امروز» را با «فردا» جانشین سازیم به نوعی **مناسبت جانشینی** دست یافته ایم که اساس آن بر غیاب واژه های اولیه (یعنی او و امروز) استوار است. این نوع مناسبت نیز در معماری متن وار می تواند متضمن وجوه معنایی خاصی گردد که جایگزین نمودن یا جابجایی برخی فضاهای معماری را می توان ناظر بر آن دانست. برای مثال در مقایسه تطبیقی نحوه ورود در مسکن سنتی و مسکن معاصر ایرانی می توان شاهد جایگزینی تدریجی رمزگان های زیبایی شناختی و اجتماعی عنصری واسطه به نام «هشتی» در سیری درزمانی بود که این اتفاق فضایی نهایتاً به غیاب عنصری به نام «هشتی» منجر می گردد و لذا می توان آن را مناسبتی از نوع جانشینی (و به طور خاص درزمانی) دانست.

نکته حائز اهمیت این بحث آن است که هم مناسبت های همنشینی و هم مناسبت های جانشینی در شکل گیری سامانه جامع معماری متن وار، مؤثر و در تعامل با یکدیگر می باشند. به این ترتیب که "هر متن، پیوسته در نظامی از روابط همنشین با لایه های دیگر و مجموعه ای از روابط جانشین با تاریخ خود، متون دیگر و فرهنگ قرار دارد" (سجودی، ۱۳۸۸، ۳۳۵). از این رو هر لحظه ی **تحقق متن / معماری** "گرهی است در دل شبکه ای" (Foucault, 1974, 23) که بازخوانی رمزگان های زیبایی شناختی و اجتماعی آن بایستی بر پایه روابط بینامتنی صورت پذیرد. بنابراین سامانه یک متن و به طور خاص یک اثر معماری متن وار بیانگر ارتباطی است که بین لایه های متنی می تواند برقرار شود و بسته به چگونگی برهم کنش لایه ها، این ارتباط می تواند بافت ساز باشد یا بافت زدا.

جنبه سلبی یا ایجابی بافت ساز بودن این ارتباط

تحت **چهار قاعده کلی** تعیین می گردد؛ قواعد دوگانه مربوط به مناسبات همنشینی عبارتند از **افزایش و حذف**. این دو قاعده در محوری عرضی (افقی) اعمال می گردند که اگر وجه سنجش این محور را زمان قرار دهیم، مناسبات همزمانی شکل خواهند گرفت. در حالیکه قواعد دوگانه مناسبات جانشینی که عبارتند از **جایگزینی و جابجایی** در محوری طولی (عمودی) فعال می گردند که در سنجشی زمانی، مناسبات درزمانی را شکل خواهند داد. نمودار شماره ۱ چگونگی مناسبات بین لایه های سامانه معماری را برای سامانه ای فرضی با دو لایه A و B نشان می دهد. مطابق با آنچه بیان گردید مناسبات جابجایی و جایگزینی A و B



در محور عمودی و مناسبات افزایش و حذف این دو لایه در محور افقی نمایش داده شده است. ضمن مقایسه تطبیقی مناسبت‌های همنشینی و جانشینی، اهمّ شاخصها و ویژگی‌هایی که برای این دو جریان ذکر گردید در جدول شماره ۲ مشاهده می‌گردد.

مناسبت	قواعد حاکم	مؤلفه اصلی	محور تأثیرگذاری
همنشینی	افزایش و حذف	حضور	عرضی (افقی)
جانشینی	جابجایی و جایگزینی	غیاب	طولی (عمودی)

جدول ۲: مقایسه تطبیقی دو مناسبت همنشینی و جانشینی
مأخذ: نگارندگان



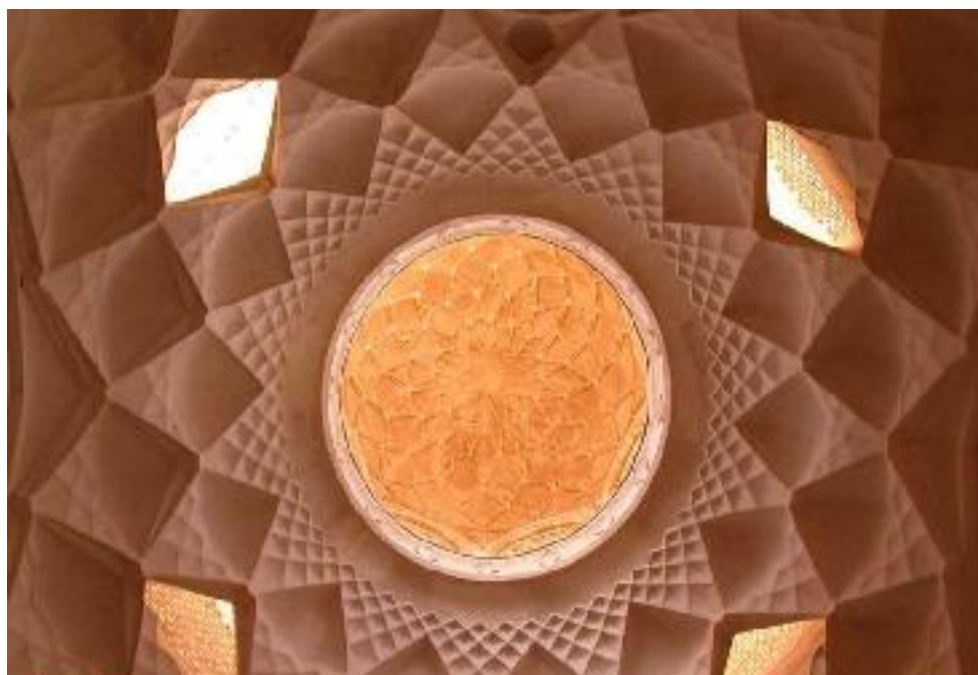
تصویر ۱: خانه شیخ الاسلام، کاربست آرایه‌های انتزاعی در مسکن سنتی جهت هم‌افزایی لایه‌های متن/مسکن سنتی

مأخذ: www.isfahancht.ir

۲- هم‌افزایی در مسکن سنتی ایرانی

مطابق با چارچوب نظری ارائه شده در بخش قبل می‌توان چنین استنباط نمود که از منظر نشانه‌شناختی، آنچه سبب گردیده تا مسکن سنتی ایرانی در برش تاریخی مربوط به زمان خود کارا باشد این است که لایه‌های متنی سامانه مسکن سنتی در ارتباطی بافت ساز با یکدیگر قرار داشته و برآیند این ارتباط که متأثر از مناسبات همزمانی و درزمانی مربوط به خود بوده است، برآیندی هم‌افزا تلقی می‌شده است. یعنی اجزای مختلف سامانه مسکن ایرانی اعم از اجزای ساختاری، کارکردی، زیبایی‌شناختی، معنایی و

غیره در رابطه نحوی و نظام مند با یکدیگر قرار داشتند. برای مثال، با توجه به درونگرا بودن مسکن ایرانی^۱ لایه مربوط به فرم در مسکن سنتی ایرانی، عمدتاً در تعاملی هم افزا با لایه مربوط به نظام ایدئولوژیک زمان خود می باشد و همزمان هر دوی این لایه های متن/ مسکن سنتی به لایه نیازهای اقلیمی نیز پاسخی مناسب و بافت ساز ارائه می کردند که نتیجه این همنشینی قاعده مند، هم افزایی در مسکن سنتی ایرانی می باشد. **مرحوم پیرنیا** این هم افزایی بین لایه های اعتقادی، اقلیمی و فرمال^۲ در تثبیت اصل درونگرایی را چنین روایت می کند: "اصولاً در ساماندهی اندامهای گوناگون ساختمان و به ویژه خانه های سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بوده است؛ یکی از باورهای مردم ایران زمین ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه ای معماری ایران را درونگرا ساخته است... خانه های درونگرا در اقلیم گرم و خشک همچون بهشتی در دل کویر هستند. فضای درونگرا مانند آغوش گرم بسته است و از هر سو رو به درون دارد" (پیرنیا، ۱۳۸۶، ۳۵).



تصویر ۲: خانه عامریها، تجلی سیر از کثرت به وحدت جهت هم افزایی لایه های اعتقادی و زیبایی شناختی مسکن سنتی
مآخذ: www.isfahancht.ir

برای ژرفکاوی ارتباط هم افزا بین لایه های ایدئولوژیک مسکن سنتی ایرانی با سایر لایه ها (به ویژه لایه های فرمال و هندسی)، خصوصاً در دوره اسلامی می توان شواهد متعددی را ارائه نمود. به این معنی که معماران سنتی (به ویژه در دوره اسلامی)، آموزه هایی که از نصوص دینی می آموختند را به خوبی در ارتباطی هم افزا با سایر لایه های مسکن سنتی قرار داده و رابطه ای بافت ساز را ارائه می نمودند. از جمله این شواهد، **برخی آیات قرآن کریم است که به عنوان نصّ صریح دینی، تعیین کننده لایه های ایدئولوژیک مسکن ایرانی تلقی می شده است**. آیه ۸۰ سوره نحل از زمره این آیات است که طی آن به لزوم آرامش بخش بودن

ر.ک. پی رنی، محمد کریم، ۱۳۸۶، سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، انتشارات سروش دانش، صفحه ۳۶-۳۵

^۲Formal

مسکن عنایت شده است: «والله جعل لكم من بيوتكم سكناً»^۱. بر این اساس از هندسه و فرمهایی در طرح مسکن سنتی استفاده می گردید که با این توصیه ی ایدئولوژیک در ارتباطی هم افزا قرار گرفته و از آنجا که فرمهای درونگرا، تناظر بیشتری با مفهوم سکون و آرامش دارند، ایرانیان اغلب از این نوع فرمها برای مسکن خود بهره می بردند؛ مگر آنکه سایر لایه ها مانند شرایط اقلیمی یا عملکردی برای آنها محذوری جدی ایجاد می نمود. در خصوص ارتباط ایدئولوژی و فرم می توان به نصوص متعدّد دیگر نظیر آیه ۱۸۹ سوره بقره^۲ و یا آیه ۲۷ سوره نور^۳ نیز اشاره نمود. البته ذکر این نکته ضروری است که منظور از ارتباط لایه های ایدئولوژیک با لایه های کالبدی به معنی فاقد اهمیت دانستن سایر لایه ها (نظیر لایه های اقلیمی، اجتماعی و ...) در درونگرا بودن مسکن سنتی نمی باشد (چراکه تأثیر و تأثر کالبد از لایه های اقلیمی، اقتصادی و ... امری مبرهن می باشد)؛ بلکه منظور این است که ایرانیان سعی داشتند در مسکن خود ارتباطی هم افزا بین همه این لایه ها برقرار سازند.

نمونه دیگری که می توان در این خصوص به آن استناد نمود چگونگی لایه های زیبایی شناختی متن/ مسکن سنتی می باشد. این لایه ها به ویژه اجزای آرایه ای آنها به طرز قابل توجهی متأثر از لایه های ایدئولوژیک زمان خود بوده و در عین حال بر آن تأثیر هم افزا نیز داشتند. چراکه طبق تعالیم ایدئولوژیک مکتب اسلام، **در آرایه های مسکن سنتی ایرانی سعی بر پرهیز از شمایل گرایی بوده و در ازای آن، تمایل به آرایه های انتزاعی نمود بیشتری می یافت** (تصویر ۱) که این امر سبب می گردید لایه های زیبایی شناختی و ایدئولوژیک در ارتباطی هم افزا با هم قرار گیرند. معماران ایران زمین حتی سعی می کردند اصول ایدئولوژیک والای خود همچون اصل توحید را با بهره گیری از رمزگانه های زیبایی شناختی و اجتماعی، در نظام آرایه ای ابنیه مسکونی جلوه گر ساخته، از شکلهای متناظر با اصل «سیر از کثرت به وحدت» در آرایه سازی ابنیه مسکونی استفاده می کردند. آنان برای این منظور از رشته تصاویر هندسی منظم محاط در دایره یا رشته تصاویر کثیر السطوح منظم محاط در کره بهره می بردند (بورکهارت، ۱۳۷۶، ۱۳۷) (تصویر ۲). جالب آنکه این نظام آرایه ای در عین حال که با لایه های ایدئولوژیک رابطه ای هم افزا داشته، با نظام سازه ای و لایه های نیارشی متن/ مسکن سنتی نیز رابطه ای هم افزا و بافت ساز داشته است. به این معنی که در مسکن سنتی، **با بهره گیری از "گوشه سازی چوبی، سکنج، ترمبه و فیلپوش"** (پیرنیا، همان، ۱۲۷) در برخی تاق ها و گنبدهای خانه، علاوه بر پاسخگویی به لایه های زیبایی شناختی و ایدئولوژیک، به اقتضات نیارشی و سازه ای نیز توجه می شده است. لذا در بسیاری از نمونه های مسکن سنتی ایرانی، مجموعه لایه های هم نشین، پشتیبانی کننده یکدیگرند و انسجام آفرین و بنابراین نظامهای نیارشی، زیبایی شناختی و غیره در وحدت با هم کلیت بنا را می ساختند و به مؤلفه های جدایی ناپذیر این کلیت تبدیل می شدند.

۳- اغتشاش سامانه ای در مسکن معاصر ایران

از آنجایی که معماری متن وار "حاصل عملکرد نظامهای مختلف نشانه ای است" (سجودی، ۱۳۸۳، ۵۹) و با بسیاری از مؤلفه های دیگر فرهنگی، اجتماعی و غیره در تبادل سامانه ای متقابل می باشد، "در طول حیات در زمانی اش دچار تغییراتی می شود که ناشی از دگرگونی های فرهنگی، تغییر در ساختارهای اجتماعی و نظامهای ارزش و معناست" (سجودی، ۱۳۸۸، ۳۴۱). اما این تبادلات سامانه ای متقابل بین نظامهای فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک آنگاه می توانند در متن معماری، هم افزا گردند که چنانچه اشاره شد کلیت و انسجام سامانه ای معماری متن وار را تقویت و یا حداقل حفظ نمایند. لیکن در ادامه شواهدی ارائه خواهد شد که نشان می دهد این تبادلات سامانه ای در مسکن معاصر ایرانی رویکردی تخریبی داشته و همین امر سبب بروز اغتشاش سامانه ای و در نتیجه ناکارایی مسکن معاصر ایرانی گردیده است.

۱. و خدا برای شما از خانه هایتان محل سکونت و آرامش قرار داد (مطابق با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی).

۲. و لیس البرّ بان تأتوا البیوت من ظهورها^۲

۳. یا ایها الذین آمنو لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها^۳

شاهد اولی که به آن استناد می گردد این است که به دلیل روابط در زمانی شکل گرفته طی دهه های اخیر، مسکن در ایران علاوه بر کارکردهای قبلی، در سیمای بیرونی خود ارزشی افزوده به عنوان کالایی بصری پیدا کرده و برخلاف مسکن سنتی، تظاهرات اجتماعی و اقتصادی مالک مسکن در نمای بیرونی خانه از طریق رمزگان های زیبایی شناختی و اجتماعی بروز می یابد تا شأن اجتماعی و اقتصادی او را گویا باشد. به این معنی که برخلاف الگوی غالب در نظام کالبدی مسکن سنتی، مسکن معاصر ایرانی در الگوهای برونگرا طراحی و اجرا می شود. البته این سیر در زمانی نباید سبب این برداشت اشتباه گردد که دلیل برونگرا شدن مسکن معاصر ایرانی صرفاً نمایش شأن اقتصادی یا اجتماعی مالک می باشد؛ چرا که علاوه بر آن، بسیاری از لایه های دیگر ساختاری، زیربنایی و ... نیز در این امر سهیم می باشند. به عبارت دیگر نمایش شوون اجتماعی و اقتصادی مالک خانه، علت معدّ برای برونگرا شدن مسکن معاصر ایرانی می باشد و نه علت تامّ آن. اما به هرحال از براینده این علل، روابطی در زمانی شکل گرفته که سبب گردیده مسکن معاصر ایرانی در الگویی برونگرا ساخته شود تا بتواند حامل رمزگان های بیانگر شوون اجتماعی و اقتصادی مالک باشد.

این در حالی است که در **مسکن سنتی ایرانی** (دقیقاً برخلاف مسکن معاصر)، طبق تعالیم ایدئولوژیکی که مالک و نیز معمار



تصویر ۳: بدنه بیرونی خانه آقازاده در ابرکوه؛ نمونه ای از بی پیرایگی بدنه های بیرونی مسکن سنتی ایرانی
مأخذ: نگارندگان

به آن پای بند بودند نمای بیرونی خانه کاملاً ساده و بی پیرایه بود و آنچه در دیواره های بیرونی دیده می شد تنها سطحی ساده و با حداقل آرایه بود (تصویر ۳). اما چنانچه ذکر گردید، در **مسکن معاصر** ضمن اینکه خانه کماکان محلی برای سکنی گزیدن است، ابژه ی مصرف بصری جهت نمایش شوون اجتماعی مالکین نیز می باشد که این امر بر خلاف تعالیم ایدئولوژیکی است که معماران سنتی به آن پای بند بودند. پس ملاحظه می گردد که این لایه افزوده که بر اساس مناسبات در زمانی به متن / مسکن اضافه شده با نظامهای پیشین دخیل در سامانه مسکن در رویکردی تقابلی و ارزش زدا واقع گردیده و نه هم افزا و ارزش زا.

البته ذکر این نکته ضروری است که این بدان معنا نیست که در گذشته، مسکن ایرانی فاقد لایه های زیبایی شناختی بوده و ابژه ای بصری تلقی نمی شده، بلکه معماران سنتی جهت حفظ انسجام سامانه ای مسکن، مصرف بصری ابژه مسکن و لایه های زیبایی شناختی آن را به بدنه های داخلی خانه انتقال می دادند (تصویر ۴) و لذا غنای بصری و جوه داخلی مسکن سنتی ایرانی به مراتب بیش از وجوه خارجی آن بود (دقیقاً برخلاف آنچه در مسکن معاصر ایرانی شاهد آن هستیم).



تصویر ۴: خانه آقازاده در ابرکوه؛ نمونه ای از غنای بصری بدنه های داخلی مسکن سنتی ایرانی
مأخذ: نگارندگان

نمونه دیگری که برای این تغییراتِ در زمانی (از نوع مخرب) می توان به آن استناد نمود برخی تغییرات فضایی مسکن معاصر می باشد که گرچه بر پایه مناسبات در زمانی قابل توجیه می باشد ولی در رویکردی همزمانی و با عنایت به سایر نظامهای فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی تأثیری مخرب بر سامانه مسکن معاصر گذاشته است. توضیح آنکه در نظام فضایی مسکن سنتی، ترکیب فضایی مسکن به نحوی اعمال می شد که همشینی فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی با سایر نظامهای فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی متن/ مسکن در همان برش تاریخی، همسو و هم افزا

باشد و انسجام کلیت متن/ مسکن سنتی پاسخگوی جمیع نیازهای فضایی، اجتماعی و اعتقادی کاربر خود باشد. از این رو **حفظ حریم و رعایت مرزهای فضایی بین فضاهای خصوصی و عمومی در مسکن سنتی** کاملاً با نظامهای اعتقادی و فرهنگی مربوط به زمان خود همسو بوده و "احساس حریم هم در رابطه فضاها نسبت به یکدیگر و هم در یک فضای واحد امری رایج بود" (نقی زاده، ۱۳۸۶، ۱۹۷). در حالیکه در مسکن معاصر ایرانی به علت تغییرات در زمانی، مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی به مقدار زیادی مستحیل شده و فضاهایی که طبق سامانه ایدئولوژیک و سامانه فرهنگی- اجتماعی کاربران بایستی کاملاً خصوصی تلقی شوند در نظام فضایی جدید به فضاهایی نیمه عمومی تبدیل شده اند.

نمونه این ارتباط در زمانی را می توان در شکل گیری آشپزخانه های این (باز) مشاهده نمود. بدیهی است که آشپزخانه از آنجایی که به لحاظ کارکردی، فضایی برای حضور بانوی خانه می باشد از گذشته فضایی خصوصی و با حریم کاملاً مشخص تعریف می شده؛ حال آنکه در مسکن معاصر در اغلب موارد این حریم مستحیل شده (تصویر ۵) و خصوصی بودن فضای آشپزخانه در اثر مناسبات در زمانی مخرب، دستخوش تهدید شده و وحدت ساختاری سامانه مسکن ایرانی را واپاشیده است. البته خاطر نشان می سازد که چنانچه همزمان با این تغییر فضایی و شکل گیری آشپزخانه های باز، تغییراتی هم وزن و همسوی با آن در نظامهای عقیدتی، ایدئولوژیک و اجتماعی سامانه مسکن ایرانی نیز شکل می گرفت آنگاه می توانستیم چنین استنتاج کنیم که این تغییر، رویکردی هم افزا و مقوم داشته است و نه مخرب.^۱ در حالیکه به تناسب با این تغییر فضایی، سامانه های عقیدتی و فرهنگی دچار این حد از تغییر

^۱ البته منظور نگارندگان از هم افزا بودن در اینجا صرفاً ناظر بر همسو بودن تغییرات است و نه ارزش آفرینی آنها. به عبارت دیگر ممکن است تغییرات یک سامانه با هم هماهنگ و همسو باشند اما به لحاظ ایدئولوژیک ارزش را نبوده و حتی ارزش زدا باشند. برای مثال آنچه طی دهه های اخیر در سامانه معماری معاصر غرب شاهد بوده ایم نتایجی هم افزا و بافت ساز داشته است گرچه به لحاظ ایدئولوژیک (حتی ایدئولوژی مکتب مسیحیت و نه اسلام) نتایجی ارزش زدا به بار آمده است و نه ارزش زا. اما این ارزش زدایی خللی بر همسویی تغییرات همزمانی و در زمانی اخیر معماری غرب

نشده و تطورات این سامانه ها حتی اگر همسو با این تغییر فضایی نیز تلقی شوند هم وزن و متناسب با آن نبوده اند. این امر سبب گردیده تا موضوع آشپزخانه های باز برای بسیاری از خانواده های ایرانی به یک پارادوکس^۱ تبدیل شود. یعنی از سویی عدم به کارگیری آن را نشانه ارتجاع می دانند و از سوی دیگر به کارگیری آن را با سامانه های اعتقادی و فرهنگی خود همسو نمی بینند. پس در اینجا پاسخگویی به یک نیاز (با منشأیی اقتصادی و یا شاید اجتماعی) منجر به از بین رفتن انسجام سامانه مسکن و واپاشی متن/ مسکن ایرانی شده است.



تصویر ۵: مستحیل شدن حریم آشپزخانه به سبب تأثیر مناسبات بی‌نامتنی بر نظام فضایی ابنیه مسکونی مأخذ: www.pcparsi.com

شاهد دیگر برای این واپاشی در سامانه مسکن ایرانی معاصر، عدم انتقال پیام محتوا و عملکرد مسکن از طریق فرم و سیمای بیرونی آن می باشد که منجر به ناسازگاری صورت و محتوا و در نتیجه ناخوانایی مسکن می گردد. چه بسیارند مجتمع های مسکونی معاصری که سیمای بیرونی آنها بیش از آنکه سکونت را به ذهن

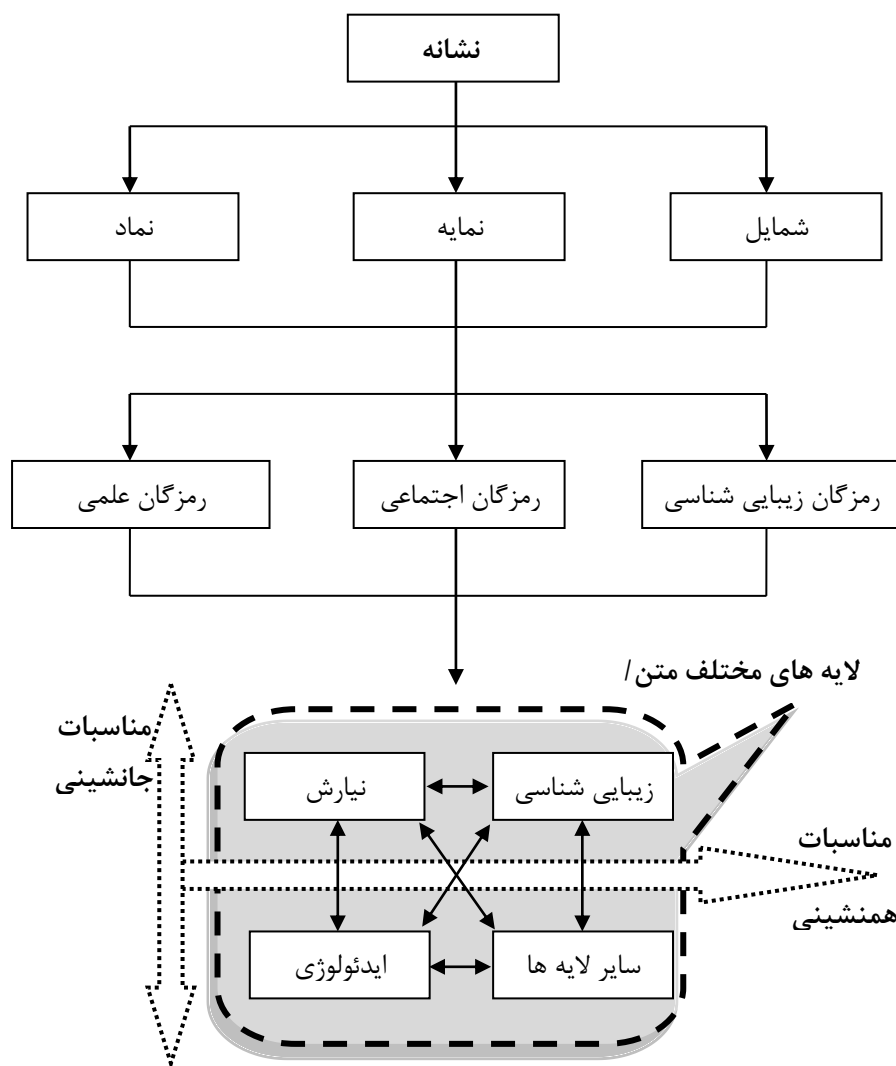
مخاطب متبادر سازد کارکردهای اداری یا تجاری را به مخاطب القاء می نماید. بدیهی است که "شکلی که به طور سازگار واقعیات مربوط به فعالیتش را منتقل نسازد به عنوان منتقل کننده معنی، عمر مؤثر کوتاهی خواهد داشت" (بحرینی، ۱۳۸۵، ۳۰۲) و نتیجه ی این امر، واپاشی معنایی متن/ مسکن ایرانی خواهد بود. چنانچه بپذیریم که "نشانه را باید عنصری در خدمت معنا تلقی کنیم" (شعیری، ۱۳۸۳، ۹۷)، آنگاه می توان گفت لازمه جلوگیری از این واپاشی معنایی، توجه مجدد به مفاهیم و رمزگانهای نشانه شناختی در دانش معماری است. به ویژه رمزگانهای زیبایی شناختی و اجتماعی که چنانچه ذکر گردید، تأثیر بیشتری بر تطورات معنایی آثار معماری دارند. در همین خصوص می توان شواهد متعدد دیگری را نیز برای مسکن معاصر ایرانی ارائه نمود؛ شواهدی از قبیل عدم تناسب لایه های هندسی با لایه های کارکردی (کاربست هندسه های نامتناسب در طراحی ابنیه مسکونی)، عدم تناسب الگوهای برنامه ریزی کالبدی مسکن با نیازهای اجتماعی خانواده های ایرانی و غیره. لیکن با توجه به اطناب این بخش از بیان تفصیلی آنها خودداری می گردد.

وارد نمی کند. لذا بایستی اذعان نمود که صرف نظر از ارزش گذاری و داوری اخلاقی پی‌رامون تطورات معماری معاصر غرب، انسجام سامانه ای در این معماری امری مشهود می باشد. تبیین و تشریح بی‌شتر این بحث مجال دی‌گری را می طلبد.

^۱ Paradox.

جمع بندی و نتیجه گیری :

برپایه آنچه بیان شد، چنین استنباط می گردد که می توان نشانه های سازنده معماری مسکن را در تحلیلی نشانه شناختی



نمودار ۲: چگونگی ارتباط لایه های حامل رمزگانهای مختلف در دو جریبان همبستگی و جانشینی

مأخذ: نگارندگان

همچون یک متن بازخوانی نمود. طبق این رویکرد، ارتباط لایه های متن/مسکن، در بطن خود متأثر از رمزگانهای حامل نشانه های سه گانه می باشد. نمودار شماره ۲ چگونگی تبادلات سامانه ای در سامانه متن/مسکن را در بیانی تصویری تبیین می نماید. اهمّ نتایجی که با مذاقه در این نمودار استنتاج می شود به شرح ذیل بیان می گردد:

سامانه های متن / معماری از
جمله سامانه متن / مسکن ضمن آنکه
حامل رمزگان های مختلف می باشند،
متأثر از مناسبات همزمانی و درزمانی
بین لایه های مختلف اجتماعی،
زیبایی شناختی، نیارشی و غیره می
باشند که می توانند در مجرای روابط
همنشینی و جانشینی یکدیگر را تقویت
یا تخریب نمایند. نتیجه همسو بودن
این لایه ها، هم افزایی در سامانه متن /
مسکن خواهد بود که به قوام و انسجام
بیشتر این سامانه منجر خواهد شد؛
همچنانکه طبق شواهدی که به برخی
از آنها اشاره گردید، این هم افزایی در

مسکن سنتی ایرانی قابل ردیابی می باشد. اما چنانچه ارتباط بین لایه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کارکردی و غیره در سامانه مسکن سبب برهم خوردن تعادل این سامانه شده (چنانچه در مسکن معاصر این عدم تعادل سامانه ای در حال نمایان شدن است) و لایه های متن / مسکن نسبت به هم نقشی غیر همسو و مخرب ایفا کنند، تهدید انسجام آن و واپاشی سامانه مسکن امری محتوم خواهد بود. در بازخوانی این نمودار بایستی به این نکته توجه نمود که روابط بین برخی لایه های سامانه متن / مسکن عرضی است حال آنکه برخی دیگر هم وزن نبوده بلکه روابطی طولی را با یکدیگر تشکیل می دهند. به بیان دیگر در سامانه های متن وار، برخی لایه ها یا حتی گاهی یک لایه نسبت به لایه های دیگر اصلی تر است و می تواند در تجلی های متفاوت متنی حضوری ثابت داشته باشد؛ در حالی که لایه های دیگر نسبی و متغیر می باشند.

رهیافت مشخصی که بر پایه مباحث تحلیلی این مقاله می توان برای اصلاح سامانه ای مسکن ایرانی از منظری نشانه شناختی استخراج نمود بر این اصل اساسی استوار است که «ارتباط لایه های متن/مسکن ایرانی آنگاه هم افزا خواهد بود که مسائل مربوط به هر یک از لایه ها را با عنایت به مؤلفه های سایر لایه ها و طی رابطه ای طولی و وحدت گرا حل نمائیم». به بیان دیگر آنچه سبب گردیده که در مسکن معاصر ایرانی، شاهد افول سامانه ای باشیم آن است که مسائل هر یک از لایه ها نظیر لایه های اجتماعی، اقتصادی، نیارشی، عملکردی و غیره را به صورت منفصل و در رویکردی سکولار^۱ تبیین و سپس حل می نمائیم. غافل از آنکه این نگاه سکولار سبب می گردد که به محتوای هر یک از لایه ها بدون لحاظ کردن مبانی مؤثر بر تطور آنها اصالت بخشیم و در نتیجه، رابطه بین کلیه لایه ها رابطه ای عرضی تلقی شده و بسته به مشکلات مقطعی، در هر زمان یکی از لایه ها را اصل و سایر لایه ها را تبعی قرار می دهیم. حال آنکه بایستی همواره لایه هایی که از جنس مباحث نظری هستند (نظیر مباحث هستی شناسی یا انسان شناسی) طی یک رابطه طولی، مقدّم بر لایه هایی قرار گیرند که از جنس باید ها و نبایدهای عملی می باشند.

به عبارت دیگر از آنجایی که طبق اقتضائات این نوع رویکردهای انفصالی و سکولار، لایه های برگرفته از علوم حسی و تجربی سیستم هایی خودکفا را تشکیل می دهند، لزومی به لحاظ نمودن ارتباط این لایه های تبعی با لایه های اصلی که از جنس اصول نظری و کلی هستند نمی باشد و در نتیجه طبق این نگاه، هریک از لایه ها هویتی خود بسنده دارند؛ از این رو فرایند حل مسائل آنها نیز فارغ از لحاظ نمودن ارتباط آنها با سایر لایه ها و رمزگان های آنها صورت می پذیرد. **برای مثال طبق این نگاه انفصالی، زمانی که مسائل مربوط به لایه های اقتصادی مسکن تحلیل می گردد، مؤلفه های لایه های مبنایی مانند فرهنگ و ایدئولوژی، یا به کلی لحاظ نمی گردد و یا در ارتباطی منسجم و مؤثر با مسئله ی مورد بحث قرار نمی گیرد.** بدیهی است که نتیجه این رویکرد حتی اگر منجر به حل شدن مقطعی مسائل اقتصاد مسکن گردد، تخریب ارتباط منسجم اقتصاد مسکن با لایه های فرهنگی، اجتماعی و غیره را به دنبال خواهد داشت.^۲ تا زمانی که این نوع نگاه سکولار و انفصالی بر رویکردهای حل مسائل سامانه ای مسکن ایرانی حاکم باشد، مجموعه لایه های هم نشین، پشتیبانی کننده یکدیگر و انسجام آفرین نخواهند بود و بنابراین نظام های نیارشی، زیبایی شناختی و ... سامانه ای وحدت گریز را بنیان می نهند نه وحدت گرا؛ سامانه ای که افول انسجام آن امری محتوم خواهد بود.

پرسی ها و پژوهش ها (مقاله هفتم)

- (۱) چرا مسکن امروز ایرانی پاسخگوی نیازهای خانواده ایرانی نیست؟
- (۲) به نظر شما معضلات و مشکلات سامانه ای مسکن ایرانی کدام است، در این باره تحقیق نمائید؟
- (۳) چرا بدون نشانه شناسی نمی توانیم به مختصات و ارزش یک معماری پی ببریم؟
- (۴) رمزگان های سه گانه را نام ببرید؟
- (۵) در دانش نشانه شناسی نشانه شمایی چیست، سه نمونه برای آن ذکر کنید؟
- (۶) در دانش نشانه شناسی نشانه نمادی چیست، سه نمونه برای آن ذکر کنید؟

Secular.^۱

^۱. از نمونه های مسائلی که پیرو این نوع نگاه سکولار در مسکن معاصر ایرانی شکل گرفته، می توان به مسئله اشراف و تبعات آن در مجتمع های مسکونی اشاره نمود. توضیح آنکه با توجه به مسائل اقتصادی و انتفاعی (چه از طرف سرمایه گذار و چه از طرف مدیریت شهری)، عموماً نحوه ای از توزیع فضایی برای آپارتمانهای مسکونی معاصر ترجیح داده می شود که بتوان با هزینه کمتر به نیازهای حداقلی موضوع مسکن پاسخ داد. در نتیجه، در این نوع مجتمع ها، بروز مسئله اشراف و تبعات منفی آن امری اجتناب ناپذیر خواهد بود که در واقع حاصل نگاهی انفصالی به لایه های اقتصاد مسکن و بی توجهی به ارتباط آن با لایه های ایدئولوژیک و فرهنگی کاربران آن در بافت فرهنگی معاصر ایران می باشد.

- ۷) در دانش نشانه شناسی **نشانه نمایه ای** چیست ، سه نمونه برای آن ذکر کنید؟
- ۸) در نگاه شولتز چرا **معماری نوعی زبان** است؟
- ۹) در معماری و شناخت یک اثر **مناسبات بیتامتنیت** را تعریف و توضیح دهید؟
- ۱۰) روابط **همزمانی** (همنشینی) را در دانش نشانه شناسی تعریف نموده و درباره آن دو مثال ذکر کنید؟
- ۱۱) روابط **در زمانی** (جانشینی) را در دانش نشانه شناسی تعریف نموده و در باره آن دو مثال ذکر کنید؟
- ۱۲) چرا **مناسبت های همنشینی و جانشینی** در شکل گیری سامانه جامع معماری متن وار مؤثر هستند؟
- ۱۳) **قواعد چهارگانه** لایه های ارتباطی یک اثر معماری متن وار چیست؟ هر کدام را با ذکر دو مثال تشریح نمائید؟
- ۱۴) **هم افزایی** در مسکن سنتی ایرانی را با ذکر مثال توضیح دهید؟
- ۱۵) مرحوم پیرنیا در باره **درونگرا بودن معماری سنتی ایرانی** چه نظری دارد؟
- ۱۶) حداقل دو آیه از قرآن ذکر کنید که تعیین کننده **لایه های ایدئولوژیکی مسکن ایرانی سنتی** هستند؟
- ۱۷) چرا در مسکن سنتی ایرانی تمایل به **آرایه های انتزاعی** است؟
- ۱۸) **اغتشاش در سامانه ای در مسکن ایران امروز** چه واقعیتی را نشان می دهد؟
- ۱۹) یک تحقیق مستند بعمل آورید که بین معماری **مسکن سنتی ایرانی** و معماری **مسکن امروز ایران** چه تفاوتی وجود دارد؟
- ۲۰) چرا در مسکن معاصر **آشپزخانه** باید اُپن (باز) باشد؟
- ۲۱) چرا درمسکن امروز ایرانی ، **نمای بیرونی** آن محتوای داخلی آن را نشان نمی دهد ؟ چه نقدی بر اینگونه معماری دارید؟
- ۲۲) چرا **نشانه** را باید در معماری عنصری در خدمت **معنی** تلقی بحساب آورد؟
- ۲۳) **نمودار او ۲** را تجزیه و تحلیل نمائید؟

فهرست منابع و مآخذ بکار رفته در این مقاله :

قرآن کریم

احمدی، بابک (۱۳۸۰)، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران.

بحرینی، سیدحسین (۱۳۸۵)، فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۶)، هنر مقدس اصول و روشها، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، تهران.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۶)، سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معاریان، انتشارات سروش دانش، تهران.

رئیزی، محمدمنان (۱۳۸۹)، معماری به مثابه متن: واکاوی امکان قرائتهای مختلف از یک اثر معماری، مجله منظر، شماره ۷، صص ۵۳ - ۵۰.

رنجبر، علی محمد (۱۳۸۹)، جزوه روش تحقیق مقطع دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

سامانیان، صمد و پردیس بهمنی (۱۳۸۹)، جستاری در استفاده از دیدگاه نشانه شناسی در طراحی محصول، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱، صص ۳۷ - ۴۲.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه شناسی کاربردی، نشر علم، تهران.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۳)، نشانه شناسی لایه ای و کاربرد آن در تحلیل نشانه شناختی متون هنر، مجموعه مقالات اولین هم اندیشی نشانه شناسی هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

سجودی، فرزانه (۱۳۸۸)، نشانه شناسی: نظریه و عمل، نشر علم، تهران.

شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۳)، مطالعه نشانه-معناها در فرآیند گفتمانی آفیش های تبلیغاتی، مجموعه مقالات اولین هم اندیشی نشانه شناسی هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

شیرازی، محمدرضا (۱۳۸۱)، نشانه شناسی معماری، مجله معمار، شماره ۱۶، صص ۱۶ - ۱۴.

شولتز، کریستیان نوربری (۱۳۸۷)، معنا در معماری غرب، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

صفوی، کوروش (۱۳۸۳)، شکل گیری نشانه ها، مجموعه مقالات اولین هم اندیشی نشانه شناسی هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

ضیمران، محمد (۱۳۸۳)، درآمدی بر نشانه شناسی هنر، نشر قصه، تهران.

گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۸۶)، روش های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

گیرو، پی یو (۱۳۸۷)، نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، انتشارات آگاه، تهران.

ماجدی، حمید و زهراالسادات سعیده زرابادی (۱۳۸۹)، جستاری در نشانه شناسی شهری، نشریه آرمان شهر، شماره ۴، صص ۵۶ - ۴۹.

نقره کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، نشر پیام سیما، تهران.

نقی زاده، محمد (۱۳۸۶)، ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.

Chandler, Daniel (2007), *Semiotics: The Basics*, Routledge, London.

Culler, Jonathan (1981), *The Pursuit of Signs*, Routledge, London.

Foucault, Michel (1974), *The Archeology of Knowledge*, Tavistock, London.

Johanson, Jorgen Dines and Svend Erik Larsen (2002), *Signs in use*, Routledge, London.

Saussure, Ferdinand de (1966), *Course in General Linguistics*, , McGraw-Hill, New York.

<http://www.isfahancht.ir>.

<http://www.pcparsi.com>.

مجموعه مقالات (۳) (کاربردی - شهرسازی)

هویت و مدیریت شهری و شهرسازی اسلامی

مجموعه مقالات و سلسله بحث هایی پیرامون :

مقاله هشتم - هویت شهری از منظر معماری و شهرسازی اسلامی ایران

مقاله نهم - جایگاه ارزشی فضاهای فرهنگی تاریخی در شهرهای دوران اسلامی ایران

مقاله دهم - نقد و تحلیلی بر عملکرد شهرداری تهران (۱)

پیرامون اولویت طرح های جامع و شهرسازی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی

مقاله یازدهم - نقد و تحلیلی بر عملکرد شهرداری تهران (۲)

در خصوص تأثیر فرهنگی - اجتماعی فروش تراکم

مقاله دوازدهم - سازمان فضایی شهرهای ابواب البر دوره ایلخانی

مقاله هشتم

(کاربردی - شهرسازی)

(الم تروا أن الله سخر لكم ما في السموات و ما في الارض و اسبغ عليكم نعمه - ۲۰/ لقمان)
آیا نمی دانید که خداوند آنچه را که در آسمان ها و زمین قرار دارد در اختیار شما گزاردده است
و از این طریق نعمت های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام نموده است؟!!!

هویت شهری

از منظر

معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی

در پاسخ به سؤالات وزارت مسکن و شهرسازی

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

۱- هویت شهری چیست و دارای چه تعریف و نشانه‌هایی است؟

پاسخ این سؤال در چند محور قابل بحث و گسترش دارد:

- هویت، به معنای مجموع «وجود» و «ماهیت» هر موجودی است، بخصوص اینکه وجه تمایز و تفاوت آن موجود از سایر موجودات می باشد.
- شهر محل سکونت انسان‌هاست، بنابراین یک واقعیت اعتباری دارد و اصالت خود را از ارتباطی که با انسان‌ها برقرار می‌نماید اخذ می‌نماید.
- انسان‌ها در حوزه علوم انسانی تعریف می‌شوند، و به تعداد مکاتب فلسفی و اعتقادی تعاریفی متفاوت و گاه متضاد از انسان ارائه شده است، بنابراین باید مشخص کرد که از انسان در کدام مکتب می‌خواهیم تعریفی داشته باشیم. از دیدگاه فرهنگ اسلامی نه تنها شهر و معماری آن، بلکه زمین و آسمان برای انسان خلق شده است و انسان نیز برای سیر به کمال و به فعلیت رساندن استعدادها و قوای بالقوه و فطری خویش و خلاصه برای سیر الی الله خلق شده است. (الم تروا أن الله سخر لكم ما فی السموات و ما فی الارض و اسبغ علیکم نعمه- ۲۰/لقمان)
- کمال و سیر تکاملی انسان‌ها امری اختیاری و ارادی است، یعنی انسان‌ها با اراده و انتخاب آزادانه خود می‌توانند به کمال برسند. پس انسان‌ها از بعد فطری دارای یک «**هویت نوعی**» می‌باشند و از بعد عملی و عینی دارای اختیاری و آزادی هستند و لذا هر انسانی یک «**هویت شخصی**» دارد و سایر عناصر از جمله معماری و شهرسازی بعنوان «وسیله و بستر» می‌توانند مطرح باشند.
- در رابطه با انسان همه فرایندهای مصنوعی از جمله آثار معماری و شهرسازی جنبه اعتباری و ابزاری دارند و هویت خود را از علت فاعلی خود یعنی اندیشه‌ها و ایده‌های معماران و شهرسازان کسب می‌نمایند. در ضمن وسیله و ابزار بودن معماری و شهرسازی چیزی از کمال و اعتبار انسانی نمی‌کاهد زیرا همانطور که در عالم طبیعت، بدون وسائل کارآمد، دستیابی به اهداف بلند میسر نخواهد شد در عالم معنی نیز وسائل مناسب در تسهیل امر کمال معنوی انسان بسیار مؤثر و وسائل نامناسب و ناهماهنگ در امر سقوط معنوی انسان‌ها بسیار مؤثرند.^۱
- از منظر اسلامی، **انسان‌ها هویتی از منهای بینهایت منفی تا بعلاوه بینهایت مثبت می‌توانند داشته باشند**، یعنی انسان‌ها می‌توانند هویت خود را بسازند آنگونه که از حیوانات پست تر یا از همه ملائک برتر شوند. در آیات: (و اذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس... ۳۴/بقره) و (لهم قلوب لایفقهون بها و لهم اعین لایبصرون بها و لهم اذان لایسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون- ۱۷۹/بقره) بنابر بر اساس این تعریف هویت هر شهر منبعث از معماران و شهرسازان و سایر اقشاری است که در ایجاد آن شهر مؤثر بوده‌اند و از زندگی در آن شهر راضی هستند و نقد و اعتراضی هم ندارند.
- از آنجا که اندیشه‌ها و اعتقادات انسان‌ها (معماران و شهرسازان و سایر اقشار) بطور مستقیم و غیرمستقیم (خودآگاه یا ناخودآگاه) در اعمال و آثار آنها اثر می‌گذارد، بنابراین هر شهری، هویت خود را از سازندگان و شهروندان راضی به وضع موجود خود کسب می‌کند.

^۱ - امام صادق(ع): الدنیا مزرعه الاخره (دنیا مزرعه آخرت است)، یعنی امر دنیوی وسایل رسیدن به امر اخروی است. همانطور که بدون مزرعه ثمر و میوه‌ای نخواهیم داشت، بدون وسیله نیز به هدف نخواهیم رسید.

۲- چه عناصری هویت شهری را می سازند و شکل می دهند؟

در باره هویت شهری می توان به این نکات مهم اشاره نمود :

- اگر بپذیریم که هویت سازی بطور اساسی از آن انسان ها و شهروندان راضی به وضع موجود است و نیز از منظر انسان شناسی اسلامی فصل ممیز انسان و سایر موجودات است که این تفاوت یا به لحاظ **قوای عقلانی و روحی** او ست یا به اعتباری **ایمان و عمل** او می باشد، بنابراین منشأ ایجاد هویت، «**افکار و اعتقادات**» انسان ها یعنی محتوی و معنای آثار و ابنیه آنها است.
- بنابراین به کاربردن کلمه «عناصری» در تشخیص و ارزیابی امر «هویت» نادرست می باشد معمولاً "عناصر متشابهی چه از نظر عملکردی و چه از نظر کالبدی در شهرهای با هویت زشت و نامناسب و بالعکس با هویت مثبت مورد استفاده قرار می گیرند. (نظیر واحدهای مسکونی و تجاری با هندسه های منظم و نامنظم) جمله سؤال را می توان اینچنین اصلاح نمود: (مفاهیمی را که موجب هویت بخشیدن مثبت یا منفی در احداث شهرها می شوند، را توضیح دهید).
- برای روشن شدن این موضوع می توان مثلاً" در مورد **هویت موجود شهر تهران** مطالبی را مطرح نمود که از جمله آن تجمع جمعیت متراکم و زیاد در شهر تهران با امکانات موجود که با نگرشی ملی همراه است ، هویتی کاملاً" غیر عقلانی ، نامناسب و غیر علمی است.
- عدم توجه به طرحهای جامع و تفصیلی و عدم پیش بینی تأسیسات زیر بنائی کلانشهر ها و بخصوص تأمین نکردن خطوط ارتباطی مناسب سواره و پیاده در خیان ها ، وسائل حمل و نقل عمومی و مشکل هوای آلوده و.... نشان از هویت غیر تخصصی، بی تدبیری و بی توجهی مدیران و مجریان نسبت به نیازهای اساسی و دراز مدت شهروندان دارد!!
- در شهری که **مدارس** آن در ساختمانهای مسکونی و فرسوده با حداقل امکانات ضروری و در چند شیفت روزانه و **مساجد** آن با ابتدائی ترین طراحی ها و مصالح و با حداقل فضاهای مورد نیاز و دور از منظر و محورهای اصلی شهر احداث شده اند و در مجموع کلیه فضاهای خدماتی کمتر از سرانه های ضروری است و در عوض ادارات دولتی و بانک ها و مراکز تجاری با عالی ترین مصالح موجود و تکنولوژی زمان به شکل اسراف و تبذیر ساخته شده اند، نشان می دهد هویت این شهر مبتنی بر غلبه قدرتمندان و سرمایه داران است و صاحبان قدرت های اداری و مراکز پولی، قبل از آنکه به فکر خدمت به مردم و تولید باشند و به تعلیم و تربیت جوانان و مراکز آموزشی- فرهنگی، عبادی و نیايشگاه ها اولویت بدهند، هویتی مادی گرایانه و خودپرستانه و ... ایجاد کرده اند!!
- در شهری که در کنار کوخ ها، کاخها ساخته می شوند، و ساختمان ها ی آن مملو از عناصر بیهوده و اسراف گونه است، شهر هویتی ظالمانه، استثمار کننده و متظاهرانه و خودنمایانه دارد!!

۳- ثبات در هویت شهری با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی تأثیر گزار چگونه امکان پذیر است ؟

در رابطه با هویت شهری که تحت تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی هستند این مطالب حائز اهمیت است:

همانطور که در قبل بیان شد، تغییرات کالبدی و از جمله نوع معماری و شهرسازی، اعتبار خود را از انسان و هویت انسانی کسب می نمایند و نه بالعکس. بنابراین باید خود را با هویت و نیاز مثبت انسانی هماهنگ کنیم نه عکس آن.

سرچشمه **هویت انسانی** در مفاهیم فکری و اعتقادی انسان ها نهفته است، که باید واقعی و حقیقی باشند. **گزاره های نظری حقیقی** هستند و **گزاره های عملی** اعتباری می باشند و باید متناسب با مفاهیم نظری و اعتقادی

مورد عمل قرار گیرند. اصل بنیانی گزاره‌های عملی که در بر گیرنده عدل است یعنی بجا بودن و متناسب بودن آنها است.

مفاهیم و حقایق نظری مثل مفاهیم (زیبائی، کارآئی، استحکام، عالی و...) می‌توانند بصورت نسبی کالبدها و شکل‌های بسیار متنوع و در عین حال بجا و متناسب و با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی ظاهر شوند.

حقایق نظری، غیر وابسته به شرایط زمان و مکان و همیشگی می‌باشند^۱، و تعریف انسان و مسیر صعود و فرود او از منظر اسلامی مبتنی بر اصولی ثابت و غیر قابل تبدیل و تحویل است^۲. در غیر اینصورت موجود مطرح شده دیگر انسان نخواهد بود و هویت بر مبنای آن نوع از انسان تعریفی دیگرگون و متفاوت پیدا خواهد کرد.

تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... یک محتوا و معنای فکری و اعتقادی دارند و یک صورت و کالبد، که تجلی عینی و عملی آن معنی و مفهوم است، اگر محتوا و معنای تغییرات و تحولات مذکور به سوی حقایق مثبت و انسانی و تعالی بخش یعنی فطرت الهی انسان باشند، هویت آثار ایجاد شده بر مبنای آنها مثبت خواهد بود و چنانچه بالعکس باشد هویتی منفی ایجاد خواهد نمود.

تغییرات در کالبد و شکل شهرسازی و معماری، ناشی از علل مادی و صوری آثار و شیوه‌ها و سبک‌های اجرائی و عملی بوده و تابعی از مجموع شرایط زمانی و مکانی می‌باشند. عوامل فوق مجموعاً اعتباری بوده و بطور مستقل هویت‌ساز نمی‌باشند. بلکه آنها تابعی از افکار و ایده‌های اعتقادی معماران و شهرسازانی هستند که از این عوامل در جهت محتوای فکری و علمی خود بهره‌برداری می‌نمایند و همانگونه که مطرح شد این عوامل می‌توانند بصورت نسبی و بعنوان وسیله و ابزار در اختیار افکار و اهداف مثبت مجریان، **هویت مثبت** و یا بالعکس **هویت منفی** ایجاد نمایند.

۴- با توجه به نظرات وزارت مسکن و شهرسازی در خصوص هویت شهری، چه اقدامات اجرایی انجام گرفته است؟

در جواب این سؤال به این موضوعات توجه شود:

➤ این سؤال را از آنجا بیکه به مقوله اقدامات اجرائی اشاره دارد، ظاهراً باید مدیران برنامه‌ریز و اجرائی و مهندسان مشاور و کارشناسان مربوط به وزارتخانه جواب دهند.

➤ اما بطور کلی می‌توان گفت که کلیه اقداماتی که در جهت نیاز انسان‌ها به فضاهای معماری و شهرسازی و در جهت تأمین حداقل سرانه‌های مزبور و در جهت ایجاد عدالت در برخورداری اقشار مختلف اجتماعی از فضاهای مورد احتیاج تا کنون صورت گرفته است، اقداماتی است که از بُعد عدالت اجتماعی به عنوان **هویت مثبت شهری** تلقی می‌شود.

➤ کلیه اقداماتی که در جهت تهیه طرح‌های کلان (آمایش سرزمینی) و طرحهای جامع و تفصیلی و... برای اسکان مردم در مناطق مناسب و مبتنی بر آخرین دستاوردهای علمی و تخصصی تهیه شده است و براساس آن آثاری منطقی و با محتوای انسانی ایجاد شده است، کارهایی در راستای ایجاد **هویت علمی و تخصصی در شهرسازی** محسوب می‌شود.

۲- فطره ا.. الهی فطر الناس علیها، لا تبدیل لخلق ا.. ذلک دین القیم.

۳- شهید مطهری(ره): "در هستی پدیدارها متغیرند، نه قانونها، اسلام، قانون است، نه پدیدار."

➤ کلیه کارهائی که در آنها **رشد و کمال روحی انسان ها** هدف نهائی و اساسی بوده است و مسائل مادی و اقتصادی و اجرائی و سبک ها و شیوه های هنری بعنوان وسیله و ابزاری در جهت تحقق آن ارزش ها به کار گرفته شده است نه بالعکس، هویت شهری در آن کارها مثبت بوده است.

➤ کلیه اموری که در آنها شرایط خاص زمانی و مکانی و موقعیت اضطراری و خاص یک محل یا یک منطقه برای سایر مناطق عمل نشده و با استفاده از حداکثر امکانات موجود، در جهت نیل به اهداف والا تر و انسانی تر اقدامی صورت گرفته، در جهت تحقق هویت شهری مثبت ارزیابی می شود. (کار بر اساس نیاز محل)

۵- آیا الگوها و هویت بافت های معماری سنتی می تواند جایگزین طرح های معماری و شهرسازی کنونی ایران شوند؟

در پاسخ این سؤال به این موارد دقت شود:

◆ **سنت** بطور عادی و معمولی به دو مفهوم غلط و صحیح به کار برده می شود: **سنت به مفهوم غلط** آن به کالبدها اشاره دارد یعنی کالبدهای قدیمی و کهنه در مقابل کالبدهای نو و جدید. با این معنی، در صورت محتوای مساوی، بطور قطع آثار جدید بهتر از قدیمی هستند. اما **سنت به مفهوم صحیح و قرانی** آن یعنی اصول و مبانی و یا راهها و شیوه ها ست، با این معنی، مسئله اصلی و اساسی صحیح بودن راه و مثبت بودن آن است. و در مقابل، راه های ناصحیح و منفی و اصول و مبانی نظری و عملی یا صحیح است نظیر سنت و سیره انبیاء و اولیاء یا غلط است مثل روش و برنامه های ظالمین و مستکبرین.

بنابراین سنت جدید و قدیم ندارد چون قدیم و جدید متعلق به کالبدها ست و همه ارزش کالبدها نیز به

قدیم بودن یا جدید بودن آن نیست بلکه بر اصل ارزیابی کالبدها مناسب و بجا بودن آنهاست یعنی بر طبق [اصل عدالت و عدل]

◆ همچنانکه گفته شد بافت سنتی شهرهای سنتی یعنی کالبد شهرهای سنتی اعتباری هستند، باید دید محتوا و ایده هائی که آن بافت را ایجاد نموده است چه معنایو مفهومی از نظر انسان شناسی و هستی شناسی داشته اند.

◆ مهمترین ایده هائی که بافت شهرهای سنتی و اصیل دوران اسلامی را با توجه به مسیر کمال انسانها شکل داده است، عبارتند از **(حرکت از کثرت به وحدت)** یا **(از خلق به سوی حق)** یا **(از ظاهر به باطن)** و یا **(از ماده به معنا)** است. لذا در شهرهای سنتی راه ها و بازارها و سایر خدمات شهری، در نهایت به مراکز آموزشی و فرهنگی و در اوج آن به مراکز عبادی و مذهبی می رسند و نمادهای مذهبی در محورهای اصلی و در قلب شهر از شکوه و عظمت مناسب خود برخوردار می باشند.

◆ در سنت شهرسازی دوران اسلامی هر خانواده از واحد مسکونی مستقل و مورد نیاز خود به نحوی برخوردار بوده است که بدون مزاحمت همجواری، یک فرد و یک زوج و یک خانواده با اعضاء خود و مهمانان خود بر خلاف اغلب خانه های معاصر به راحتی زندگانی می نموده اند و در طول زمان و متناسب با اقتصاد و افزایش اعضاء خانواده می توانستند **خانه خود را توسعه داده و بازسازی نمایند**. بر خلاف شرایط امروز که یک زوج جوان از ابتدا باید برای خرید یک آپارتمان مشکلات بسیار زیادی را تحمل نمایند.

◆ در سنت شهرسازی دوران اسلامی مجموع خدمات عمومی شهری از واحدهای تجاری تا تولیدی یا بهداشتی و درمانی و ورزشی تا واحدهای آموزشی و فرهنگی و مذهبی با ایجاد حیطه های مرکزی و **حریم های لازم** با کمترین مزاحمت همجواری یک فضای اجتماعی و شهری بسیار با نشاط و گرم و کارآمدی را ایجاد می نمودند، برخلاف مزاحمت های همجواری ایجاد شده در اغلب شهرهای معاصر.

◆ در سنت شهرسازی دوران اسلامی، تفاخر، خودنمایی، فخرفروشی، استیلا طلبی و ایجاد انواع مزاحمت‌های همجواری شبیه آنچه امروز بین واحدهای مسکونی وجود دارد جز در موارد استثنائی نبوده است. بلکه خانه‌ها اغلب حداقل از منظر عمومی یکنواخت و هماهنگ ساخته می‌شد و تنوع فضاها و طراحی شهری با اختلاف بین عملکرهای مسکونی و سایر خدمات عمومی بروز و ظهور داشت.

◆ در سنت شهرسازی و معماری دوران اسلامی، شرایط اقلیمی مورد توجه علمی و تجربی معماران و شهرسازان بود و حداکثر بهره‌برداری از مواهب طبیعی (نور آفتاب، بادهای مطبوع و ...) بعمل می‌آمد و عملاً آثار معماری هماهنگ با محیط زیست و مبتنی بر اصول پایداری ایجاد می‌شد.

◆ در سنت شهرسازی و معماری دوران اسلامی، از آنجا بیکه انسان‌ها در انتخاب زمین و همسایگان و طراحی خانه خود و محله خود نظر داشتند، الفت و انس زایدالوصفی بین اهالی یک محل بوجود می‌آمد و همکاری و تعاون و دوستی و محبت و صداقت و رفاقت و اعتماد و مصاحبت تقویت می‌شد و میل به مهاجرت تقلیل می‌یافت، برخلاف اغلب محلات غربت زده معاصر.

◆ در سنت شهرسازی و معماری دوران اسلامی، از آنجا که محور اجتماعی و قلب انرژی بخش محله مراکز فکری و اعتقادی آنها در قالب مسجد و حسینیه محله و امام جماعت آن و معتمدین و مومنین و پیش‌کسوتان محله شکل می‌گرفت، بسیاری از مشکلات و اختلافات سرعت حل می‌شد، ارتباطات و معاملات برحسب اعتماد و صداقت استوار بود، نظارت عمومی حاکم بود و پزه‌ها و خلافکاری‌های اجتماعی به حداقل ممکن می‌رسید، برخلاف شهرها و محلات معاصر که با وجود نیروی انتظامی نیز پزهکاریها قابل کنترل نیست و ریشه کن نمی‌شود.

◆ همانطور که ملاحظه می‌فرمائید در اصول و بسیاری دیگر از این نوع، سنت‌های اسلامی و انسانی است و در هر شرایط زمانی و مکانی می‌تواند بصورت نسبی در ایجاد آثار مورد توجه معماران و شهرسازان قرار گیرد و با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی ظهوری تازه و نو نیز داشته باشد.

۶- در شهرهای جدید ایجاد چه عناصری می‌تواند هویت بخش باشد؟

پاسخ این سؤال را در چند محور ادامه می‌دهیم:

● همانطور که گفته شد (عناصر) یا به تعبیری، شکلها و کالبدها و صورتها اصالتاً نمی‌توانند هویت بخش باشند، بلکه این افکار و ایده‌ها هستند که وقتی در کالبدها تجلی می‌یابند هویتی مثبت یا منفی براساس ایده‌های مربوطه می‌یابند.

● نکته مهم آن است که همانگونه که مفاهیم در صورتهای مناسب خود تجلی می‌نمایند، کالبدها و صورتهای نیز هر کدام ایده‌ها و مفاهیم خاصی را القاء می‌نمایند. همانطور که مفاهیم معقول در حروف و کلمات ظاهر می‌شوند مثل مفهوم آفریننده در کلمه (خالق). که بالعکس از کلمه (خالق) ما مفهوم آفریننده را می‌توانیم استنباط نمائیم.

● مثلاً در نمادهای معماری مفاهیم (وحدت، درونگرایی، انبساط وجودی، خودسازی و...) در گنبدها و مفاهیم (تکثر، برونگرایی، سیر افاق و جامعه‌سازی و...) در منارها و مفاهیم (توجه، دعوت،



تصویر ۱- مسجد شیخ لطف الله

مهمان‌پذیری، شکوه و عظمت همراه لطافت و درونگرایی و...) در **سردرب‌ها و ایوان‌های ورودی** و مفاهیم (سیر از کثرت به وحدت، از آفاق به انفس، از خلق به حق، از محدود به لایتناهی، از خود به سوی خدا و ...) در **فضاهای داخلی شبستانها و گنبدخانه‌ها** نظیر رسمی‌ها و یزدی‌بندی‌ها و مقرنس‌ها و ... و مفاهیم (زندگی و نشاط مادی، برخورداری از طبیعت و...) در استفاده از **رنگهای گرم و نقوش طبیعی** در قالیها و سطوح پائینی ساختمانها، مفاهیم (حیات معنوی، اندیشه‌های بلند، حقایق برتر و ...) در استفاده از **رنگهای سرد و نقوش هندسی** در سطوح بالا و سقف ساختمانها، الهام از معماری آفرینش در قوسها آنچنان که زیر پای انسان صاف و محکم و سخت، انسان را از زمین بالا می‌آورد و در بالای سر انسان فضائی سبک و نرم، نامحدود و لایتناهی است.

● در **قوس‌های ورودی‌ها و پنجره‌ها و سقف‌ها** با الهام از معماری آفرینش مفاهیم (صافی و سختی و پری و...) **زمین** با خط صاف و سطح صاف زیر قوس و گنبد نمودار می‌شود و مفاهیم (سبکی و نرمی و نامحدود لایتناهی و ...) **آسمان** با قوس‌های مختلف بادبانی نگاه و اندیشه انسان را به لایتناهی آسمان‌ها دعوت می‌کند و بسیاری از نمادهای دیگر...

● آنچه در **نمادپردازی معاصر** باید مورد توجه قرار گیرد، این است که:

○ اول آنکه **مفاهیم** بصورت نسبی می‌توانند در کالبدها و صورتهای متنوعی تجلی نمایند و نباید اصل بر تکرار و تقلید باشد.

○ دوم آنکه حتی اگر قرار بر **تکرار صورت‌ها** و کالبدهای قدیمی از بُعد فضائی و هندسی باشد، که به دلیل مجرد بودن کمتر وابسته به شرایط زمانی و مکانی می‌باشند، می‌توان با استفاده از مواد و مصالح جدید و بهره‌برداری از تکنولوژی‌های نوین، ساخت و پرداخت و حال و هوای تازه و بدیعی به آنها داد.

○ سوم آنکه در شهرهای جدید که طراحی و مکان‌یابی عملکردهای مختلف براساس اصول و مبانی اسلامی پیش‌بینی و تعریف شده است، **دست معماران در جهت ایجاد نمادهای جدید بازتر است**، اما در شهرهائی که فاقد یک طراحی شهری مناسب و اصیل می‌باشند و حجم‌ها و کالبدهای بسیار متنوع و متراکم اداری و تجاری و مسکونی و غیره در هم ادغام شده اند در احداث مساجد و مراکز مذهبی، استفاده از نمادهای تعریف و شناخته شده نظیر گنبد و منار تقریباً اجتناب ناپذیر است.

۷- مهمترین شاخصه‌های اصلی معماری اسلامی کدام است؟

در توضیح باید گفت که ما معماری اسلامی نداریم بلکه معماری دوران اسلامی داریم. چون اسلام مبتنی بر یک سری اصول فکری و اعتقادی است که این اصول حقیقی و کلی و ازلی و ابدی و غیرنسبی هستند. در حالیکه مسلمانان، انسان‌هایی نسبی و در نتیجه آثار معماری آنها نیز نسبی و وابسته به شرایط زمان و مکان خواهد بود. بنابراین بهتر است بگوئیم، **معماری دوران اسلامی یا معماری مسلمانان**.

مهمترین ویژگی‌ها و شاخصه معماری دوران اسلامی، بسترسازی سیر انسان از کثرت به وحدت است، یعنی:

✱ معماری دوران اسلامی، هم **ظاهری زیبا** دارد و هم **باطنی عمیق و انسانی و با صفا**.

✱ معماری دوران اسلامی، ضمن رعایت دستاوردهای علوم تجربی **زنده و دل‌انگیز** است یعنی (هم حس را و هم عقل را و هم روح را تغذیه می‌نماید).

✱ معماری دوران اسلامی، هم برون‌گرا ست و هم درون‌گراست، اما **اصالت را به درون ساختمان می‌دهد** و بیرون ساختمان به اعتبار درون آن تبعیت می‌کند و شکل می‌گیرد.

✱ معماری دوران اسلامی، یکنواخت نیست، بلکه در فضاهای شهری عبوری، هندسه‌ای و موجی دارد و در فضاهای داخلی هندسه‌ای نیز دارای وحدت و تمرکزگراست.

✱ در معماری دوران اسلامی اصل عنصر فضا یعنی **محل حضور انسان است** و سایر عناصر نظیر بدنه‌ها و اجزاء ساختمان بر مبنای آن هویت می‌یابند. در این دوران علاوه بر فضای سرپوشیده داخلی، فضای سرباز و سرسبز داخلی یعنی (حیاط مرکزی) نیز از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است.



تصویر ۳- کاشان، خانه بروجردیها



تصویر ۲- کاشان، ورودی خانه جهان آرای

✱ در معماری دوران اسلامی سقف مانند کف طراحی نمی‌شود، **کف** با الهام از بستر طبیعت هموار و مسطح و **سقف** با الهام از آسمان، لایتناهی و کهکشانی طراحی می‌شود.

✱ در معماری دوران اسلامی **مهمترین عنصر در نمای خارجی یا تنها عنصر شاخص و جاذب در نمای خارجی سردرب یا ایوان ورودی است** که چون طاق نصرتی برای ورود انسان طراحی می‌شود و این به منزله اهمیت بخشیدن به انسان است در مقابل توده ساختمان. (ساختمان مجسمه نیست، بلکه ایمنگاه انسانها است).

✱ در معماری دوران اسلامی **فضاها بر حسب عملکردشان درجه‌بندی می‌شوند**

✱ در شهرها **فضاهای مذهبی و فرهنگی قلب و کانون و نماد برجسته شهرها هستند** و سایر عناصر فضائی بر حسب نوع عملکردشان درجه‌بندی و مکان‌یابی می‌شوند

✱ در داخل بناها و خانه‌ها نیز **فضاهای جمعی** در محورهای اصلی و **فضاهای فردی و خدماتی و عبوری** در حاشیه‌ها قرار می‌گیرند.

✱ در معماری دوران اسلامی **همیشه کانون فضا خالی است**، متناسب حضور انسان. در نماها از تقسیمات سه‌دردی و پنج‌دردی استفاده می‌شود که محور مرکز فضای خالی یا پنجره یا درب ورودی باشد. در حیاط‌های داخلی، نقطه مرکزی آب‌نما است که سیال‌ترین و موج‌ترین و شفاف‌ترین و روح‌بخش‌ترین عنصر طبیعی است و آسمان را در دل خود دارد و روح‌انگیز و فرح‌انگیز است.

✱ در معماری دوران اسلامی **از ساختن هر چیز بیهوده و اسراف گونه بشدت پرهیز می‌شود** و در عین حال سعی در تأمین مجموع نیازهای مادی و معنوی انسانها را دارد.

✱ در معماری دوران اسلامی از **تزئینات نامناسب** و ناهنجار و غیرضروری که تزئین مادی و ظاهری است استفاده نمی‌شود ولی در عین حال بسیار فاخر و غنی است و از کلام الهی و اشعار عارفانه و نقوش و بافتهای هندسی و از رنگ‌های متنوع و مناسب بطور شایسته و بجا بهره‌برداری می‌شود.



تصاویر ۵۴-۵- اصفهان، مسجد جامع-تزیینات انتزاعی و عارفانه با بهره گیری از نقوش هندسی

✱ در معماری دوران اسلامی این معماری هم **هماهنگ با محیط زیست و اقلیم** طراحی می‌شود و هم تأمین کننده مجموع نیازهای مادی و روحی انسانها است.

✱ مکتب معماری اسلامی بدلیل **اصالت بخشیدن به نیازهای فطری** و نوعی انسانها و در عین حال احترام به دستاوردهای تجربی و تربیتی و کسبی انسان ها **قابلیت کاملی برای جهانی شدن** را دارد.

۸- چه ویژگی هایی می تواند به شکل مؤثری معماری دوران اسلامی را در سطح بین المللی مطرح سازد؟

در باره ویژگی هایی که می تواند مکتب معماری اسلامی را بین المللی کند می توان گفت که :

در حکمت نظری اسلام چون فطرت بالقوه و نوعی انسان ها را مبتنی بر وحی و کلام الهی پذیرفته است و از طرفی در حکمت عملی اسلام براساس عدل که جهان بر اساس آن اداره و کنترل می گردد یعنی قرار دادن هر چیز در جای مناسب و شایسته خود استوار است و در مقام عمل، نسبی بودن و وابسته بودن به مجموع شرایط زمانی و مکانی نظیر اصل اضطرار، یا مصلحت یا احکام ثانویه و ... را پذیرفته است و نیز اجتهاد خبرگان را بر مبنای همین اصول می پذیرد و در عین حال به تجربیات تربیتی فرهنگ های اکتسابی و بومی احترام می گزارد و مراتب کمال را مرحله ای می داند، بنابراین از بُعد فلسفه هنر و زیبایی شناسی ، ساختاری جهانی و بین المللی که برای ملت ها و جوامع قابل استفاده باشد و زندگی آنان را تغییر و تحول متعالی دهد ارائه می نماید. بهر حال متن معماری و هنر بر اساس تأثیر متن وحی الهی به همراه پیروان صادق خود توان بالای جهانی شدن را دارد.

پرسی ها و پژوهش ها (مقاله هشتم)

- ۱) منظور از **هویت** چیست؟
- ۲) **هویت شهری** چه معنی و مفهومی در اسلام دارد؟
- ۳) چه **عناصری هویت شهری** را می سازند؟
- ۴) آیا **هویت فعلی شهر تهران** (سال ۱۳۹۲) با تراکم جمعیتی که دارد متناسب می باشد/ چرا؟
- ۵) رو به فرسودگی گذاشتن **مدارس** و مراکز آموزشی تهران از چه چیزی حکایت می کنند؟
- ۶) با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی ، چگونه می توان در **هویت شهری** ثبات بوجود آورد؟
- ۷) **هویت مثبت و هویت منفی** را در یک نظام شهری توضیح دهید و دو مثال برای آنها ذکر کنید؟
- ۸) چگونه می توان بافت های سنتی معماری ایرانی را **جایگزین** معماری فعلی ایران نمود؟
- ۹) در ساخت شهرهای جدید چه **عناصری** می تواند بیانگر و **شاخص هویت شهری** تلقی شود؟
- ۱۰) **مهم ترین شاخصه های** اصلی معماری اسلامی را بیان کنید؟

۱۱) چه ویژگی هایی می تواند به شکل مؤثری **معماری دوران اسلامی** را در سطح بین المللی و **جهانی** مطرح نماید

مقاله نهم

(کاربردی - شهرسازی)

من آئینه طلعت معشوق وجودم از عکس رخس مظهر انوار وجودم
ابلیس نشد ساجد و مردود ابد شد آن دم که ملائک همه کردند سجودم
شیخ بهائی

جایگاه معنوی و ارزشی فضاهای فرهنگی تاریخی

در

شهرهای دوران اسلامی ایران

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

روش تحلیل

محورهای فرهنگی-تاریخی همچون شریانه‌ها و اجزاء و عناصر بدن، در کنار سایر عوامل و عناصر، هویت واحدی به نام «شهرهای دوران اسلامی» را تشکیل می‌دهند. برای تبیین نقش و جایگاه محورهای فرهنگی-تاریخی در ساختار توسعه شهری و برای تحلیل ویژگیهای فضایی و ارزش‌های موجود در بافت قدیمی و محورهای فوق، ابتدا ساختار کلی شهر اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

اگر به تجربه آموخته ایم و به این باور عمیق رسیده‌ایم که در عرصه ساخت و سازهای انسانی، کالدها و شکل‌ها به فرمان اندیشه‌ها پیشنهاد و خلق می‌شوند و انسان می‌اندیشد، سپس عاشقانه می‌طلبد و آنگاه می‌سازد، بنابراین روش تحلیل ما در این فرایند پس از ذکر یک مقدمه ابتدا طرح کلی اصول و مبانی زندگی و حیات اجتماعی و شهرنشینی انسان‌ها از دیدگاه اسلامی به عنوان برنامه کار و هدف معمار و شهرساز مسلمان و سپس تبیین نقش و جایگاه محورهای فرهنگی-تاریخی و ویژگیهای فضایی و ارزشهای موجود در بافت‌های اصیل و قدیمی به عنوان تبلور آن آرمانها و اعتقادات می‌باشند خواهیم پرداخت.

مقدمه:

نفوذ فرهنگ و تمدن اسلامی در اواخر قرون وسطی (از سال سقوط روم ۳۹۵ میلادی تا فتح استانبول ۱۴۵۳ میلادی) که موجب آگاهی و بیداری اقشار مردم کشورهای اروپایی شده بود، علت اصلی مقابله آنها با تحریفهای ارباب کلیسا در مقوله مفاهیم انسانی و مذهبی گشت و انقلابات خودجوش و مردمی را پایه‌ریزی نمود که به عنوان تجدید حیات و رنسانس اروپا مطرح شد. اما متأسفانه تعصبات جاهلی و نژادپرستانه و امیال و مطامع نفسانی حاکمان جدید و اقشار تازه به دوران رسیده سرمایه‌داری بورژوا، به جای بازگشت به فطرت انسانی و سنن الهی و پیمودن راه رشد و تعالی به تحجر مشرکانه یونان باستان گروید، آنها هم به پست‌ترین و محجورترین بُعد فرهنگ یونانی یعنی گرایش به مادیگرایی که هدف آن دنیا پرستی و ماده پرستی بود.

بدین ترتیب رنسانس و تجدید حیات علمی و فرهنگی اروپا که می‌توانست طلوعه حیات بخش پیوند نفس مسیحایی(ع) و نور محمدی(ص) باشد و سرچشمه انجیل و تعالیم واقعی عیسای ناصری را در اقیانوس قرآن که آخرین و کامل‌ترین پیام وحی الهی بود ذوب نماید، به قلب تیره و تاریک اساطیر اولین یونان باستان خزید و خود را به آن رسانید و به جای آنکه انسان جانشین خدا در زمین باشد، به ورطه تنازع دائمی بین انسان و خدایان قاهر المپ غلطید و اپیدمی روانشناسی مذهبی اروپائیان در این کشمکش و جنگ روحی بین انسان و خدا قالب ریزی شد و جنگ بین انسان با خدایان به جنگ انسان با هرچه مردمی و معنوی و خدایی است، انجامید. به قول میشل فوکو، یکی از راهیان و راهگشایان پُست مدرنیسم: «انسان غربی، خدایان را کشت تا خود بر مسند خدایی بنشیند، اما غافل از آن بود که با این عمل خود را نیز به قتل می‌رساند.»

فیلسوفان و هنرمندان غربی، با الهام از تفکرات مادی‌گرای پوزیتیویستی، حوزه‌های هنری ناتورالیستی و رئالیستی یک بُعدی و سطحی و سورئالیسم وهمی و نیهیلیسم و سایر نحله‌های یک‌بعدی و مادی را در عرصه‌های هنر مدرن پایه‌گذاری نمودند و شهرسازان و معماران با پیروی از آنان و بلکه بسیار محدودتر در قالب سیاست‌گذاری حاکمان نفس پرست و برنامه‌های اقتصادی دنیاپرستانه آنها به یمن و برکت فرایندهای صنعتی و تکنیکی به نوآوری‌های شکلی و فرمالیستی پرداختند. اگر در **شهرسازی وارداتی امروز**، محیط زیست به یغما می‌رود، هیچ چیز در جای خودش نیست، ماشین بر پیاده مسلط است و عرصه‌های عبوری همچون اختاپوسی حوزه‌ها و حریم‌های فضایی و بافت‌ها را مورد تهاجم مزاحمت‌های همجواری خود قرار داده است، فضاها و عناصر شهری بی‌هویت، بی‌امتیاز و بی‌تناسب، در کنار هم چیده می‌شوند، شهر با گسترش سرطانی خود، توده در هم

تنیده‌ای است انباشته از بت ها و توتهم های ساختمانی و اگر زندگی در چنین شهرهایی، توأم با افزایش روز افزون امراض جسمی و روانی شده است، همه بازتاب تفکرانی است که نظیر **آقای کوربوزیه** حیات انسان را در سه بعد مادی **زندگی، کار و تفریح** محدود می‌نماید!!

در منشور شهرسازی کنگره جهانی معماری مدرن CIAM که کار خود را از سال ۱۹۳۰ با همکاری نخبگان معماری و شهرسازی از جمله آقای کوربوزیه شروع نموده بود و آقای گیدین در کتاب «فضا، زمان معماری»، آغاز شکل یافتن معماری و شهرسازی معاصر را به آن نسبت می‌دهد، **چهار اصل زندگی، کار، تفریح و عبور و مرور** را برای مباحث شهرسازی کافی می‌دانند.^۱ این در حالی است که **حضرت امام صادق (ع) حیات اجتماعی انسان را حداقل در چهار بُعد کلی مسکن، کار، تفریح و عبادت^۲ جمع بندی می‌نماید و با توجه به آیه: «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون...»^۳ ما جن و انس را خلق نکرده‌ایم مگر برای پرستش و عبادت، هدف از خلقت انسان تبیین می‌شود.**

۱- تأثیر اصول و مبانی اسلامی در حیات فردی و اجتماعی جامعه اسلامی

این موضوع در نکته مهم قابل دست بندی و تبیین است:

- **تعالی انسان ها هدف نهایی خلقت است.** توصیه به هنری که انسان را به مقام و جایگاه عالی انسانیت و باعث رشد و تعالی او گردد.^۴ (در مقابل هنرهای پوچ و نیهیلیستی یا مفسده جو و ضد ارزش طلب، آنارشستی یا پانکیست و ...).
- رابطه انسان با عرصه‌های حیات دنیوی و اخروی **رابطه وسیله با هدف است.**^۵ (نه حذف یکی و نه مساوی قراردادن آن دو)
- **انسان دارای دو سیر می‌باشد،** سیر در آفاق و سیر در انفس یا حرکت جوهری که اولی وسیله حیات و دومی هدف حیات انسانی است. و شناخت و دانش او موقعی به کمال می‌رسد که شناخت طبیعت با شناخت دنیای درون و آنگاه خودسازی او همراه باشد.
- در تعبیری دیگر یا در یک برش عرضی، **انسان دارای دو تعهد و دو وظیفه و رسالت است، خودسازی و جامعه سازی.**^۶ تعهدی برای ارتقاء خود و تعهدی نسبت به جامعه انسانی، خانواده، خویشاوندان و نزدیکان، همشهریان و امت و در نهایت جهان.
- **نیاز به رهبری توانمند درونی و بیرونی** یا عقل و امام معصوم (ع) (پرورش مستمر اندیشه و شناخت، علم‌جویی از گهواره تا گور) ارتباط قلبی و عاطفی و عملی فرد را با آن مرجع حقی و قابل دسترس پیوندی غیر گسستنی نموده است و روح سرشار از صفا و خلوص و همدلی و پیوند ربوبی صالحان را از خانه تا مسجد و از حجره تا محراب تبیین می‌نماید.
- در فلسفه زیبایی‌شناختی، با الهام از صفات زیبایی مطلق انواع **زیباییهای مادی و معقول و شهودی** را تبیین نموده و ابعاد حسن و زیبایی را با طرح اسماء و صفات الهی در کتاب تشریع و کتاب آفرینش در مرز بی‌نهایت به اتمام رسانده است.
- در فلسفه هنر، با **طرح جانشینی انسان بر روی زمین؛** توصیه به توحید حُسن ها در کار و سیر از ظاهر به باطن را تأکید می‌نماید و این نشان می‌دهد که هنر مستول و متعهد کدام است و هنرمند چه مسئولیت سنگینی بر دوش دارد.
- راز و رمز هنر استعلایی و **حرکت از ظاهر به باطن و از کالبد به محتوی،** روش رازگونه و سمبلیک می‌باشد. با توجه به محدودیت های عرصه حیات مادی و بی‌نهایت عرصه معنوی و روحی، روش آیه‌ای و تمثیلی و سمبلیک را در هنرها همچنان که در کتاب آفرینش (طبیعت) و کتاب تشریع خود (قرآن) بکار گرفته است، توصیه می‌نماید.

۲- تبلور باورهای اسلامی در کالبد و ساختار فضاهای شهرهای اسلامی

^۱ - با استفاده از کتاب «فضا، زمان، معماری» تألیف آقای زیگفرید گیدئون صفحات ۵۴۷ و ۵۵۳

^۲ کافی/ج/۵/ص ۸۸

^۳ سوره مبارکه ذاریات، آیه شریفه ۵۶

^۴ - فرازی از سخنان آیت ... جعفری در کتاب «فلسفه و هدف زندگی» در این مورد: هیچ مطلق جز هدف اعلائی زندگی وجود ندارد و بقیه کلیات و مطلقهای دیگر به عنوان وسایلی برای آن مطلق تلقی می‌شود.

^۵ - ان الدنيا مزرعه الاخره، پیامبر اکرم (ص)، ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۶۷

^۶ - قل انما اعظمکم بواحد، ان تقوموا لله مثنی و فردی. «بگو شما را به یک موعظه می‌خوانم، اینکه قیام برای خدا دو به دو و به تنهایی» سوره‌ی مبارکه سبأ آیه شریفه‌ی

خلاصه بحث پیرامون این موضوع را می توان در عنوان اینگونه جمع بندی نمود :

❖ نقش محورهای فرهنگی - تاریخی در ساختار توسعه شهری

چون حضور مفید و مؤثر در جامعه، بخشی از وظایف و تعهدات اصلی شهروند مسلمان است، این محورها جدا از خانه و فضاهای خصوصی و خانوادگی قابل تصور نیست، بلکه در مجموع در تداوم و کمال ترکیبی یک مجموعه زیستی تلقی می شود و در عین استقلال پیوندی متعادل و متناسب با هم دارند.

از آنجا که این مجموعه شهری، مسیرهای عبوری را در خدمت عملگردهای مادی و عبادی تعریف می کند، رابطه وسیله با هدف که در قرآن رابطه مزرعه با محصول است، بین اجزاء و عناصر آن برقرار می باشد (مسأله امتیاز بخشی و درجه بندی کاربریها و عملکردها در سایت شهری).

مسیرهای عبوری با انعطاف کامل و متناسب و موزون هم چون رگها و شریانهای بدن، وسیله ارتباط حوزه ها و عناصر مختلف عملکردی هستند و هدفهای عملکردی از مراکز تجاری تا مراکز عبادی و زیارتی از درجات متفاوت بوده و از اهمیت خاصی برخوردار می باشند.^۱

از آنجا یی که اعمال با نیت محک می خورد و اخلاص شرط قبولی کار و اعمال است و هر کار با یاد خدا و برای خدا عبادت تلقی می شود، یک روح و معنی و صفای باطنی، همه کاربریهای شهری و عناصر و اجزای بافت را به هم پیوند می دهد، اکسیر معنویت، خاک را طلا می کند و تجارت را عبادت می نماید.

❖ ویژگی های بافت های قدیمی و محورهای فرهنگی - تاریخی

- ◆ ارتباط بسیار نزدیک و فشرده و پیوند متقابل این محورها با مراکز مسکونی و محلات شهری است.
 - ◆ با ایجاد فضای باز داخلی و بازتاب پنجره ها و ایوانها به این فضا، ضمن تأمین حداکثر برخورداری از امکانات طبیعی نور، هوا و منظر و ... مزاحمت های همجواری عناصر و مشکلات متفاوت و متعدد شهری، به حداقل ممکن می رسد.
 - ◆ فضای باز داخلی که خودی بوده و مالک و صاحب و باغبان دارد، ما را از ایجاد فضاهای باز عمومی که بی صاحب و رها بوده و تعمیر و نگهداری آن پرهزینه و محل رشد و نمو بزه کاریهای شهری است، بی نیاز می نماید (به خصوص در زمان حاکمان ناهل).
 - ◆ ترنم هندسه های متفاوت در طراحی شهری و ترکیب دلپذیر آنها نشاط و جوش و خروش و تنوع و عمقی به آن بخشیده است که در مجموع ظاهری پویا و پر تحرک و گرم و در باطن از توجه، تمرکز، وحدت، صفا و آرامشی بیگران و برین برخوردار است.
- مسیرهای عبوری نظیر راهها و گذرها و کوچه ها و بازارها و بزرگراهها، پیاده و سواره، با یک هندسه خطی و نامنظم، هماهنگ و منعطف با طبیعت، با پیچ و خمهای لازم و ضروری، سبک بال و پر تحرک و با تنوع منظر و دید، انسان را به هدفهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود می رساند و زمینه مناسب سیر در آفاق او می شوند.



- ◆ ایجاد تمرکز و توجه و دعوت به فضای درونی با ایجاد محورهای ورودی و طراحی سردرها و ایوانهای با شکوه و دلپذیر تأمین می شود، بدنه ها و دیوارها و حجم های خارجی که منعطف با گذرها شکل می پذیرند در مجموع آرام و متین هستند، کتیبه بندی، آنها را ساده و استوار می نماید و در نهایت به صورت یک پوشش ساده برای فضای داخلی کار می کند و

۱- پیامبر اکرم (ص): محبوبترین جای شهر نزد خداوند مسجدها و بی بهاترین آنها بازارها و محلهای عبور و مرو ووسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۳

رو به داخل دارد. در چنین زمینه ای است که طراحی جذاب و با عظمت و لطافت ورودیها و ایوانها، چشمان هر بیننده‌ای را خیره می‌کند، القای تفاوت فضای بیرون و درون را تشدید می‌نماید و با خشوع و مهمانپذیر سر بر قدم مهمان می‌گذارد.

♦ **مفصلهای متعدد و متنوع فضایی و فضای باز داخلی**، جدا سازی فضاهای عبوری و فضاهای داخلی را به عهده دارند، این طراحی هوشیارانه، معمار و شهرساز را موفق نموده است که در یک بافت بسیار فشرده و پرتراکم شهری عناصر بسیار متفاوت عملکردی را در کنار هم سامان دهد.

فضاهای عبوری، خدمات تجاری، حتی مراکز صنعتی و ورزشی در کنار مراکز آموزشی و عبادی و زیارتی با کمترین مزاحمت همجواری در خدمت شهروندان به وحدت متناسب رسیده‌اند. انواع صنوف خدماتی- تجاری از خرده فروشیه‌ها تا عمده فروشیه‌ها، حجره‌ها و تیم و تیمچه و ... با کمترین مفصل در کنار مسیرهای عبوری، سهل‌ترین ارتباط را با رهگذر دارند و در مقابل عملکردهای فرهنگی مذهبی با حریمها و مفصلهای بیشتر امکان ایجاد فضایی معنوی و روحانی و آرامش بخش را به وجود آورده است.

♦ **طراحی بسیار هوشیارانه و آگاهانه فضاهای داخلی**، اوج خلاقیت و

برخورداری مسلم از معنویت و روحانیت را در معماران و شهرسازان ما به ظهور می‌رساند.

ترکیب فضاهای متعدد باز و بسته به نوعی است که حداکثر استفاده از امکانات طبیعی برای انسان فراهم می‌شود، سلولها و مولکولهای فضای داخلی در عین استقلال کامل و خودبسنده بودن فضایی در نظامی بامعنی و جهتدار و ارتباطی همه جانبه با فضاهای اطراف خود به هماهنگی و وحدت رسیده‌اند. تفاوت بارز سه نوع هندسه متمایز در مولکول های فضای داخلی، اعجاز بی بدیل این معماری را متجلی نموده است. هندسه پلانها همچون سطح هموار زمین آرام و رو به درون، هندسه بدنه ها و مقاطع همچون اشجار بر زمین قیام کرده و هندسه



تصویر ۲- کاشان، خانه بروجردیها



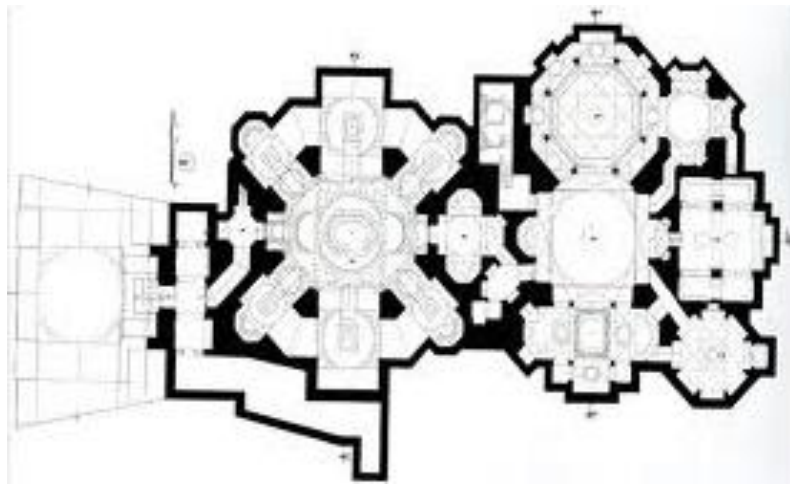
تصویر ۳- کاشان، فضای داخلی خانه طباطباییها

سقفها دارای بعدی کهکشانی و خیال برانگیز و نامناهی است.

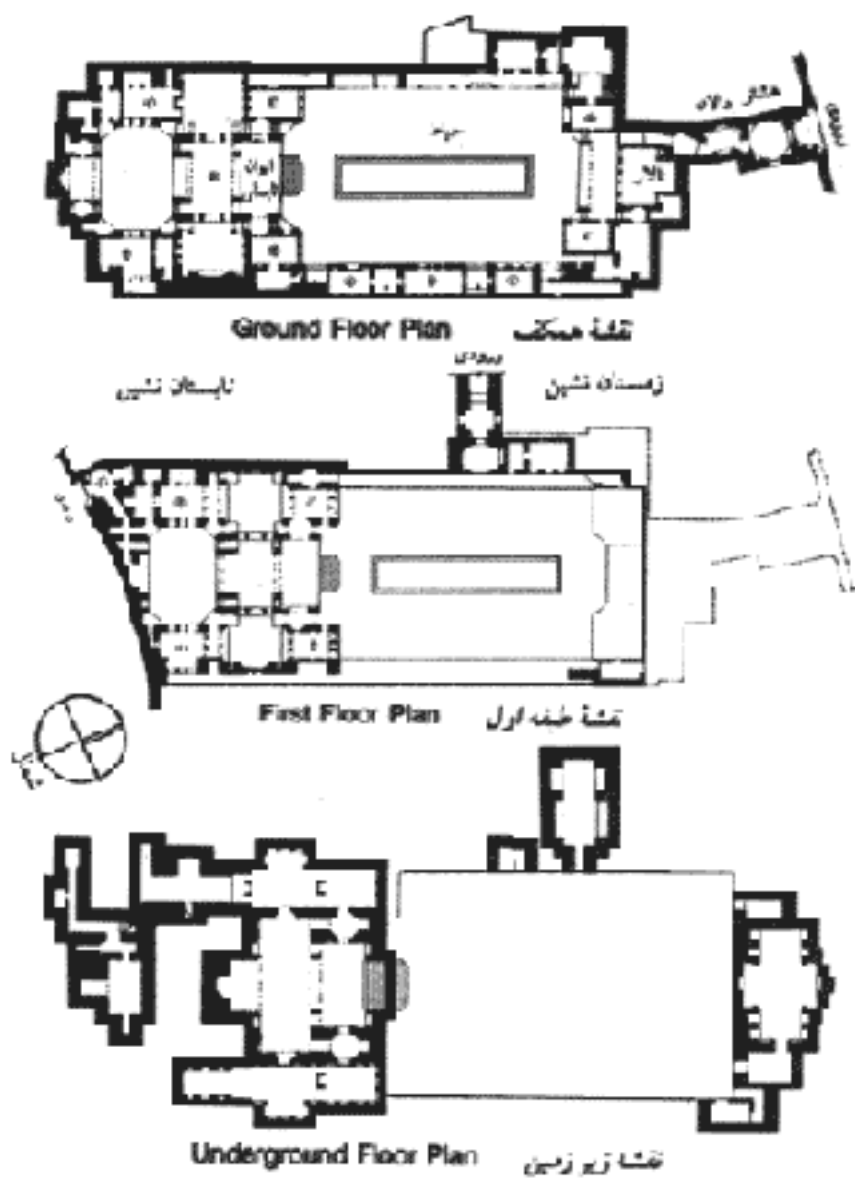
ویژگی ممتاز و بی بدیل این فضاها نسبت به **فضاهای عبوری، آرامش بخش بودن، متعادل و مناسب برای تمرکز فکر و حضور قلب داشتن است،** «بر خلاف تداخل نامناسب فضاهای عبوری و حضوری در اکثر شهرسازیهای امروز». این آرامش و تعادل و متانت را هم در نقشه یک محل خدمات بهداشتی آن هم در زیرزمین نظیر حمام گنجعلی خان کرمان، ملاحظه می کنیم (با وجود آنکه ترکیب بسیار متنوعی از شکلهای مختلف هندسی را همچون مقطعی از یک ماشین صنعتی در هم ادغام نموده است) و هم در نقشه یک خانه، نظیر خانه بروجردیها یا نقشه مساجد و حوزه های علمیه و

◆ عملکردهای مختلف در سلسله مراتب فضاهای شهری مهره های بی تفاوت و تکراری یک ماشین صنعتی نیستند، بلکه بر حسب عبوری یا حضوری بودن، سیر در آفاقی یا سیر در انفسی بودن، **کلاً مادی یا معنوی یا عبادی بودن درجه بندی می شوند** و جای متناسب خود را در طراحی محور و بافت می یابند.

در رابطه با **مسجد** که برای توجه و عبادت بندگان است بعنوان بهترین و **بازار** که وجودش برای عرضه محتاج عمومی لازم است، طراح، مراکز عبادی را قلب شهر می داند و محورها و نقاط عطف هندسی را چه در سطح و چه در نماد حجمی و عمومی مجموعه شهری، برای آنها بر می گزیند. در مجموع رابطه فضاهای عبوری و حضوری همچون رابطه وسیله با هدف، مزرعه با گیاه، شاخه با میوه و رگها و شریانها با اجزا و عناصر اصلی بدن نظیر قلب و مغزو چشم، طراحی می شود.



تصویر ۴- کرمان، حمام گنجعلی خان



تصویر ۵- کاشان، نقشه خانه بروجردیها

۲- ساختار فضاهای فرهنگی-تاریخی شهرها را چگونه طراحی و اصلاح نمائیم

در رابطه با پی گیری این موضوع در محورهای زیر می توان سخن گفت :

● ایجاد رابطه متناسب بین راه ها(راههای سواره و پیاده) و فضاهای عملکردی خصوصی و عمومی:

- در ایجاد راههای سواره سهولت و سرعت دسترسی، حرف اول و آخر نباشد، بلکه معیاری فراتر از سایر معیارها قرار گیرد. در نهایت این فضاهای بسته و باز عملکردی هستند که اصل و هدف می باشند و راهها در مجموع جنبه وسیله پیدا می کنند(رابطه وسیله با هدف بین راههای سواره و فضاهای عملکردی برقرار است).
- بین راههای پیاده و سواره باید تسلط و حاکمیت با فضاهای پیاده باشد چون شرایط راههای پیاده با طبیعت انسان هماهنگ تر و هم نواتر است تا شرایط ماشین، بنابراین باید شرایط ماشین را کنترل و تعدیل نمود.
- حضور ماشین در کنار فضاهای عملکردی باید کاملاً کنترل و تعدیل شده باشد و از نفوذ و اثر شرایط آن بر فضای عملکردی پرهیز گردد.

- در شهرهای اصیل و سنتی ما و در سلسله مراتب فضایی آن **فضای تلف شده و یهوده** به چشم نمی‌خورد. فضای باز و بسته خصوصی و خانوادگی رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند. فضاهای ارتباطی اولیه در حداقل مورد نیاز، خود را به سهولت به فضاهای ارتباطی بزرگتر می‌رساند، درحالی‌که در امتداد خود، دسترسی به فضاهای عملکردی متنوع و عمومی را فراهم می‌نماید و در نهایت همچون مویرگهایی که امتداد بدن را طی می‌کنند و اندامها و اعضا خود را تغذیه می‌نمایند با شور و هیجان کامل با فضای چند بعدی بازارها و میادین و تکایا، پیوند می‌خورند و در پیشگاه قلب شهر یعنی مسجد جامع و مراکز مذهبی - علمی، به هدف می‌رسند.
- آنچه در شهرهای اصیل ما **کانون و قطب حرکت و گسترش و مبنای طراحی شهری** است، مراکز مذهبی - عبادی است، حتی اگر از نظر زمانی بعداً بوجود آمده باشند، زیرا در محلی احداث شده اند که کانون شهر بوده و یا گسترش شهر، خود را با جاذبه آن کانون قدیمی تطبیق می‌داده است.
- فضاهای باز در پیوند با فضاهای بسته با حد و حدودی مشخص و ترکیب مناسب با آب و گیاه، مستقیم بر عملکردهای فضایی مورد نظر، هم‌پای فضای بسته شرکت می‌نمایند و در داخل شهر، **فضای باز بدون تعریف و کنترل، به حداقل ممکن می‌رسد**، مگر مناظری که به سمت بیکران طبیعت خارج از شهر گشوده می‌شود.
- در سلسله مراتب فضایی شهر، دسترسی ها از فضای خصوصی به عمومی و فضاهایی با عملکرد مادی به **فضاهایی با عملکرد معنوی** سازمان می‌یابد و این ارتباط، در نهایت خود و در یک مجموعه سه بعدی و ترکیبی، یک کیفیت و هویت معنوی و مقدس ایجاد می‌نماید.
- در این ساختار راهها فقط وسیله ارتباطی نیستند، بلکه **نیازهای مادی و جاری و روزمره عابرین** را به بهترین وجه تأمین می‌نمایند.
- در **سلسله مراتب فضایی شهرهای سنتی**، فضاهایی با عملکرد مادی به گونه‌ای با فضاهای با عملکرد معنوی و مذهبی، ترکیب می‌شوند و پیوند می‌خورند که ضمن برآوردن نیازهای متنوع انسان در کنار یکدیگر، ارزش و اهمیت و قدرت کانونی فضاهای با عملکرد مذهبی و معنوی حفظ می‌شود.
- فضاهای با عملکردهای مادی نظیر **حمام‌ها، زورخانه‌ها، تیم‌چه‌ها و سراها و کاروانسراها** از نظر هویت فضایی آنچنان آراسته و متین و معنوی طراحی می‌شوند که ضمن برآورد نیازهای عملی انسانها، موجب می‌شوند فضای کار و زندگی انسان محتوایی با روح و با معنویت پیدا نماید. کار و تجارت با یاد خدا عبادت محسوب می‌شود و همه لحظات به یاد خدا همراه می‌شوند که موجب تعالی است.
- **خانه‌ها** نیز چون نگینی مساجد و تکایا را احاطه می‌نمایند و مرکز محله در کنار این مراکز برپا می‌شود.
- واحدهای همسایگی در کنار ورودیها، در بازارچه‌ها و محلهای خرید روزانه و سایر عملکردهای اجتماعی و در نهایت در مراکز عبادی مساجد و تکایا امکان یک فعالیت اجتماعی بسیار گسترده و همه جانبه به تعداد نمازهای جماعت یومیه را فراهم آورده است، گویی هرخانه فضای مستقل و پاره‌ای است از جهان برین در زمین.
- **هرخانه** در حالی که با دیوارهای بسته و حداکثر با چند پنجره کوچک و شبکه‌های ریز، نسبت به فضای بیرون حریم کامل داشته و رو به درون دارد، اما با ورودی مستقل و با شکوه و دلپذیر خود، حالت غربت را زدوده و بسیار دعوت کننده و جاذب و راهنما ست.
- **سلسله مراتب فضاهای داخلی خانه** نظیر فضای عمومی و پذیرایی، فضای خانوادگی و اهل بیت و فضاهای خواب و استراحت و اعتکاف و خصوصی به نحوی قرار می‌گیرند که هرکدام از حداکثر توانمندی عملی برخوردار و نیازهای متنوع خانواده را در کمترین سطح زیربنا پاسخگو باشند. اکثر فضاها در شرایط مناسب به صورت چند عملکردی درآمد به نحوی که در آن واحد فضای بسته و باز خانه به صورت یک سالن اجتماعات و پذیرایی عمل می‌نماید و در عین حال در شرایط خود می‌تواند عملکردهای متنوع را در زمان واحد پاسخگو گردد؛ کسی در حال خواب و آرامش کامل و زندگی خانوادگی در نهایت شور و حیات و در عین حال پذیرایی از مهمانها به بهترین وجه ممکن صورت می‌گیرد.
- **فضای باز و بسته** به نحوی تنظیم شده است که با توجه به شرایط اقلیمی و زندگی در شرایط بسیار متنوع چهار فصل، ضمن برخورداری کامل فضاهای بسته از نور و هوا و منظر، زندگی در مجموع فضای باز و بسته به بهترین شکل ممکن جریان می‌یابد.

● **ساختار فضایی و سلسله مراتب فضایی در شهرهای سنتی و اسلامی** در مجموع هدفمند، جهت‌مند و با معنی است و در نهایت زندگی انسان ها را به صورت فردی و اجتماعی و از مادی به صورت هدفهای رشد یابنده و معنوی به بهترین وجه ممکن تأمین می‌نماید.

پرسش‌ها و پژوهش‌ها (مقاله نهم)

- (۱) در اروپا چه سال‌هایی را **قرون وسطی** می‌گویند؟
- (۲) **سخن میشل فوکو** یکی از رهبران پست مدرنیسم در باره غرب چیست؟ آن سخن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهید؟
- (۳) منظور از **شهرسازی وارداتی** چیست؟ در این باره نظر شما چیست؟
- (۴) **اقای کوربوزیه** زندگی انسان را در چه عواملی می‌دانند؟
- (۵) امام صادق علیه السلام **پایه‌های اصلی حیات اجتماعی** را در چه چیزی می‌دانند؟
- (۶) آیه مبارکه: (ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون -۵۶/ذاریات) به چه معنی است؟ **عبادت** در آیه مبارکه را توضیح دهید؟
- (۷) **اصول و مبانی اسلامی** در حیات فردی و اجتماعی چه تأثیری دارد؟ به اختصار ذکر کنید؟
- (۸) بافت‌های قدیمی و سنتی ایران چه **ویژگی‌هایی** دارند ذکر نمایید؟
- (۹) بر اساس چه **الگویی و روشی** باید ساختار فضاهای فرهنگی-تاریخی را طراحی و یا اصلاح نمود؟
- (۱۰) **ساختار فضایی** و سلسله مراتب فضایی در شهرهای سنتی و اسلامی آیا هدفمند هستند یا نه؟ **روی انسان چه تأثیری دارند؟**

مقاله دهم

(کاربردی - شهرسازی)

(قل متاع الحیوة الدنيا قليل و الآخرة خير لمن اتقى و لا تظلمون فتيلا-۷۷/بقره)
به آنان بگو: برخوردارى از اين دنيا اندک و ناچيز است و براى كسى كه تقوى پيشه كند (و حلال و حرام الهى را رعايت نمايد) آخرت بهتر است

نقد و تحليلی بر عملکرد شهرداری تهران (۱)

پیرامون

اولویت طرح های جامع و شهرسازی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت

بجای مقدمه :

سال هاست که با تأسف شاهد اقدامات نامناسب شهرداری تهران بوده‌ایم و از تذکر و توجه دادن این نهاد نسبت به رعایت بدیهی‌ترین مسائل علمی و فرهنگی و ارزشهای اسلامی در کارهای معماری و شهرسازی تهران مأیوس گشته و اخیراً نیز با برگزاری محاکمات شهردار تهران این رنج ها افزون شده است. در این مدت نیز اغلب شاهد اظهار نظرهای سطحی و متعصبانه و گروه گرایانه افراد و اشخاصی بودیم که غالباً هیچ گونه تخصصی در مقوله حساس و چند بعدی معماری و شهرسازی ندارند و به خود حق می‌دهند در مورد یکی از پیچیده‌ترین مسائل علمی و فنی و فرهنگی نه تنها اظهار نظر که قضاوت و تصمیم‌گیری نمایند و فضای مقدس و معنوی جامعه را دچار اغتشاش، یا کج فهمی و تعصب نمایند. اکنون به نظر می‌رسد با حکم دادگاه و ادامه روند آن، مسئله شهرداری تهران و کارهای آن از بحث پیرامون یک فرد و یا یک گروه سیاسی بتدریج خارج می‌شود و فضای عمومی جامعه برای اظهار نظر کارشناسی و تخصصی در مورد سیاستها و ماهیت کارهای شهرداری تهران آماده‌تر شده است.

اینجانب با اذعان به کم توجهی جامعه دانشگاهی نسبت به نقد و تحلیل کارهای انجام شده در شهرداری تهران، آرزومندم فضای مناسب‌تری در این جهت گشوده شود و رسانه‌های دولتی و غیر دولتی به جای جنجال آفرینی و جوسازی متعصبانه، از متخصصین فهیم و متعهد در جهت ارزشیابی و تحلیل کارهای انجام شده و اصلاح آن یاری جویند.

لازم است تأکید نمایم شخصیت حقیقی افراد مورد احترام جدی اینجانب می‌باشد و قصد هیچ گونه اظهار نظری در جنبه‌های حقوقی و قضایی مسائل مطروحه و روند آن را ندارم، بلکه شخصیت حقوقی شهردار و اقدامات شهرداری تهران از جنبه ارزشهای معماری و شهرسازی مورد نظر اینجانب می‌باشد.

قبل از طرح مسائل اصلی لازم می‌دانم چند نکته مهم و بنیادین را برای خوانندگان عمومی این مقاله یادآوری نموده و بیان مطالب را با زبان عمومی طرح نمایم و از این بابت از متخصصین امر پوزش می‌خواهم.

۱-اولویت تصمیم‌گیری پیرامون طرحهای جامع شهرسازی

موضوع علم و هنر شهرسازی از جنبه‌های بسیار متنوع و متعدد مورد نظر کارشناسان برجسته دانشگاهها و مدیران درجه یک کشورها قرار داشته و دارد. بطوری که امروزه نه تنها رشته شهرسازی در گرایشهای مختلف تا مقاطع دکتری و فوق دکتری متخصص پرورش می‌دهد، بلکه این رشته از تخصصهای چند وجهی تلقی می‌شود که هر کدام علوم و فنون هنرهای مختلفی را شامل می‌گردد (نظیر برنامه ریزی شهری، طراحی شهری، اقتصاد شهری، جامعه شناسی شهری، معماری شهری، روانشناسی و فرهنگ شهری، زمین شناسی، کارشناسی میراث فرهنگی و ...).

به عنوان مثال، برای تهیه طرح جامع یک شهر کوچک بیش از ده کارشناس در رشته‌های مختلف باید با همکاریانشان تلاش نمایند تا مسائل و نیازهای بسیار مختلف و متنوع یک شهر را بررسی و مصلحتهای کوچک و بزرگ را تحلیل و با توجه به جمیع ابعاد و امکانات، اولویتها را درجه‌بندی نموده و نهایتاً مسائل فنی و مهندسی را با مسائل فرهنگی و هنری ارزیابی و در یک برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کلان در سطح کل کشور، پیشنهادات مشاورین و کارشناسان، تصویب و مورد طراحی قرار گیرد و طرح جامع یک شهر پس از مراحل متعدد در عالی‌ترین سطوح، کارشناسی و تصمیم‌گیری و برای اجزاء تصویب و ابلاغ شود. اهمیت روند فوق و عظمت موضوع با توجه به مسائل و شرایطی که امروز شهرنشینی و مزاحمتهای همجواری و ورود ماشین و مشکلات محیط زیستی ایجاد نموده است برکسی پوشیده نیست.

۲- جایگاه عناصر فرهنگی - اجتماعی در معماری و شهرسازی

در طراحی یک شهر علاوه بر مسائل مختلف اقتصادی و فنی مهندسی، مسائل متنوع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هنری و مذهبی نیز از اهمیت فوق‌العاده و تعیین‌کننده‌ای برخوردار می‌باشند. اهمیت مسئله فوق به حدی است که محققین یک شهر را برجسته‌ترین تبلور عینی و ملموس تمدنها و فرهنگها می‌شناسند و زمانی یک فرهنگ و تمدن را در مجموع متعادل و بالغ و کمال یافته می‌دانند که بتواند معماری و شهرسازی خود را به انسجام و هماهنگی و کمال برساند و در مقابل هر نوع ناهنجاری و عدم تناسب را در معماری و شهرسازی ناشی از عدم تعادل بنیادهای فرهنگی

اجتماعی می‌شناسند و از این نظر شهرهای اصیل دوران اسلامی ما واجد ارزشمندترین ساختار فرهنگی و هنری جهان بوده و تا آنجا که از شر تهاجمات آگاهانه و ناآگاهانه محفوظ مانده و با احیاء و نوسازی مناسب می‌تواند ارزشهای خود را تجدید نماید.

۳- شهرسازی تهران در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

به نکات اجمالی فوق باید مسائل خاص تهران را در قبل و بعد از انقلاب اسلامی یادآور شد. تهران پایتختی که بدون یک توجیه جامع علمی و فرهنگی و فقط با ضرورت‌های سیاسی - نظامی حکام وقت ایجاد و توسعه یافته بود، در دوران پهلوی ها، بدلائیل خاص سیاسی و استعماری که می‌خواستند همه مراکز تولیدی را تخریب و اقتصاد ایران را وابسته به تک محصولی نفت نمایند، بدون پیش‌بینیهای لازم و به قیمت تخلیه و تخریب، مناطق عظیمی از کشور توسعه سرطانی یافت و به یک مجموعه بسیار ناشایست و نامتناسب و متمرکز تبدیل شد. تا آنجا که وقتی آب از سر گذشت و مسائل زیست محیطی و ترافیک به حد انفجار رسید، دولت اقداماتی را توسط مشاورین خارجی و داخلی در جهت تهیه طرح جامع این شهر آغاز نمود و نهایتاً طرحی را تهیه نمودند که هرچند ناقص و ناکافی بود، (و بخصوص معیارهای فرهنگی - مذهبی ما را نادیده گرفته بودند) ولی در هر حال راه‌حلها و ضوابطی را از بعد استانداردهای فنی و مهندسی پیش‌بینی نموده و در نظر گرفته بودند.

در طرحهای جامع شهرها، علاوه بر پیش‌بینی راهها و مسیرهای پیاده و سواره و جهت های توسعه آن، کلیه نیازهای شهروندان اعم از مسکونی و تجاری و اداری و مراکز آموزشی، مذهبی، ورزشی، بهداشتی، فرهنگی و فضای سبز و ... با توجه به حداقل نیاز یک فرد، بصورت سرانه‌هایی در نظر می‌گیرند که در واحد مترمربع زیربنا و یا مترمربع فضای سبز در طرحهای جامع پیش‌بینی شده و با توجه به آن نوع استفاده از هر قطعه زمینی (کاربری) و میزان مترمربع زیربنا در هر مترمربع زمین (تراکم) ساختمانی را تعیین و تثبیت می‌نمایند و ضوابطی دیگر نیز در جهت ایمنی و مناسب بودن ساختمانها و به‌خصوص جلوگیری از هر نوع مزاحمت‌های همجواری در جهت تضمین حقوق شهروندان پیش‌بینی می‌گردد. در ضمن رعایت ضوابط طرح جامع در همه دنیا بخصوص کشورهای پیشرفته از مهمترین وظایف همشهریان و مهم‌ترین مسئولیت و تعهد و پیمان شهرداران و شهرداریهاست.

۴- مهم‌ترین مشکلات شهر تهران در قبل از پیروزی انقلاب

در رابطه با مشکلات شهری تهران در قبل از انقلاب به این نکات مهم می‌توان اشاره نمود:

- تمرکز ناهنجار و نامناسب جمعیت کشور در تهران و بدون برنامه ریزی و پیش‌بینی های لازم.
- بی‌توجهی بارز مسئولین به تأسیسات زیربنایی شهر و خدمات عمومی بخصوص تبعیض بین شمال و جنوب شهر تهران.
- عدم اقدام لازم در مورد توسعه وسائط حمل و نقل عمومی نظیر مترو، قطارهای شهری، احداث اتوبانها و آزادراههای کمربندی و
- عدم اجرای سیستم انتقال فاضلاب شهر و تمام خطوط آگوی شهری و تصفیه و استفاده بهینه از آن و بازسازی مسیر ها و آبراه ها.
- عدم جلوگیری از دودزایی وسائط نقلیه و پاک‌سازی شهر از صنوف مزاحم شغلی.
- عدم گسترش فضای سبز لازم به نسبت گسترش زیربنا و تراکم جمعیت شهری.
- بی‌توجهی نسبت به نیازهای اولیه و ضروری مردم در داخل محلات و نواحی و مناطق شهری و ...
- بی‌توجهی به مراکز مذهبی زیارتی و سعی در محدودیت و محرومیت آنها از توسعه و احیاء لازم.
- عدم توجه به تهیه حداقل فضاهای عمومی نظیر (فضاهای آموزشی، فرهنگی و هنری، ورزشی، بهداشتی، اداری، تجاری و تفریحی و ...)
- نداشتن طرح های تفصیلی برای محلات و مناطق در جهت حفظ هویت ملی - مذهبی میراث فرهنگی و احیاء و نوسازی آنها با توجه به شرایط جدید.

۵- مهم‌ترین اقداماتی که بعد از انقلاب و علی‌الخصوص در دوران سازندگی باید انجام می‌شد.

با توجه به تعداد جمعیت تهران و اهمیت پایتخت بودن آن لازم بود به عنوان یک طرح ملی و با هماهنگی و همکاری همه نهادها و مسئولین ذیربط و به دور از خود محوری ضمن بازنگری طرح جامع و اصلاح و تکمیل آن حداقل اقدامات ذیل صورت می‌پذیرفت:

- ✓ تدوین سیاستگذاری های کلان و دراز مدت.
- ✓ سیاستگذاری در سطح کشور در مورد مراکز مناسب برای تجمع جمعیت و پیش‌بینی ها و پیش‌گیری های لازم علی‌الخصوص در شهر تهران.
- ✓ تعیین سیاستهای کلان اقتصادی، صنعتی و تولیدی در جهت تأمین مواد و مصالح و تکنولوژی لازم برای توسعه و بازسازی سریع.
- ✓ هماهنگی و همدلی کلیه نهادها و مسئولین ذیربط دولتی و دانشگاهی در جهت تعیین سیاستهای فوق، تصویب قوانین لازم و برنامه‌ریزی و تهیه نقشه‌های جامع و تفصیلی برای تحقق آرمانهای مذکور.
- ✓ پیش‌بینی جلب اعتماد و مشارکت وسیع مردمی در جهت توسعه و ساخت و ساز شهری و خدمات عمومی.

۱- کارهای فوری و کوتاه مدت که انجام آن ضرورت داشت

به موازات کارهای طولانی مدعت لازم بود تا این برنامه ها با سرعت بیشتری انجام می‌شد:

- ✚ حل مهم‌ترین مسائل زیست محیطی نظیر از بین بردن عوامل دودزا، انتقال آبهای سطحی و فاضلاب شهری و تبدیل آن، تکمیل و توسعه بزرگراهها، اتوبانهای موجود و تفکیک مسیرهای پیاده از سواره و تأمین پیاده‌روهای مناسب و طراحی شده برای کلیه اقشار، جلوگیری از هر نوع ساخت و ساز غیر قانونی، ایجاد وسایل نقلیه غیر دودزا نظیر مترو، توسعه گسترده فضای سبز در داخل و اطراف شهر.
- ✚ تهیه طرحهای تفصیلی برای نواحی و محلات در جهت احیاء و نوسازی آن با اهمیت دادن خاص به مراکز مذهبی و زیارتی، تأمین فضاهای لازم برای مراکز آموزشی، فرهنگی، هنری، بهداشتی، ورزشی، اداری و تجاری و فضای سبز و کمک به اقشار محروم در جهت داشتن حداقل فضای مسکونی.
- ✚ طراحی و اجرای خدمات عمومی در سطح مراکز مناطق و شهر، همکاری در تکمیل مجموعه‌های مصلی تهران، مرقد حضرت امام(ره)، آستان حضرت عبدالعظیم(ع) و ایجاد سایر فضاهای عمومی، احیاء و نوسازی مراکز میراث فرهنگی نظیر مسجد امام و بازار تهران، آماده‌سازی زمینهایی برای ایجاد محلات جدید با هویت ملی-فرهنگی، تحقیقات و ارائه تجربیات در مورد ساخت خانه‌های ارزان قیمت و رعایت مسائل فنی و مهندسی و صرفه جویی در ساختمان سازی، پایین نگه‌داشتن هزینه ساخت و قیمت ساختمان با توجه به توان خرید اقشار محروم و داشتن یک خانه مستقل برای هر خانواده.
- ✚ جلب اعتماد مردم، از بین بردن موانع و مشکلات اداری، پیش‌بینی قوانین لازم جهت ارائه برنامه‌ها و طرحها به مردم و جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری وسیع مردمی و تعاونیها در برنامه‌های فوق.

۲- در این سالها در مقام شهرداری تهران چه کسی می‌توانسته است درست مدیریت نماید؟

برای اجرای برنامه فوری و مدیریت مربوط به نظام شهری بر اساس آنچه را که گفته شد باید شهردار و کسی که به این مقام مهم شهری تکیه زده است مسئولانه این مشخصات را داشته باشد:

- ♣ لازم است لااقل یکی از تخصصهای اصلی رشته معماری و شهرسازی و یا وابسته به آن را داشته باشد.
- ♣ از قدرت مدیریت و تجربه و توان لازم برخوردار باشد.
- ♣ خود محور و خود رأی نباشد و به اصلاح شهر تهران به عنوان یک طرح ملی نگریسته، با هماهنگی و همکاری کلیه نهادهای ذیربط برنامه‌ریزی و اقدام نماید.

♣ نسبت به قوانین و برنامه‌ها و طرح‌های مصوب احترام قائل شده از مسیر قانون و سلسله مراتب قانونی خارج نشده و قانون فروش نباشد.

♣ قدرت تشخیص کارشناسان سودجو و صدیق را داشته و بتواند کارشناسان بی‌هویت و غرب‌زده و فرصت طلب را از کارشناسان با فرهنگ و هویت اسلامی و دلسوز تشخیص دهد و برای کار و پیشنهادات آنها ارزش قائل باشد.

♣ اصولاً عنصری مردم‌دار و مردم دوست بوده و متخصصین دلسوز را تشخیص دهد و برای کار و پیشنهادات آنها ارزش قائل باشد.

♣ روحیه عدالت گستر و ظلم ستیز و محرومیت زدا داشته باشد، به مشارکت عمومی و خدمت به مردم و احیای حقوق آنها و سپردن کارها به خود آنها از صمیم قلب معتقد بوده و وفادار باشد.

♣ با توجه به وضعیت نامطلوبی که شهرداریها در گذشته داشتند باید در جهت اصلاح ساختار اداری و اجرایی آنها و تشویق مصلحین و تنبیه خطاکاران مصمم بوده و با هر نوع تخلف اداری قاطعانه برخورد نماید.

۸- ویژگی‌های دوره ریاست آقای کرباسچی به عنوان شهردار تهران (سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۷)

بدون قضاوت نسبت به شخصیت فردی ایشان در این متن و در عین حال بدون اغماض از جایگاه ایشان به عنوان شهردار تهران میتوان مدیریت ایشان را اینگونه مورد نقد و تحلیل قرار داد:

✱ ایشان هیچ‌گونه تخصصی در رشته‌های اصلی (معماری و شهرسازی) و سایر گرایشهای وابسته به آن نداشتند.

✱ تجربه مدیریتی ایشان در مقوله شهرسازی منحصر به چند سال همکاری در شهرداری اصفهان بدون تخصص لازم بوده است.

✱ ایشان نه تنها به مسائل عظیم شهر تهران به عنوان یک طرح ملی نگاه نکردند و در جلب همکاری و هماهنگی با سایر نهادهای ذیربط هیچ کوششی به عمل نیاوردند، بلکه با ایجاد دولت در دولت در مقابل همه نهادهای مافوق و مادون حصار کشیدند و شهرداری تهران را تبدیل به یک بنگاه خصوصی و دولت خود محور نمودند!!

✱ ایشان نه تنها نسبت به قوانین و برنامه‌ها و طرح‌های مصوب و سلسله مراتب کارشناسی و تصمیم‌گیری پایبند نبودند، بلکه بدیهی‌ترین ارزشها و اصول معماری و شهرسازی و حقوق مسلم مردم و شهروندان را یکجا می‌فروختند. و می‌توان گفت بعد از انقلاب هیچ نهادی نظیر شهرداری تهران تقدس قانون مداری را نشکست و سر ارزشها و اصالت‌های علمی و فنی و فرهنگی معامله نکرد.

✱ ایشان بدلیل عدم تخصص نه قدرت تشخیص کارشناسان سودجو و صادق را داشتند و نه قدرت شناخت مسائل فرهنگی و اسلامی را در شهرسازی و معماری، بنابراین شهرداری تهران تبدیل شد به مناسب‌ترین محل برای حضور عناصر فرصت طلب سودجو و غرب زده.

✱ همانطور که قبلاً اشاره شد اصلاح و بازسازی شهر تهران از نظر برنامه‌ریزی و طراحی و هماهنگی نهادهای ذیربط باید یک طرح ملی و غیر انحصاری تلقی می‌شد و همه نهادهای ذیربط را به یاری می‌طلبید و از نظر سرمایه‌گذاری و اجرا یک طرح کاملاً دولتی و مردمی انجام می‌شد، اما در هر مورد فوق تقریباً برعکس عمل شد. از یک طرف شهرداری تهران از نظر برنامه‌ریزی و طراحی یک حکومت مستقل و خود بنیاد تشکیل داد و از طرف دیگر به جای واگذاری کارها به اقشار واقعی نیازمند مسکن و جلب اعتماد و مشارکت و حمایت مردمی خود تبدیل به یک بنگاه معاملاتی و یک کلان سرمایه‌دار انحصاری شد و عملاً در خدمت زمین‌خواران و پیمان‌کارانی که فقط به ثروت‌های باد آورده می‌اندیشند، قرار گرفت.

✱ وضع نامطلوب شهرداریها نسبت به مراجعین و فساد اداری که از گذشته زبازد شده بود، نه تنها در جهت احترام به مراجعین و ریشه کن شدن ارتشاء و فساد مالی و تسهیل امور اداری و سرعت بخشیدن به کار ارباب رجوع در مجموع اقدامی نشد، بلکه برعکس سیستم اداری برای مهندسان طراح و ناظر ساختمان روز بروز پیچیده‌تر و مشکل‌تر شد و در حالی که ثروتمندان متقلب با دادن رشوه و پول سرتا پای قوانین و مقررات را به نفع خود خریده بودند و به کمک واسطه‌های داخل و بیرون شهرداری بر

شهر تهران حکومت می‌کردند، مراجعین معمولی و بخصوص آنها که دادن رشوه را گناه می‌دانستند، در معرض شدیدترین بی‌حرمتیها و کارشکنیها قرار می‌گرفتند و می‌گیرند و هیچ تابلویی زشت‌تر برای جمهوری اسلامی از نحوه برخورد نامطلوب و متکبرانه مأموران دولتی با توده مردم نیست و این تابلو در شهرداری تهران مدرور بوده است.

۹- ارزیابی و تحلیل مهمترین اقدامات شهرداری تهران (بعد از جنگ تحمیلی)

بعد از جنگ تحمیلی همه نهادها و سازمانها در جهت جبران عقب ماندگیها و خسارتهای جنگ اقدامات فوری و وسیعی را شروع کردند که در حد خود و مقطع فوق بسیار لازم و قابل تقدیر و ستایش‌انگیز است و ممکن است در این راستا بدلیل فوریت کار اشتباهات و مشکلاتی نیز ایجاد شده باشد ولی در مجموع اغلب قابل اغماض و قابل اصلاح و جبران است. شهرداری تهران نیز از این قاعده مستثنی نیست و اقدامات فوری در جهت توسعه بزرگراهها و فضای سبز انجام شده است با این تفاوت که اقدامات انجام شده ماهیتاً دارای اشکال است و ادامه این روند قابل اغماض و اصلاح نیست، که به چند نکته آن اشاره می‌شود:

◆ بلند مرتبه‌سازی واحدهای مسکونی

علیرغم آن‌چه که به غلط شایع نموده‌اند بلند مرتبه‌سازی واحدهای مسکونی نه اقتصادی است و نه از نظر فرهنگی قابل تحمل است. آپارتمان‌سازی و برج‌سازی فقط برای زمین‌خواران و مالکان و پیمانکاران و مشاوران و مسئولان سطحی‌نگر و ظاهر بین سودآور است و موجب



تصویر ۱- بلندمرتبه‌سازی در تهران

ثروتهای بادآورده و بی‌حساب می‌شود و در مقابل برای مردم عادی و توده‌های محروم و زحمت‌کش حداقل موجب سه تا پنج برابر گرانت‌شدن قیمت ساختمانها شده است. و این خود حدیث مفصلی است که احتیاج به کارشناسی جدی و وسیعی دارد و متأسفانه هنوز نه تنها برای تهران بلکه برای شهرهای کم‌جمعیت نیز تبلیغ می‌شود که خود به تنهایی فاجعه‌ای است. از نظر فرهنگی و مسائل روانی، تربیتی و مذهبی نیز مجتمعهای متراکم و مشاع، مزاحمتهای همجواری را به اوج خود می‌رساند، نه تنها به فرمایش قرآن مجید، خانه را محل آرامش نمی‌نماید، بلکه موجب بسیاری از ناهنجاریهای روانی و اخلاقی و تربیتی می‌گردد و از نظر مذهبی اگر نگاه کردن بدون اجازه به خانه همسایه

گناه است ایجاد مقدمات آنهم که صدور مجوز ساختمانهای مشرف می‌باشد، می‌تواند گناه باشد. اصولاً تراکمهای زیاد و بلند مرتبه‌سازی در زمینهایی صورت می‌گیرد که برای این کار پیش‌بینی و طراحی شده باشد و قبلاً کلیه خدمات عمومی و شهری و فضای سبز و پارکینگ و نحوه قرارگیری و فاصله بلوکهای آپارتمانی بر طبق معیارهای فنی-مهندسی و طراحی شهری و حقوق همسایگان پیش‌بینی و رعایت شده باشد. درحالی که مقایسه نمائید با بلند مرتبه‌سازی در شهرداری تهران که باغها را به قطعات کوچک تفکیک می‌کند و در کوچه‌های عمتری و ۸ متری و بن‌بست مجوز ساختمانهای چندین طبقه می‌دهد. اگر با همه پیش‌بینیهای لازم در طرحهای جامع، منطقه‌ای برای ساختمانهای بلند در نظر گرفته شود از نظر فرهنگی بهتر است ساختمانهای عمومی نظیر ساختمانهای اداری یا تجاری باشد و در هر حال ساختمانهای مستقل قطعاً برای واحدهای خانوادگی و مسکونی مناسب‌تر است.

◆ در مورد توسعه و ساخت اتوبانها و بزرگراهها و پلها

با توجه به این که کار فوق و توسعه فضای سبز را از بزرگترین خدمات شهرداری تهران می‌توان تلقی نمود امکانات مهم و اشکالات اساسی را در کنار آن نمی‌توان نادیده گرفت.

- به موازات و قبل از توسعه راههای سواره باید به فکر دود زدایی و حداقل گازسوز نمودن اتومبیلها بود تا تکثیر اتومبیلهای شخصی، تهران را به یکی از آلوده‌ترین هواهای شهری مبدل ننمایند



تصویر ۲- آلودگی ناشی از وسایط نقلیه در تهران

- به موازات و قبل از توسعه راههای سواره برای تردد اتومبیلهای شخصی باید به فکر وسائل نقلیه عمومی بود و حداقل برنامه ریزی و جلب سرمایه‌گذاری همشهریان برای **توسعه مترو و ایجاد منوریل** در دستور کار باشد. هم‌اکنون اتوبوسها و مینی‌بوسهای گازوئیلی شرکت واحد که در سطح شهر مدام تردد می‌نمایند از مهم‌ترین عوامل آلوده کردن هوای تهران محسوب می‌شوند.
- از نظر فرهنگ شهرسازی مسیرهای سواره باید به گونه‌ای طراحی شوند که مزاحمت‌های هم‌جواری آنها برای مسیرهای پیاده و مجموعاً برای فضاهای مسکونی و سایر فضاهای شهری کم‌ترین مزاحمت و ناهنجاری را داشته باشد.

متأسفانه توسعه راهها و پلهای سواره در تهران اکثراً خلاف اصل

فوق را نشان می‌دهد، در مناطق پر تراکم شهری پلهای سواره به جای آن که حتی المقدور زیر گذر باشند، روگذر می‌شوند و ساختمانهای هم‌جوار را در معرض ناهنجارترین مزاحمت‌های هم‌جواری قرار می‌دهند. در سطح شهر و محلات اقدام جدی در جهت اصلاح و بهینه‌سازی راههای پیاده و تفکیک راههای پیاده از سواره صورت نمی‌گیرد و در مجموع مسیرهای عبوری بیشترین مزاحمت را برای فضاهای عملکردی ایجاد می‌نماید.

♦ توسعه فضای سبز و پارکهای عمومی

در این مورد نیز که یکی از اقدامات اصلی شهرداری تهران بوده و در جای خود قابل تقدیر است، نکات مهمی را باید یادآوری نمود. فضای سبز وسیعی در شهر تهران به صورت باغهای قدیمی و شخصی و با درختهای کهن سال و حیاطهای بزرگ واحدهای مسکونی بدون کمترین هزینه‌ای برای شهرداری وجود داشته است. اغلب باغهای فوق تفکیک و با تراکم بالا آپارتمان‌سازی می‌شود و در مقابل شهرداری با تقبل هزینه‌های هنگفت به احداث پارکهای عمومی اقدام می‌نماید که هزینه نگهداری آنها بسیار گران می‌باشد. باغهای فوق با استفاده از شیب دامنه‌های البرز با کمک چند میراب و کاشتن درختهای مناسب با ثمر یا سایه دار سطح وسیعی از شهر را با کمترین هزینه سرسبز و خرم نگه می‌داشت و شهرداری با ایجاد فضای سبز در زمینهای نامناسب و اغلب کوچک و بکاربردن وسیع چمن و تپه‌های تزئینی به جای درخت و با تحمل هزینه‌ای سرسام‌آور فضای سبز ایجاد نموده است که معلوم نیست در آینده بتوان هزینه نگهداری آنرا تحمل نمود!!

♦ در مورد رعایت معیارها و ارزشهای علمی، قانونی و فرهنگی

واقعاً جای بسی تأسف است که در جامعه ما هنوز کسانی باشند که اصل درآمد و ثروت را بدون در نظر گرفتن معیارها و ارزشهای علمی، قانونی و فرهنگی مجاز و روا بدانند. کار شهرداری تهران در تغییر کاربریها و فروش و تراکم علیرغم برنامه‌ها و طرحهای مصوب و طرح جامع شهری یک نوع مصادره حقوق و اموال شهروندان به صورت غیر قانونی و ظالمانه به نفع مالکان و سرمایه‌داران و پیمانکاران زالو صفت بوده است. کار شهرداری تهران در این مورد شبیه دکتری است که ساختمان بیمارستان را به او می‌سپارند که بیماران را پذیرش نموده و جراحی و درمان نماید ولی دکتر مزبور مراجعین بیمار را با یک آمپول مسکن روانه خانه کند و بیمارستان را جهت درآمدزایی تبدیل به مسافرخانه و رستوران نماید، که باید گفت زهی تأسف!!

در صورتیکه برای درآمدزایی، شهرداری می‌توانست برنامه‌ها و طرحهای مفید و مناسبی را به کمک نهادهای ذیربط و مشاوران متعهد و کارشناسان دانشگاهی تهیه و با نظارت شهرداری و سرمایه‌گذاری مردمی به اجرا گذارد و علاوه بر آن برای شهرداری نیز درآمد ایجاد کند.

◆ طرح بزرگراه نواب



تصویر ۳- طرح مجتمع مسکونی و بزرگراه نواب

احداث بزرگراهها در داخل شهرها، بخصوص در بافتهای قدیمی، از حساس ترین طرحهای شهرسازی است و باید عوامل بسیار زیادی را در برنامه ریزی و طراحی آن مورد نظر داشت که از حوصله این سطور خارج است. اجمالاً احداث و تعریض مسیرهای سواره در بافتهای پرتراکم و قدیمی باید با در نظر گرفتن مصلحتهای بافتهای همجوار صورت گیرد و اصلاح و توسعه و احیاء بافتهای مزبور را قبلاً پیش بینی و طراحی نموده باشد.

متأسفانه این بزرگراه با بی توجهی کامل نسبت به بافتهای اطراف طراحی شده و از یک طرف همچون حصار بافت قدیمی را قیچی نموده و از طرف دیگر حجم متراکمی از کاربریهای نامتناسبت را در کنار یک بزرگراه پر تردد متمرکز کرده است. اینگونه ترکیب

نامتناسبت و نامناسب کاربری های مختلف نظیر ترکیب واحدهای مسکونی با واحدهای اداری و تجاری در کنار بزرگراهها مشکل ترین ناهنجاریهای هم جوار و اشراف را به دنبال خواهد داشت. **در حالی که می دانیم حضرت علی (ع) منار مسجدی را که به خانه های همسایه اشراف داشت تخریب نمودند.**

◆ ساختن قصرهای طاغوتی و ساختمان ها و مبلمان اشرافی برای شهرداری ها

یکی از بزرگترین ارزشها در انقلاب اسلامی برقراری عدالت اجتماعی و قیام به قسط بوده و هست. حالا باید قضاوت نمود به چه حقی شهرداری تهران از بیت المال و از پول مردم محروم و ستم کشیده این سرزمین در حالی که هنوز در تهران مدارس اجاره ای سه شیفته با کمترین امکانات ابتدایی وجود دارد و فرزندان عزیز ما در اکثر محلات از وجود یک زمین بازی برای ورزش محرومند و سایر خدمات عمومی از پایین ترین سطح استانداردهای ممکن برخوردار است و اکثریتی از مردم برای گرفتن جواز برای تعهدات ساختمانهای نیمه مخروبه خود باید از هفت خوان کذایی شهرداری بگذرند و عوارض بپردازند، ساختن قصرهایی که تداعی کننده حکومت خانها و اشراف و فئودالها است و امروزه تداعی کننده حکومت بروکراتها و ثرواندوزان سلطه گر است، چه معنا و مفهومی می تواند داشته باشد؟!

در خاتمه توصیه می نماید در مسئولیتهایی که از شأن علمی و تخصصی بالایی برخوردار است، نظیر شهرداریها و استانداریها حتماً از وجود افرادی که هر دو بعد تخصص و تعهد را دارند، استفاده شود و قطعاً می دانیم که اگر در آغاز دوران سازندگی توجیه عدم وجود چنین افرادی وجود داشت، امروز به حول و قوه الهی افراد متخصص و متعهد در رشته های مورد نیاز کم نیستند.

از خداوند متعال استمداد می نمایم آنچه را موجب خیر و برکت جمهوری اسلامی است مقدر فرماید و همه ما را در آنچه رضای اوست یاری رساند و مقام معظم رهبری و سایر مسئولین این نظام مقدس را تأیید و نصرت عنایت فرماید.

پرسشی ها و پژوهشی ها (مقاله دهم)

- ۱) **معضلات شهر تهران** چیست؟ و در باره هر کدام از آنها توضیح مختصری بدهید؟
- ۲) **طرح های جامع** شهرسازی چه نقش و تأثیری می تواند در اصلاح الگوهای معماری و شهرسازی تهران داشته باشند؟
- ۳) **عناصر فرهنگی و اجتماعی** چه نقشی و تأثیری در معماری و شهرسازی دارند؟
- ۴) **مهمترین مشکلات شهر تهران** در قبل از انقلاب را نام ببرید؟
- ۵) **مهم ترین اقداماتی** که در **دوران سازندگی** در تهران انجام گرفته است چیست؟

- (۶) کدام کارها بر سر و سامان بخشیدن به اوضاع نابسامان شهرتهران (سال ۱۳۹۲) در **اولویت** قرار دارند؟
- (۷) در دوره نابسامانی شهر تهران چه کسی و با چه مشخصات مدیریتی می توانسته است تا **شهر دار تهران** باشد؟ نظر شما چیست؟
- (۸) نقد و انتقادی که بر مدیریت **آقای کرباسچی در مدیریت شهرداری تهران** در فاصله سال های ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۷ کدامند؟ نام ببرید؟
- (۹) آیا **بلندمرتبه سازی** (برج سازی) در تهران با آموزش های قرآنی و سنت نبوی هماهنگی دارد؟ در این زمینه تحقیق و بررسی نمائید؟
- (۱۰) چرا باید در توسعه شهری و رفع نیازهای آن دست به **توسعه مترو و ایجاد نوریل** زد؟
- (۱۱) مشخصات **مسیر سواره رو** را بیان نموده و رابطه آن را با مسیر سواره مشخص کنید؟
- (۱۲) **فضای سبز و پارک های عمومی** در کجا باید احداث شوند؟ آیا شرایط فعلی همه فضاهای سبز و پارک ها مطلوبند؟
- (۱۳) در باره **بزرگراه نواب** که قرار بود شمالی ترین نقطه تهران را به جنوبی ترین آن وصل کند ، نقاط مثبت و منفی آن را تحقیق و نتیجه گیری و آنگاه ارائه نمائید؟
- (۱۴) حضرت امیر المؤمنین (ع) در باره **خانه ای که بلندتر از مسجد** بود چه اقدامی نمودند ؟ علت و فلسفه این کار ناشی از چه چیزی بوده است؟
- (۱۵) در زمینه **نصب و انتخاب شهرداران** بویژه در شهرهای بزرگ و مهم چه توصیه های علمی و ضروری دارید؟

مقاله یازدهم

(کاربردی - شهرسازی)

(و مالحیوة الدنيا الا الغرور - ۱۸۰۰/آل عمران)
زندگی دنیا بجز متاعی فریبنده و فناپذیر هیچ نخواهد بود

نقد و تحلیلی بر عملکرد شهرداری تهران (۲)

در خصوص

تأثیر فرهنگی - اجتماعی فروش تراکم

بخشی از مقاله تحقیقاتی نوشته شده برای مجلس شورای اسلامی دوره ششم

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

فروش تراکم مازاد بر آنچه در طرحهای جامع و تفصیلی مصوب انجام گرفته و می‌گیرد بخصوص افزایش تراکم و بلند مرتبه - سازی و مشاع‌سازی و کوچک‌سازی در واحدهای مسکونی، از ابعاد متنوع و مختلف، تأثیرات بسیار نامطلوب و ناهنجار داشته و دارد که در این مقاله به مهمترین مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی آن اجمالاً اشاره می‌نماییم.

از نظر فرهنگ اسلامی، انسان موجود مرکبی است که ابعاد گیاهی و حیوانی او بالفعل و ابعاد عقلانی و روحی او بالقوه است. حقیقت انسان و وجه تمایز او با سایر موجودات وجوه عقلانی و روحی اوست که باید با اراده و اختیار او از قوه به فعل محقق شود. یعنی انسان «شدن» رسالت اوست و نه انسان «بودن». فطرت الهی، تنها بستر پرواز او می‌تواند باشد و نه خود پرواز. به همین دلیل حکمای ما از منظر معرفت‌شناسی، معرفت‌های حصولی را مقدمه معرفت‌های حضوری دانسته و برای انسان دو سیر آفاقی و انفسی و دو حرکت عرضی و جوهری قایل شده‌اند و در مجموع (دنیا) را یعنی آنچه آفاقی و مادی و بیرونی است (مزرعه آخرت) یعنی وسیله و زمینه آنچه روحی و معنوی و درونی است دانسته‌اند و سکوت و تأمل و تفکر و تدبر و محاسبه نفس و دعا و نیایش را راز و رمز خودآگاهی و انسان شدن دانسته‌اند و حرکت از کثرت به وحدت و از خلق به حق را، اولین سیر روحانی و انسانی ترسیم نموده‌اند.

هنرمند بی‌بدیل آفرینش نیز، زمین کثرت‌خیز و محدودیت‌پذیر را بستر آسمانی، وحدت‌آفرین و لایتنایی و روز زندگی‌آفرین را زمینه آرامش و سکون شبانگاهی قرار داده و شب را نقطه عطف تحول حقیقی انسان پسندیده که (لیله القدر خیر من الف شهر) شب قدر از هزار ماه برتر است و در کتاب تشریع خود، قرآن، خانه را در مقابل کوچه و بازار و سایر فضاهای عمومی و اجتماعی محل آرامش و سکون قرار داده است، همچنانکه شب را در مقابل روز.

با توجه به مقدمه فوق فضاهای معماری در طراحی شهری بر حسب نوع عملکرد خود از کاملاً اجتماعی و عمومی و عبوری تا کاملاً خصوصی و خانوادگی قابل تقسیم و تبیین می‌شوند و از این منظر واحدهای مسکونی به عنوان خصوصی‌ترین و درونگراترین و مستقل‌ترین فضاهای شهری درمقابل سایر فضاهای اجتماعی و اداری و تجاری و نمایشگاهی و فضاهای عبوری و حتی آموزشی و عبادی قرار می‌گیرند که باید مورد توجه دقیق معماران و شهرسازان قرار گیرد. با فرض فوق اگر تراکمهای بالا و بلند مرتبه‌سازی و لاجرم مشاع‌سازی برای مراکز اداری و تجاری و نمایشگاهی و فروشگاهی با تدبیرهای مناسب خود به عنوان بهترین گزینه در طرحهای جامع و تفصیلی پیش‌بینی و پیشنهاد شود، مشاع‌سازی و بلندمرتبه‌سازی برای واحدهای مسکونی قطعاً به عنوان بدترین و نامناسب‌ترین و ناهنجارترین گزینه‌ها خواهد بود، چرا که مشاع‌سازی واحدهای مسکونی، استقلال و آزادی و تنوع‌پذیری زندگی فردی و خانوادگی انسانها را در طول زمان گرفته و مزاحمت‌های همجواری ناشی از آن مهمترین عامل از خودبیگانگی، روان‌پریشی و ناراحتیهای روحی و روانی و موجب اضمحلال بنیانهای خانوادگی و بروز ناهنجاریهای اجتماعی در سطح کلان خواهد شد.

نکته‌ای که بیشتر موجب تأسف و تأثر می‌باشد، بی‌توجهی و از خودباختگی ما نسبت به راه حلهای درخشان و ممتازی است که

در طراحی شهرهای دوران اسلامی با آن مواجه هستیم و هنرمندان برجسته ما با اندیشه حکیمانه و طراحی شایسته خود توانسته‌اند با ایجاد خانه‌های مستقل، حیاط‌های داخلی و حریمهای خارجی، مفصلهای لازم بین فضاهای بیرونی و عبوری با فضاهای داخلی، آرامش‌بخش‌ترین و خصوصی‌ترین فضاهای فردی و خانوادگی را درکنار شلوغ‌ترین و پرجاذبه‌ترین فضاهای اجتماعی و عبوری و با کمترین مزاحمت ممکن ایجاد نمایند و امروز ما در یک گسست تاریخی خود را و جامعه خود را از همه این شایستگیها محروم نموده - ایم.

محورهای زیان فروش تراکم و مشاع سازی در تهران

در محورهای ذیل به ارائه اجمالی تأثیرات فرهنگی - اجتماعی فروش تراکم مسکونی و مشاع سازی در شهر تهران که برای کمیته تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی دوره ششم تهیه شده بود، می پردازیم:

❖ **شکستن حرمت قانون مداری**، آن هم توسط مسئولین بالای حکومتی (شهرداران) موجب تشدید بی توجهی به قوانین در همه رده های حکومتی و از جمله توده عمومی مردم شده است و این وضع همچنان ادامه خواهد داشت.

❖ **بی توجهی به دستاوردهای علمی - فرهنگی** که مصداق بارز و بسیار مهم آن تهیه طرحهای جامع و تفصیلی شهرها می باشد و نقض عملی ضوابط آنها بخصوص توسط مسئولین حکومتی، مجموع سیستم اداری و اجرایی کشور و از جمله مردم عادی را نسبت به عدم رعایت کلیه ضوابط علمی و تخصصی در کلیه شئون فردی و اجتماعی تشویق و ترغیب نموده است و خواهد نمود

❖ فروش تراکم مسکونی توسط شهرداری در واقع **فروش درصدی از حقوق خدمات عمومی شهروندان** است به دیگران، بدون کسب رضایت آنها و این نوعی سرقت غیرمستقیم از حقوق آنها تلقی می شود. چنین کاری توسط دولت مردان که خود باید حامی و حافظ حقوق شهروندان باشند، شرعاً و عرفاً خلاف بارز بوده و مردم را نسبت به دولت جمهوری اسلامی و عدالت و انصاف آن بدبین و متقابلاً تشویق به تجاوز به حقوق دیگران می نماید

❖ مهمترین اشکال شهرسازی تهران **قبل از پیروزی انقلاب اسلامی** بی توجهی به رعایت استانداردهای لازم در ساخت فضاهای مربوط به خدمات عمومی نظیر (فضاهای آموزشی، ورزشی، فرهنگی، مذهبی، راهها و پارکینگها و فضاهای سبز و پارکها و ...) در مقابل توسعه بی رویه فضاهای مسکونی بوده است. **بعد از پیروزی انقلاب اسلامی** فروش مسکونی نسبت به فضاهای خدمات عمومی افزایش یافته است و این مسئله باعث می شود کلیه متخصصین و افراد ذینفع و صاحب نظر نسبت به شعارها و آرمانهای مردمی و اجتماعی جمهوری اسلامی بدبین و مأیوس شوند و یا حداقل کاردانی و تخصص و تعهد مسئولین ذیربط را در منظر عمومی کاملاً بی اعتبار نماید.

❖ فروش تراکم مسکونی موجب **افزایش جمعیت منطقه** و متقابلاً افزایش تعداد دانش آموزان مدارس موجود می شود. بنابراین در مدارس دولتی و غیراستاندارد موجود که از کمترین خدمات جنبی برخوردار است، تعداد دانش آموزان کلاس نیز از حد متعارف و مناسب فراتر رفته، علاوه بر افت بسیار زیاد تحصیلی موجب تنفر و دل زدگی جوانان از فضاهای آموزشی شده و به فضاهای ناهنجار و آفت خیز شهری پناه می برند که قطعاً بهره کاری فرهنگی - اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

❖ با توجه به افزایش جمعیت مناطق در اثر فروش تراکم مسکونی و بدون افزایش متناسب خدمات عمومی شهری نظیر ورزشگاهها و مراکز فرهنگی - مذهبی و تفریحگاه های سالم، **اهالی و جوانان منطقه یا در خیابانها و مسیرهای تجاری و پارکها بدون برنامه متناسب و سازنده رها شده و در معرض انواع بزهکاریهای فرهنگی - اجتماعی قرار می گیرند** و یا افراد متعهدتر با محروم کردن خود از فضاهای اجتماعی ناهنجار و گوشه گیری، در معرض انواع بیماریهای جسمی و روحی و افسردگی و مشاجرات و منازعات خانوادگی قرار می گیرند.

❖ فروش تراکم مسکونی موجب افزایش و تراکم واحدهای مشاع در یک بلوک محدود ساختمانی شده، **ضمن نقض مداوم و همه جانبه حریم خصوصی و خانوادگی افراد و پایمال نمودن استقلال و هویت شخصی و خانوادگی آنها، موجب تشدید انواع مزاحمتهای همجواری می شود** و از جمله به دلیل نداشتن ظرفیتهای پیش بینی شده و کنترل شده در یک فضای اجتماعی موجب انواع برخوردهای خواسته و ناخواسته ضد فرهنگی و ضد اخلاقی و ضد تربیتی بین رده های سنی یک واحد مشاع می گردد

❖ فروش تراکم مسکونی و افزایش واحدهای مشاع علاوه بر محروم شدن خانواده‌ها از واحدهای مستقل مسکونی و عرفی که محصول قرن‌ها بهره‌برداری از فرهنگ متعالی اسلامی و تجربیات بسیار ارزشمند و تاریخی در احداث شهرها و محلات و واحدهای مسکونی آرامش‌بخش و آسایش‌بخش در تمدن عظیم اسلامی بوده است، عملاً مقوله با اهمیت تخصص و هنر معماری و شهرسازی را در اختیار عده‌ای سرمایه‌دار و سودجو قرار می‌دهد که بنا به منافع صرفاً اقتصادی خود تلاش در **کوچک کردن هر چه بیشتر واحدها و از بین بردن همه حریمها و ارزشهای معنوی در طراحی واحدها** دارند. بنابراین کوچک شدن زیربناها و از بین رفتن حریمهای مختلف فضایی در یک خانه، روابط پسرها و دخترهای خانواده و متقابلاً روابط آنها با پدر و مادر و با مهمانها هر یک را دچار آنچنان اختلاط و ناهنجاری می‌نماید که کلیه اصول اولیه و بدیهی تربیتی و اخلاقی و فرهنگی را دچار خلل و اضمحلال نموده، افراد خانواده را در خانه مسکونی خود از حداقل امکانات و آرامش و آسایش لازم محروم می‌سازد و موجب بسیاری از اختلافات و مشاجرات و نزاع‌های خانوادگی و طلاق و فرار از خانه می‌شود (از جمله محروم شدن و دور ماندن از ارتباط سالم با طبیعت).

❖ اگر دو بُعد اصلی و حقیقی انسان را بُعد مادی و روحی او یا دو سیر بنیانی انسان را سیر در آفاق و سیر در انفس بدانیم و اگر ابعاد مادی و آفاقی انسان را مزرعه و بستر بعد روحی و سیر جوهری او در نظر بگیریم، **افزایش مشاع-سازی و کوچک‌سازی و برهم زدن حداقل حریمهای شخصی و خصوصی و خانوادگی، انسانها را از تفکر و درون‌گرایی و خودسازی روحی و معنوی بازداشته و آنها را به صورت افراطی برون‌گرا، خودنما، متظاهر و مهاجم می‌سازد و بی-ریشه و بی‌جوهر می‌کند.**

❖ اگر مهمترین ویژگی دوران تمدن صنعتی و فراصنعتی را تهاجم افراطی ماشینیسیم و بحرانهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و هنری و بهداشتی و محیط زیستی و ... بدانیم که موجب از خودبیگانگی و مسخ انسانها و افزایش چشمگیر بیماریهای جسمی و روانی ناشی از آنها شده است و اگر بزرگترین خط مشی و هدف آرمانی جمهوری اسلامی ایران را استفاده از همه دستاوردهای علوم تجربی و فنی و مهندسی تمدن معاصر و میرا از همه آثار نامبارک و ناشایست آن می‌دانیم، **فروش تراکم مسکونی و افزایش واحدهای مشاع و کوچک‌سازی و برهم زدن حریمهای فردی و خانوادگی و عدم رعایت تناسب بین زیربنای واحدهای مسکونی نسبت به واحدهای بسیار مهم خدمات عمومی** نه تنها در راستای هدف و آرمان فوق، که قطعاً یک آرمان انسانی و اسلامی نمی‌باشد، بلکه کاملاً در جهت مغایر آن و ضدیت با آن آرمان و اهداف، برنامه‌ریزی و قانون‌سازی و اجرا می‌شود.

❖ **بسیاری از اندیشمندان و هنرشناسان جهان بزرگترین دستاورد فرهنگ و اسلامی را تمدن آن و بخصوص معماری و شهرسازی آن می‌دانند و بسیاری از آنها از طریق عظمت و عمق هنر و معماری و شهرسازی اسلامی به حقانیت این دین آسمانی رسیده و مسلمان شده‌اند.**

❖ معیارهای حاکم بر طراحی یک محله و یک واحد مسکونی که مبتنی بر مجموع توصیه‌های (حکمت عملی) اسلامی می‌باشد از قبیل:

- **مشروط بودن مالکیت زمین** (زمین در اختیار دولت اسلامی است و فقط بر حسب نیاز و بهره‌وری در اختیار افراد و با حداقل هزینه قرار می‌گیرد و در صورت عدم بهره‌برداری مجدداً در اختیار دولت قرار می‌گیرد و به بهره‌برداران ذیصلاح جدید سپرده می‌شود).
- **حرمت هر نوع مزاحمت‌های همجواری** (از قبیل اشراف، جلوگیری از نور و دید و بادهای مطلوب و ...).
- **تقدم حقوق اجتماعی بر حقوق فرد**

▪ استحباب وقف و سایر خدمات اجتماعی.

و بسیاری دیگر از توصیه‌های عملی این فرهنگ آسمانی موجب ایجاد آثار بسیار ارزشمند و انسانی شده است در حالیکه پروسه فروش تراکم مسکونی و آثار زیان‌بار آن نه تنها در جهت توصیه‌های مؤکد در حکمت اسلام نیست، بلکه کاملاً در جهت مغایر آن قرار دارد و این برای انقلابی که خود را احیاگر ارزشها و فرهنگ اسلامی می‌داند ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر در سطح بین‌المللی است و متأسفانه موجب یأس و ناامیدی مردم جهان از اصل اسلام و فرهنگ و هنر اسلامی خواهد شد.

❖ اگر تاکنون مردم عزیز و دولت‌مردان ما در مجموع با پیروی از فرهنگ اسلامی و تبعیت از ولایت الهی از هدایت و حمایت همه‌جانبه خداوند متعال و ائمه معصومین(ع) برخوردار بوده و مستقیم و غیرمستقیم توانسته‌اند همه توطئه‌ها و تجاوزات دشمنان دین و دنیای خود و همه انسانهای مظلوم جهان را خنثی و تا حدودی بی‌اثر نمایند، چنانچه بی-مبالاتی و بی‌توجهی به ارزشها و اصول فرهنگ اسلامی تداوم یافته و افزایش پذیرد، مسلماً لطف الهی نسبت به ما و جامعه ما به سخط و غضب تبدیل خواهد شد و آنچه بر سر همه امتهای خاطی و عاصی اتفاق افتاده است، بر ما نیز وارد خواهد شد و همچون سیل بنیان‌کن همه دستاوردهای مجاهدان و شهیدان و ایثارگران را بر باد خواهد داد و این فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر و خسروانی دنیوی و اخروی خواهد بود.

❖ فروش تراکم، آن هم به صورتی که در شهرداری تهران صورت پذیرفته است، موجب **تشدید اختلاف طبقاتی و توسعه بی‌عدالتی اجتماعی و به وجود آمدن سرمایه‌داران نوکیسه و بی‌صلاحیت شده است.** آنها این تصور را دامی-زنند که همه چیز را می‌شود با پول خرید و معامله کرد و همه ارزشها را پایمال نمود. جو ایجاد شده باعث بی-بهاشدن کار و تلاش شرافتمندانه و سرمایه‌گذاریهای تولیدی و هر نوع برنامه‌ریزی صحیح و توسعه و پیشرفت و رفاه منطقی جامعه می‌شود.

❖ فروش تراکم به صورت انجام شده در مجموع، آثار بسیار متنوع و ناشایستی در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی و ملی ایجاد می‌نماید که تأثیرات آن نه تنها کوتاه‌مدت، بلکه در درازمدت نیز باقی خواهد بود. اغتشاش ارزشها و روان‌پریشانی فردی و جمعی، بی‌ثباتی اقتصادی، ایجاد فساد وسیع اداری، پایمال شدن ارزشهای علمی-تخصصی در زمینه‌های شهرسازی و فرهنگی و هنری از محورهای خاص و شاخص آن می‌باشد.

پرسش‌ها و پژوهش‌ها (مقاله یازدهم)

- (۱) در باره فروش تراکم ساختمان چه چیزی می‌دانید باختصار توضیح دهید؟
- (۲) واحدهای مسکونی دارای چه مشخصاتی هستند؟
- (۳) بلندمرتبه سازی (برج سازی) چه نکات مهم و مثبت یا منفی برای سکونت دارند؟ در این زمینه تحقیقات ارائه شود؟
- (۴) فروش تراکم با افزایش مدارس دانش آموزی چه رابطه ای دارد؟
- (۵) امروزه فروش واحدهای مسکونی به چه عواملی بستگی پیدا کرده است ؟ در این باره تحقیق کنید؟
- (۶) چرا بسیاری از اندیشمندان و هنرشناسان جهان بزرگ ترین دستاورد فرهنگ و تمدن اسلامی را در معماری و شهرسازی ان می‌دانند؟ نظ شما در این مورد چیست ؟ پس از تحقیقات از منابع معتبر ارائه نمایند؟
- (۷) مهمترین اصول حاکم بر طراحی یک محله و یک واحد مسکونی را نام برده و توضیح دهید؟
- (۸) در تولید آثار ارزشمند و انسانی وقف در اسلام ، چه تأثیری در معماری و شهرسازی ایران گذاشته شده است؟

مقاله دوازدهم (کاربردی - شهرسازی)

عقل از بند هوی چون وارهد روی و جهت سوی علین کند
شیخ بهایی

سازمان فضایی شهرهای ابواب البر دوره ایلخانی

نویسندگان: عبدالحمید نقره کار*،
محمد علی کی نژاد**،
آزیتا بلالی اسکویی***

*عبدالحمید نقره کار؛ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران A_noghrekar@iust.ac.ir

** محمد علی کی نژاد؛ استاد دانشکده عمران دانشگاه تبریز ma_kaynejad@tabriziau.ac.ir

xxxآزیتا بلالی اسکویی؛ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران Azita.oskui@gmail.com

خلاصه مقاله :

ساخت مجموعه های معماری و فضاهای مستقل شهری تحت عنوان ابواب البر- با الهام از مکان های مقدس، مشاهد قبور ائمه اطهار و سایر بزرگان دینی و عرفانی- و نیز مراکز علمی، آموزشی که در واقع ترکیبی از مجموعه های علمی و مذهبی هستند، عمده ترین تحول در معماری و شهرسازی دوره ایلخانی می باشد. متأسفانه به سبب وقوع حوادث طبیعی و غیر طبیعی بسیار در طول زمان، دسترسی به این شهرها و مطالعه مستقیم آنها به راحتی میسر نیست. از این رو برای بررسی این شهرها و تعیین نحوه ساختار شهر، ناگزیر باید به منابع مکتوب- کتاب ها، نسخ و متون ارزشمندی که می توان تاریخ گم شده معماری و شهرسازی را از لابه لای سطور آنها به دست آورد- باید رجوع کرد. این نوشتار به بررسی ویژگیهای معماری و شهرسازی مجموعه های **غازانیه، ربع رشیدی و سلطانیه** به عنوان **نمونه هایی از شهرهای ابواب البر ایلخانی** می پردازد. روش این تحقیق تفسیری-تاریخی مبتنی بر دقت در مطالب و نکات موجود در متون تاریخی بوده که **رهیافت راهبردی آن بر روش اکتشافی استوار است**.

با توجه به اسناد تاریخی، سازمان فضایی این شهرها شامل دو قسمت کلی «هسته مرکزی» و «شهرستان» بودند که با یک ساختار هندسی منظم و طرحی از پیش اندیشیده شده شکل گرفتند. هسته مرکزی شهرهای ابواب البر همان **مقبره بانی** بود که جنبه مذهبی آن با عملکرد فرهنگی- آموزشی نیز تلفیق گردید. **بافت این شهرها** دارای نظم هندسی بوده و چهارچوب شان را محورهای منتهی به دروازه ها تشکیل می داد. **بازار** که در امتداد یکی از این محورها، کل شهر را از دروازه ای تا دروازه دیگر می پیمود نیز به عنوان یک محورخطی و اصلی در شهر مطرح بوده که **محلات گوناگون** و همچنین عملکردها و عناصر شهری عمومی از قبیل کاروانسراها پیرامون این عنصر شکل گرفته بودند. علاوه بر باروی شهر، باغ های اطراف، آنها را به شکل باغ شهری درآورده و حدود خارجی شان را محصور می کرد.

واژگان کلیدی: شنب غازان، ربع رشیدی، سلطانیه، مجموعه های ابواب البر، سازمان فضایی شهر.

پرسش های پژوهش:

اسناد تاریخی در زمینه شهرهای ابواب البر چه نوشته اند؟

ساختار شهرهای ابواب البر چگونه بوده است؟

مقدمه :

یکی از تحولات عمده ای که در دوره ایلخانی خود را کم کم نمایان می سازد، پر رنگ شدن دین و مسایل مذهبی در میان حاکمان ایلخانی است تا حدی که افرادی چون غازان خان باور و اعتقادات خود را به اسلام تغییردادند. و در عرصه های معماری و شهرسازی، دگرگونی ها و پیشرفت های عمده ای صورت گرفت که چنین تغییر و تحولاتی، پس از ورود اسلام به ایران بی سابقه بود.

یکی از تحولات مهم، ظهور مجموعه هایی به نام ابواب البر بود. **ابواب البر از نظر لغوی به معنای درهای نیکوکاری و رحمت** می باشد. در اصطلاح به مجموعه هایی گفته می شود که حکام برای رضای خداوند و طلب دعای مومنین به صورت موقوفاتی به وجود می آورند. در هسته ی این مجموعه ها، مقبره ی خود واقف قرار داشت و اماکن و ابنیه ی دیگر در اطراف آن و در تعامل با آن شکل می گرفتند. (فضل اله همدانی ۱۳۳۶، ۴۳) و (فضل اله همدانی ۱۳۶۸، ۲۰۸)

آغاز ساخت چنین مجموعه‌هایی را به غازان خان می‌توان نسبت داد که اولین نمونه‌ی آن، **شنب غازان** می‌باشد. پس از اسلام آوردن غازان خان و با درنظر گرفتن قوانین مذهبی مغولان در مورد دفن مردگان^۱، وی اولین ایلخانی بود که برای خود، مقبره ساخت. ایده‌ی اولیه‌ی احداث این مجموعه‌ها، ایجاد اماکن عام‌المنفعه برای مردم بود تا همان‌طور که از اسمش پیدا است، آثار متأخر این باقیات در آن دنیا باب‌های بری باشد، برای سازندگان و واقفانشان. (کی نژاد و اسکویی ۱۳۹۰، ۱۲۲)

در متون تاریخی به وفور از احداث **مجموعه‌های ابواب البر** یاد شده است که از آن دست می‌توان به مجموعه مزار شیخ عبدالصمد، تربت شیخ جام، مدرسه-مقبره رکن الدین، **شنب غازان**، ربع رشیدی و سلطانیه اشاره نمود. **سه مورد شنب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه** از نظر وسعت-ابواب البر در وسعت یک شهر- و فلسفه احداث، قابل تامل و توجه است. **مجموعه‌های ابواب البر به عنوان هسته‌ی اصلی شهر و مهم‌ترین عامل شکل دهنده‌ی آن و تجلی عینی نظام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و شهرسازی ایلخانی محسوب می‌شوند** که آشنایی با این مجموعه‌ها برای دست‌یابی به سازمان فضایی شهر ایلخانی که در هاله‌ای از ابهام است، الزامی می‌نماید.

پیشینه تحقیق:

شهرهای ابواب البر در حوزه معماری و شهرسازی به عنوان یک پدیده‌ی نوظهور در دوره ایلخانی محسوب می‌شود و به همین سبب، چندین محقق ایرانی و غیرایرانی به تحقیق درباره آن پرداخته‌اند. «دونالد ویلبر»، «شیلا بلر»، «برگیت هافمن»، «جواد شکاری نیری» و «احمد سعیدنیا» در این زمینه تلاش‌های بسیاری انجام داده‌اند. اما **نبود آثاری از آنها و به تبع آن عدم امکان مطالعات میدانی، دامنه‌ی پژوهش در این زمینه را تنگ و امکان دستیابی سریع به اسرار این مجموعه‌ها را دشوار نموده است**. همه این عوامل سبب شده که تا به امروز طرح و نقشه‌ی دقیقی از سازمان فضایی آنها موجود نباشد و این مسئله همچنان در هاله‌ای از ابهام به سر برد. خوشبختانه منابعی وجود دارد که می‌توانند در این راه به ما کمک کنند. این راهنماها در واقع همان کتابهای تاریخی و اسنادی مربوط به این دوره هستند که در نوع خود منحصر به فرد می‌باشند. از این دست می‌توان به کتاب‌هایی از قبیل تاریخ مبارک غازانی، تاریخ اولجایتو، جامع التواریخ رشیدی، مکاتبات رشیدی، وقف نامه ربع رشیدی و... اشاره نمود که هر کدام هر چند جزئی و به صورت غیر مستقیم ولی به هر حال بخشی از فضاهای این شهرها را به تصویر کشیده‌اند.

هدف پژوهش:

هدف این تحقیق، شناسایی ساختار کالبدی و اکتشاف سازمان فضایی شهرهای ابواب البر است. از آنجایی که آثار فیزیکی این شهرها از میان رفته و تاکنون اکتشافات باستان‌شناسی جدی به عمل نیامده است، لذا ارائه یک طرح فرضی بر اساس متون تاریخی می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی باشد.

راهبرد و روش تحقیق:

هدف از این مطالعه، نه بررسی صرفاً تاریخی، بلکه ایجاد ارتباطی ذهنی بین واقعیت‌های تاریخی این شهرها و فرم کالبدی شان است. راهبرد تحقیق تفسیری - تاریخی است چرا که بر مدارک اسنادی یا منابع نوشتاری استوار می‌باشد و سوال تحقیق به مکان و شرایطی می‌پردازد که مربوط به گذشته است. روش این تحقیق مبتنی بر دقت در مطالب و نکات موجود در متون تاریخی و در واقع روش تحلیل محتواست و رهیافت راهبردی آن بر روش اکتشافی استوار است.

فرضیه تحقیق:

تصویر شهرهای ابواب البر را می‌توان بر مبنای اسناد تاریخی بازسازی کرد. این فرضیه بر پایه مفروضات زیر استوار است:

- ♣ در مواردی چون **شنب غازان**، ربع رشیدی و سلطانیه که نشان کالبدی چندانی از اصل اثر معماری و شهر در دست نیست، **متون تاریخی** مهم‌ترین مرجع شناسایی و بازسازی تصویری اثر است.

- ♣ متون تاریخی این دوره و **وقف‌نامه‌ها** سندی قابل اعتماد در وصف کل و جزء ابواب البرها هستند

♣ شهرسازی در دوره ایلخانی در امتداد سنت شهرسازی در ایران است. **نوآوریهایی شهری** در آن دوره نیز در همان امتداد قابل بررسی است.

شهرهای ابواب البر

۱- شنب غازان ۲ سرآغاز پدیده‌ی ابواب البر در شهرسازی

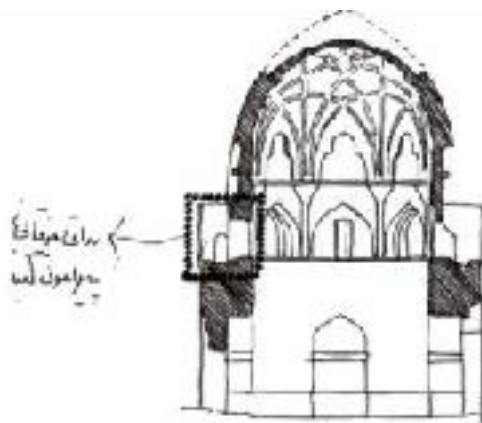
با استقرار ایلخانان در ایران و تثبیت قدرت آنان، شهرهای ابواب البر با عملکرد و هسته‌ی مذهبی شکل گرفتند که هسته مرکزی همان مقبره بانی بود. از سویی برای تلفیق هر چه بیشتر کاربری‌های جانبی با این هسته و تقویت هر دو، فضاهای موقوفاتی در اطراف آن شکل گرفت. در نهایت عملکرد مذهبی با دیگر عملکردها و به خصوص عملکرد آموزشی تلفیق گردید.

در تاریخ مبارک غازانی، خواجه رشیدالدین **فلسفه‌ی احداث ابواب البر را از زبان غازان خان** چنین بیان می‌دارد: «... باید که شعار ما نیز بر طریقی اسلامی باشد خصوصاً چون رسوم اسلامی بسیار بهتر از آن عادات است و در اوایل حال در خراسان به زیارت مشهد مقدس توس علی ساکنه السلم و تربت سلطان بایزید و ابوالحسن خرقانی و شیخ ابوسعید ابوالخیر و دیگر اولیای آن جا روح الله رمسهم رفته بود و تربت‌های آن بقاع و احوال مجاوران آن مشاهده کرده و بعد از آن چون مسلمان شد، زیارت مشهد مقدس امیر المومنین علی علیه السلام و دیگر مشاهد و مزار اولیای بغداد قدس الله ارواحهم دریافت و روی فرمود که کسی که برین وجه مرده باشد مشهد و مزار او برین گونه بود او را چگونه از مردگان توان شمرد این مردن بهتر از زندگانی دیگران است و هر چند ما را مرتبه‌ی صلحا نیست لیکن از راه تشبه به ایشان **ابواب البری** ساختن که جای آخرت ما باشد و بدان واسطه خیری و صدقه‌ای جاری گردد تا

به برکات آن رحمت خدای تعالی دستگیری نماید و ثوابی دایمی مدخر گردد و به غایت نیکو بود و درین وقت که حق تعالی قدرت داده آغاز کنیم تا باشد که به یمین توفیق تمام گردد و چون در دارالملک تبریز بود آن جا اختیار فرمود و خارج شهر در جانب غربی در موضع شنب خویشتن طرح کشیده آن را بنیاد نهاد و این زمان چند سال است تا به عمارت آن مشغول اند و از گنبد سلطان سنجر سلجوق به مرو که معظم ترین عمارات عالم است و دیده بود بسیار با عظمت تر بنیاد از آن نهاده و هیئت و طرح آن بقاع و کیفیت مصارف آن خیرات برین موجب است که اثبات می‌یابد و مفصل می‌گردد.» (فضل اله همدانی ۱۳۶۸، ۲۰۸)

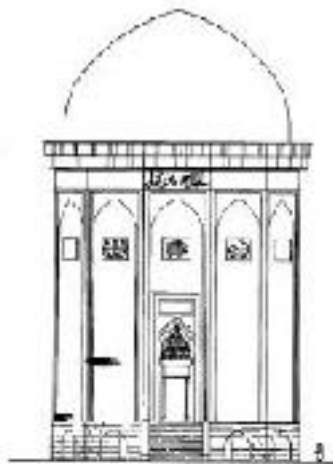
در تاریخ مبارک غازانی

در مورد اقدامات غازان خان در شنب غازان اشاره به طرح اولیه مقصود از طرح، طرح گنبد عالی قیاس می‌توان ادعا نمود که فراهم شده بود که هر کدام، از را می‌توان هسته‌ی مرکزی در تاریخ مبارک غازانی، از گنبد رصدخانه، دارالشفا، بیت الکتب، تشکیل یافته بود. این مجموعه بوده و در زمان ارغون ساخته



تصویر ۱- مقبره سلطان سنجر - ترسیم نگارندگان

شده است. (فضل اله همدانی ۱۳۶۸، ۲۰۸) البته یا مدفن غازان خان است. از این روایت به طور کلیه‌ی ابنیه‌ی شهر غازانی دارای طرحی از پیش طرح کلی شهر تبعیت می‌نموده‌اند. این طرح کلی شهر دانست که بنا به گفته‌ی رشیدالدین فضل‌اله عالی، مسجد جامع، مدارس، خانقاه، دارالسیاده، بیت‌القانون، بیت‌المتولی، حوض خانه و گرمابه را کوشک عادلیه که نزدیک بقعه یا گنبد عالی شده بود تکمیل می‌نموده، این کوشک بعدها به



تصویر ۲- طرح فرضی
مقبره غازان خان (ویلبر ۱۳۶۵، ۲۷)

محل پذیرایی زایرین بقعه‌ی غازان خان اختصاص داده شده بود. (کی نژاد و اسکویی ۱۳۷۰، ۱۳۹۰)

حاج خلیفه کاتب چلبی که به سال ۱۰۴۰ ه ق/ ۱۶۳۵ م به همراه سپاه عثمانی به تبریز آمده، شنب غازان را چنین توصیف کرده است: «بناهای عظیم شام غازان مانند قلعه درمیان باغچه‌ها از مسافت دور به نظر می‌رسد. سمت باختر و شمال و جنوب تپه‌ی مزبور جلگه‌ی وسیعی قرار گرفته که به دریاچه‌ی ارومیه منتهی می‌شود و تمام آب‌هایش بدان سمت جاری است ۳ و در همه جا خانه‌ها منقش و با شکوه و باغچه‌های ظریف صفا بخش و خلدآسا و در هر طرف گلزارها و باغ‌های پر درخت و در گوشه آب‌های روان و نشیمن‌های فراوان وجود دارد. کثرت وسعت باغچه‌ها به اندازه‌ای است که سپاهیان بی‌شمار آل عثمان سه روز به بریدن درختان آن پرداختند ولی نتوانستند عشر آن را قطع کنند و در موقع کوچ باز سواد درختان مثل اول دیده می‌شد...» (جوادی ۱۱۸، ۱۳۵۰)

ابن بطوطه، سیاح معروف که در زمان ابوسعید از شنب غازان دیدن کرده، نوشته است: «پس از ده روز راه‌پیمایی به شهر تبریز رسیدیم و در خارج شهر در محلی موسوم به شام منزل کردیم - قبر قازان (غازان) در این محل است، بر سر قبر او مدرسه‌ی زیبایی با زاویه‌ای بنا کرده‌اند و در این زاویه برای صادر و وارد طعام داده می‌شود... امیر مرا در همین زاویه که در میان آبهای روان و درختان سرسبز قرار گرفته منزل داد». (ابن بطوطه ۱۳۵۹، ۲۵۳)

شنب غازان که بهتر است به صورت شهرکی در کنار شهر تبریز مورد قبول واقع شود، از طریق دروازه‌ی بغداد (نام یکی از دروازه‌های اواخر قرن هفتم تبریز) با شهر تبریز در ارتباط بوده است. در این مورد ابن بطوطه نوشته: «فردای آن روز از دروازه‌ی بغداد به شهر تبریز وارد شدیم» (ابن بطوطه ۲۵۳، ۱۳۵۹) و «غازان خان در پشت این حصار (و دروازه بغداد) در منطقه‌ای به نام شنب، دستور ساختن محله‌ای وسیع داده...». (کیانی ۲۵۵، ۱۳۶۶)

نادر میرزا در سال ۱۲۵۸ ه ق در توصیف گنبد عالی اشاره به کاشی کاری عمارات دیگر شنب غازان دارد که سخنان وی، گفتار چلبی در مورد خانه‌های منقش و با شکوه را تأیید می‌کند (نادر میرزا ۱۰۱، ۱۳۵۱) کیانی براساس مطالعات خویش، نوشته‌ها و اسناد تاریخی معتقد است که شنب غازان دارای حصار محکمی بوده که تا زمان صفویه نیز پابرجا مانده است. (کیانی ۵۴۱، ۱۳۶۶)

زمانی که **بازرگانان و جهانگردان فرانسوی** در سال ۱۰۴۶ ه ق به ایران سفر کردند «از آنهمه بنای زیبا که در شام غازان بوده فقط برجی را دیده که میان دشت در سمت باختری تبریز قد علم کرده بود». **شاردن** قریب سی و پنج سال پس از نخستین سفر تاورنیه به تبریز درباره‌ی بناهای شام غازان می‌نویسد: «غازان خان پادشاه ایران که مقرر فرمانروای اش تبریز بود، در همان جا به خاک سپرده شده است. هنوز هم مناره‌ی اعظم مخروبه‌ی مقبره‌ی او پابرجاست و آن را به نام وی، منارخان می‌گویند.» (شاردن، ۴۰۵، ۱۳۷۴)

این تخریب‌ها با ویرانی‌هایی که زلزله‌های متعدد به بار آورد باعث گردید که **از شنب غازان جز مخروبه چیز دیگر باقی نماند**. شهری که نمونه‌ی با ارزشی از شیوه‌ی شهرسازی ایلخانی محسوب می‌شد که با تفکر و اندیشه‌ی قبلی احداث شده بود. تمام سفرنامه‌ها و توضیحات، موید و مصدق **چندین نکته** هستند که در این جا به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- در کاربری‌های شهری به تمامی نیازها توجه شده است.
- درعین تنوع فضایی و کاربری، به عنوان یک مجموعه‌ی کامل، تعامل اجزا با یکدیگر به عنوان یک کل منسجم مشهود است.
- با وجود اجزا و بناهای گوناگون، مقبره‌ی غازان خان بارزترین بنا و عنصر مرکزی شنب غازان می‌باشد.
- طرح و نقشه شهر کاملاً فکر شده و از پیش فراهم شده می‌باشد.

۲- آرایش فضاهای معماری مجموعه‌ی شب غازان



تصویر ۳- بنای غازان خان (فضل اله همدانی ۱۹۷۵).

ضمایم

رشیدالدین طراحی گنبد را کار خود غازان خان ذکر می‌کند که «در خارج شهر در جانب غربی در موضع شب، خویشتن طرح کشیده، آن را بنا نهاد». خواجه رشیدالدین فضل اله همدانی بر اساس وقف نامه‌ی شب غازان، فضاهای معماری آن را شرح داده است: «عمارت گنبد عالی و ابواب- البر که در دوازده ضلع آن است و کوشک عادلیه که ارغون خان ساخته است به موجب نص واقف که در وقفیه‌ی مبارکه مسطور است...» (فضل اله همدانی ۱۳۷۵، ۱۳۷۳). از این توصیف خواجه چنین استنباط می‌شود که هسته‌ی شهر به شکل یک دوازده ضلعی بوده که حول مقبره‌ی خود غازان خان شکل گرفته بود.

بر اساس نوشته‌های خواجه رشیدالدین در تاریخ مبارک

غازانی (صص ۲۱۴-۲۰۹) که مهم ترین منبع برای شناخت شب غازان

است- و جامع التواریخ رشیدی (صص ۴۲۲-۴۱۷) متعلقات گنبد عالی و ابواب البری که در حوالی و پیرامون گنبد قرار دارند به شرح زیر است: ۱- مسجد جامع ۲- مدرسه شافعیه ۳- مدرسه‌ی حنفیه ۴- خانقاه ۵- دارالسیاده (برای پذیرایی از سادات) ۶- رصد (رصدخانه‌ی احداثی غازان خان که مرکز آموزشی- پژوهشی بوده است) ۷- دارالشفاء ۸- بیت الکتب ۹- بیت القانون (جایی که قوانین اصلاح، تدوین و چاپ می‌شوند) ۱۰- بیت المتولی ۱۱- حوض خانه ۱۲- گرمابه‌ی سیل.

ضمایم و فضاهای جانبی شب غازان بر اساس کتب فوق عبارت اند:

- از کوشک عادلیه، نام برده شده است که امرای مغول و کسانی که برای زیارت می‌آیند جهت خوردن آش به این کوشک وارد می‌شدند.
- به مکتبی اشاره شده است که همواره صد یتیم در آن جا به یادگیری قرآن می‌پرداختند
- به عظمت دارالشفای شب اشاره شده که دارای طبیب و کحال بوده است.
- هم چنین به اصلاح و هموار کردن معابر اشاره شده است، «راه‌ها از سنگ پاک کردن» و احداث پل بر روی جوی‌های تبریز تا هشت فرسنگی آن، «پول بر جوی‌ها بستن از شهر تبریز تا به مقدار هشت فرسنگ از حوالی و جوانب آن...» (فضل اله همدانی ۱۹۵۷، ۹۳۴)

خواجه در ادامه‌ی نوشته‌هایش پاره‌ای دیگر از ویژگی‌های شب را چنین مطرح می‌کند:

- مردم باید آب را از حوضخانه با کوزه و سبو بردارند و نباید آب را به خانه‌های خود بکشند.
- در قسمت «مرسومات» اشاره شده است که در ولایت‌ها و جاهای دیگر از برای شب غازان وقف‌هایی مقرر گردیده است.
- در قسمت «وجه» اشاره شده است که ابواب البر و کوشک عادلیه (که ارغون خان آن را ساخته بود) در دوازده ضلع گنبد عالی قرار گرفته‌اند.

غازان خان در ساخت شب غازان به نمونه‌ی ساخته‌های با اهمیت ادوار قبل نظر داشته است. رصدخانه (آشتیانی ۱۳۷۵، ۱۳۷۸)

نیز یکی از آن نمونه‌هایی بوده که از نظر وی مخفی‌نمانده است. در جامع التواریخ رصدخانه‌ی شب غازان چنین شرح داده شده است: «شنبه پانزدهم رمضان رایت همایون به مراغه نزول فرمود و تمامت را به تأنی تمام بدید و از کیفیت هر یک سوال فرمود و با

وجود مشکلی دقایق آن، اکثر فهم کرد و فرمود که در جنب گنبد عالی و ابواب البر شم رصدی سازند مخصوص به چند عمل و کیفیت آن اعمال را به تقریری واضح بیان فرمود...» (همان، ۹۳۴)

۳- سازمان فضایی شب غازان

با استنباط از متون تاریخی، در مجموعه ی شب غازان، گنبد و فضاهای پیرامونی آن نقش هسته اصلی را داشته و سایر

فضاهای پیرامون آن شکل گرفته اند. عناصر کالبدی شهر که نقش مهمی در شکل آن

داشتند به دو دسته ی هسته مرکزی و شهرستان قابل تقسیم می باشند. باغ های

گسترش یافته در پیرامون شهر نیز نقشی اساسی در توسعه ی آن داشته اند.

همچنین محور «بازار غازانی»- ابن بطوطه در صفحه ی ۵۳ کتاب خویش بازار

غازان را به خوبی توصیف کرده است - که در امتداد دروازه بغداد بود در جای گیری

و طراحی عناصر داخلی شب موثر بوده است. (کی نژاد و اسکویی، ۱۳۴، ۱۳۹۰)

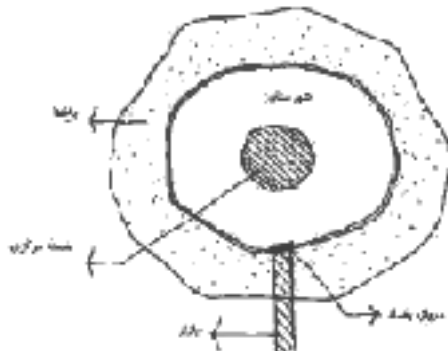
۴- ربع رشیدی ابواب البری متعالی در شهرسازی ایلخانی

خواجه رشیدالدین که در زمان غازان خان در اوج اقتدار و قدرت بود به

پاس نعمتی که در اختیار داشت دست به اقدامات سازنده ای زد که نمونه ی آن

شهری در آخر محله ی ششگلان تبریز که به محله ی باغ میشه و ولیان کوه منتهی

می شود، در دامنه ی کوه سرخاب بود که ربع رشیدی نام گرفت.



تصویر ۱- سازمان شهر شب غازان
ترسیم نگارندگان



تصویر ۵- دروازه ربع رشیدی، در دوره قاجاریه،
آرشیر مجتمع ربع رشیدی



تصویر ۶- طرح بازآفرینی ربع رشیدی
(کی نژاد و اسکویی، ۱۳۸۹، ۶۹)

حمدالله مستوفی در خصوص این شهر می نویسد: «شهرچه ای بود در شمال شرقی تبریز در دامنه ی ولیان کوه که اکنون آن

را کوه سرخاب گویند و رشیدالدین در آن جا عمارات فراوان و عالی برآورده و پسرش وزیر غیاث الدین بر آن عمارات بسیار

افزوده». (مستوفی ۱۳۷۸، ۸۶-۸۵) بعضی از مورخین معاصر چون دونالد ویلبر آن را به عنوان یک شهر دانشگاهی معرفی نموده-

اند. کلاویخو جهانگرد اسپانیایی در سفرنامه خود از آن به عنوان بزرگترین و عظیم ترین بنای زمان یاد کرده است. (کلاویخو ۱۳۶۶، ۷۳)



تصویر ۸- طرح بازآفرینی شهرستان رشیدی
(کی نژاد و اسکویی، ۱۳۹۰، ۳۱۴)



تصویر ۷- طرح بازآفرینی ابواب البر رشیدی
(کی نژاد و اسکویی، ۱۳۹۰، ۳۱۶)

شرح کاملی از این شهر فرهنگی از زبان رشیدالدین در نامه‌ای که به فرزندش خواجه سعدالدین نوشته بیان گردیده است: «پنجاه نفر طبیب حاذق که از اقصای بلاد هند و مصر و چین و شام و دیگر ولایات آمده بودند همه ی آن ها را به صنوف رعایت و الوف عنایت مخصوص گردانیدیم و گفتیم که هر روز در **دارالشفای** ما تردد نمایند و پیش هر طبیب، ده کس از طالب علمان مستعد نصب کردیم تا این فن شریف مشغول گردند و کحلان و جراحان و مجبران که دارالشفای ماست به قرب باغ رشیدآباد⁴ که آن را معالجه ی معالجان خوانند، بنیاد فرمودیم». (همان، مکتوب ۵۱) هم چنان که از مفاد نامه نیز به خوبی معلوم می‌شود ربع رشیدی **کتابخانه‌ی** عظیمی داشت (مشکور ۳۰۶، ۱۳۷۵) و **گشت خیلی از گیاه ها** در باغ های نمونه‌ی آن مورد آزمایش قرار می‌گرفت. (کارنگ ۱۳۶۳، ۱۳۵۱) در این شهر چون شنب غازان ایجاد **فضای سبز** از نظر دور نمانده بود و باغ رشیدآباد که دارالشفای در قرب آن ساخته شده بود نمونه‌ای از آن فضاها می‌باشد.

«ربع رشیدی» که در زمان مفارقت و اوان مباعدت آن فرزند عزیز، طرح انداخته و تهیه‌ی اسباب عمارت آن ساخته بودیم، اکنون به میامن قدوم علما و یمن همت فضلا به اتمام پیوست و **بیست و چهار کاروان سرای رفیع** که چون قصر خورنق منیع است و به رفعت بنا از قبه‌ی مینا گذشته و **هزار و پانصد دکان** که در متانت بنیان از قبه‌ی حرمان، سبقت برده، و **سی هزار خانه‌ی** دلکش⁵ در او بنا کرده‌ایم و **حمامات** خوش هوا و بساتین با صفا و خوانیت و طراحین و **کارخانه‌های** شعربافی⁶ و کاغذسازی و دارالضرب و رنگ خانه و ... احداث و انشا رفته». (فضل اله همدانی ۱۳۶۳، مکتوب ۵۳)

این شهر از کوچه و محله‌های مختلف تشکیل یافته بود. هر محله یا کوچه به صنف یا طبقه‌ای اختصاص داشت. علما و دانشمندان، طلاب و دیگر پیروان علوم عقلی دارای محله ای خاص بودند. «از هر شهری و ثغری جماعتی آوردیم و در ربع مذکور ساکن گردانیدیم؛ از جمله در دارالقران **دویست نفر** حافظ قرآن و از علما و فقها و محدثان **چهار صد نفر** و از طالبان **علم هزار نفر** در آنجا مقیم ساختیم و برای همه آنان وجه معاش و مقرری معین...». (رشیدالدین فضل اله ۱۳۶۳، مکتوب ۵۳)

خانقاه یکی از فضاها ی اصلی کالبد و سازمان فضایی ربع رشیدی است که هم به لحاظ موقعیت جایگیری و هم به لحاظ فلسفه قرار گیری اش در ربع رشیدی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده است. در تاریخ مبارک غازانی از ساختن خانقاه ها در کلیه- ی شهرها سخن به میان آمده و با توجه به تصریح صاحب حبیب السیر که می‌گوید: «به موجب فرمان او در جمیع قری و قصبات ولایت عراقین و فارس و کرمان و آذربایجان... خوانق ساختند». (خواندمیر ۱۳۳۳، ج ۳، ۲۰۱) از این سند و از تاریخ مبارک غازانی رونق کار صوفیان در روزگار غازان خان به خوبی معلوم می‌شود: «و چون خانقاه و مدارس و مساجد و دیگر ابواب البر در هر موضعی می- ساخت و اوقات معین می‌فرمود و وظائف و مشاهرات هر طائفه در نظر آورد و فرمود که چگونه است که از آن فقها و متصوفه و دیگر طوائف هست و از آن سادات نیست». (رشیدالدین فضل اله ۱۳۶۸، ۱۹۰) در صفوه الصفا ی **از آمدن شیخ صفی الدین اردبیلی به تبریز** و نزول او به خانقاه رشیدیه یاد شده است (ابن بزاز اردبیلی ۱۳۷۳، ۲۹۱) همچنین در صفحه ی ۲۹۶ صفوه الصفا به خانقاه رشیدیه اشاره شده است.

این شهر چون دیگر شهرهای سنتی ایران جهت حفاظت دارای حصار ی بوده است. (کیانی ۱۳۶۶، ۵۴۶) متأسفانه این شهر در سال ۷۱۸ ه ق در زمان ابوسعید و به دسیسه‌ی تاج الدین علیشاه که از زمان اولجایتو در کار وزارت با خواجه رشیدالدین مشارکت داشت ویران گردید. این واقعه را مینورسکی چنین آورده: «در ۷۱۷ ه ق / ۱۳۱۷ م، زمان ابوسعید، رشیدالدین وزیر مستعفی به تبریز رفت اما سال بعد برای روبه‌رو شدن با قضای محترم آنجا را ترک گفت، املاک او مصادره و ربع رشیدی تاراج گردید. (مینورسکی ۱۳۷۷، ۲۵)

۵- سازمان فضایی شهر ربع رشیدی

با توجه به متون تاریخی و مهمتر از آن براساس نوشته های وقف نامه و تقسیم بندی کلی فضاهای مجموعه ربع رشیدی، توسط خواجه رشیدالدین، می توان به ارائه **سازمان فضایی شهر** به دو صورت زیر و یا تلفیقی از این دو پرداخت:

[illegible]

شهرستان دسته بندی و بیان شده اند. 8. **ربض** در سازمان فضایی شهر ربع رشیدی جایگاه پیشین خود را نداشته و طبق نوشته های وقف نامه، زیرمجموعه ای از شهرستان و یا به بیان بهتر، **محله ای از محله های شهرستان** است که به قشر خاصی از مردم تعلق ندارد. 9. همچنانکه متولی، مشرف و ناظر در ربض ساکنند 10 بسیاری از غلامان بخشهای مختلف ربع و باغات نیز در آن مسکن دارند 11. ربض و شهرستان در این شهر با هم تلفیق شده اند. واژه های **ربض بالا** و **ربض پایین** نیز که در وقف نامه ذکر شده اند صرفا اشاره به دو محله دارد که یکی از نظر ارتفاع در مکان بلندتری نسبت به دیگری قرار گرفته

159

در این شهر به **هسته مرکزی** (ربع) بیشتر پرداخته شده و در عین وجود کاربری های مختلف، این کل منسجم به خوبی با شهرستان تلفیق می شود. **باغها** - رشیدآباد، 14 اصلان 15 و فتحاباد 16- نیز در اطراف شهر، به عنوان عناصری مهم و شکل دهنده، حضوری قوی داشته اند. به طور کلی می توان گفت ربع رشیدی شهری با حصاری در پیرامون بوده که با چهار دروازه به اطراف راه می یافت. «ربع» هسته ی مرکزی و اصلی شهر بوده که خود دارای بارو و ورودی جداگانه 17 در یکی از محورهای اصلی شهر و نزدیک محل تقاطع آنها و دارای عملکردهای آموزشی، مذهبی و درمانی بوده است. 18 **ربع انعکاسی کالبدی و ملموس از یک تفکر علمی - مذهبی بوده است.**

«شهرستان» رشیدی از محله های مختلف، تشکیل یافته بود و **عناصر مهم شهری** مانند: **بازار، قیصریه، حمامها، مساجد، کارخانه کاغذ سازی، رنگ سازی، ضرابخانه و گازرگاه** در آن قرار داشته اند. 19 **ربضی** نیز محله ای از محله های شهرستان بوده است. بافت شهر دارای نظم هندسی بوده و به **شکل بافت شطرنجی** و پیرامون دو محور اصلی، طراحی شده بود. راهها از منظر طراحی فضایی، در پیوندی استوار با فضاهای کالبدی مجاور بوده و ماهیت فضایشان از فضاهای مزبور مستقل و جدا نبوده است. استقرار فضاها و فعالیت ها در شهر، تابع نظم و سلسله مراتب سنجیده شده بود و تمامی فضاها از لحاظ کارکردی، کالبد مناسبی را جهت زندگی (بودن در محیط) فراهم نموده بودند. (کی نژاد و اسکویی ۱۳۸۹، ۷۱)

۶- سلطانیه ابواب البری دیگر در شهرسازی ایلخانی

حافظ ابرو در ذیل جامع التواریخ تحت عنوان «ذکر عمارت سلطانیه و بنای قلعه» از این چمن صحبت به میان آورده و می گوید: «یک روز سلطان اولجایتو نشسته بود و امرا و ارکان دولت حاضر بودند. فرمود یک روز پیش پدر خود پادشاه ارغون که از پادشاهان گیتی به داد و عدل و دانش ممتاز بود حاضر بودم. او را داعیه عمارت سلطانیه بر خاطر خطور کرده بود و فرمود: **همچنان که من پادشاه جهانم، می خواهم شهری بنا کنم که آن شاه بلاد بود.** جماعتی که حاضر بودند، بس موضع نام بردند و هر یک از آنچه از عیب و هنر دانستند باز نمودند. آخر الامر موضع قنقراولانگ (قنقوراولونک) اختیار کردند که بیلاقی به غایت منتزه است و قرای بسیاری در حوالی آن و مرغزارهای بسیار...». (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۶۷)

بر اساس گفته ی حافظ ابرو به نقل از سلطان اولجایتو، انتخاب محل سلطانیه یا قنقراولانگ به دنبال مشورتی انجام شده که با جماعتی از اطرافیانش داشته است؛ «حاضرین هر یک را آنچه از عیب و هنر دانستند باز نمودند». با تصویب قنقراولانگ، ارغون «فرمان فرمود تا طرح شهر برکشیدند».



تصویر ۱۱ سلطانیه، تصاویر سفرنامه قلاتدن

آرشیو موزه آذربایجان



تصویر ۱۰ سلطانیه، تصاویر سیاحت نامه شاردن

آرشیو موزه آذربایجان



تصویر ۱۳ گنبد و بناهای مجاور آن، طرح لویی دوپو
(کیانی ۱۳۶۶، ۱۳۷۱)



تصویر ۱۲- سلطانیه، طرح لویی دوپو (کیانی ۱۳۶۶، ۱۳۷۱)



تصویر ۱۴ سلطانیه، طرح دوکوتزبوته (کیانی ۱۳۶۶، ۱۳۷۱)

در این قسمت به یکی از اساسی ترین مفاهیم شهرسازی ایلخانی-که در بیشتر شهرهایی که به دستور شاه ساخته شده می توان آثار آن را مشاهده نمود- یعنی **طرح از پیش اندیشیده و تعیین شده ی آن می توان پی برد** که این موضوع را به وضوح در بافت هندسی شهرها می توان ملاحظه نمود.

ساختمان شهر سلطانیه بر اساس نقشه‌ای از پیش طرح شده و بر مبنای شهرهای سنتی ایران شروع شده بود. این منطقه با تمام نیازهای زندگی مغولان سازگاری داشت (اشپولر ۱۳۸۴، ۵۷) و در دوره ارغون جزو مناطق ویژه و توقفگاههای مطلوب چادرنشینان مغول به شمار می آمد. انگیزه دیگری که در ساخت شهر سلطانیه گفتنی است، **تفکر به یادگار گذاشتن نام نیکو و حیات جاودانی از طریق ساخت بناهای ماندگار بود**. (حمزه لوی ۱۳۸۱، ۴۴)

در شروع ساخت شهر قنقراولانگ، سنت فرم گیری شهرهای ایران از چشم معماران و مهندسان آن دوره پوشیده نبوده است. آنها می دانستند که یک **شهر نیاز به یک کهن دژ یا قلعه دارد** لذا قلعه‌ای در دل شهر بنیاد نهادند. ۲۰ این شهر دارای یک حصار بیرونی و یک دژ مستحکم و قلعه درونی ۲۱ بود. (شیلا بلر ۱۳۸۲، ۱۵) لذا در می یابیم که در سلطانیه نیز از الگوهای شهرهای ایرانی استفاده شده است یعنی در بطن قرار گرفتن بخش حکومتی در هسته شهر. براساس توضیح ابرو متوجه اهمیت هندسه و رعایت آن در معماری و بناهای ایلخانی می شویم چرا که همانطور که او اشاره نموده، قلعه از مربعی شکل می گیرد که به طور مساوی تقسیم می شود؛ این مساله نشانگر **اهتمام مغولان به رعایت نظم و هندسه در معماریشان بوده است**.

ابوالقاسم کاشانی مورخ دو دهه ی نخست قرن هشتم هجری (معاصر الجایتو) می نویسد: «ابواب البری مشتمل بر چند مواضع عالی از مدارس و خانقاه و دارالشفاء و دارالضیافه و دارالحفاظ و غیر هم تا نوزده عمارت به عدد حروف...». (کاشانی ۱۳۴۸، ۴۸)

حافظ ابرو می‌گوید: «سلطان الجایتو از برای مدفن خود در اندرون عمارتی ساخته است و آن را ابواب البر نام نهاده و گنبدی مثنی بزرگ عالی که قطر آن شصت گز است در غایت تکلف و ارتفاع آن صد و بیست گز چنانچه در اقصی بلاد عالم مثل آن عمارتی عالی نشان نمی‌دهند... و متصل آن گنبد، چند عمارت عالی ساخته است. مسجدی به تکلف و دارالضیافه و دارالسیاده و موقوفات بسیار بر آن وقف کرده و سرای به جهت خاصه خود در اندرون قلعه ساخت، چنانچه صحن 22 سرا را صد درصد نهاند و صفه‌ی عالی 23 بر مثال ایوان کسری و دوازده سراچه در حوالی آن متصل سرا، از هر یک پنجره دری به صحن سرای بزرگ گشوده و صحن آن را از سنگ مرمر فرش انداخته و دیوانخانه‌ی بزرگ که دو هزار آدمی در آن گنجد و آن را کریاسی 24 نام کرده‌اند و غیر اینها که ذکر کرده شد، پادشاه و امرا، عمارت بسیار در اندرون قلعه کرده‌اند». (حافظ ابرو 1351، 69)



در **کتاب نفایس الفنون** می‌خوانیم: «...گرد آن بارویی مربع شکل ساخته... الجایتو جهت مرقد خود گنبدی بس عالی... و در حوالی آن ابواب خیر از جامع و خانقاه و مدارس و دارالسیاده و دارالضیافه که هرگز مثل آن در جهان کس ندیده و نشنیده بفرمود...». (آملی 1379، 296-295)

از مجموع گفته‌ی مورخین چنین نتیجه گرفته می‌شود که دوازده مورد از فضاهای این مجموعه عبارتند از: گنبد سلطانی، مدارس، خانقاه، دارالشفاء، دارالضیافه، دارالحفاظ، دارالسیاده، مساجد، خوانق، دارالقرآن، دارالحديث و بنای کریاسی. علاوه بر این بناها، سرای مخصوص و دوازده سراچه دیگر را هم باید نام برد.

حافظ ابرو در ذیل جامع‌التواریخ رشیدی در «ذکر عمارت شهر سلطانیه و بنای قلعه‌ی آن» از خانقاه سلطانیه اسم برده است (حافظ ابرو 1351، 233) «در اینجا قریب هزار خانه بوده و عمارتی عالی، دو مناره‌ی بزرگ که بر دو طرف ایوان آن و در عمارت مدرسه و دارالشفاء و خانقاه هر یک با موقوفات بسیار و تا کنون (یعنی زمان حافظ ابرو) بعضی از آن عمارت باقی است». (مرتضوی 1370، 318) خانقاه از عناصری است در دوره‌ی ایلخانی که بسیار سریع مورد توجه حکام و حکومتها قرار می‌گیرد تا جایی که شاهدیم در تمامی شهرهای جدید التاسیس ساخت خانقاه نیز در دستور کار قرار دارد.



شهر سلطانیه که پایتخت و مرکز تجارت و سیاست ایلخانان مغول بوده، نیاز به محله‌ها، خیابانها، میدانهای متعدد، بازار، مسجد جامع، مدرسه و... داشته است. **کلاویخو**، عضو هیات سه نفره سفارشات در دربار امیر تیمور در سفرنامه‌ی خود که بعد از سال 809 هـ ق / 1406 م نوشته، اطلاعات ذیقیمتی از بافت شهر سلطانیه را در اختیار می‌گذارد. وی می‌نویسد: «شهر سلطانیه در دشتی است و از میان آنها کانالهای بسیاری پر از آب می‌گذرد. در آنجا خیابانها و میدانهای زیبا که در آنها کالاهای بسیار برای فروش عرضه شده است، وجود دارد. در همه‌ی محلات مهمانخانه‌هایی برای آسایش بازرگانانی که به آن شهر می‌آیند دیده می‌شود». (کلاویخو 170، 1366)

در این بخش **کلاویخو** به وجود کاروانسراها اشاره کرده و از وجود فضاهای باز بزرگی که وی آنها را «میدان» می‌نامد، خبر می‌دهد. با قبول سخنان کلاویخو، این تصور پیش می‌آید که خیابان بندیهای شهر از روی اسلوب و هماهنگی ارک سلطانیه و با یک

شبکه‌ی هندسی دقیق طرح ریزی شده است. با توجه به روایات باقیمانده از مستحقات جلوی دروازه‌ی ارک می توان ادعا نمود که یکی از معتبرترین خیابانهای شهر در راستای این دروازه قرار داشته است. (کی نژاد و اسکویی، ۱۳۹۰، ۱۶۱)

در پیشگاه دروازه و به احتمال زیاد در کنار معبر مذکور، خواجه تاج الدین علیشاه، عمارتی مجلل به نام بهشت بنا نموده بود (کیانی، ۱۳۶۶، ۵۵۵) که بنابر تاریخ الجایتو: «بر پیشگاه قلعه عمارتی خلدآیین بنا افکنده، سقف آن همه مفضض و در و دیوار آن به زر طلی و در و گهر مرصع و سطوح صحن آن از لعل و جواهر و فیروزه ملمع و از عود و ساج و زر و آبنوس و عاج تختی مرصع، در شاه صفحه گسترده منقش مرصع مفضض که اشکال تماثل و تصاویر و تعاریج آن در زبان کلک و بیان قلم نگنجد و دیده از رشک آن سر شک معصغری بر گلگونه‌ی مزعفری ریزان...» (کاشانی، ۱۳۴۸، ۴۷) کاشانی در جای دیگر می نویسد: «از غایت خوشی و خرمی نام آن بهشت نهاده...» (همان، ۱۷۸)

از بناهای دیگر این معبر، **ایوان سلطان ابوسعید است.** (حافظ ابرو، ۱۳۵۱، ۲۹۸) نکته ی قابل توجه این است که بناهای عمومی و همچنین ساختمانهای مهم شهر با استناد به متون تاریخی، در کنار معبر اصلی قرار داشتند. این معبر که نقش مهمی در ایجاد بافت شطرنجی شهر یا به بیانی دیگر سازمان بخشیدن به سایر عناصر و فضاهای شهر دارد، از دروازه ورودی شهر شروع می شد و عموماً تا دروازه ی دیگر امتداد داشت.

بنا بر دستور سلطان محمد خدابنده «امرا و وزرا و ملوک و سلاطین و ارباب اعمال و اصحاب اشغال هر یک به قدر مکنت و اندازه‌ی طاقت و پایه منزلت و مرتبت در عرصه حلقه شهر حوالی قلعه دور متسه و قصور مرتفعه و ایوانهای کسروی و طارمهای خسروی» (کاشانی، ۱۳۴۸، ۷۸) ساختند و به دستور خواجه رشیدالدین، وزیر اولجایتو، در شهر سلطانیه محله‌ای ساختند «چنانکه در آنجا قریب هزار خانه بوده و عمارتی عالی و دو مناره‌ی بزرگ بر دو طرف ایوان آن و در آن عمارت مدرسه‌ی، دارالشفای و خانقاه...» (حافظ ابرو، ۱۳۵۱، ۶۹) و جهت نگهداری ابنیه مذکور موقوفات بسیاری را تعیین فرموده بود. به گفته ابرو بعضی از این ابنیه تا قرن نهم هجری وجود داشته است. (همان، ۷۰) در مدرسه، دارالشفای و خانقاه خواجه رشیدالدین، مدرسان و طلاب و اطباء مشغول بوده (خواند میر، ۱۳۳۳، ۴۲۸) و بنا بر گفته‌ی **میرخواند** از موقوفات مذکور استفاده می نموده‌اند. به گفته‌ی حافظ ابرو «دارالشفای دیگر با اطبا و ادویه و مجموع مایحتاج و دگر مدرسه‌ی عالی به نمونه‌ی مستنصریه بغداد» به دستور اولجایتو ساخته شد. (حافظ ابرو، ۱۳۵۱، ۶۹)

فضای آموزشی همانطور که قبلاً نیز اشاره شده به عنوان عناصر فضایی کاملاً مهم در شهرها مطرح می شوند. از این میان دارالشفای (مدارس و اماکن پزشکی) و خانقاه (اماکن مذهبی برای تهذیب نفس) بسیار پررنگ تر در شهرها رونق می یابند و بازار 25 به عنوان یکی از معابر شهر و حتی شاید از مهمترین آنها محسوب می شود که در میان محله های شهر حرکت می کند.

۷- سازمان فضایی شهر سلطانیه

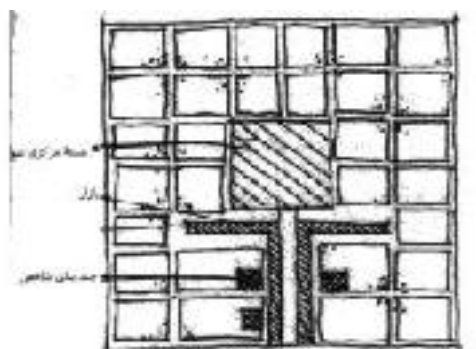
به طور کلی در مورد سازمان فضایی سلطانیه با استنباط و تحلیل از متون تاریخی، می توان طبقه بندی زیر را انجام داد که سلطانیه نیز بسان دیگر شهرها و مجموعه های **ابواب البر**، از دو بخش «هسته» و «شهرستان» تشکیل شده و سایر عناصر در تقسیم بندی، از اهمیت و جایگاه پایین تری نسبت به این دو قرار دارند:

➤ **هسته ی اصلی شهر**، قلعه ای بوده (مربعی) که عنصر سازمان دهنده ی شهر محسوب می شده است.

➤ **شهرستان** دیگر عنصر مهمی بود که پیرامون این قلعه شکل گرفته بود.

➤ **دسترسی ها و محورهای ارتباطی** در طول و عرض شهر، به صورت عمود برهم و از قبل طراحی و برنامه ریزی شده، به شهر نظمی هندسی بخشیده بودند. مهمترین این محورها معبری، در راستای دروازه و ارگ بود.

➤ **بازار** نیز به عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده که محلات گوناگون و همچنین عملکردها و عناصر شهری عمومی از قبیل کاروانسراها پیرامون این عنصر شکل گرفته بودند. (کی نژاد و اسکویی، ۱۳۹۰، ۱۶۶)



نقشه ۱۷- شهر سلطانیه - ترسیم نگارندگان

۸- تحولات شهرسازی در دوره ایلخانی با استنباط از متون تاریخی

پس از حمله ی مغولها به ایران و ویران کردن بسیاری از شهرهای آن، معماری این مرز و بوم که کم کم به رشد و شکوفایی می رسید و در عرصه های مختلف شهرسازی نیز تجربیات و موفقیت های چشم گیری به دست آورده بود، به یک باره با خاک یکسان شد.



تصویر ۱۸- شکل به خوبی نوع زندگی مغولان، چادرها و آرایه های آنها را نشان می دهد. (عکس از مقاله شاکدارین بیرا، مجله پیام، ۱۳۷۰)

اما پس از اینکه مغولان بر مسند قدرت تکیه زدند، به فکر جبران این خرابیها و آباد کردن دوباره ایران افتادند. تمرکز و علاقه ی آنان بیشتر به ساخت شهرهای جدید و به وجود آوردن مجموعه های نوساخته بود تا بازسازی شهرها و مناطق ویران شده. شاید دلیل آن را بتوان در دو مسئله جستجو نمود:

❖ از سویی هم چنان که غارتگری و ویران کردن، یک نوع امتیاز و شهرت برای آنان به حساب می آمد؛ ساخت و ساز نیز خود نوعی اشتها را به همراه داشت. از سویی دیگر قوم مغول، کوچ نشینان و چادر نشینانی بودند که به این فرهنگ عادت داشتند و این نوع زندگی در تمام وجوه حکومتشان به چشم می خورد. از ویژگی های این فرهنگ، **نخست حرکت و سکنی گزیدن در جاهای مختلف** می باشد.

❖ دومین ویژگی که شاید از اولی موثرتر در این مسئله ظاهر می شود، **علاقه آنان به دشت های خرم خوش آب و هوا و خوش منظر** بود. تا زمان حکومت ارغون کوشش عمده ی ایلخانان، سرکوب مدعیان و تحکیم سلطنت بود و می توان گفت، فرصتی برای ساخت و ساز و زدودن زنگار زشت ویرانی وجود نداشت. روند شهرسازی بیشتر از زمان هولاکوخان و از مراغه آغاز شد که توسط غازان خان به تبریز- غازییه و ربع رشیدی- تسری یافت و سرانجام در سلطانیه و در زمان حاکمیت اولجایتو به اوج شکوفایی خود رسید.

هولاکو پس از ویرانگری های پیشین دریافت که شناخت هویت سیاسی- اجتماعی حاکمیتش با رشد فعالیتهای عمرانی جامعه عمل خواهد پوشید. هولاکوخان دستور داد تا تعدادی از شهرهای ویران شده مانند خبوشان (قوچان) را عمارت کنند و برای خود او نیز کاخی زیبا بسازند. سپس دستور داد با صرف مبالغی هنگفت رصد خانه ای در مراغه بسازند. **در واقع ساخت رصد خانه مراغه، آغاز حرکت معماری در دوره ی ایلخانی به شمار می رود.** (سمرقندی ۱۳۸۲، ۳۷۹)

یکی از مسایلی که در این دوره بسیار رونق یافت، **ساخت مجموعه ها و شهرکهای اقماری** است که عموماً رویکردی مذهبی داشتند. البته با توجه به شهرک هایی که به تدریج از اوایل قرن اول میلادی تا اواخر قرن ششم میلادی و بر اساس نیاز در اطراف شهر تیسفون ایجاد شدند و در نتیجه هفت شهر مداین را تشکیل داد، می توان گفت که ایده ی ایجاد فضای زیستی یاری رساننده به کلان شهری چون پایتخت، قبل ها نیز وجود داشته ولی می بایست دقت نمود که فلسفه وجودی رونق این شهرها در این عصر با دوره های قبل متفاوت بوده و بیشتر بعد مذهبی- علمی در آنها تبلور داشت.

همچنین در این دوره **توجه به محدوده شهر** اهمیت یافت. امرا و حکما با ساختن برج و بارو به دور شهرها در ساماندهی سیاسی- اجتماعی فضایی داخل شهرها همت فراوانی نمودند. نکته ای که در اینجا قابل تاکید است، دقت به نظم حیطه های شهری و وحدت بخشیدن به آنها است. در این خصوص قرار گرفتن حمام ها و کاروانسراها در مدخل شهر، محوری بودن جاده اصلی و قرار

گرفتن بازارها و معابر مهم در امتداد آن را می توان نام برد. هر چند که شهر حول اماکن مذهبی شکل می گرفت ولی ساختن کاخها و بناهای مهم رونق یافت.

توجه به مذهب در دوره های قبلی نیز وجود داشته اما این مسئله در دوره ی ایلخانی بیشتر جلوه نمود و ساختمانهای مذهبی زیادی در این دوره ساخته شدند. یکی از مهمترین تحولاتی که در این دوره رخ داد، افزایش گرایشات مذهبی در میان حکام بود. ساخت مساجد، مدارس، زیارتگاهها و مقابر بر ساخت و سازهای تزئینی و کاخسازی رجحان داده شد و گونه ی جدیدی از فضاها ی شهری که بیشتر با همین گرایش در شهرهای دوره ایلخانی برای اولین بار شکل گرفت، دارالسیاده ها 26 بودند. این فضاها برای اولین بار در شب غازان و سلطانیه به وجود آمدند. **گسترش مقابر** نیز در این دوره مشهود است. برخلاف دوره های پیشین که ما بیشتر با تک مقبره ها مواجه هستیم، در شهر سازی ایلخانی مجموعه ای منظم و سازماندهی شده داریم که مقبره بخشی از آن را تشکیل می دهد، به طوری که مقبره با محیط پیرامون خود تعریف می یابد.

گرچه سابقه وقف در اسلام طولانی است ولی **این اولین باری بود که یک مجموعه کامل موقوفاتی با این عظمت و گستردگی بوسیله پادشاه پدید می آمد.** یکی از تحولات دیگری که در شهرسازی صورت گرفت، تغییر محور شهرسازی و گسترش آن بود. سابقاً محور این اصلاحات شهری، محل سکونت امرا و مکان کاخ های آنان بود اما در این دوره، رویکرد مذهبی و یا علمی- مذهبی بود که به توسعه و گسترش شهرها سمت و سو می داد.

مهم ترین پروژه ای که در این دوران طلایی شکوفایی معماری و شهرسازی ایران- البته این بار نه با توجه و همت ویژه غازان، بلکه با تدبیر یکی از وزیران نامی و فرهیخته اش به نام خواجه رشیدالدین فضل اله همدانی- ساخته شد، **مجموعه ربع رشیدی** بود. این بار وقف برای تشویق و ترغیب عالمان به گسترش علوم مورد استفاده قرار گرفت. فلسفه وجودی و همچنین وسعت و گستردگی آن سبب شد که از آن نه تنها به عنوان اولین شهرک دانشگاهی ایران و جهان نام برند و بلکه با گذشت قرن ها از ساخت این مجموعه، همچنان نظیر و رقیبی برای آن وجود نداشته باشد.

پس از به قدرت رسیدن اولجایتو، وی دستور داد که بنای شهر سلطانیه- برای انتقال پایتخت از تبریز- آغاز گردد. اولجایتو با این کار یکی از آرزوهای پدرش، ارغون خان، را به مرحله اجرا گذاشت. **ارغون شهر جدید** را طرح ریزی کرده و دستور داده بود که مصالح ساختمانی در آنجا گردآوری شود ولی قبل از آغاز ساخت فوت شده بود. بدین ترتیب به دستور اولجایتو ارگی با شانزده برج سنگی و چندین مسجد که مهمترین آنها -که آرامگاه خود اولجایتو است- با مرمر و چینی تزئین شده بود، احداث گردید. وی کم کم سلطانیه را به شهری کامل تبدیل کرد و تلاش بسیاری نمود تا آن را گسترش دهد و مقبولیت عام برای آن فراهم آورد. **هر چند در این راه گام های مهمی برداشت اما سلطانیه هرگز تبریزی نو نشد و نتوانست شهرت، مقبولیت و گستردگی تبریز را بدست آورد** و پس از مرگ اولجایتو رو به انحطاط نهاد و تبدیل به یک خرابه متروکه گردید که فقط آرامگاه مجلل بر فراز دشت سلطانیه از آن باقی ماند. یکی از معایب مکان یابی سلطانیه، قرار نداشتن در مسیر یا تقاطع راههای تجاری بود. به ظاهر اولجایتو از این مطلب آگاه بود و به طرق مختلف تلاش می کرد این شهر به صورت یک مرکز و محور تجاری در آید. **اما دور بودن این شهر از محور تجاری و همچنین فاصله آن با جاده ابریشم سبب گردید که چند سال پس از تعیین آن به عنوان پایتخت- پس از مرگ اولجایتو- سریعاً رو به انحطاط رود.**

نتیجه گیری و جمع بندی :

سازمان فضایی شهرهای ابواب البر بر اساس متون تاریخی معتبر، شامل دو قسمت کلی «هسته مرکزی» و «شهرستان» بودند که با یک ساختار هندسی منظم و طرحی از پیش اندیشیده شده شکل گرفتند. هسته مرکزی شهرهای ابواب البر همان مقبره بانی بود که جنبه مذهبی آن با عملکرد فرهنگی-آموزشی نیز تلفیق گردید. در این شهرها به هسته مرکزی، بیشتر پرداخته شده و در عین وجود کاربری های مختلف، این کل منسجم به خوبی با شهرستان تلفیق شده بود.

«شهرستان» این شهرها از محله های مختلف، تشکیل یافته بود و عناصر مهم شهری مانند: بازار، قیصریه، حمامها، مساجد، ضرابخانه، گازرگاه و... در آن قرار داشته اند. بافت این شهرها دارای نظم هندسی بوده و به شکل بافت شطرنجی و پیرامون دو محور اصلی، طراحی شده بود. راهها از منظر طراحی فضایی، در پیوندی استوار با فضاهای کالبدی مجاور بوده و ماهیت فضایشان از فضاهای مزبور مستقل و جدا نبوده است. استقرار فضاها و فعالیت ها در شهرها، تابع نظم و سلسله مراتب سنجیده شده متناسب با نیازهای اجتماعی (مادی و معنوی) شهروندان بود و تمامی فضاها از لحاظ کارکردی غالباً کالبد مناسبی را جهت زندگی مطلوب (بودن در محیطی بامعنویت جهت فعالیت شایسته) فراهم نموده بودند.

هندسه ی شهرهای ایلخانی و به ویژه شهرهای مهم به گونه ای بود که فضاهای شهری در امتداد خیابانهای طولی و عرضی عمود بر هم که به سان یک صفحه ی شطرنجی در سطح شهر گسترده بودند شکل می گرفتند. در اطراف این شبکه، راهها و همچنین پیرامون شهر نیز جهت محدود کردن و به نوعی شکل دادن به شهر و همچنین زیبا کردن منظر شهری باغها را را پدید می آوردند. لذا راهها و باغها 27 به عنوان اجزای لاینفک و اجتناب ناپذیر شهر ایلخانی مطرح بودند. علاوه بر باروی شهر، باغ های اطراف، آنها را به شکل باغ شهری درآورده و حدود خارجی شان را محصور کرده بودند.

چهارچوب این شهرها را محورهای منتهی به دروازه ها تشکیل می داد. بازار که در امتداد یکی از این محورها، کل شهر را از دروازه ای تا دروازه دیگر می پیمود نیز به عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده که محلات گوناگون و همچنین عملکردها و عناصر شهری عمومی از قبیل کاروانسراها و... پیرامون این عنصر شکل گرفته بودند.

پرسش ها و پژوهش ها (مقاله دوازدهم)

- ۱) **ابواب البر** به چه معنی است و برای چه منظوری ساخته شده اند؟
- ۲) برای شناخت شهرهای ابواب البر چه منابعی وجود دارد؟
- ۳) **فلسفه احداث ابواب البر** از زبان عازان خان چیست؟
- ۴) ابواب البر ایلخانی **دارای چند مجموعه** است؟ و با الهام از کدام مکان مقدس ساخته شده اند؟
- ۵) **شهرهای ابواب البر** دارای چند قسمت هستند؟
- ۶) **هسته مرکزی شهر ابواب البر** از چه مجموعه خدماتی و آموزشی و غیره ساخته شده اند؟
- ۷) حاج خلیفه کاتب چلبی که به همراه سپاه عثمانی به تبریز آمده بود **شب غازان** را چگونه توصیف می کند؟
- ۸) در سفرنامه ها و اظهارنظرهای جهان گردان فرانسوی در باره **مخروبه های شب غازان** چند نکته مهم می توان نتیجه گیری کرد؟
- ۹) در جامع التواریخ رشید الدین فضل الله **متعلقات گنبد عالی و ابواب البر** در حوالی و پیرامون گنبد دارای چه قسمت هایی است؟
- ۱۰) **فضاهای جانبی شب غازان** بر اساس کتب معتبر تاریخی عصر غازانی از چند قسمت ساخته شده اند.
- ۱۱) در رابطه با تصویر شماره ۴ **سازمان شهر شب غازان** را توضیح دهید؟
- ۱۲) حمد الله مستوفی **ربیع رشیدی** را چگونه توصیف نموده است؟
- ۱۳) رشیدالدین فضل الله در نامه ای به فرزندش سعدالدین **شهر فرهنگی ربیع رشیدی** را چگونه تشریح نموده است؟
- ۱۴) با توجه به تصویر شماره ۹ و نوشته های رشید الدین فضل الله، **سازمان فضایی شهر ربیع رشیدی** را توضیح دهید؟
- ۱۵) **سلطانیه** چگونه و در کجا و توسط کدام پادشاه ساخته شد؟
- ۱۶) حافظ ابرو در ذیل جامع التواریخ **در باره سلطانیه** و قسمت های مختلف آن چه چیزی نوشته است؟
- ۱۷) از مجموعه گفته های مورخین عصر غازانی مجموعه سلطانیه از **چه قسمت هایی** بوده است؟
- ۱۸) کلاویخو در سفرنامه خود در باره **نظام و رونق شهر سلطانیه** چه مطالبی نوشته است؟
- ۱۹) بر اساس متون تاریخی شهر سلطانیه از **چند قسمت تشکیل شده** بود. با توجه به تصویر ۱۷ شهر سلطانیه را توضیح دهید؟
- ۲۰) در زمان هلاکو خان مغول **رونق شهرهای اقماری** به چه لحاظ ساخته شده است؟
- ۲۱) **تأثیر انتقال پایتخت از تبریز به سلطانیه** بر روی معماری و شهرسازی منطقه سلطانیه را چگونه ارزیابی می کنید؟

پی نوشت ها :

۱- رسم پادشاهان مغول این بوده است که محل دفن آن ها مخفی باشد-بیم از نش قبر توسط بازمانده های مقتولان و یا افراد طماع از دلایل آن می تواند باشد. در حکایت سیزدهم از تاریخ مبارک غازانی «در ابواب البر که پادشاه اسلام در تبریز و همدان و دیگر ولایات انشا و احداث فرموده و موقوفات و تربتهای ایشان و خیراتی که نذر کرده» آمده است: «پادشاهان مغول را از اوروغ چنگیزخان رسم و عادات ایشان تا اکنون چنان بوده که مدفن ایشان در موضعی باشد نامعلوم، از آبادانی و عمارت دور چنانچه هیچ آفریده بر آن مطلع نبوده...» (رشیدالدین فضل اله ۴۳، ۱۳۳۶)

۲- آقای دکتر کیانی در مورد واژه «شنب» معتقدند که «در زبان مغولی به معنی «مزار» است و این واژه را «اولیا چلبی» در سیاحتنامه خود از زبان «قیاق» ها که در قفقاز نشیمن داشته اند، آورده است. بنابر قواعد صوتی زبانهای ایرانی چون تون و با که کنار هم قرار گیرند به میم تبدیل می شوند (همچون دنب = دم، خنب = خم) واژه به رویه «شم» درآمده است. از سوی دیگر در زبان مردم آذربایگان واژه یی بشکل «شام» و «شم» هست که به زمینهای مسطح و علفزارهای کرانه رودخانه و دریاچه ها گفته می شود و پیش از وجود شنب غازان، به این بخش از غرب شهر نیز شام و شم می گفتند. این دو واژه و اصلاح با هم تلاقی کرده و اینک آنجا را شام غازان و شم غازان و شنب غازان به هرسه صورت می نامند».

۳- دوازده مینیاتور از قرن چهارم میلادی به جای مانده (خوانساری ۱۳۸۳، ۶۲-۶۰) که از میان آنها یازده مینیاتور مناظری بهشتی را نشان می دهند که شامل تپه، انواع متنوع گیاهان و آب راهه هایی است از میان کوه که در زمین هایی به رنگ طلایی جاری است. تمامی این تصاویر که نمونه ای از آنها را می بینید نشان دهنده باغ آرای و باغسازی غنی در این دوران هستند.



تصویر ۱۹- منه میناتور از قرن چهارم خوانساری ۱۳۸۳، ۶۲-۶۰

۴- قرارگیری باغ رشیدآباد مجاور دارالشفا، فقط از این مکتوب قابل استناد است.

۵- «دلکش» و «نیکو» دو واژه ای هستند که در تمجید بناها در اکثر متون تاریخی این دوره آمده اند.

۶- شرباف: کسی که از موی یا ابریشم پارچه بافت. شعر بافی: پارچه بافی. (فرهنگ دهخدا، ۱۴۴۱)

۷- مراجعه شود به «سعیدنیا، احمد: پژوهشی در ربع رشیدی. مجله هنرهای زیبا، شماره های ۷، ۱۳۷۹ و ۱۱، ۱۳۸۱».

۸- به فصل چهاردهم از قسم دوم از باب سوم مراجعه شود. برای نمونه «و شرط کرده ام که هیچ یک را عورات و عیال در ربع رشیدی نباشد و مجرد در آنجا ساکن باشند و از آن جمله آنک متاهل باشد اهل و عیال ایشان البته در شهرستان رشیدی مقیم و ساکن باشند جهت خود خانه ها بسازند یا به اجرت گیرند» (ص ۱۷۰، ص ۲۲)

۹- در توضیح محلات شهرستان رشیدی در تقسیم بندی وقف نامه از محله صالحیه به علت اهمیت و نزدیکی به ربع جداگانه و از بقیه محلات با عنوان سایر محلات یاد شده است و رض نیز در میان سایر محلات شهرستان ذکر شده است. (ص ۱۷۲، ۲، ص ۵)
۱۰- (ص ۱۷۵، ۱، ص ۲۷)، (ص ۱۷۵، ۲، ص ۲۶) و (ص ۱۷۵، ۲، ص ۲۲).

۱۱- برای نمونه «غلامان ترک... مسکن ایشان بعضی در ربض بالا و بعضی در ربض زیر» (ص ۱۹۲، ۱، ص ۱۴)

۱۲- «ممر ایسر ... به طرف دروازه ی روم شهرستان ممری بریده شده معروف به ممر سرخاب ...» (ص ۲۰۶، ۲، ص ۴)، «که ریز مشهور به که ریز نزهه... خشکوا ی آن هم در اندرون شهرستان بریده شده تا آنجا که دروازه ی تبریز و مسجد شهرستان است...» (ص ۲۰۶، ۲، ص ۱۹)، «که ریز مشهور به که ریز علاءالدین ایضاً، آبدۀ آن در داخل شهرستان به جنب دیوار باغ اعلان می رود تا دروازه موغان...» (ص ۲۰۷، ۲، ص ۶) و «قنوتی که از جانب یمین رودخانه تبریز می آید در ممری که موسوم است به ممر ایمن که آن از بالای باغچه ی نی کس جاری شده بر راه جاده ی کندرو تا نزدیک در باغ فتحآباد و دروازه عراق و از آنجا هم بر جاده می آید تا پول سنگین که به قرب خانقاه جانداراست...» (ص ۲۰۴، ۱، ص ۱۸)

۱۳- «محله ی صالحیه محله ای است از محلات شهرستان رشیدی که به ربع رشیدی نزدیک است و یک در کوچه ی آن در ممر بزرگ ربع رشیدی است که بر بالا می روند و یک در دیگر به جانب بازار که به راه دروازه سرخاب می روند» (ص ۱۷۲، ۱، ص ۵) و «دهلیز بزرگ که آنرا ممر بزرگ می گوئیم و از بازار که می گذرند بر آنجا به بالا می رسد تا به دروازه ی ربع رشیدی می رسد و متصل است به دروازه ی مذکور...» (ص ۴۳، ۳، ص ۱۳)

۱۴- به باب سوم، قسم دوم، فصل شانزدهم وقف نامه و مکتوب ۵۱ و ۵۳ از مکاتیب رشیدی مراجعه شود.

۱۵- «... کهریز مشهور به کهریز علاءالدین ایضا، آبدۀ آن در داخل شهرستان به جنب دیوار باغ اعلان می رود تا دروازه موغان ...». (ص ۲۰۷، ۲،

س ۶)

۱۶- به باغ فتحاباد در صفحات متعدد وقف نامه اشاره شده است. برای نمونه می توان به صفحه ۲۰۴ سطر ۲۰ و صفحه ۲۰۵ سطر ۱۷-۱۵ مراجعه شود.

۱۷- «... که این ربع رشیدی عبارت از دو موضع است که یکی پیشتر بنیاد رفته بود و باروی آن کشیده و آن را درگاهی ساخته که منارها متصل آن درگاه است و یکی دیگر پستر بارو کشیده و اضافه آن بارو اولین کرده و متصل آن گردانیده و دروازه دیگر بیرون آن ساخته و همه بهم یکی کرده و آن مجموع را ربع رشیدی نام نهاده ایم». (ص ۴۱، ۵) خانم شیلا بلر در توصیف مجموعه ی ربع رشیدی مراحل ساخت و ساز آن اینگونه نوشته است: «بنا بر وقف نامه، اراضی متعلق به بقعه (رقبات آن) از مجاری خیریه (ابواب البر) شامل دو ناحیه بوده است: آن که در جلو بوده باروهایی داشته است و آن را دروازه ای (درگاه) با مناره هایی متصل بدان ساخته بوده اند، آن که در پشت (بقعه) بوده دروازه ای دیگر و نیز بارویی داشته است. باروهای جلو و پشت متصل می شده و آن دو زمین را به هم می پیوسته است. خواجه رشیدالدین کل این مجموعه را «ربع رشیدی» خوانده است. برجهای آجری و باروی مدوری که امروز از آن مجموعه به جا مانده است اگر هم باروهای اصلی نباشد، باروی جایگاه مجموعه اصلی را نشان می دهد». (قیومی ۱۳۸۷: ۲)

۱۸- (ص ۴۲، س ۲۴-۶)

۱۹- (ص ۲۰۴، س ۸)

۲۰- ساخت قلعه و ارگ علاوه بر این که به جنبه حکومتی شهر سلطانیه اشاره دارد بلکه تجلی شهرسازی ایرانی نیز در سلطانیه است.

۲۱- بنابر گفته ی حافظ ابرو دستور ساخت این قلعه را ارغون داده است. وی می گوید: «بنای قلعه ی آن از سنگ تراشیده اشارت فرمود». (حافظ

ابرو ۱۳۵۱، ۶۹)

۲۲- در تمامی متون از حضور فضای معماری «صحن» سخن به میان آمده است.

۲۳- «صفه» در تمامی متون مربوط به این دوره در معنای ایوان به کار رفته است و فقط در دو مورد به معنای صحن نیز آمده است.

۲۴- کرباس در متون به معنای فضای ورودی آمده است.

۲۵- در شهرهای اسلامی حضور بازار معمولا در اطراف مسجد جامع می باشد اما در مورد سه ابواب البر شنب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه این

امرصادق نمی باشد چرا که جهت رونق مجموعه مرکزی، مسجد جامع نه در کناره دروازه بلکه در تلفیق با هسته بوده و همان طور که قبلا نیز بدان اشاره شد، بازار حضوری فعال در این شهرها داشته اما ارتباطی مستقیم با هسته مذهبی اصلی نداشته است.

۲۶- مراجعه شود به حکایت هشتم از تاریخ مبارک غازانی در باب «دوستی پادشاه اسلام در حق خاندان رسول علیه السلام» که می گوید: «...

همواره جهت سبیل الحجاج مددها میفرماید و مزارات خاندان را زیارت کند و نذرها پذیرد و فرستد و سادات را عزیز و محترم دارد و صدقات و ادرات در حق ایشان فرماید و چون خانقاه و مدارس و مساجد و دیگر ابواب البر در هر موضعی می ساخت و اوقاف معین میفرمود و وظایف و مشاهرات هر طائفه در نظر آورد و فرمود که چگونه است که از آن فقها و متصوفه و دیگر طوائف هست و از آن سادات نیست. از آن علویان نیز واجب است و فرمود تا در تبریز و دیگر ولایات معظم در تمامت ممالک در بلاد معتبر چون اصفهان و شیراز و بغداد و امثالها دارالسیاده سازند تا سادات آنجا فرو آیند و جهت مصالح ایشان وجهی که مصلحت دید بموجبی که وقف نامها بذکر آن ناطق است معین فرمود تا ایشان نیز از خیرات او بآ بهره باشند...».

۲۷- آقای کیانی به حضور باغ در کنار میدانهای شهرهای ایلخانی معتقد است. البته این فرضیه با توجه به سراسرستان در ربع و بخشی از باغ رشید

آباد که قبلا جلوی ورودی ربع بوده است در مورد ربع رشیدی قابل بررسی می باشد.

منابع و ماخذ:

- آملی، علامه شمس الدین محمد بن محمود. ۱۳۷۹. *نفائس الفنون فی عرایس العیون*. به تصحیح ابراهیم میانجی. تهران: اسلامیه.
- آیتی، عبدالمحمد. ۱۳۷۲. *تحریر تاریخ وصاف*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن بزاز اردبیلی. ۱۳۷۳. *صفوه الصفا (در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی)*، مقدمه و تصحیح غلامرضا مجد. بی

جا: بی نا.

- ابن بزاز اردبیلی. ۱۹۱۱. *صفوه الصفا*. به کوشش احمد بن کریم تبریزی. بمبئی: بی نا.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. ۱۳۵۹. *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. ج ۱ و ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشپولر، برتولد. ۱۳۸۴. *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۷۸. *تاریخ ایران پس از اسلام (از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه دوره پهلوی)*. تهران: نامک.
- ایمانی، نادیه. ۱۳۸۴. *سلطانیه در تصاویر. ارگ بم، مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ج ۲): ۴۴۷-۴۱۸*.

- بلالی اسکویی، آزیتا، کی نژاد، محمد علی و نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۸۹. طرح فرضی ربع و شهرستان رشیدی. صفحه (۵۰): ۷۷-۵۱.
- بلر، شیلا. ۱۳۸۲. هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانیان. ترجمه هاشمی گلپایگانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بلر، شیلا. ۱۳۸۷. معماری و جامعه در دوره ایلخانی: تحلیلی درباره وقف نامه ربع رشیدی. ترجمه مهرداد قیومی بید هندی. گلستان هنر (۱۳): صص 48-73.
- جواد، شفیع. ۱۳۵۰. تبریز و پیرامون، بنیاد فرهنگی آذربایجان، تبریز.
- حافظ ابرو، نورالله عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید الیهادی. ۱۳۵۱. ذیل جامع التواریخ رشیدی شامل وقایع. به اهتمام دکتر خانبابایی. تهران: انجمن آثار ملی.
- حمزه لو، منوچهر. ۱۳۸۱. هنرهای کاربردی در گنبد سلطانیه. تهران: ماکان.
- خواندمیر، غیاث الدین. ۱۳۳۳. تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر. ج ۳. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابخانه خیام.
- دیولافو، مادام ژ. ۱۳۶۱. سفرنامه. ترجمه و نگارش فره وش. تهران: کتاب فروشی خیام.
- سعیدنیا، احمد. ۱۳۷۹. پژوهشی در ربع رشیدی. هنرهای زیبا (۷): ۴۹-۶۰.
- سعیدنیا، احمد. ۱۳۸۱. بازآفرینی شهرستان رشیدی. هنرهای زیبا (۱۱): ۲۹-۴۱.
- سمرقندی، دولت‌شاه. ۱۳۸۲. تذکره الشعراء. باهتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- شاردن، ژان. ۱۳۷۴. سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی. ج ۲. تهران: توس.
- شهاب الدین عبدالله بن عزالدین فضل الله شیرازی (وصاف). ۱۲۶۹. تاریخ وصاف یا وصاف الحضرة. به اهتمام محمد مهدی اصفهانی. بی جا: بی نا.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین. ۱۳۶۸. تاریخ مبارک غازانی (داستان غازان خان). به تصحیح و اهتمام کارل یان. اصفهان: پرسش.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین. ۱۹۴۰م. تاریخ مبارک غازانی (داستان آباقاخان و سلطان احمد و ارغون خان و کیاخاتون، قسمتی از جامع التواریخ). به تصحیح کارل یان مونتون. انگلستان: مطبعه ستفن اوستین.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین. ۱۹۴۵م. مکاتبات رشیدی. گردآوری محمد ابرقوهی. به اهتمام محمد شفیع. لاهور: دانشگاه پنجاب.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین. ۱۹۵۷م. جامع التواریخ. بسی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی زاده. باکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین. ۱۳۵۶. وقفنامه ربع رشیدی، چاپ حروفی. به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- کارنگ، عبدالعلی. ۱۳۵۱. آثار باستانی آذربایجان (آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز). تبریز: انجمن آثار ملی.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله. ۱۳۴۸. تاریخ ولجایتو. به اهتمام مهین همبلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کربلایی، حافظ حسین کربلایی تبریزی ابن کربلایی. ۱۳۴۹ و ۱۳۴۴. روضات الجنان. تصحیح جعفر سلطان القزایی. ج ۱. تهران: نشر کتاب.
- کلاویخو. ۱۳۶۶. سفرنامه کلاویخو. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۶۶. شهرهای ایران. ج ۱ و ۲ و ۳. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کی نژاد، محمد علی و بلالی اسکویی، آزیتا. ۱۳۹۰. بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی. تهران: نشر آثار هنری متن (فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران).
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر. ۱۳۶۲. تاریخ گزیده. باهتمام عبدالحسین نوائی. تهران: امیرکبیر.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر. ۱۳۷۸. نزهه القلوب. به تصحیح و تحشیه دکتر محمد دبیر سیاقی. تهران: طه.
- مشکور، محمدجواد. ۱۳۷۲. تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم. تهران: انجمن آثار ملی.
- مرتضوی، منوچهر. ۱۳۷۰. مسائل عصر ایلخانیان، موسسه انتشارات آگاه، تبریز.
- نصوص مطراچی. ۱۳۷۹. بیان منازل. ترجمه و تعلیق رحیم رئیس نیا. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مینورسکی، ولادیمیر. ۱۳۳۷. تاریخ تبریز. ترجمه و تحشیه عبدالعلی کارنگ. تبریز: کتابفروشی تهران.
- ویلبر، دونالد. 1365. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه عبدالله فریار، علمی و فرهنگی، تهران.

مجموعه مقالات (۴) (کاربردی - معماری و شهرسازی)

تأثیر تعالیم اسلام بر معماری و معماران در سرزمین ایران

مقالات و سلسله بحث هایی پیرامون :

مقاله سیزدهم - سامانه معماری و شهرسازی پایدار از منظر تمدن فرهنگ معنوی و جهانی اسلام

مقاله چهاردهم - تحلیل ساختار فضایی بیت الله الحرام و تأثیر آن بر معماری و شهرسازی دوران اسلامی ایران

مقاله پانزدهم - تأثیر فرهنگ و تعالیم اسلامی بر معماری خانه های مسکونی و محلات شهرهای مسلمین

مقاله شانزدهم - الگوبرداری و بکارگیری ارزش های اسلامی در معماری و شهرسازی ایران امروز

مقاله هفدهم - دسته بندی معماران امروزی ایران و نقدی بر نظرات آنان

مهندسی ساختمان ایران و اصول حکمت و ارزش های عملی اسلام

مقاله هجدهم - نظام

مقاله سیزدهم

(کاربردی - معماری و شهرسازی)

علم و دانش جمله ارث انبیاء است انبیاء را علم از نزد خداست
شیخ بهایی

سامانه معماری و شهرسازی پایدار

از منظر

تمدن و فرهنگ معنوی و جهانی اسلام

سخنرانی در اولین همایش ملی معماری و شهر پایدار (سازمان زیبا سازی شهر تهران)

زمان: ۲۱ و ۲۲ آبانماه ۱۳۹۱

مکان: تهران، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه و مدخل بحث :

برای ورود به بحث مذکور از آیه مبارکه قرآن شروع می‌نمایم و آغاز سخن را با آن مزین می‌نمایم.

«و لا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ - ۸۸/قصص»

و هرگز با خدای یکتا که جز او خدایی نیست معبود دیگری را به خدایی نپذیر و آگاه باش که هر چیزی جز ذات پاک خدایی نابود شدنی است و فرمان و سلطنت عالم آفرینش با اوست و همه خلائق سرانجام بسوی او بر می‌گردند.

یعنی ابعاد مادی و دنیایی موجودات و پدیده‌های عالم از جمله انسان نابود شدنی است، ولی ابعاد عقلانی و روحانی انسان باقی و ماندگار است و برای حسابرسی و تعیین تکلیف نهایی به سیر خود بسوی خدای متعال ادامه می‌دهد.

اصول و مبانی شهر سازی پایدار تمدن اسلامی

در بیان و تشریح موضوع بحث که «ساماندهی و شهرسازی پایدار از منظر اسلامی» است، به چند اصل و موضوع مهم اشاره می‌نماییم و به تجزیه و تحلیل مباحث مربوط به معماری و شهرسازی می‌پردازیم :

- در آغاز باید اقرار نمود که معماری و شهرسازی اصالت ذاتی ندارند که گفته شود نوع پایدار آن مناسب است یا نوع ناپایدار آن، معماری و شهرسازی وسیله آباد کردن محیط زیست و فراهم نمودن رفاه و آسودگی انسانها هستند، بنابراین **در رابطه با انسانها و نیازهای آنها تعریف می‌شوند** و معنی و مفهوم پیدا می‌کنند، در غیر اینصورت معماری و شهرسازی به بت‌واره‌هایی خود بنیاد، خودنما، مزاحم و نامطلوب برای جامعه بشری تبدیل خواهند شد .
 - از منظر اسلامی همه هستی برای انسان خلق شده است و انسان برای تکامل با دو نیاز مادی و معنوی (چه از بعد تکوینی و چه تشریعی) امکان رشد و ترقی معنوی را خواهد داشت . بنابراین معماری و شهرسازی باید **بتواند نیازهای حداقل مادی انسان ها** را به صورت نسبی تأمین نماید و **نیازهای روحی و معنوی** که اساس زندگی متکی به آن می‌باشد و درحوزه آزادی و اختیار انسانها است، بستر سازی و زمینه سازی نماید.
 - در مانیفست‌های بین المللی و سازمان ملل و در کتاب شهرسازی پایدار از سه مؤلفه اصلی در ایجاد جامعه پایدار نام می‌برد، یعنی «یکپارچگی اکولوژیکی و زیست محیطی»، «رونق اقتصادی» و «عدالت اجتماعی». باید گفت؛
- در مورد مؤلفه زیست محیطی، که اغلب مباحث پایداری در این حوزه مطرح می‌شود، مجموع دستاوردهای علوم تجربی، که رویکردهای لیبرال سرمایه‌داری غرب را، در تهاجم اسراف‌گونه و نابخردانه به محیط زیست محکوم نموده و آثار ناهنجار این رویکرد را نقد می‌نماید و توصیه‌هایی عالمانه‌ای در جهت حفظ محیط طبیعی و بهره‌برداری متعادل از امکانات طبیعت ارائه می‌کنند، قطعاً مورد تقدیر بوده و رعایت ضوابط و استانداردهای آزمایش شده آن، برای همه امری ضروری و الزامی است. از منظر اسلامی نیز مود تأیید می‌باشد. به نقل از آیت ... **جوادی آملی**: «آنچه علمی به مفهوم نتایج علوم تجربی است، رعایت آنها هم عقلانی است و هم اسلامی و تا توسط آزمایشهای جدید نقض نشده است، علمی و اسلامی است»^۱.

این همان علمی است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند آن را بیاموزید، حتی اگر در چین باشد^۲ و عقل جزئی و معیشتی همه انسانها اعم از مؤمن و غیر مؤمن می‌توانند آنرا کشف نمایند و خداوند در قرآن می‌فرماید: (من کان یرید الاخرة نزد له فی حرثه و من

^۱ رجوع شود به کتاب «علم و دین» نوشته آیت ... جوادی آملی.

^۲ وسائل الشیعه، ج ۱۸؛ ص ۱۴

كان يريد حرث الدنيا نؤته منها و ما له في الآخرة من نصيب - ٢٠/شوری) یعنی آنها که طالب دنیا هستند، حاصل دسترنجشان را به آنها می‌دهیم ولی از آخرت نصیبی نخواهند داشت^۱، این فرآیند در پرتو صفت رحمانیت خداوند که برای عموم است فهمیده می‌شود و هر کس در هر دوره تاریخی، نژادی و کشوری در این علوم زحمت کشیده و پیشتاز بوده‌اند، که گاهی در شرق و گاهی در غرب می‌باشند بهره‌مند می‌شوند و اما صفت رحیم، برای خواصی است که برای تکامل جوهری خود تلاش می‌نمایند و فرایند آنها، سعادت جاودانی و پایدار است. (رحمانیت خداوند همه موجودات را در بر می‌گیرد و رحیمیت مخصوص خواص از انسانهاست)

● آیا بفرض رعایت مسائل زیست محیطی، جامعه انسانی در ظل مکاتب مادی و فرهنگ لیبرال سرمایه‌داری غرب به آن دو مؤلفه دیگر پایداری، یعنی «رونق اقتصادی» و «عدالت اجتماعی» خواهد رسید؟ آیا سرمایه‌داری به ظاهر رقابتی و اشباع‌ناپذیر که ترکیبی از حرص و ولع برای کسب قدرت و ثروت است می‌تواند حقوق اکثریت آسیب‌پذیر جامعه را تأمین نماید؟ آیا آزادی نفس حیوانی و لجام گسیخته انسان، که به زشتی و شر امر می‌نماید (ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی - ٥٣/یوسف)^۲، بدون تربیت و هدایت عقلانی و وجدان درونی او، که حاصل آن برای انسان باید همراه با حکمت و تزکیه نفس و دوری از شر و پلیدی باشد می‌تواند عدالت اجتماعی و آرامش و امنیت روحی برای انسان‌ها را فراهم آورد؟

در قرون گذشته، کشورهای پیشرفته صنعتی، که با قدرت خود اکثر کشورها و ملت‌های جهان را استثمار نمودند و به قیمت جنگ‌های خانمان‌برانداز و جنایت‌های مکرر جهانی به ثروت و رفاه مادی در جامعه خود رسیدند، آیا توانستند عدالت اجتماعی، حتی در کشور خود ایجاد نمایند؟ جنگ‌های اول و دوم جهانی بین کشورهای به اصطلاح پیشرفته صنعتی اروپا و آمریکا با ده‌ها میلیون کشته و شهرهای ویران شده و در نهایت استفاده از بمب‌های اتمی در هیروشیما و ناکازاکی ژاپن و نابودی نسل‌ها و کشتار وحشیانه ویتنام در گذشته و در زمان معاصر جنبش‌های وال استریت در همین کشورها پاسخ بسیار قاطع و روشنی به سؤال ما است.

در بعد معنوی و اخلاقی، آیا آزادی نفس حیوانی و غریزی انسانها در جوامع لیبرال، آرامش و امنیت روانی و روحی پایدار و تکامل برای آن جوامع ایجاد نموده است؟! نابودی ارزشهای اخلاقی، کانون خانواده و عواطف انسانی، کودکان بی‌سرپرست، بزرگسالان غریب و تنها، افزایش آمار خودکشی و بیماریهای روانی در کشورهای صنعتی پاسخی قطعی به پرسش ما نیست!!

● نکته بسیار مهم و اساسی در این است که بر فرض تحقق «رونق اقتصادی» و «عدالت اجتماعی» آیا صیورورت و کمال جوهری و مقدر انسان‌ها، که همه هستی برای آن آفریده شده است، محقق خواهد شد؟ **آیا به طور کلی عقول جزئی و تجربی ما، می‌تواند جهت و غایت کمال انسان‌ها را تبیین نماید**، تا معماری و شهرسازی بتواند ضمن تأمین نیازهای مادی انسان‌ها، بستر ساز نیازهای روحی و معنوی آنها باشد و پایداری به مفهوم انسانی و الهی آن تحقق یابد و معماری و شهرسازی هماهنگ با قوانین آفرینش طراحی و اجرا شود؟

● **از منظر اسلامی، عقل جزئی، تجربی و بالفعل ما، هرگز نمی‌تواند جهت و غایت وجودی و حقیقی ما را ترسیم و تبیین نماید**، زیرا این عقلی که تحو رهبریت معنوی و الهی قرار نگرفته است به صورت بالقوه، ناخودآگاه و تکوینی نیازش را احساس و مطالبه می‌کند، اما به قول قرآن کریم انسان از وقتی که مادر متولد می‌شود هیچ چیز نمی‌داند. در حالیکه انسان بالفعل مانند مسافری است، که به شدت انگیزه مسافرت دارد، نیروئی غریزی او را به حرکت می‌آورد اما نمی‌داند به کجا و از چه راهی باید حرکت کند، هیچ معیاری برای ارزیابی راه رفته ندارد، آیا به مقصد نزدیک شده یا دورتر؟، به هر مقصد مادی که می‌رسد، مدت محدودی راضی می‌شود ولی هرگز اشباع نمی‌شود. سرنوشت مختوم

۱ سوره مبارکه شوری، آیات شریفه ۲۰

۲ اشاره به سوره مبارکه یوسف آیه شریفه ۵۳

چنین انسانی «نیپیلیسم و آنارشیزم» و پوچی در نظر و هرج و مرج در عمل است. اکثر سبکهای هنری و معماری و شهرسازی تبلیغاتی و صادراتی دوران معاصر غرب ناشی از نسبی گرایی و شکاکیت در حوزه معرفت شناسی و انسان شناسی در آن فرهنگ و نتیجه دور ماندن از وحی الهی است که خدایی در آن وجود ندارد. سبکهای جزئی نگر، کمی گرا، (فورمالیستی)، غیر انسانی، غیر مهندسی و اقتصادی، بت واره، ضد محیط زیست، خود نما، متکبر و سلطه طلب و... است.

● **ما مسافرانی هستیم که احتیاج به خود آگاهی در تعیین مقصد و احتیاج به رهبر معنوی داریم** که راه حقیقت را رفته و آشنا بدان است و برای طی مسیر عرفانی و گذشتن از هفت شهر عشق به تعبیر عطار و عبور از موانع هفت خان رستم به سخن شاهنامه فردوسی انسان ها را بدرستی راهنمایی کنند و در این رابطه آیه مبارکه قرآن می فرماید: «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ-۶/انشقاق^۱» یعنی انسان با رنج ها و تلاش های زیادی که دارد سر انجام به حضور پروردگار خود می رود و او را ملاقات می کند

ضرورت ارسال پیامبران برای تشریح خطا ناپذیر مسیر تکوین انسانها و تعیین دلیل و راهنمای معنوی راه یعنی انسان کامل و امام معصوم (س)، در آخرین وصیت پیامبر اکرم (ص) به عنوان دو اصل و ثقل تفکیک ناپذیر آمده است که حاصل بعثت همه پیامبران الهی معرفی شده است در حدیث ثقلین: (انی تارکُ فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیتی) ملحوظ شده است و لذا از منظر اسلامی دو مؤلفه و وزنه بنیادی یعنی **مکتب اسلام و ولایت امام معصوم (س)**، تنها راه تبیین معیارهای نظری و عملی برای مهندسی جامعه رو به تکامل است، که در آن جامعه مبتنی بر حدیث (الدنیا مزرعة الآخرة) محیط زیست طبیعی و مصنوعی (یعنی معماری و شهرسازی) مزرعه و وسیله حیات طیبه انسان ها در جهت فلاح و رستگاری آنها باشد.

(هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین- ۲/جمعه) یعنی اوست که در میان امیین که نوشتن و خواندن نمی دانستند پیامبری از جنس خودشان بر انگیخت تا آیاتی که بر او وحی می شود بر آنها بخواند و آنها را از درون پاکیزه گرداند و کتاب قرآن را بیاموزاند و حکمت و دانش را به آنها یاد دهد در حالیکه قبل از این در گمراهی و نادانی آشکاری بسر می بردند.

دنیا مزرعه و محل کشت آدمی است تا در آخرت مورد استفاده و بهره برداری قرار دهد، در معنی و درک بهتر این سخن، نگاه کنید به این دو بیت دانشمند و معمار و حکیم و فقیه بزرگ دوره صفویه، شیخ بهایی علیه الرحمه:

تا منزل آدمی سـرای دنیاست کارش همه جرم و کار حق لطف و عطاست
خوش باش که آن سرا چنین خواهد بود سالی که نکوست از بهارش پیداست

● **بنده معتقدم که در زمین دشمن نباید بازی کرد و نظرات آنان را پذیرفت و ترجمه ای فکر نمود، ما باید رویکردهای معاصر غرب را در هر زمینه ای بشناسیم و از منظر اسلامی، نقد و ارزیابی نمائیم**، نقاط مثبت آنرا که طبیعتاً در حوزه علوم تجربی است، آموزش ببینیم و در حوزه مسائل معنوی و کمال انسانی، راه حل های خود را از مکتب خطاناپذیر و جامع اسلام در نظر و عمل استنباط و استنتاج نمائیم. **این مباحث نیز به راحتی در مجامع عمومی قابل ارائه نیست و بیش از همایش ها ما نیاز به کارگاههای دانش افزایی داریم، امید است به کمک دانشکده های معماری و مراکز تحقیقاتی حوزه و دانشگاه این امر میسر شود.** (پیشنهاد مهم که بایستی پیگیری شود)

● **به عنوان یک جمع بندی از وضع موجود معماری و شهرسازی در کلان شهرهای ما، این نکته را عرض می کنم، اگر طرح های جامع و تفصیلی شهرها، که توسط معماران و شهرسازان متعهد و متخصص تهیه شده است و عالمانه است، فروش تراکم اضافه بر آنها و تغییر کاربری های خدماتی به مسکونی و تجاری حرام و تجاوز به حقوق شهروندان**

^۱ سوره مبارکه انشقاق آیه شریفه ۶.

تلقی شود. در حالیکه می دانیم، متأسفانه تعیین **تراکم های مسکونی و تجاری** معمولاً بیش از استانداردهای تعیین شده و سرانه های خدماتی کمتر از استانداردهای لازم و ضروری است و اغلب توسط کارفرمایان ابلاغ و به مهندسان مشاور تحمیل می شود و در نقطه مقابل باید گفت اگر معماران و شهرسازان ما نیز با علم لازم و درایت کافی طراحی نمایند و نیازهای معنوی انسان ها را در نظر بگیرند و قصد خودنمایی و شهرت طلبی و ثروت اندوزی داشته باشند، عملاً به جامعه انسانی خیانت نموده اند. **نکته بسیار مهم در شرایط فعلی انجام اکثر امور تخصصی در حوزه های برنامه ریزی، قانون سازی، مدیریت ها، طراحی و اجرای معماری و شهرسازی ما در بخش دولتی و به خصوص بخش خصوصی توسط افراد غیر حرفه ای، صاحبان قدرت و ثروت و به اصطلاح بساز و بفروش ها انجام می شود و این تجاوز به فرهنگ و تمدن این مرز و بوم و ستم به نسلهای امروز و آینده این کشور است.**

○ راه حل نهایی و اساسی

راه حل اساسی و بنیادی در تحول و **ارتقاء علوم انسانی است**، که مقام معظم رهبری بارها تأکید نموده اند و آغاز آن اصلاح سرفصل و محتوای دروس رشته های معماری و شهرسازی در دانشگاهها است که با همت اساتید متعهد و متخصص آغاز شده است. ما باید در آموزش ها و پژوهشهای دانشگاهی احیاء معماری و شهرسازی را مبتنی بر فرهنگ اسلامی – ایرانی محقق نموده و در جامعه نیز اولاً مدیران بخشهای دولتی و خصوصاً را مبتنی بر دو مؤلفه تفکیک ناپذیر تعهد و تخصص انتخاب نماییم. از آنجا که مباحث معماری و شهرسازی، مباحثی میان دانشی و چند تخصصی است، مدیران مربوطه نیز باید اصل مشورت با خبرگان تخصص های متنوع و احترام به نتایج آنها همواره در نظر و عمل رعایت نمایند. بدیهی است معماری و شهرسازی که در شأن جمهوری اسلامی و ملت عزیز ما باشد، در بستری تاریخی و ایجاد ساختارها و تأسیسات زیر بنایی اعم از اقتصادی، فناوری و فرهنگی میسر خواهد بود **نیاز به برنامه ریزی های کلان، بنیادی و ملی** دارد و می تواند مبتنی بر فرهنگ اسلامی، مدلی بی بدیل از تمدنی انسانی و پیشرفته را به جهان تشنه معاصراهداء نماید.

والسلام علیکم و رحمت ا... و برکاته

پرسش ها و پژوهش ها (مقاله سیزدهم)

- ۱) در آیه مبارکه : (و لا تدع مع الله الها الا هو کل شئ هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون -۸۸/قصص) **هالک** یعنی همه موجودات از جمله انسان نابود می شوند و آنگاه **الیه ترجعون** به این معنی است که انسان به سوی خدا باز می گردد ، از این دو چگونه به یک جمع بندی می رسید؟
- ۲) چرا معماری اصالت ذاتی ندارند؟ موضوع پایدار یا ناپایدار آن مفهومی نخواهد داشت؟
- ۳) یک معمار باید کدام نیاز انسانها را پاسخگو باشد؟
- ۴) از نظر آیت الله جوادی آملی کدام موضوع و با چه ویژگی هایی **علمی و اسلامی** بحساب خواهد آمد؟
- ۵) **در مانیفست های بین المللی** و سازمان ملل برای شهرسازی از چه مؤلفه ای نام می برند؟
- ۶) این جمله را تجزیه و تحلیل نمائید: **[معمار و شهر ساز باید بتواند نیازهای حداقل مادی انسانو نیازهای روحی و معنوی او را بستر سازی نماید]**
- ۷) چرا نظام سرمایه داری در رسیدن به **رونق اقتصادی و عدالت اجتماعی** ناکام مانده است ؟ نظرتان در این رابطه چیست؟
- ۸) **پایداری** در ابعاد انسانی و الهی معماری به چه معنی است؟
- ۹) چرا اکثر سبک های هنری و معماری و شهرسازی غرب ناشی از **نسبی گرایی و شکاکیت** در حوزه معرفت شناسی است ؟ چرا این روند مشکلات غرب را حل نکرده است؟
- ۱۰) در باره این جمله تحقیق و مطالعه نموده و نتیجه گیری ارائه نمائید: **[مکتب اسلام و ولایت معصومین تنها راه تبیین معماری نظری و عملی برای مهندسی جامع رو به تکامل است]**
- ۱۱) با توجه به آیه مبارکه ۲ سوره جمعه ، منظور از **ارسال رسل** چیست؟

۱۲) چرا نباید **ترجمه ای فکر کرد** و به اصطلاح در زمین دشمن بر اساس خواست و منافع آنان بازی نمود؟ شما در این باره چگونه می اندیشید؟

۱۳) چرا در دانشکده های معماری پیش از شرکت در همایش ها نیاز به **کارگاه های دانش افزایی** داریم؟

۱۴) تعیین **تراکم های مسکونی و تجاری** در سطح شهر تهران و دیگر شهرها که بیش از حد استانداردهای آن است چه خسارت هایی را نصیب شهرها خواهد نمود؟ بررسی و جمع بندی نمائید؟

مقاله چهاردهم

(کاربردی - معماری و شهرسازی)

(ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مباركة و هدى للعالمين - ۹۶/آل عمران)
اولین خانه ای که برای عبادت خدای متعال بنا شده است خانه مکه است که در آن برکت و هدایت مردم قرار داده شده است

تحلیل ساختار فضایی بیت الله الحرام

و تأثیر آن بر

معماری و شهرسازی دوران اسلامی ایران

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

لازم است چند نکته را به عنوان متد و شیوه علمی قبل از ورود به بحث اصلی در این تحلیل به عنوان مقدمه مطرح شود:

➤ از دیدگاه معارف الهی و حکیمانه اسلامی، از آنجایی که همه جهان برای رشد و تعالی انسان متعهد و مسئول است. بنابراین کلیه علوم انسانی و از جمله حوزه مهم «هنر و معماری و شهرسازی» را، فقط در رابطه با سعادت و رستگاری و تعالی او مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. و با توجه به این تعریف نگرش استقلالی به هنر و معماری، یعنی هنر مستقل از انسان، مترادف با مفاهیم عبث و پوچ و لهُو و لعب و مقابل تحلیل حکیمانه قرار خواهد گرفت.

➤ در متد بررسی و تحلیل حکیمانه اسلام، بررسی ارزش‌ها و مفاهیم نظری که مستقل از اراده و اختیار انسان هویت الهی دارند «حکمت نظری» عهده دار است و ارائه راهبردها و رهنمودهای کاربردی را که تحقق آنها وابسته به انتخاب و اراده انسان است «حکمت عملی» گفته می‌شود. که هر کدام در جایگاه خود به مثابه «جهان بینی» و «ایدئولوژی»، یک مکتب کامل و جامع را ارائه می‌نمایند. در حکمت نظری وظیفه ما معرفت و شناخت و تسلیم و خشوع است و در حکمت عملی اراده و همت و ابداع و ابتکار بعد از روشن شدن بایدها و نبایدهای مکتبی پا به عرصه می‌گذارد.

بنابراین بررسی و تحلیل ما در هر فرایند انسانی موقعی حکیمانه و جامع خواهد بود که از هر دو بعد (حکمت نظری و حکمت عملی)، کار مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت هدف از کار باید علاوه بر تأمین نیازهای مادی، هماهنگ و زمینه ساز سیر متعالی انسان باشد.

➤ در مورد رابطه کالبد و محتوی در هنرها و در اینجا طراحی و تأثیر هندسه بر روی انسان باید گفت معارف قدسی و معنوی ما هنر را از حیث محتوی، نوعی معرفت می‌دانند و از این بُعد، عین «حکمت و عرفان» می‌توان نامید.

بنابراین اول آنکه بین مظاهر مختلف حیات انسان نظیر علم و حکمت و هنر و فلسفه و دین و اخلاق و ... با باستان شناسی و تاریخ و اقتصاد، از بعد محتوی و مفاهیم انسانی هرگز جدایی نمی‌بیند.

دوم آنکه، شکل و کالبد را هرگز دارای این «هنر» نمی‌شناسد که بتواند معارف عقلی و مفاهیم برهانی را منتقل کند و یا مشهودات عرفانی و حقایق ملکوتی را به تصویر کشد، بلکه شکل و کالبد در نهایت می‌تواند بستر و زمینه ای باشد به صورت نشانه و رازگونه (سمبلیک) که مفاهیم برهانی و مشهودات عرفانی را در مرحله خیال (متمثل) نماید، نظیر پدیده های عالم تکوین و جهان آفرینش که در مجموع اسماء حضرت حق را متجلی می‌سازند.

➤ آخرین کلام این که «هنر» می‌تواند بر انگیزاننده فطرت و یاری دهنده انسان در سیر باطنی او از زیباییهای محسوس به زیباییهای معقول و زیباییهای ملکوتی باشد و این مراحل بدون شناخت و انتخاب و اراده انسان تحقق نمی‌یابد و از این بُعد، هنر و معماری و شهرسازی و در اینجا هندسه وسیله است و «خلوص نیت و اراده و اخلاص انسان» هدف اصلی است و هنرمند تا خود حکیم و عارف نباشد هرگز نمی‌تواند این نقش پیامبرگونه و این رسالت انسانی - الهی را اول بشناسد و آنگاه به ثمر رساند و در عمل به تصویر بکشد.

۱- تاریخچه بنای کعبه مکرمه :

در تاریخچه اجمالی احداث این مجموعه اجمالاً آنچه را از تعدادی از آیات و روایات برداشت می‌شود، یادآوری می‌نماید که خانه کعبه اولین خانه ای است که به امر خداوند و بدست اولین پیامبر (حضرت آدم ع) بر اساس و قواعد توحید و دوری از شرک و بت پرستی احیاء می‌گردد و در نهایت در عصر ظهور اسلام و در سالی که پیامبر اکرم (ص) متولد شدند پس از معجزه نجات خانه کعبه از چنگال لشکریان ابرهه و در حالی که خانه توحید به محلی برای پرستش بتها تبدیل شده بود، در فتح مکه به دست رسول

خدا (ص) و امیر مومنان (ع) با شکستن بتها از نما و سطوح داخلی و خارجی آن، مسجد الحرام و کعبه محتوای واقعی و توحیدی خود را باز می یابد.

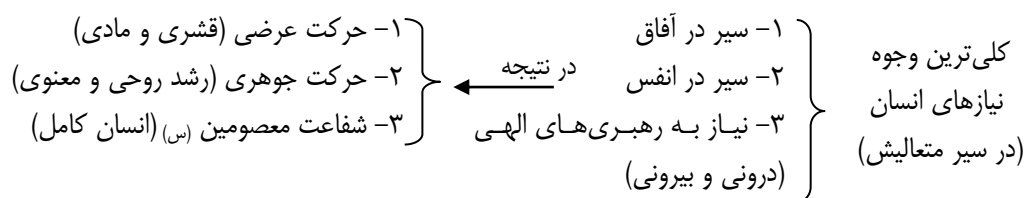
خداوند طراحی آنرا به خود نسبت داده، و مجری آن پیامبران بوده اند و برای انجام مراسم و هدایت معنوی انسان ها طراحی شده است. و لذا آنرا محترم و مبارک و هدایت کننده و موجب قیام برای همه عالمیان قرار داده است. و نکته بسیار جالب آنکه گاهی آنرا **خانه خدا** (بیت الله الحرام) و زمانی آنرا **خانه مردم** (وضع للناس) می خواند^۱.

قطعاً این مجموعه بی نظیر مانند هر مقوله مذهبی - اسلامی، در ظاهر و باطن، اقیانوس بیکرانی از توجه به خدا و توحید و اخلاص است که ما در این فرصت کوتاه فقط از بُعد رابطه و تاثیر متقابل (انسان - فضا) اجمالاً برداشتهایی را به امید ارشاد و اصلاح آن توسط حکیمان و محققین مطرح می نماییم. مجموع مراسم و مناسک حج تمتع در دو قسمت «حج ظاهر» و «حج باطن» خلاصه می شود که ما در این مقال بیشتر به عناصر حج ظاهر پرداخته ایم.

بطور مقدمه می دانیم که **حج از نظر معنی، به مفهوم «سیر و حرکتی با هدف و جهت دار...» می باشد** و انسان ها پس از پاکسازی مادی و معنوی خود و بیرون آوردن لباسهای تشخص و وابستگی های قشری، نیت حضور و دیدار یار بر دل می گذارند و لباس پاک و ساده و سفید احرام پوشیده به وعده گاه دوست می شتابند.

۲- نیاز های کلی انسان در سیر و سلوک معنوی

با توجه به متد حکیمانه، ابتدا لازم است کلی ترین وجوه نیازهای انسان را در حرکت تکاملی و سرآمد متعالیش که در سه بُعد ذیل و نتایج آن خلاصه می شود مطرح نماییم و سپس به تجزیه و تحلیل فیزیکی عناصر مجموعه بپردازیم.



از نظر معارف ما این سه بعد از نیازها و نتایج آن حداقل وجوهی است که یک انسان یا جامعه انسانی برای رشد و تعالی و سعادت جاودانی خود نیاز دارد و باید زمینه هر سه آنها در کنار هم فراهم شود تا انسانها در حیات دنیوی و در واقعیت موجود زندگی سیر کمالی داشته باشند، در غیر اینصورت از شمول فطرت و سنتهای الهی خارج و مشمول کلمه (شجره خبیثه) و فساد و تباهی قرار می گیرند و در آن به هلاکت می رسند.

همانطور که «دنیا مزرعه آخرت» است، رابطه «سیر در آفاق و شناخت و تسخیر طبیعت» نیز با «سیر در انفس و پی بردن به توانمندی های درونی انسان» رابطه زمین و مزرعه بعنوان عمل و رفتار آدمی با محصولی که از آن بدست می آید به عنوان نتیجه عمل صالح است، که هر دو لازم و ملزوم و زمینه ساز یکدیگرند، اگرچه منظور باغبان کشت میوه است پس **منظور از عملکرد انسان رسیدن به نتیجه عمل در آخرت است..**

۳- تحلیل و بررسی فیزیکی مراسم حج بیت الله الحرام

دراین مجموعه که از سه قسمت جداگانه تشکیل یافته است باید حاجی بطور کامل و با دقت این مراسم را انجام می دهد:

♣ هفت بار طواف به دور خانه کعبه

^۱ - سوره آل عمران آیات ۹۷، ۹۶، ۹۵ و سوره مائده آیه ۹۷

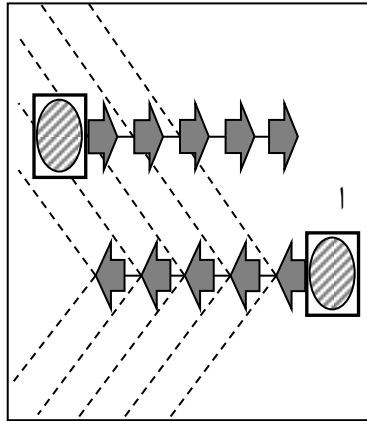
♣ هفت بار سعی بین دو کوه صفا و مروه

♣ دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم

۴- تجزیه و تحلیل سعی بین صفا و مروه^۱

در این حرکت که انسان حول یک محور طولی و یک خط مستقیم در دامن طبیعت **یک مسیر رفت و برگشت** را طی می کند،

نکات ذیل احراز می گردد:



نمودار شماره ۱- حرکت انسان در
سعی بین کوه های صفا و مروه
(انسان متحرک- نقطه دید هم متنوع و
متغیر و متحرک)

✱ در این حرکت خطی انسان عازم و رونده با توجه به زاویه طبیعی دید که به سمت افق است میدان دید او نیز که عرصه طبیعت مقابل واقع شده است **متنوع و متغیر و متحرک** است.

✱ در این حرکت رسیدن فیزیکی به نقطه دید (محل رؤیت سراب) ممکن می- باشد.

✱ مقصد در این حرکت یک موجودیت مادی یعنی (آب) بوده، که هاجر مادر اسماعیل برای فرزند خردسال خویش در مسیر دو کوه سنگلاخ صفا و مروه در تلاش جدی بوده است که در حقیقت چون سرآب می دیده است هیچگاه به آب نمی رسد... گر چه با اذن الهی در زیر پای کودک چشمه زمزم جاری می شود، و این زمزم نشانه ادامه حیات معنوی و توحید خدایی است که توسط پیامبر و بویژه توسط زهرای اطهر که کوثر و خیر کثیر است به سراسر عالم می رسد.

✱ در این مسیر با (سرعت دادن به حرکت) انسان، (تنوع و تغییر و تحرک) میدان دید بیشتر می شود.

✱ هفت بار تکرار رفت و برگشت این حرکت به منزله کثرت و بی نهایت تکرارشونده تلقی می شود. بطور

خلاصه با توجه به نمودار ارائه شده می توان اینگونه جمع بندی نمود :

انسان: متحرک

میدان دید انسان: عرصه طبیعت، متنوع، متغیر و متحرک

رسیدن فیزیکی به هدف مادی: امکان دارد

ماهیت و واقعیت هدف: به شکل سراب و غیر واقعی ظاهر می شود

تکرار حرکت: کثیر و تأثیر گزار

۵- تجزیه و تحلیل طواف بیت الله الحرام

در این حرکت، انسان پیرامون یک فضا با حجم مکعب (خانه کعبه) یک مسیر دایره را در حالی طی می نماید که سمت راست

او طبیعت (عالم کثرت) است و او باید روی خود را به سوی خانه کعبه (پدیده مصنوع به صورت فضای مکعبی شکل) همواره ثابت نگهدارد، این حرکت یک نوع گردش بدور کانون مرکزی است که جهت و نقطه دید انسان همواره ثابت است.

○ در این حرکت انسان «متحرک» و نقطه دید او «ثابت» است (فضایی با کالبد مکعب به نام خانه خدا یا خانه قیام انسانها).

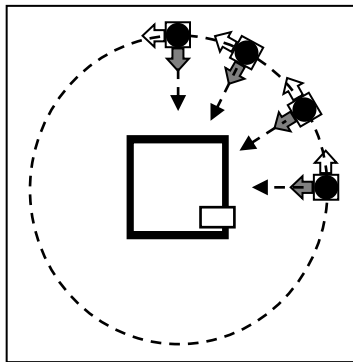
^۱ - مسیری که حضرت هاجر بالتهاب برای یافتن آب جهت رفع تشنگی یگانه فرزندش حضرت اسماعیل (ع) به دنبال (سرآب) می دود.

- در این حرکت پیرامون یک دایره انسان از نظر فیزیکی به نقطه اولیه باز می گردد و رسیدن مادی به نقطه دید (خانه کعبه) ممکن نیست و رابطه از نوع نامرئی (جاذبه) میسر است. نقطه دید یک توجه ذهنی و درونی و قلبی را می طلبد (بطور مثال رابطه اقمار با خورشیدها و فرزند با مادر از راه دور).
- مقصود از این گردش حول کانون مرکزی (خانه کعبه یا خانه خدا)، دسترسی فیزیکی یا حضور مادی در خانه نیست، بلکه هدف از مشاهده و توجه و درک این خانه «محترم» رسیدن به «مبارکی و هدایت و نهایتاً قیام انسانها» است.
«مقصود من از کعبه و بتخانه توئی تو مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه»
- در این گردش، با سرعت بخشیدن به حرکت انسان تنوع و تغییر شاخصی در نقطه دید ایجاد نمی شود و نقطه دید ثابت است (وجوه و یالهای متشابه و یکنواخت یک مکعب).
- هفت بار طواف نیز به منزله کثرت حرکت و تداوم تکرار شونده می باشد و لقاء یک سیر دائمی.
- در این حرکت با ادای جملاتی نظیر (لبيک، اللهم لبيک، لا شریک لک لبيک، لک الحمد و لک الشکر...) از مفاهیم و زیباییهای معقول جهت سیر از (محسوس مادی) به (درک و فهم عقلی) استفاده می شود.

در یک جمع بندی کلی مطالب گفته شده در طواف دور کعبه می توان به این ترتیب

هم بیان نمود:

- انسان = متحرک
- حرکت پیرامون یک دایره
- کانون دید یک پدیده مصنوع و واحد (یک فضا به شکل مکعب)
- با ازدیاد سرعت حرکت انسان، کانون دید (تنوع و کثرت و تحرک) نمی یابد.
- با تداوم حرکت و ازدیاد سرعت انسان (رسیدن فیزیکی به کانون دید محال است)
- رابطه انسان با کانون دید به کمک بیان مفاهیم عقلی و بصورت جاذبه معنوی و روحی است (تسهیل کننده سیر انسان از درک محسوس و مادی به درک و فهم عقلایی است).



نمودار شماره ۲- حرکت طواف به دور خانه کعبه
(انسان متحرک- نقطه دید ثابت)

۶- تجزیه و تحلیل فیزیکی نماز

- منظور دو رکعت نماز در پشت مقام حضرت ابراهیم(ع) که به سمت خانه کعبه اقامه می شود :
- نماز (صلوة) در معنای لغوی (به مفهوم مهار کردن و در بند نمودن آتش) آمده و در آیات و روایات به مفهوم (ستون دین و معراج مومن و نور مومن و زمان حضور و ملاقات و دیدار یار محبوب و حضرت حق ...) معرفی شده است.^۱
- در این مراسم عبادی، انسان و نقطه دید او هر دو (ساکن) هستند.^۲
 - سرعت و تغییر مکان فیزیکی نقشی نداشته بلکه حرکات آرام انسان در یک نقطه با طمأنینه و آرامش توصیه می-شود.
 - در این حرکت دسترسی فیزیکی به نقطه دید تأمین و مقصد حضور قلب و بازشدن چشم جان است.^۳

^۱ - (الصلوة عمودالدین) - (الصلوة معراج المومن) - (الصلوة نورالمؤمن) - (حضرت علی (ع) می فرمایند : (حی علی الصلوة) یعنی بشتابید برای ملاقات پروردگار

^۲ - انسان در یک نقطه ساکن و در حال (قیام و رکوع و سجود)

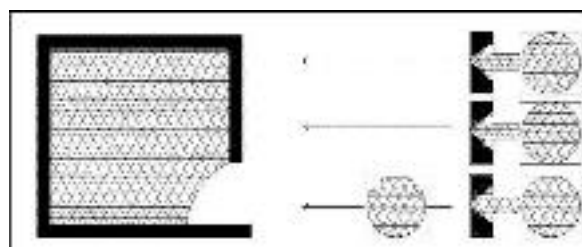
^۳ - چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی

- در این مراسم با توقف حرکت ظاهری و مادی، سیر از ظاهر به باطن و عروج روحی انسان امکان‌پذیر و میسر می‌شود.
- در این مراسم، جهت برای همه انسان‌ها ثابت است (سمت قبله خانه خدا و خانه قیام انسان‌ها)
- مکان پذیرفته شده این مراسم از پشت محل مقام حضرت ابراهیم (ع) است. (یعنی به بت‌عیت و پیروی از رسول و امام)^۱

جمع بندی کلی:

- ◆ انسان در یک نقطه ساکن است (تغییر مکان فیزیکی نیست و سرعت هم معنی ندارد). که به طمأنینه توصیه می‌شود.
- ◆ نقطه دید فیزیکی انسان ساکن و ثابت است.
- ◆ هدف در این مراسم باز شدن چشم جان و ملاقات پروردگار است.
- ◆ سکون مادی و بیان و درک مفاهیم عقلی و حضور قلب تسهیل کننده این سیر باطنی است.
- ◆ جایگاه این عروج پشت سر امام و رسول و به اطاعت از آنهاست.
- ◆ جهت این سیر برای همه انسان‌ها ثابت است (خانه کعبه)

خانه کعبه



(انسان ثابت - نقطه دید ثابت با تمرکز روحی و قلبی)

محل نماز گزاران

مقام ابراهیم

نمودار شماره ۳- دو رکعت نماز در پشت مقام ابراهیم به سوی خانه کعبه

برداشت ها و نتایج (بخش گذشته):

- با توجه به بررسی های فوق و مجموع مفاهیم و ارزشهایی که در فرهنگ غنی و سرشار اسلامی چه از نظر تاریخی و چه از نظر آیات و روایات و غیره ... می شناسیم، ملاحظه می نماییم که:
- حرکت خطی انسان در دامن طبیعت (حرکت سعی) بهترین زمینه ای است که انسان را در زمان معین هر چه بیشتر با پدیده ها و عناصر مختلف (غیر از خودش) در ارتباط و در معرض درک از طریق حواس پنجگانه قرار می گیرد. بنابراین، این حرکت برای انسان بهترین وسیله «سیر در آفاق» می باشد.
 - حرکت انسان پیرامون یک دایره و حول کانون مرکزی آن یعنی «خانه کعبه» که یک «پدیده مصنوع و واحد با یالها و وجوه متشابه و منظم» است آنها در یک زمینه طبیعی و آزاد، کاملاً برانگیزاننده جلب توجه بوده و به کمک

آنچه بینی دلت همان خواهد آنچه خواهد دلت همان بینی

^۱ - حضرت ابراهیم (ع)، شیخ‌الانبیا و پیامبری که علاوه بر مسئولیت رسالت، مسئولیت امامت نیز داشت.

کلمات و مفاهیم، زمینه تأمل، تفکر، تعقل و تذکر انسان می تواند باشد، که همه این صفات مقدمات سیر درونی انسان است.^۱

● در مراسم عبادی نماز، که انسان در محل خود (ساکن) و نقطه دید او نیز (واحد و ساده و ساکن) و در مجموع با طمأنینه و آرامش بوده، یعنی (حواسش جمع است)، به کمک بیان و درک مفاهیم عقلی باید به شرط قبولی نماز یعنی (حضور قلب) برسد.

● حضور قلب یعنی همان باز شدن دیده جان و سیر باطنی و جوهری و برای انسانهای کامل و ورود به عالم مشهود و زیارت حضرت حق.

در یک جمع بندی کلی ملاحظه می شود:

تجربه (فضایی - حرکتی) انسان در این مجموعه (هندسی - فضایی) بصورت یک سیستم (جامع و مکمل) زمینه ساز سیر انسان از (جهان کثرت) به (جهان وحدت) و از (حیات دنیوی و سیر در آفاق و حرکت عرضی) به (حیات روحی و سیر در انفس و حرکت جوهری) یاری و امداد می نماید.^۲ مشخص است که نبود هر کدام از عناصر این سیستم به حرکت طبیعی این سیر لطمه خواهد زد.

۷- تأثیر معنوی و ماهوی کعبه و رمی جمرات بر انسان حج گزار

این دو پدیده ظاهری سیر پرستش انسان از (منهای بی نهایت شرک) تا (قله رفیع توحید) را به نمایش می گذارند. بدوی ترین نوع پرستش در تاریخ عبادت بتها و توتّم های سنگی است و مظهر آخرین مرحله عبادت توحیدی (خانه کعبه) است. کعبه در آیات الهی بانام (بیت) به معنی خانه معرفی شده و در قرآن چند چیز مایه آرامش و آسایش معرفی شده نظیر (خانه، همسر و شب) که به نظر آرامش فیزیکی و مادی می باشد و از طرفی (یاد خدا) را موجب آسایش و اطمینان قلبی و روحی اعلام می نماید (الا بذکر الله تطمئن القلوب-۲۸/رعد) یعنی: آرامش مادی وابسته به عوامل خارجی است و آرامش قلبی به اراده و انتخاب انسان وابسته می باشد.

۸- تأثیر فضاهای معماری مسجد الحرام و کعبه بر انسانی که آهنگ رسیدن به حضرت دوست دارد

❖ از دید بیننده ای که برای اولین بار کعبه را می بیند:

این حجم مکعبی شکل در دامن و زمینه طبیعت بکر و مظاهر نامنظم به عنوان یک پدیده مصنوع و منظم یک خلاقیت عظیم و یک ابداع و نوآوری بی نظیر تلقی می شود.

❖ وجوه و یالهای این حجم (بخصوص با وجود یک در) بصورت یک پوسته و پوششی برای فضای درونی آن تلقی می شود و انسان را به درون می طلبد.

❖ مساوی بودن سه بعد (طول و عرض و ارتفاع) و داشتن زوایا و یالهای قائم و وجوه متشابه تقریباً این حجم را بصورت مناسبترین شکل برای ایجاد، سادگی، یکنواختی و هماهنگی و ایجاد تعادل، توازن، آرامش و سکون برای انسان نموده و هر چه بیشتر انسان را متوجه ماوراء پوسته و فضای داخلی آن می نماید.

❖ کیفیت فضای درونی:

♣ در میان بی نهایت اشکال منظم و نامنظم (پلان مربع) بدلیل صفرشدن برآیند محورهای طولی و عرضی و ارتفاعی، انسان را بیش از هر شکل دیگر به سکون و آرامش دعوت می نماید.

^۱ - در اکثر آیات پس از تشویق به سیر در آفاق بلافاصله سؤال می شود آیا (تفکر، تدبّر، تعقل و ...) نمی نمای.

^۲ - واین همان سیر استکمالی انسان است که هدف نهایی (هنر، مذهب، عرفان، اخلاق و خلاقیت و ابداع ممتاز) می باشد.

♣ وجوه ویال‌های چهارگانه و قائم آن منطبق بر وجوه چهارگانه فیزیکی انسان شده و کمترین جاذبه حرکت را بر روی انسان دارد، فضایی کاملاً متعادل، متوازن، ساکن و آرام است. برای مثال سایر اشکال منظم و نامنظم را در رابطه با حضور انسان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

♣ در دایره یا گره، انسان به یک حرکت دوری و گردشی تشویق می‌شود.

♣ در یک مستطیل یا مکعب مستطیل انسان نسبت به طول بزرگتر جاذبه حرکتی دارد.

♣ زوایای بسته و باز و طول‌های کوچک و بزرگ در مثلث و لوزی حالت قبض (ناراحتی) و بسط (سرور و خوشحالی) در انسان ایجاد می‌نماید.

♣ در هر یک از اشکال نامنظم به اندازه‌ای که از فرم کلی مربع و مکعب فاصله می‌گیرند کشش و جاذبه‌های فیزیکی مختلفی را در انسان ایجاد می‌نمایند.

♣ فضای داخلی دارای یک قطب و مرکز ثقل نامرئی است، و خالی بنظر می‌رسد، گویی با وجود انسان و حضور او در این مرکز، قطب فضا معنی پیدا کرده و کامل می‌شود، (مانند مغز درون هسته) و خلاصه آنکه انسان قهرمان این صحنه فضایی است.

♣ نکته مهم و اساسی این مطلب است که خداوند این فضای از نظر فیزیکی ساکن و آرام یا (ایستا) را مناسب‌ترین و بهترین فضا برای (قیام) معرفی می‌نماید. با کمی توجه ملاحظه می‌شود این قیام یک حرکت فیزیکی نیست، بلکه یک سیر جوهری و روحی است.

۹- تأثیر روانی بت‌های سه گانه بر روی انسان

حال برای تأثیر سه بتی (بت - شرک - شیطان) که حاجی باید در رمی جمرات در ایام موسم حج با پرتاب سنگ نشاندگیری نماید و از خود دور کند می‌پردازیم:

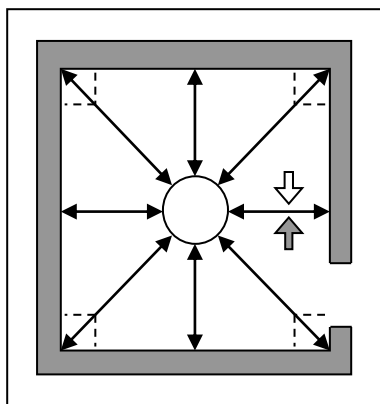
➤ حجمی توپر و صلب می‌باشد و فاقد فضا و درون بوده و پوسته خارجی و مادی آن مستقل از انسان دارای هویت است.

➤ جسم آنها از سنگ و خاک است که از پست‌ترین هستی می‌باشد و کمترین بها و زیبایی برخوردار است و در طبیعت بصورت بستر و زمینه‌ای برای گیاهان و حیوانات و انسان مطرح می‌شود، اما در اینجا در مقابل انسان که بصورت بالقوه زیباترین و عالی‌ترین پدیده هستی می‌تواند باشد بصورت یک شی نظم‌یافته و مقدس‌شده و ظهور پیدا می‌کند. (در حالیکه در کعبه سنگ و خاک به عنوان وسیله حفظ و مصونیت و آرامش انسان

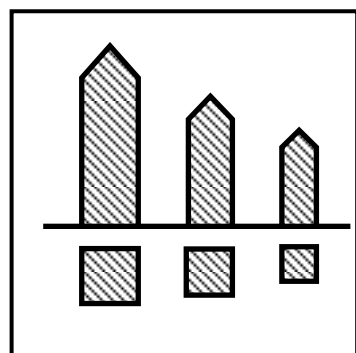
بکار رفته در اینجا برخلاف طبیعت خود در یک مخروط است، که منظم و کامل و در خود تمام‌شده و در عین حال یک عروج کاذب و فیزیکی را نیز به نمایش می‌گذارد.

➤ در حالی که در طبیعت، میوه‌ها در گیاهان و نیز حیوانات و بخصوص انسان که از مراتب بالاتری از هستی برخوردار می‌باشند دارای شکلهای کامل و منظم و بر حول محورهای قرینه هستند، بنابراین بروز و ظهور جماد بدین صورت در مقابل انسان یک بروز و ظهور غیرطبیعی غیرعادلانه و نابجا و کاذب تلقی می‌شود.

➤ تعداد آنها سه عدد می‌باشد و سه علامت به معنی کثرت و یا تعداد زیاد است و دارای کمیت بزرگ و کوچک و متوسط می‌باشد و این نشان از عالم کثرت و



نمودار شماره ۴- خانه کعبه، فضایی کاملاً متعادل، متوازن، ساکن و آرام



نمودار شماره ۵- چهره‌های سه گانه

جاذبه‌های متنوع و متعدد برونی و از خودبیگانگی انسان را دارد. (در حالی که فضای خانه کعبه یگانه بود، بنشان آنکه صراط مستقیم قیام و تعالی انسان یگانه است).

➤ بنابراین یک شئی انسان را به «فراخود» می‌خواند و وسیله مسخ و از خودبیگانگی روحی و تعالی انسان می‌شود. در نتیجه کالدهای فوق در رابطه با انسان بدلیل غافل‌نمودن او از هویت انسانی و سیر و صیوروت روحی خود، به عنوان (بت) و مظاهر شرک و شیطان تلقی شده و مورد طرد و هجوم او باید باشند. (با اسلحه‌ای که از وادی مشعر به معنی شعور) همراه حاجی است.

۱۰- مقایسه تأثیرات کعبه و بت‌های سه گانه بر انسان :

در تحلیل و مقایسه دو نوع معماری الهی و معماری شیطانی که در این مقاله به آن پرداخته شده است باید گفت :
خانه کعبه، فضای خالی و مناسب حضور انسان است. او را از نظر فیزیکی آرام و آسوده نگه می‌دارد. حجم آن با همه قدرت ابداع و ابتکار و اندیشه‌ای که در خلق و طرح آن به کار رفته (حجم یک مکعب، در طبیعت) تنها به عنوان پوشش و «وسیله‌ای» است برای ایجاد و صیانت از فضایی که برای حضور انسان، آرامش‌بخش است و این سکون فیزیکی می‌تواند مقدمه پویایی و تحول و رشد روحی و باطنی انسان باشد. مرکز ثقل و قطب فضای داخلی خانه کعبه و محل تقاطع محورهای اصلی آن، یک نقطه نامرئی و خلاء می‌باشد و انسان را به سوی خود دعوت می‌کند. انسان کانون و قطب فضا می‌گردد و با **حضور انسان فضا معنی پیدا می‌کند و کامل می‌شود**، همچون مغزی در درون هسته، انسان هویت‌بخش فضا و نقطه حماسی و اوج آن و هدف از احداث آن می‌گردد. در این معماری الهی بازآفرینی و ساماندهی فضا «وسیله» و رشد و تعالی انسان «هدف» قرار می‌گیرد. **فضای خانه کعبه یک مولکول فضای مناسب برای تعالی انسان ارائه می‌نماید**، گویی هسته انسانی در مزرعه مناسب خود کشت شده و با آبیاری به موقع که همان یاد خدا و اراده به خیر است، به فلاح و رستگاری می‌رسد.

در مقابل آن **سه بتی که در رمی جمرات مظهر انحراف از حقیقت هستند** سه واحد جسم توپر را داریم که حجم و نمود خارجی آن اصل می‌شود و فاقد فضای درونی است. از جایگاه طبیعی خود در هستی عدول نموده و به صورت یک پدیده منظم و کامل در مقابل انسان یک هویت مستقل و کاذب را به نمایش گذاشته است، به جای وسیله بودن برای انسان، هدف شده است و تعداد آن مبین جهان کثرت و عرصه دل‌فریبی و دل‌مشغولی انسان و عامل غفلت و از خودبیگانگی اوست. و انسان در مقابل چنین مظاهری، به عنوان یک زائده، یک عنصر اضافی و تماشاجی و رهگذر باقی می‌ماند. و در این شرایط عناصر و اجزاء این معماری شیطانی خود را به نمایش می‌گذارند و تثبیت می‌نمایند. و آنگاه به انسان طعنه می‌زنند و او را می‌فریبند. حجم و جسم این معماری بدون حضور انسان در خود کامل و تمام می‌نماید. با توجه به معارف ما مجموع این عوامل از آثار (بت و شرک و شیطان) می‌باشد، که در معماری ظهور پیدا نموده است.

۱۱- چگونه معماری معنوی به معماری شیطانی تبدیل می‌شود؟!

بعنوان مثال تاریخی در بررسی‌هایی که بیان شد **مظهر معماری مناسب رشد و تعالی انسان را خانه کعبه شناختیم**، با تمام امتیازها و مشخصات آن که ذکر شد. همین خانه و همین فضا با تغییرات فیزیکی به ظاهر جزئی و فرعی بعد از حضرت ابراهیم (ع) تبدیل به بت‌خانه و مرکز پرستش اصنام (معماری شیطانی) می‌شود که در زمان پیامبر اکرم (ص) با زدودن آنها دوباره فضا، فضای توحید و خانه خدا و خانه قیام انسان‌ها و خانه‌ای که حرمت آن بر همه لازم است تبدیل می‌گردد، این افزایش و کاهش عناصر و اجزاء معماری چه بوده است که اینچنین تغییر ماهوی را در اثر فضا بر روی انسان داشته است. در یک بررسی ساده ملاحظه می‌شود که :
✓ استخوان‌بندی و هندسه اصلی و ساختار بنا فرقی نکرده است اما! اشیاء و جماداتی به صورت غیرطبیعی و غیرمفید برای انسان مقدس‌شده و مزاحم و تحریف‌کننده راه رشد و سعادت حقیقی انسان برجدار خارجی کعبه و بدنه‌های داخلی آن نصب شده است (بت‌ها و اشیاء نامناسب تزئینی).

- ✓ بدنه‌ها و سطوح خارجی بنا، به جای آن که پوسته‌ای برای محصورنمودن و حفاظ فضای داخلی و فضای حضور انسان باشند، خود اصل شده و انسان را همچون رهگذری به تماشای خود دعوت می‌نمایند.
- ✓ فضای داخلی بجای آن که با آن هندسه آرامش بخش و متوازن و متعادل فضای تأمل و تفکر و فضای خودآگاهی انسان و خداآگاهی او باشد، با تصاویر و نقش برجسته‌ها و اشیاء گران‌قیمت و مادی، موجب غفلت و از خود بیگانگی و مسخ انسان می‌شوند!!

۱۲- الگو برداری معماری دوران اسلامی ایران از معماری مسجد الحرام

از بعد ساختار هندسی در فضاهای شهری

ساختار فضایی در شهرهای ما از تک بعدی بودن و یکنواختی برخوردار نیست، بلکه هر سه نوع هندسه مطرح شده در مجموعه بیت‌الله الحرام هر کدام در جای مناسب خود مورد استفاده و طراحی قرار گرفته است. در این ارتباط به این موارد توجه کنید:

⊙ **فضاهای عبوری** نظیر راه‌ها و گذرها، کوچه‌ها و بازارها و بزرگراه‌ها، پیاده و سواره، با یک هندسه خطی و نامنظم، هماهنگ و منعطف با طبیعت، با پیچ و خم‌های لازم و ضروری، سبکبال و پرتحرک، انسان را به هدف‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود می‌رساند و زمینه مناسب (سیر در آفاق) او می‌شوند.



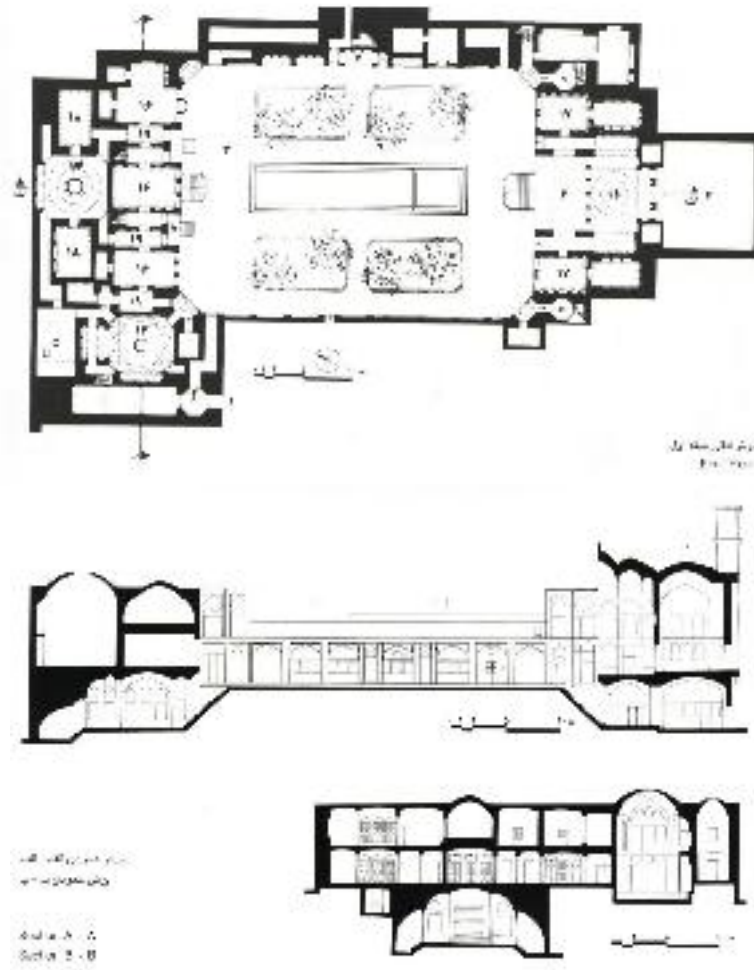
تصویر ۱- کاشان، ورودی خانه باکوچی

⊙ ایجاد تمرکز و توجه و دعوت به **فضای درونی** با طراحی محورهای شاخص در نماها و حجم‌های خارجی و ایجاد نظم و قرینه‌سازی در طراحی سردرها و ورودی‌ها، ایوان‌ها و گلدسته‌ها و گنبدها و قاب‌بندی بدنه‌های خارجی انسان را متوجه نقاط عطف و محورهای شاخص می‌نماید و از سرعت حرکت او کاسته و او را به آرامش، سکون، حضور در فضای داخلی دعوت می‌کند.

⊙ **جداسازی قاطع و عمیق فضاهای حضوری و داخلی**، از فضاهای خارجی و عبوری، با استفاده از مفصل‌بندی‌های متعدد و متنوع برای تشدید این جداسازی و ایجاد درونگرایی و محرمیت کامل با تأمین فضاهای باز داخلی که مطلوب و آرام و خودی هستند.

⊙ **جداسازی و استقلال مولکول‌های فضاهای داخلی** از یکدیگر ضمن ارتباط همه جانبه آنها و بکارگیری هندسه‌ای خاص و منظم و قرینه در طراحی پلان‌ها و طراحی محوطه، آنچنان که هر چه بیشتر القا حرکت فیزیکی و مکانیکی را در انسان کاسته و با ریتم پنجره‌ها و قاب‌بندی‌ها، این القا و آرامش و سکون را تشدید می‌نماید.

⊙ **بکاربردن دو نوع هندسه** کاملاً متمایز در پلان‌ها و در مقاطع، آنچنانکه در مقاطع، هر مولکول فضایی علی‌رغم پلان‌ها هندسه کاملاً غیر قرینه داشته و از زمین به آسمان به صورت رمزی فضای طبیعت را تداعی می‌نماید. در زمین صاف و گسترده، یال‌ها از زمین سر برآورده و قیام کرده و در نهایت خطوط منحنی و سهمی در رسمی‌ها و کاربندی‌ها به شمسه مرکزی منتهی می‌گردد و در مجموع **مبین سیر از عالم وحدت و از مخلوق به سوی خالق می‌شود.**



تصویر ۲-کاشان، خانه بنی کاظمی

◎ **توجه به تأمین مجموع نیازهای انسان** در طراحی فضاها، برای مثال در طراحی خانه ایجاد **اتاق‌های سه‌دری** که عرض‌نمای آن کوتاه‌تر از طول عمق آن است و در نتیجه کانون فضا بدخل برمی‌گردد و مناسب ایجاد فضای خلوت و فضای خصوصی و تفکر و عبادت می‌شود و در مقابل ایجاد **اتاق‌های پنج‌دری** که عرض‌نمای آن بیش از عمق آن می‌باشد و کانون فضا بازتاب خارجی دارد و با ایجاد ایوان سرپوشیده در مقابل آن و پله به فضای باز کاملاً مناسب برای ایجاد فضای خانوادگی و جمعی می‌باشد. در عین حال ایجاد فضای مخصوص مهمان و پذیرایی، خانواده را قادر می‌سازد علاوه بر زندگی فردی و خانوادگی به مسئولیت‌های فAMILIAL و اجتماعی نیز بپردازد.

◎ **استفاده به جا از هر سه نوع هندسه (خطی، تمرکزی و آرام) در محل متناسب خود** و در کنار یکدیگر باعث شده است، طراحی بافت علاوه بر تنوع و دلپذیری و حیات بتواند عملکردهای بسیار متنوع و مختلف را بدون مزاحمت‌های همجواری در کنار هم سامان دهد، راه‌ها با کمترین مزاحمت تا اعماق فضاهای خصوصی و خانوادگی راه می‌یابند و فضاهای مختلف عملکردی نظیر مراکز اقتصادی، تجاری، خدماتی و صنعتی و اداری با کمترین مزاحمت در کنار فضاهای فرهنگی و مذهبی و مسکونی به هم‌زیستی می‌رسند. بافت همچون یک ارگانیزم طبیعی، ظاهری زیبا و باطنی چندبُعدی و عمیق دارد.

◎ **اولویت‌بندی در سلسله مراتب فضاهای شهری و فضاهای معماری**^۱ از بُعد (حضور/بودن فضا یا عبوری بودن) و (فضای اصلی بودن یا فضاهای فرعی و خدماتی بودن) انجام می‌شود و بر حسب مراتب فوق هر فضا بر حسب اهمیت خود نسبت به

^۱ - از ائمه معصومین (س) : بهترین محل در شهرها نزد خداوند مسجدها و بدترین آن بازارهاست.

محورهای اصلی محل خود را باز می‌یابد و در مجموع رابطه فضاهای عبوری و حضوری همچون رابطه وسیله با هدف و مزرعه با محصول آن و رابطه شاخه با میوه و رگها و شریان‌ها با اجزاء و عناصر بدن انسان طراحی می‌شود. همچنانکه حرکت در بین صفا و مروه واجب است اما نهایتاً چشمه آب زمزم، از جایگاه نماز و مقام حضرت ابراهیم (ع) به معجزه می‌جوشد.^۱

۱۳- نقدی بر رسوخ معماری غربی و طراحی برای معماری و شهرسازی آینده

اگر امروز در شهرسازی و معماری ما، ساختمان‌ها همچون بت‌ها و توت‌ها احجام و اشیایی مقدس شده می‌باشند و انسان را به تماشای اجسام دلخوش می‌نمایند و از خود بیگانه و غافل می‌سازند و حجم‌ها و پلان‌ها بگونه‌ای طراحی می‌شوند که انسان فقط بیننده باشد و رهگذر، پلان‌های آزاد، انسان را از فضاهای حضوری می‌گریزانند، اگر در شهرها فضاهای عبوری اصل می‌شود و بر فضاهای حضوری تسلط پیدا می‌کنند و ماشین بر پیاده رجحان می‌یابد و در مجموع انسان در میان اجسام و اشیاء مضطرب و هراسان، منفعل و سطحی و گریزان و از خود (روحانی) بیگانه و مسخ می‌شود، قطعاً ناشی از رسوخ فرهنگ و معتقداتی است که جعلیات نظری خود را بر جوامع ما تحمیل نموده است!!

فرهنگ غربی در یک افراط و تفریط و تحریف بینشی و تاریخی، بخصوص بعد از رنسانس و بازگشت به فرهنگ جاهلی و شرک یونانی و بعدها به شکل شدیدتری، در انقلاب صنعتی و پیدایش دوران مدرنیسم، فقط نیازهای مادی انسان را به رسمیت می‌شناسد و انسان را در طراز طبیعت و در ردیف حیوان تعریف می‌کند، بنابراین مهمترین عامل حیات و پویایی انسان را در حرکت فیزیکی، محدود و خلاصه و قشری می‌بیند و زیبایی‌های مادی را اساسی جلوه دهد. با چنین نگرشی انسان یک بعدی و تک ساختی و در (سیر در آفاق) و (حرکت‌های عرضی) زندانی و محدود می‌شود و از درک زیبایی‌های معقول و مشهودات ملکوتی و صیروت جوهری باز می‌ماند.

پُست‌مدرنیسم هم که در نقد آثار مدرنیسم، به ظاهر موفقیت‌هایی دارد، در باطن از آنجا که در تبیین انسان و جهان به انحراف می‌رود، عملاً نوع تحریف‌شده‌ای از معماری سنتی یا مدرن را ارائه می‌نماید، سایر موج‌ها همچون کف آبی درجاده افراط و تفریط فرهنگ مدرنیسم گام می‌زنند.

کلام آخر آنکه برای ابداع معماری و شهرسازی شایسته «انسان» یک راه بیش نیست. و معماران و شهرسازان ما باید به مفاهیم و ارزش‌های مطرح‌شده در «حکمت نظری» اسلام ایمان آورند و متدها و شیوه‌های تحقق معماری و شهرسازی مناسب انسان را از «حکمت عملی» اسلام کسب تجربه و مورد عمل قرار دهند تا بتوانند در مجموع هم نیازهای مادی انسان را تأمین کنند و هم هماهنگ با نیازهای روحی و در جهت رشد و تعالی او فضاهای مناسب و شایسته طراحی نمایند.

پرسشی‌ها و پژوهشی‌ها (مقاله چهاردم)

- ۱) از نظر معارف اسلامی هنر و معماری اسلامی در رابطه با کدام نیاز انسانی را می‌تواند پاسخ گوید؟
- ۲) چرا هنر هرگز نمی‌تواند معارف عقلانی و مفاهیم برهانی و مشهودات عرفانی را به تصویر بکشد؟
- ۳) هنر از چه طریقی و روشی قادر است حقایق و ارزش‌ها را به نمود بیرونی تبدیل نماید؟
- ۴) خانه کعبه توسط چه کسانی و چگونه ساخته شده است؟
- ۵) کعبه در آیات قرآنی با چه عنوان‌هایی نامیده شده است؟
- ۶) واژه حج به چه معنی است؟ با این معنی حاجی چه کسی است؟
- ۷) کلی‌ترین وجوه نیازهای انسان در سیر متعالی خود کدام است نام ببرید و درباره آنها توضیح دهید؟

^۱ - مطالب مطرح شده صرفاً نمونه‌هایی از بعد هندسی است در صورتی که مجموع معارف و مناسک اسلامی از بعدهای مختلف تأثیرات عمیقی بر معماری و شهرسازی دوران اسلامی ما داشته است. برای نمونه حرمت نگاه به خانه دیگران، حرمت هر نوع مزاحمت همجواری محدودیت ارتفاع خانه‌های مسکونی، لزوم اجازه برای ورود به خانه غیره ...

- ۸) هفت بار حرکت خطی حاجی در **سعی بین دو کوه صفا و مروه** را چگونه تحلیل می کنید؟
- ۹) تجزیه و تحلیل شما پیرامون **طواف حاجی به دور کعبه** که ۷ بار صورت می گیرد (نمودار شماره ۲) چیست؟
- ۱۰) **دو رکعت نماز حاجی در مقام ابراهیم** در مسجد الحرام را چگونه تجزیه و تحلیل می نمائید (نمودار شماره ۳)؟
- ۱۱) **کعبه** در آیات قرآنی با چه عنوانی نام برده شده است؟ چرا؟
- ۱۲) بنا به زاویه دیدی که حاجی در حین طواف به دور کعبه می یابد کعبه چگونه است و **چه تأثیری روی حاجی می گزارد؟**
- ۱۳) کیفیت **فضای داخلی کعبه** چیست؟ در این رابطه چه نکاتی به نظرتان می رسد (نمودار شماره ۴)؟
- ۱۴) با توجه به نمودار شماره ۵ **تأثیر روانی بت های سه گانه** در رمی جمرات روی حاجی چیست؟
- ۱۵) **چه تفاوتی** از نظر اثرگذاری و تأثیرات معنوی بین کعبه و رمی جمرات وجود دارد؟
- ۱۶) **معماری شیطانی و معمار معنوی** را ابتدا در مراسم حج تعریف نموده و با هم مقایسه کنید؟
- ۱۷) **معماری دورران اسلامی** چگونه از معماری مسجدالحرام بعنوان یک الگو بهره برداری کرده و سود جسته است؟ از نظر فضاهای عبوری – فضاهای داخلی و غیره
- ۱۸) شما در رابطه با **سیر انسانی از مخلوق بسوی خالق** در فضای معنوی مسجد الحرام و مراسم حج چه نظری دارید؟
- ۱۹) برای تأمین مجموع نیازهای انسان قرار گرفتن **اتاق های سه دری و اتاق های پنج دری** چه تأثیری در آرامش خانواده در معماری مسکونی دوران اسلامی داشته است؟
- ۲۰) نظر به اینکه **فرهنگ سرمایه داری غربی** در معماری و شهرسازی ایران رسوخ نموده است **ساختمان ها و عبوری ها** به چه شکلی دیده می شوند؟ در این رابطه تحقیق نمائید؟
- ۲۱) **برای معماری و شهرسازی شایسته انسان** در نظام شهری کدام راه حل مناسب و در اولویت اجرایی است.

مقاله پانزدهم

(کاربردی - معماری شهرسازی)

ای خوشا نفسی که شد در جستجو
در همه حالات حق منظور داشت

بس تفحص کرد حق را کو به کو
حق و را دانست ، ناحق را گذاشت

شیخ بهایی

تأثیر فرهنگ و تعالیم اسلامی

بر

معماری خانه‌های مسکونی و محلات شهرهای مسلمین

سخنرانی در دومین جشنواره مهندسی ساختمان (مسکن و فرهنگ)

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

پیشگفتار:

یکی از کلماتی که در کتابهای فرهنگ لغات، معانی بسیار متنوعی برای آن بیان شده است و در ادبیات هنری و معماری و شهرسازی ما، اغلب به شیوه نادرست و نابجا از آن استفاده می شود و موجب عدم تفاهم و درک متقابل بین گویندگان و شنوندگان می گردد، کلمه «فرهنگ» است. کلمه فرهنگ اغلب هم به معنای «اندیشه‌ها و باورها و معتقدات»، هم به معنای «سنن و آداب و رسوم» و هم به معنای «آثار و ابنیه هنری و صنعتی» مورد استفاده قرار می گیرد. در صورتیکه هرکدام از معانی و مفاهیم فوق دارای مقتضیات خاصی بوده و در رابطه با انسان و جهان مادی، اصول و مبانی متفاوتی بر آنها حاکم می باشد.

مقوله (اندیشه‌ها و باورها) در حوزه (هست‌ها و حکمت نظری) یا (جهان بینی) تلقی می شود و از هستی شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی و فلسفه تاریخ و فلسفه شناخت و فلسفه زیبایی شناسی و هنر و ... سخن می گوید. این حوزه عرصه شناخت و معرفت و در نهایت ایمان انسان است و نه اراده و عمل او، بحث حق و باطل و کفر و ایمان و غیر وابسته به مقتضیات زمان و مکان و مفاهیمی درباره ماهیت هستی و انسان است. مفاهیمی که از دیدگاه اسلامی فطری، انسان شمول و تاریخ شمول است و در مجموع به دو دسته تقسیم می شوند:

○ یا توسط پیامبران الهی ارائه شده است

○ و یا توسط افراد انسانی مکتب سازی می شود.

هر جهان بینی، «ایدئولوژی» خاص خود را دارد و بر حسب آن بایدها و نبایدهایی را مطرح می نماید، عرصه ایدئولوژی، عرصه اراده و عمل انسان است و از روابط متقابل انسان با هستی و طبیعت و از راه کمال یا سقوط انسان و از نوع روابط انسان با سایر انسانها سخن می گوید، بنابراین مقوله ای نسبی و در عین حال وابسته به شرایط زمان و مکان است که در اسلام غیر از احکام اولیه (آن بخش از احکام است که بر همه تکلیف است و تغییر نمی کند) شامل احکام ثانویه (احکامی که توسط شارع یا جانشینان واقعی آنان بر حسب مرور زمان و نیاز جامعه صادر و تکلیف می شوند) و حکومتی نیز می شود. در حالیکه (آثار و ابنیه هنری و صنعتی) دارای موجودیتی مادی و کاملاً وابسته به شرایط زمان و مکان می باشند.^۱

با توجه به مقدمه فوق، ملاحظه می شود در عالم اندیشه و نظر شاید بتوان گفت به تعداد انسانهای غیر پیامبر و غیر مسلمان (مسلمان به معنی تسلیم در برابر وحی الهی) جهان بینی و لاجرم ایدئولوژی با نقطه نظرات کاملاً مختلف و اغلب متضاد وجود دارد. بنابراین وقتی مسئله فرهنگ، در نقد و تحلیل و ارزیابی کارهای هنری مطرح می شود، قبلاً باید گفت «کدام فرهنگ؟» یا کدام «جهان بینی و ایدئولوژی؟» و از آنجا که مفهوم جهان بینی اشاره به جمیع اندیشه‌ها و باورهای حق و باطل و نظریات منطبق بر فطرت و یا آرای غیر واقعی و ناقص دارد، بنابراین، در حوزه علوم انسانی قرار می گیرد و ما را با این سؤال اساسی مواجه می سازد که: «مطالب شما بر اساس مبانی نظری و اصول کدام مکتب فکری مطرح می شود؟» متأسفانه در اغلب مباحث نظری شاهد آن هستیم که گوینده یا نویسنده بدون معرفی و تعیین مکتب فکری و مبانی اعتقادی خود به جزئی ترین پیشنهادات عملی و الگوسازی می پردازد و حوزه بحث را از یک زمینه تاریخی-اجتماعی و حقیقی و فطری به برداشتهای صوری، سطحی، قشری، سلیقه ای و زودگذر می کشاند. در این

^۱ مسئله بسیار مهم وجود رابطه ای تمثیلی و رازگونه بین محتوی و مفهوم اثر هنری (جهان بینی و ایدئولوژی هنرمند) با اثر هنری است که اجمالاً در معماری دوران مدرنیسم به آن بی توجهی شده و در دوران پست مدرنیسم علی رغم رویکرد هنرمندان به دلیل جهان بینی و ایدئولوژی محدود و ناقص آنها اغلب موجب استفاده صوری و شکلی و جزیی از معماری گذشته بوده است و در بعضی از جریانهای معماری معاصر نظیر معماری به اصطلاح ساختارزدا (دیکانستراکتویستی) نه تنها فاقد وجه تمثیلی و رازگونه می باشد، حتی وجه عقلانی (راسیونالیستی) و عملی را نیز نادیده گرفته و جنبه ضد ارزش و هرج و مرج طلب (آنارشستی) به خود گرفته است.

مقاله ما بر مبنای اندیشه اسلامی و معتقدات توحیدی که مقوله ای فطری و انسانی و جهان شمول است (نه فقط اسلام به عنوان یکی از ادیان جهان) بحث خواهیم نمود.

در مورد کلمه **مسکن** نیز باید گفت قرآن محل اجتماع خانواده را با کلمه **بیت** (فضای محصور) یا **دار** (جامع بنا و عرصه یعنی فضای محصور سربسته و سرباز) معرفی می کند که ترجمه مناسب فارسی آن همان «خانه» می باشد و محل آرامش و سکونت را یکی از ویژگیها و صفات خانه می داند.^۱ بنابراین به جای کلمه «مسکن»، کلمه «خانه» پیشنهاد می شود. از طرف دیگر دو عنصر خانه و فرهنگ اسلامی یا جهان بینی اسلامی دو مقوله مجزا و منفعل نیستند که لازم باشد با حرف ربط (و) با هم ارتباط برقرار کنند، بلکه دو عنصر با تأثیر و تأثر متقابلند و از آنجا که در فرهنگ اسلامی این اندیشه ها و باورها و سیرتها و فطرتها و هستها (حکمت نظری) هستند که شکلها و صورتها و بایدها را می سازند (حکمت عملی)^۲ و دنیای ظاهر و نشانه و تجلی باطن هستی و اراده الهی و اراده انسانها است، بنابراین عنوان این مقاله «تأثیر فرهنگ اسلامی بر کالبد و شکل و طراحی خانهها» خواهد بود.

اما نکته اساسی دیگر اینکه انسان از دیدگاه اسلامی در حیات دنیوی و سیر کمالی خود در «خویش» و «خانواده» محدود نمی ماند و مسئولیتی در قبال جامعه^۳ و نیاز به رهبری الهی^۴ در سیر تکاملی خویش دارد، بنابراین **کوچکترین مولکول زنده و مولد در مجتمع زیستی انسانها فقط خانه نیست، بلکه باید حداقل یک محله را دانست**، آنجا که مجموعه خانه ها با مرکزی عبادی و اجتماعی یعنی «مسجد» و مراتبی از ولایت امر یعنی حضور «عالیم متقی عادل و منتخب»، بستر و زمینه تعالی معنوی انسانها را میسر می سازد.^۵ بنابراین با توجه به مجموع مراتب فوق عنوان این مقاله «تأثیر فرهنگ اسلامی بر معماری خانه و محله» می تواند باشد.

با مقدمه فوق در روند این تحقیق ضمن یادآوری ارکان جهان بینی اسلامی (حکمت نظری اسلام) درباره سیورورت و وظایف فردی و اجتماعی انسان با استفاده از تعدادی از آیات و احادیث، بخشی از ایدئولوژی اسلام (حکمت عملی) را درباره خانه ها و محلات مطرح نموده و سپس انعکاس آن را در معماری خانه ها و محلات دوران سنتی مورد ارزیابی قرار خواهیم داد و از نتایج آن در مقایسه با آنچه امروز به عنوان خانه سازی و محله سازی مطرح می شود برای خانه سازی و محله سازی آینده خود پیشنهاداتی را استنتاج خواهیم نمود.

۱- حدود وظائف و مسیر رشد انسان در جهان بینی اسلامی

☉ جهان هستی و از جمله انسان صورت و جلوه ای آیه ای یعنی بامفهوم و رازگونه و بامعنی دارد و **شکلها و صورتها و طرحها و هندسه ها نظیر خود خلقت تصادفی و بی هدف نیست** و متناسب با معنی و مفهوم آن طراحی شده است و در مجموع ماهیتی «از اویی» و «به سوی اویی» دارد. یعنی هستی تجلی اوست و به سوی او باز می گردد (حرکت از کثرت به وحدت)^۶

☉ انسان در این هستی علیرغم سایر موجودات، به دلیل استعدادهای فطری و بالقوه خود به **تنهایی «جهان اکبر» است** و علاوه بر بُعد جسمانی و حیوانی دارای بُعد خاص و بالقوه روحی و ملکوتی است^۷ و برای زندگی جاوید خلق شده است و فنا پذیر نیست.^۸

^۱ «والله جعل لكم من بیوتکم سکناً» ۱۶/۸۰

^۲ علامه شهید مطهری، کتاب شناخت اسلام، صفحه ۵

^۳ «قل انما اعظکم بواحد، ان تقوموا الله مثنی و فرادی» ۳۴/۴۶

^۴ «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» ۴/۵۹

^۵ منتخب با این مفهوم که وظیفه ما شناخت ولی امر است و درخواست نماینده (امام جماعت) از او.

^۶ انا لله و انا الیه راجعون (ما از اوییم و به سوی او بازمی گردیم) ۲/۱۵۶

^۷ فاذا سویته و نفخت فیه من روحی- ۱۵/۲۹

^۸ در اساطیر آشور شعری خطاب به قهرمان افسانه ای خود (گیلگمش) بدین مضمون آمده است:

◎ **جهان با همه عظمت برای انسان خلق شده است** و انسان بالقوه اشرف مخلوقات است اما وی در عالم واقعیت و در ظاهر به عالم طبیعت هبوط کرده است تا با آزادی و اختیار یا در حقیقت با استفاده از زمان و از طریق معرفت و شناخت هستی و خود، به درجه ایمان یعنی کشف حقایق عالم و خود رسیده و با عمل آگاهانه و آزادانه (عمل صالح)، مرحله به مرحله مراتب کمال وجودی خود را طی نموده، استعدادهای فطری خود را از قوه به فعل احیاء سازد و با کسب ملکات و صفات الهی به «اعلی علیین» مقدر خود راه یابد.

◎ **این سیر انسانی برای رسیدن به حق** در قرآن با دو بعد «سیر در آفاق» و «سیر در انفس» مطرح^۱ و در حکمت متعالیه صدرایی با تعبیر «حرکت عرضی» و «حرکت جوهری» مطرح شده است.

◎ از بعد دیگری در جهت تحقق این سیر کمالی، به انسان دو قیام «فردی» و «جمعی» توصیه شده است^۲ یا به تعبیری «خودسازی و جامعه سازی».

◎ در هرحال انسان برای پیمودن راه مستقیم کمال فردی و اجتماعی علاوه بر اطاعت از پیامبر درونی یعنی **عقل** یا «نفس لوامه» نیاز به تعلیم مکتب و هدایت و رهبری الهی یعنی «**قرآن و عترت**» دارد^۳ (قرآن کلام حق است برای راهنمایی انسان و عترت آن حضرت در مجموع چهارده معصوم هستند که راسخین در علم الهی می باشند)

◎ نکته و موضوع بسیار اساسی، اهمیت سیر در انفس و خودآگاهی و خدا آگاهی است که روح و حقیقت باقی و متعالی انسان است، سایر ابعاد وجودی به منزله مزرعه و زمینه تلقی می شود برای فلاح و رستاخیز روح انسانی و خداوند مجازات کسانی را که از یاد و معرفت او غافل باشند، فراموشی از خود قرار داده است، یعنی شدیدترین مجازات^۴. چون زمانی که انسان خود را از یاد ببرد نسبت به جهان و خدای جهان بی اعتنا خواهد شد.

-ای گیلگمش شتابان به کجا می روی؟

-تو هرگز آنچه را می جویی نخواهی یافت

-وقتی خدایان انسان را آفریدند

-مرگ را برای او تعیین نمودند و زندگی را برای خود نگه داشتند، پس بخور و بیاشام ای گیلگمش..

در حالیکه از نظر اسلامی باید گفت:

ای گیلگمش، شتابان به کجا می روی؟

تو آنچه را می جویی، از درون خویش خواهی یافت

وقتی خدا انسان را آفرید، آن حقیقت جاودانی و روح خود را در تو دمید

پس خود را دریاب، تا خدا گونه جاودان شوی و خدا را دریابی.

^۱ سنربهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق-۴۱/۵۳

^۲ سوره ۳۴ آیه ۴۶

^۳ انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیتی

^۴ میشل فوکو از موجدین و مؤسسين و تحلیلگران پست مدرنیسم، در نقد فرهنگ و آثار مدرنیسم می گوید: «غریبها وقتی خدایان المپ را کشتند در واقع خودشان را نیز به قتل رسانیدند(خدایان المپ مظهر و نمادهای ایمان به غیب هستند). وقتی ایمان به غیب و به روح نبود وجود روحانی انسان نیز که هویتی بالقوه دارد، دیگر نخواهد بود و الا بدنها که وجود دارد و فربه تر هم می شود.

ولا تکنوا کالذین نسواالله فانفسهم انفسهم اولئک هم الفاسقون-۵۹/۱۹۲۰ (و نباشید از کسانی که خدا را فراموش کردند، پس فراموششان کرد خویشان را، ایشانند از فطرت خارج شدگان(من عرف نفسه، عرف ربه))

-لایستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة، اصحاب الجنة هم الفائزون (یاران آتش و یاران بهشت مساوی نیستند، یاران بهشت پیروزند)

۲- قرآن و فضاسازی سکونت انسان در کره زمین

با توجه به آیات قرآنی و اوصافی که برای آسمان در کنار زمین ذکر شده است نشان می دهد که جهان کثرت و گوناگونی در عین خلق آثار هنری شگفت انگیز محدود هم هست و با آنکه بی نهایت است در همه اجزاء آن وحدت و یکپارچگی بسوی معبود عالم در حرکت است . گر چه در جاذبه های طبیعی آن جسم و تن در ظاهر رشد می کند و فربه می شود ولی در عالم درون انسان حیطه خیال تا بی نهایت در جولان است و انسان را برای کشف حقایق بیشتر انگیزه و تحرک بیشتری می بخشد . در آیات مبارک قرآن آسمان و، زمین ، شب و روز لینگونه توصیف شده اند:

❁ اوصاف زمین (کره ارض)

(الذي جعل لكم الارض فراشا - ۲۲/بقره)

خدایی که زمین را برای سکونت شما گسترش و وسیع گرداند

(وهو الذي مد الارض و جعل فيها رواسي و انهارا - ۳/رعد)

و اوست خدایی که بساط زمین را بگسترانید و در آن کوه ها برافراشت و نهرها جاری کرد

(الم نجعل الارض مهاداً - ۶/عبس)

آیا خداوند زمین را برای آسایش شما گاهواره قرار نداد؟

(و جعلنا فيها فجاجا سبلاً - ۳۱/انبیاء)

و ما در زمین شکاف ها و راه هایی قرار دادیم

(الله الذي جعل لكم الارض قراراً - ۸۵/غافر)

خداست که زمین را برای محل قرار و پناهگاه شما قرار داد

(الي الارض كيف سطحت - ۲۰/غاشیه)

و (نگاه کن) به سوی زمین که چگونه گسترده شده است

(و الله جعل لكم الارض بساطا، لتسلكوا سبلاً فجاجاً - ۱۹ و ۲۰/نوح)

و خدا زمین را مانند یک بساط پر نعمت بگسترانید تا در زمین از راه های مختلف آن حرکت کنید

❁ اوصاف آسمان (سماء)

(و السماء بناء - ۲۲/بقره)

و آسمان را رفیع و بلند بر افراشت

(و جعلنا السماء سقفا محفوظا - ۳۲/انبیاء)

و آسمان را سقفی (یا سپری) برای حفاظت از شما قرار دادیم

(و الي السماء كيف رفعت - ۱۸/غاشیه)

و نگاه کنید به سوی آسمان که چگونه بر افراشته شده است

قرار دادن شب در کنار روز، استراحت در کنار کار، حضور در خانه و خانواده، در کنار تلاش و فعالیت اجتماعی، خودسازی در کنار جامعه سازی و ... بالاخره سیر در آفاق در کنار سیر در انفس و حرکت عرضی در کنار حرکت جوهری. فضای روز، عرصه حواس پنجگانه است و آزمایشگاه تجربه مستقیم دیدنیها و شنیدنیها و لمس کردنیها و ... فضای شب، عرصه تعقل است، با خیال، با محاسبه نفس، فضای تأمل و تدبر و تفکر و ذکر و

توجه کنیم به کلمات و صفاتی که خداوند برای شب و روز مطرح می فرماید:

❁ اوصاف شب (لیل)

(هو الذی لکم الیل لتسکنوا فیه-۶۷/یونس)

او کسی است که قرار داد برای شما شب را تا در آن آرامش یابید

(هو الذی جعل لکم الیل لباساً -۴۷/شعراء)

او کسی است که شب را برای شما پوششی و لباسی قرار داد

(و من الیل فاسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً-۲۶/انسان)

برخی از شب را به نماز بایست و شبی طولانی را به تسبیح او مشغول شو

❁ اوصاف روز (نهار)

(والنهار مبصر ا -۶۷/یونس)

و روز را برای فعالیت شما روشن قرار داد

(و جعل النهار نشوراً -۴۷/فرقان)

و روز را برای کار و تلاش شما قرار داد

(ان لک فی النهار سبْحاً طویلاً-۷/مزل)

بدرستی که برای شما در طلب روزی در روز وقت به اندازه کافی وجود دارد

(و جعلنا النهار معاشاً-۱۱/نباء)

و روز را برای کسب روزی و معاش قرار دادیم

۳-ویژگی های محل سکونت انسان در قرآن

(ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مبارکاً... -۹۶/آل عمران)

یعنی : همانا اولین خانه ای که برای انسانها قرار داده شد، همان خانه مبارک و پر برکتی است که در مکه می باشد

یعنی **اولین خانه مناسب** برای همه انسانها (للناس) همان خانه کعبه است که فضای محصور است مکعبی شکل که شش

وجه آن یکنواخت و منظم و قرینه و دارای قطب و نقطه مرکزی و هماهنگی و وحدت بی نظیری است در میان اشکال منظم چند

وجهی و انسان در فضای درون آن کاملاً حالت توازن و تعادل و تمرکز پیدا می کند و سکون کامل است و حرکت فیزیکی در آن وجود

ندارد و این فضا فرخنده و مبارک است به عنوان **هم خانه خدا**(بیت الله) و **هم خانه تولد انسان کامل**(حضرت علی(ع)) و **هم خانه قیام**

همه مردم(وضع للناس یا قیاماً للناس).

نکته بسیار اساسی و مهم این است که در فرهنگ مادیگرا و پوزیتیویستی غرب چون فقط حیات مادی و غریزی انسان را به

رسمیت می شناسد و حیات مادی هم وابسته به زمان و مکان و حرکت است مثل تغذیه و توالد و حرکت . و بنابراین از سکون و آرامش

به شدت می گریزند و آن را مساوی (فنا) می دانند. از **آغاز مدرنیسم تا امروز** در طراحی معماری و شهرسازی و مجموعه هنرها می

بینیم عنصر حرکت و سرعت و تغییر مکان و زمان فیزیکی مبنای تحولات هنری و طراحی بوده است. در حالی که سیر در انفس و

کمال و خودآگاهی روحی انسان تقریباً در اکثریت قریب به اتفاق مکاتب عرفان جهان با سکونت و آرامش و تمرکز اندیشه و حضور قلب

شروع می شود و به آن ارزش داده می شود ولی باید اعتراف کرد که **علل اصلی تمام مشکلات و امراض روحی و روانی و عصبی که امروز جامعه غربی و غرب زده از آن رنج می برند از همین انحراف اساسی ناشی می شود.** حال مطالعه و دقت کنیم در آیاتی که در باره خانه انسان آمده است:

(و ان او هن البیوت، لبیت العنکبوت - ۴۱/عنکبوت)

و به درستی که سست ترین خانه ها، خانه عنکبوت است

(علاوه بر تار و پود سست، خانه عنکبوت در فضا رها شده است و فاقد حصار و فضای درونی است).

(و الله جعل لكم من بیوتکم سکنا - ۸۰/نحل)

خداوندخانه هایتان را محل آرامش و آسایش شما قرار داد

(و لیس البر ان تأتوا البیوت من ظهورها و لكن البر من اتقى و اتوا البیوت من ابوابها- ۱۸۹/بقره)

نیکی آن نیست که چون خواستید وارد خانه ای شوید از پشت آن وارد شوید (که معمول نیست) بلکه نیکی آن است که از در آن خانه وارد آن خانه شوید

(یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتا، غیر بیوتکم، حتی تستأنسوا و تسلموا علی اهلها- ۲۷/نور)

ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه هایی که غیر از خانه های خودتان هست بدون اجازه و انس با ساکن آن خانه وارد نشوید و چون اجازه دادند سلام کنید و آنگاه وارد شوید

(و جعلوا بیوتکم قبله و اقیما الصلوة و بشر المومنین- ۸۷/یونس)

به موسی و هارون وحی کردیم برای انجام عبادت خانه هایتان را قبله قرار دهید و نماز بپا دارید. پس شما

ای رسول ما به مؤمنین چنین بشارتی بدهید

۴- حکمت عملی اسلام در ساخت خانه های مسکونی یک شهر

برخی از مشخصات ایدئولوژی اسلام (حکمت عملی اسلام) در مورد خانه با استفاده از منتخبی از کتابهای: وسایل الشیعه، بحارالانوار، نهج الفصاحه، نهج البلاغه :

توصیه به عمران و آبادانی.

توصیه به داشتن خانه مناسب.

توصیه به انتخاب همسایگان قبل از انتخاب محل خانه.

توصیه به حریم داشتن خانه.

پرهیز از اشراف و دید متقابل خانه ها.

پرهیز از هرنوع مزاحمت همجواری بین خانه ها و فضاهای عبوری و عمومی.

توصیه هایی در مورد وسعت ، ارتباط با طبیعت و نگهداری بعضی از حیوانات اهلی در خانه، ارتفاع ، جهتگیری، نور ،

تزیینات، استحکام و ایمنی خانه، رعایت بهداشت و پاکیزگی و بوی خوش در خانه.

پرهیز از هر نوع خودنمایی و تظاهر و اسراف در خانه سازی و رعایت حد اعتدال و نیاز.

ضرورت ایجاد فضاهای مناسب برای عبادت، برای پذیرایی از میهمانان، برای شستشو و حمام.

توصیه به زیباسازی و زیبایی دوستی.

توصیه به دور از چشم بودن سرویسهای بهداشتی و خدماتی.

توصیه هایی در مورد ابعاد معنوی خانه، نظیر شرف و برکت خانه، مبارکی و لزوم حلال بودن مواد و مصالح در خانه.

🏠 توصیه به اینکه خانه باید محل آرامش باشد و در این خصوص خانه مترادف «همسر و شب»^۱ در قرآن مطرح و در نقطه مقابل و مکمل آن «روز و زمین یا طبیعت» معرفی شده است. (شب مکمل روز و خانه مکمل طبیعت).

۵- حکمت عملی اسلام در ایجاد محله ها در شهرهای مسلمانان

برخی از مشخصات ایدئولوژی اسلام (حکمت عملی اسلام) در مورد محله با استفاده از منتخبی از کتابهای: وسایل الشیعه، بحارالانوار، نهج الفصاحه، نهج البلاغه برای شناخت بیشتر خانه که در تکمیل طبیعت است آورده می شود:

- ♣ توصیه به زندگی اجتماعی به ویژه در شهرهای بزرگ (به دلیل برخورداری بیشتر از دین و دانش).
- ♣ توصیه اکید به خوشرفتاری و همنشینی با همسایگان (برادران دینی و خلقی)، تا حدود چهل خانه از هر محور همسایه تلقی شده است. (همبستگی عملی در واحد همسایگی).
- ♣ توصیه به تعظیم شعائر اسلامی و ساختمان مسجد و شرکت در جماعت مسلمین^۲.
- ♣ توصیه به برآوردن حاجات و نیازمندیهای اجتماعی (ایجاد مجموع فضاهای مورد نیاز عمومی) و توصیه به وقف.
- ♣ توصیه به تعلیم و تعلم دین و دانش و صنعت و هنر و ... (مراجعه به متخصص عالم و مجتهد).
- ♣ ارزش گزاری فضاهای یک محله (بهترین محل برای نشستن، مساجد و بدترین آن بازارها و راهها است یا محبوبترین فضاها در نزد خداوند مسجد و بدترین جاها بازارهاست).
- ♣ پرهیز از مزاحمت سواره بر پیاده و حفظ نمودن حریم پیاده روها.
- ♣ پرهیز از هر نوع مزاحمت متقابل فضاهای عمومی و خصوصی (حتی مزاحمت منار مسجد برای خانه ها).
- ♣ توصیه به رعایت موازین تقوایی بین زنان و مردان در فضاهای عمومی.

۶- تأثیر اعتقادات اسلامی مردم در طراحی خانه های دوران تمدن اسلامی

مهمترین تأثیرات ایدئولوژی اسلامی (حکمت عملی اسلام) بر طراحی خانه ها در دروان تمدن اسلامی بر اساس متونی که هست بدین قرار است (با دقت خوانده شود):

- هر فرد در طول زندگی تلاش می نماید دارای زمین مستقل و خانه مستقلی باشد، مالکیت به او تشخص ظاهری می دهد، تا لباس و ظرف شخصیت باطنی او باشد و در طول زمان با توجه به شرایط اقتصادی و خانوادگی، خانه خود را مطابق میلش تغییر و وسعت دهد.
- داشتن حریم کامل از خانه های اطراف و فضاهای عبوری و عمومی.
- متانت، سادگی، هماهنگی بدنه های خارجی بناها با یکدیگر.
- هم آوایی و همراهی بدنه ها با هندسه فضاهای عبوری و راهها و نهرها و ...
- تشخص بخشیدن به خانه ها و دعوت کنندگی با ایجاد سردرهای زیبا و سایه انداز و زینت یاد و نام خدا بر فراز آن.

^۱ و آرامش نهایی و اطمینان بخش با یاد خدا (الا بذكر الله تطمئن القلوب)

^۲ توجه کنیم به اعلامیه کنگره جهانی معماری مدرن از سال ۱۹۵۷-۱۹۳۰ (CIAM) که شهر را محل عناصر چهارگانه زندگی، کار، تفریح و عبور و مرور می داند. البته در کنگره بعدی مقوله «مرکز اجتماعی شهر» را نیز اضافه کردند، اما نه به مفهوم اسلامی آن. باتوصیه امام صادق (ع) که وقت خود را برای (خواب، کار، تفریح و عبادت) تنظیم نمایید و به عبادت فردی و اجتماعی هردو تأکید شده است و با توجه به این مضمون که (ما خلق الجن و الانس الا ليعبدون، ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای پرستش) بنابراین حذف عبادت با همه مفهوم گسترده و عمیق آن، یعنی حذف هدف نهایی و اصلی خلقت انسان از زندگی روزمره او.

- جداسازی کامل با مفصل بندیهایی متعدد و مناسب نظیر هشتی و راهرو و حیاط بیرونی و بین فضای خارج و حریم داخل.
- برخورداری هر خانه از فضای سرباز و طبیعی (حیاط) و فضاهای نیمه باز (نظیر ایوانها و تراسها) و فضای سربسته برای استفاده در فصول مختلف و ساعات مختلف روز (حداکثر استفاده از تأسیسات طبیعی).



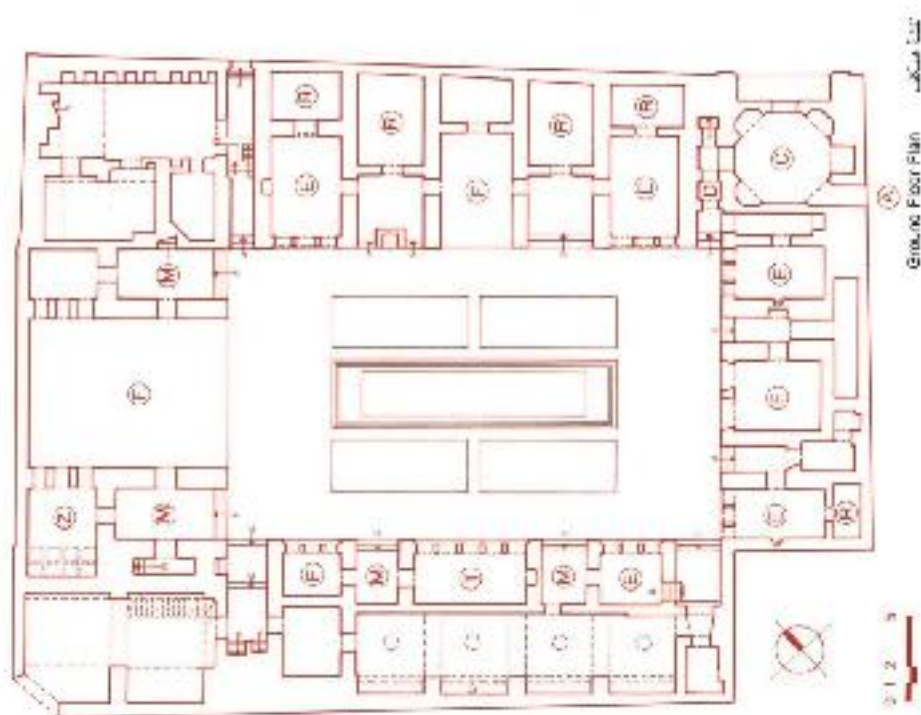
تصاویر ۲ و ۳- یزد، خانه لاریها- حیاط خانه، فضای طبیعی خصوصی در خانه



تصویر ۱- ورودی یک خانه در روستای ابیانه

- ارتباط آزاد و مستقل با طبیعت (برخورداری از آب و گیاه و حیوانات اهلی) در فضای خصوصی خانه.
- بهره برداری کامل از مواهب طبیعی نظیر آسمان، باد، نور خورشید، سرما و گرما به نحو مقتضی.
- برخورداری از فضاهایی کاملاً خصوصی و خانوادگی و دور از هر نوع مزاحمت همجواری.
- ایجاد آرامش و امنیت و سکون مناسب در مقابل سایر فضاهای شهری که به طور طبیعی شلوغ و پرازدحام و مزاحم است
- عرصه بندی فضاهای مختلف داخلی به نحوی که برای افراد هم امکان فضای کاملاً خصوصی خواب و مطالعه و عبادت در کنار فضای خانوادگی نشیمن و بازی بچه ها و ... و فضای پذیرایی از مهمان را همزمان با کمترین مزاحمت در کنار هم فراهم می نماید.
- محوربندی و ارزش گذاری فضاهای داخلی به نحوی که مهمترین فضاهای خانه (نظیر پذیرایی و نشیمن خانوادگی) در محورهای اصلی و سپس فضاهای خصوصی و نهایتاً فضاهای خدماتی و راهروها و پله ها و سرویسهای بهداشتی در فرعی ترین محورها و محلهها قرار می گیرند.
- داشتن هندسه ای اعجاز آفرین که حرکت از کثرت و تنوع را به مرکزیت و وحدت کاملاً طبیعی، متوازن و موزون تداوم می بخشد. مدولار یا «پیمون» که جانمایه نظم در طراحی است، همچون «تار» قالی در قاموس طراحی پنهان شده است و تناسبات طول و عرض، عرصه ها و حوزه های فضایی را جدا و ممتاز می نماید. محوربندی افقی، حوزه

های فضایی را در سطح پیوند می دهد. در محل تلاقی این محور با محور عمودی به کمک تناسباتی که با ارتفاع متناسب بدنه ها و سقفها ایجاد می شود، این نقاط عطف و وحدت آفرین از زمین کنده شده و سبک و سیال در فضا قرار می گیرند.



تصویر ۴- یزد، خانه لاریها-عرسه بندی و تفکیک
فضایی در پلان

➤ کتیبه بندی در بدنه ها، دیوارها و نماها را آرام می کند و محورهای افقی را در ارتفاع نیز تثبیت می نماید. تقسیمات و تناسبات دلنشین نماها در طول خود محور مرکزی آن را (که همیشه فضای باز است نه بسته^۱) تأکید می نماید و بدینوسیله دو فضای متقابل را آشتی می دهد و بدینگونه فضاها برای عبور انسان و حضور او راه باز می کنند.



^۱ مثل سه دری یا پنج دری که همیشه تقسیم وسط، قسمت باز آن می باشد.
تصاویر ۵ و ۶- کاشان، خانه عباسیان- دعوت کنندگی
فضاهای داخلی حیاط به درون و نمای پنجره های
عمودی خانه

- نقطه اوج فضا در کانون و مرکز حیاط است که آب و سبزه و آسمان و ابر و خورشید و ماه و باد، موجب انبعاث خیال از سرزمین ماده به لایتنای روح می گردند.
- پنجره ها با قامت عمودی خود، پیوندی میان زمین و آسمان هستند و نگاه را از خاک به افلاک می برند و اندیشه را سرشار از معنی و دل را سرشار از آرامش می نمایند.^۱
- برای رعایت موازین تقوایی و حفظ حریم خانواده و در عین حال شرکت خانمها در کار اجتماعی و تولید و خلاقتهای هنری در داخل خانه یا نزدیک آن امکان ایجاد صنایع دستی و محصولات غذایی و... را فراهم نموده اند.

۷- محله های بر اساس اسلوب اسلامی در دوران تمدن اسلامی

مهمترین تأثیرات ایدئولوژی اسلام (حکمت عملی) بر طراحی محله ها در دوران تمدن اسلامی بدیت ترتیب قابل ذکر است:

- ❖ ایجاد شهرهای بزرگ و آباد علیرغم مشکلات امنیتی و اقلیمی موجود.
- ❖ ایجاد بافتهای بسیار فشرده، از عناصر مختلف و متنوع شهری با کمترین مزاحمت همجواری. خصوصی ترین فضاها یعنی خانه ها در کنار عمومی ترین فضاها یعنی بازارها، آرامش بخش ترین فضاها یعنی مراکز عبادی و آموزشی در کنار پرازدحام ترین فضاها یعنی مراکز تجاری و صنعتی قرار گرفته اند. اعجاز طراحی و قدرت خلاق معماران با ایجاد حریمها و مفصل بندیهای مناسب و پیش بینی فضاهای باز داخلی در رعایت ارتفاع موزون بدنه های داخلی باعث شده است که ضمن دسترسی سریع انسان به هر دو عرصه فضایی و برخورداری کامل از آنها، مزاحمتهای هریک بر دیگری به حداقل ممکن برسد.



تصویر ۷- منظره از شهر یزد

^۱ بر خلاف اغلب پنجره های افقی دوران مدرنیسم که نگاهی سطحی و یکنواخت به طبیعت دارد.

❖ ترکیب فضایی محله و شهر دارای نمادی بامعنی و باجهت و هدفدار است. خانه ها در مجموع نمادی هماهنگ و متعادل و متناسب دارند، هم از جهت ارتفاع و حجم و هم از نظر مواد و مصالح و تزیینات خارجی و در مجموع از سادگی و متانت و هماهنگی برخوردارند تا خودنمایی و تظاهر و فخرفروشی، در مقابل مراکز عمومی نظیر بازارها و مراکز تجاری، ورزشی، بهداشتی، صنایع و اداری، تقریباً هم ارز هم و با شکوه و عظمت بیشتر در بستر محله و شهر تداوم می‌یابند و نهایتاً این فضاهای مذهبی و زیارتی و آموزشی هستند که همچون قطب و کانون و قلب تپنده محله ها و شهرها می گردند و با شکل نمادین و پرجاذبه خود که از همه عناصر شهری چه از نظر حجم و چه از نظر مواد و مصالح و رنگ و نور اوج گرفته است، صبح و شام، مردم را به معراجگاه می خوانند و به اعتلاء و کمال انسانی دعوت می نمایند و حال ذکر و نیایش می‌پراکنند.

❖ حرکت از کثرت به وحدت و از سیر در آفاق به سیر در انفس را کاملاً در طراحی بافتها و هندسه آنها می توان ملاحظه کرد. راهها، هماهنگ با خطوط شیب زمین و جاری نهرها، هندسه ای مواج و پردامنه می یابند و نقاط دیدی متنوع و متکثر را در نظر دارند و از ایجاد نظم محوری و پرسپکتیو یک نقطه ای در طول مسیر می پرهیزند و در عوض با ایجاد محور منظم و قرینه سازی سردرها شما را به آرامش و سکون و حضور در فضای درون دعوت می نمایند. ترکیب این دو هندسه نامنظم و منظم، برونگرا و درونگرا، سیر در آفاقی و سیر در انفسی، طراحی بافت را از یک بُعدی بودن خارج و سرشار از نشاط و عمق می نماید و همچون ترکیب شب و روز، زمین و آسمان، پیوندی ماورایی و مکمل می یابد.

❖ توصیه های اسلامی در مورد مالکیت زمین و توصیه های اخلاقی-اجتماعی اسلام، باعث شده است که فضاهای عمومی رها شده و بدون کنترل و نظارت جمعی که می تواند محل بروز بزهکاریهای اجتماعی باشد، به حداقل ممکن برسد، فضاهای خصوصی کاملاً حفاظت شده اند و فضاهای عمومی نیز یا کاملاً حفاظت شده هستند و یا در ترکیب با فضاهای تجاری و یا ورودی فضاهای عملکردی کاملاً در معرض رفت و آمد شهری قرار می گیرند.

❖ برقراری عدالت اجتماعی و برخورداری همه شهروندان از مجموع خدمات عمومی تا آنجا که به توده مردم مربوط بوده است و حکومتها دخالت نداشته اند، با توجه به فرهنگ اسلامی به طور گسترده و بلااستثناء برای همه اقشار وجود داشته است و هیچ نوع تبعیض و جداسازی به چشم نمی خورد، مگر آنجا که حکمرانان تحمیل نموده اند.

❖ پیش بینی نیازهای خدماتی خانواده ها در هر محله تا از رفت و آمدهای غیرضروری در سطح شهر حتی المقدور کاسته شود و رعایت جداسازیهای لازم در استفاده از امکانات و خدمات عمومی نظیر مراکز مذهبی و آموزشی و ...

❖ وجود فضاهای باز (حیاطها) در اکثر عناصر شهری و درونگرایی ملازم با آنها باعث شده است، محله و شهر از یکنواختی و ظهور کامل در نگاه اول که خسته کننده است خارج شود و عابر با مجموعه ای متنوع و پرجاذبه از انواع عناصر شهری روبرو باشد. هر فضا، ظاهری دارد و باطنی، برای یک شهروند همیشه حضور و درک فضاهای داخلی به صورت یک جاذبه قوی باقی می ماند.

❖ با وجود توصیه های اکید اسلام بر رعایت حال ضعیف توسط قوی و رعایت پیاده توسط سواره، به نظر می رسد در محله هایی که توده عادی مردم زندگی می کرده اند، مزاحمت آنها به دلیل استفاده از چهارپایان کندرو خیلی زیاد نبوده است و تفکیک بارزی ملاحظه نمی شود و در محلاتی که وابستگان حکام حضور داشته اند و استفاده از چهارپایان تندرو معمول بوده است، ظاهراً رعایت نمی نموده اند.

در مجموع توصیه های اسلامی تا آنجا که به توده مردم و فرهنگ عامه مربوط می شود رعایت و اجرا شده است و آنجا که در حوزه وظایف حکومتها و دولتها است، متأسفانه اقدام و اجرا نشده است و به همین دلیل بافتهای محلی و شهری ما علی رغم اعجاز هنری و عملکردی در تک عناصر ساختمانی از نواقص و کمبودهای بسیار زیاد محلی و اجتماعی رنج می برند.

۸- تأثیر فرهنگ مادیگرایی و اومانستی غرب در بافت خانه و محله

برخی از ویژگیهای جهان بینی مادی گرا و اومانستی غرب، (دیدگاه پوزیتیویستی) درباره انسان و وظایف فردی و اجتماعی او که بر معماری خانه و محله مؤثر می باشد.

◆ جهان هستی را مترادف با همین طبیعت مادی دانسته اند و آن را محدود و محصور در عالم دنیا می دانند (دنیا از ریشه دنی به معنی پست و نزدیک است).

◆ انسان نیز در این هستی در بعد حیوانی و غریزی خود محدود و محصور می شود و عقل جزیی نگر پوزیتیویستی حداکثر او را «حیوان ناطق» می خواند و نه «حی مآله» یعنی زنده تعالی جو که انسان را در نفس حسی یا حیوانی محدود می بیند.^۱

◆ هدف از زندگی انسان در این دنیا برخورداری هرچه بیشتر از نعمتهای مادی است. با توجه به محدودیت نعمات مادی و اشباع ناپذیری مادی انسان، جنگ و تنازع بین انسانها امری طبیعی و ضروری است.

◆ علم حقیقی و واقعی همان علوم تجربی است و ارزشهای معنوی و مذهبی یا اوهام است، یا نسبی و شخصی، یا باید از معادلات زندگی فردی و اجتماعی کنار گذاشته شود و یا باید وسیله ای در خدمت امیال و هوسهای دنیوی فردی و جمعی انسانها قرار گیرد و آنها را توجیه کند.

◆ فرد مطلقاً آزاد است مگر در قبال نقض آزادی دیگران که قانون آن را تعریف می نماید که عملاً منجر به آزادی نفس اماره (نفس امرکننده به زشتیها) می شود (در تاریخ اجتماعی غرب و در قرن اخیر، در مجموع این روند را ملاحظه می نماییم).

۹- تأثیر فرهنگ مادیگرایی و اومانستی غرب در باره زندگی فردی و اجتماعی

برخی از مشخصات ایدئولوژی فرهنگ مادی گرا و اومانستی غرب که درباره انسان و زندگی او مؤثر است.

■ چون هستی را کلاً مادی می داند، بنابراین مهمترین ویژگی زندگی و حیات را غیر از توالد و تغذیه، حرکت می داند و حرکت را مفهوم اعلی پویایی و حیات و زندگی (و سکون و آرامش که می تواند عروج روحی باشد، مترادف مرگ و نیستی است)

^۱ در حالیکه حضرت علی(ع) در پاسخ کمیل انسان را دارای چهار ساحت نفسانی می داند:

۱- نفس نباتی

۲- نفس حسی یا حیوانی

۳- نفس ناطقه یا (قدیسه)

۴- نفس ملکوتی یا (الهی)

- چون انسان را در بعد حواس و عقل جزئی نگر پوزیتیویستی محدود می شناسد، تنوع و تکثر مادی و صوری و سیر در آفاق را مهمترین وجه همت خود قرار می دهد و نوگرایی و تنوع طلبی ظاهری و فرمالیستی، آرمان و ایده آل او می شود.
- با حاکمیت سکولاریسم دینی زندگی فردی و اجتماعی انسان در مسکن و کار و تفریح خلاصه می شود و ارزشهای معنوی و دینی یا حذف می شود و یا به حاشیه می روند و به تدریج فراموش می شوند.

۱۰- برخی از تأثیرات فرهنگ غربی بر معماری خانه ها و محلات معاصر ایران

- حریم فضاهای داخلی خانه و مجموع فضاهای بیرونی اعم از راهها و سایر فضاهای شهری به حداقل می رسد.
- فضاهای باز داخلی (حیاطها) یا حذف شده و یا با فضاهای اطراف به نحوی تداخل می یابد که مزاحمتهای صوتی و دید افزایش یافته و دیگر خصوصی و محرم نیستند
- پنجره ها، تراسها، ایوانها که به فضاهای داخلی باز می شد، از هر طرف سر می کشد و مزاحمتهای همجواری متقابل برای سایر خانه ها و مراکز عبوری و سایر فضاهای اطراف ایجاد می نمایند.
- حوزه های فضایی خصوصی و خانوادگی و عمومی و خدماتی، به تدریج در هم ادغام می- شود و مزاحمتهای عرصه های مختلف فضایی را برای یکدیگر در تداوم زندگی روز و شب و خصوصی و عمومی ایجاد می نماید، با حضور یک میهمان برای یک فرد خانواده و یا صدای بلند یک منبع صوتی همه فضاها متأثر و ملتهب می شود. همچنین فضای خصوصی به مفهوم واقعی در سطح شهر وجود ندارد.
- به کاربرد سطوح شفاف وسیع و هندسه روان



تصویر ۸-تهران، یکی از شهرکهای مسکونی معاصر

- و موج و گوشه های تند و باز، فضایی همچون راهها مناسب سیر در آفاق است نه سیر در انفس.
- با ایجاد بلوکهای مشاع، ضمن حذف مالکیت شخصی که زمینه ساز شخصیت فردی و خانوادگی بود، تمام مزاحمتهای فوق به اوج می رسد، آرامش و آسایش مادی و روحی به حداقل ممکن و ناهنجاریهای فردی و اجتماعی از حد می گذرد. معمار طراح به جای آنکه خود را به جای تک تک افراد خانواده بگذارد و خانه را از درون فضا به بیرون طراحی نماید و خانه در مجموع لباس انسانهای درون باشد، برعکس، نظیر یک مجسمه ساز در بیرون خانه می ایستد و حجمها و فرمها و شکلها را به گونه ای ترکیب می نماید که فقط از دید یک رهگذر به نظر جالب و هیجان انگیز باشد فضاها اغلب از درون تهی و بی روح و بی محتواست و از بیرون ترکیبی فرمالیستی دارد.^۱

^۱ به خانه دومینیون آقای لوکوربوزیه توجه کنیم. با وجودی که از نظر مهندسی در زمان خود یک پیشنهاد فوق العاده برای رها شدن بدنه ها از شرکت در باربری ساختمان است ولی از نظر فضایی یک جعبه و قوطی کبریت و یک سلول فضایی بی هویت است.

- مجموعه عناصر شهری اغلب فاقد ترکیبی با وحدت و هدف و معنا بوده و ترکیبی بی هدف، بی معنی و ناهماهنگ و متکثر دارند.



تصویر ۹- تهران، شهرسازی نامتناسب امروز

- عناصر شهری در یک بازی بیهوده و عبث، متظاهر، خودنما، استیلاجو و ناموزون قرار گرفته‌اند.
- هندسه‌های به کار گرفته شده در بافت، حرکت از کثرت به وحدت و از هندسه روان به هندسه تمرکزآفرین و آرام را ایجاد نمی نمایند، بلکه یا کاملاً منظم و خطی هستند و یا کاملاً رها و تصادفی و در مجموع هندسه‌ای سیر در آفاقی و کثرت طلب دارند.
- تداخل فضاهای مسکونی با هم و تداخل آنها با سایر فضاهای عمومی و راهها به حدی است که عملاً حریمهای فضایی بی اثر شده و معماران به سوی ایجاد تنوع فضایی سطحی و قشری و فرمالیستی کشیده می شوند.

- از آنجا که سرعت و حرکت از مهمترین عوامل بهره‌برداری مادی قلمداد می گردد، راههای سواره، به عنوان اصلی ترین عنصر شهری و محور غالب در طراحی مطرح می شوند و علاوه بر تحمیل خود بر مسیرهای پیاده و کندرو، مزاحمتهای خود را بر فضاهای عملکردی نیز تحمیل می نمایند.

۱۱- جمع بندی نهایی و پیشنهادات اجرایی :

- با توجه به مجموع مطالب مطرح شده، ملاحظه می شود مبانی و اصول بسیار ارزشمندی در جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی و تبلور آن در معماری خانه و محلات دوران اسلامی است که مبتنی بر نیازهای فطری و اجتماعی انسان بوده و غیروابسته به زمان و مکان می باشد، بنابراین آن اصول را باید عمیقاً و دقیقاً استنتاج و در دستور کار مستمر ماهیت و جوهر طراحی خانه‌ها و محلات در دستور کار سازمان‌های مربوطه قرار داد.
- باید مبانی و معیارها و توصیه‌های اسلامی مبتنی بر شرایط زمانی و مکانی کاملاً بررسی و تحقیق و با توجه به امکانات و مقدرات موجود، آن معیارها و توصیه‌ها را به صورت نسبی محقق نمود.
- در یک تعریف کلی فضا سازی در معماری و شهرسازی دوران اسلامی نه فقط درونگرا و نه فقط برونگرا است، بلکه بر حسب نیازهای انسان به صورت متناسب و موزون و در جای خود درونگرا و یا برونگرا است و **بطور کلی معماری پوسته فضای درونی است.**

- **در یک توصیف کلی معماری و شهرسازی ما** «بازآفرینی و ساماندهی حکیمانه و عادلانه فضا، متناسب با نیازهای مادی و روحی انسانها و در جهت کمال آنهاست.»
با این تعریف که بیان شد می توان گفت :
& اول اینکه فضای معماری ما تقلید و تکرار فضای طبیعی نیست، بلکه مکمل آن است.
& دوم اینکه عصاره و جوهر آن طراحی فضا است و مجسمه سازی و نقاشی نیست و حجم و سطح و فرم و شکلهای، پوسته و لباس آن تلقی می شوند.

& سوم اینکه فضاها در مجموع به نحوی طراحی می شوند که با حرکت از ظاهر به باطن و از کثرت به وحدت هم نیازهای مادی و سیر در آفاق انسان را برآورده می سازند و هم نیازهای معنوی سیر در انفس و روحی انسان را و نهایتاً **فضاها دارای هدفی والا و تعالی بخش بوده و فضا معراجگاه و محل عروج انسان طراحی می شود. چه در یک مولکول و هسته فضایی و چه در ترکیب فضاهای یک خانه و چه در ترکیب عناصر فضاهای یک محله.**

• دلایلی که نسبت به **ایجاد واحدهای مسکونی مشاع و بلوکهای آپارتمانی** مطرح می شود به هیچ وجه توجیه پذیر نیست، [قابل توجه مسئولین امر هر چند که برای رفع نیاز بخش بی خانمان ها در تلاش ساخت و ساز خانه های مسکونی هستند].

اولاً تمرکز جمعیت زیاد نظیر آنچه در شهر تهران رخ داده است با توجه به وسعت سرزمین ایران، قطعاً غیر لازم و نامتناسب و ناهنجار است و اگر قرار بر تراکم بالا نیز باشد، می توان ساختمانهای اداری و تجاری و حتی صنعتی را با تراکم بالا ساخت و نه واحدهای مسکونی و خانه ها را، ثانیاً دلیل اقتصادی و ارزان سازی و سریع سازی نیز در مورد این ساختمانها صادق نیست، زیرا تجربه موجود عملاً نشان داده در صورتیکه حداقل استانداردهای لازم برای خدمات عمومی آپارتمانها و تراکم بالا را در مجموعه در نظر بگیریم، قیمت تمام شده خیلی بیشتر از ساخت خانه های مستقل تک واحدی است. بنابراین سنت اصیل و ضروری ساخت واحدهای مستقل و تک واحدی یا فامیلی را با امکانات موجود باید تداوم بخشید و به شدت از ایجاد خانه های مشاع و ترکیب خانه ها با سایر خدمات شهری به صورت نامتناسب احتراز نمود.

پرسش ها و پژوهش ها (مقاله پانزدهم)

- (۱) بطور کلی تا کنون چه معانی مختلفی برای **فرهنگ** تا کنون ارذائه شده است؟
- (۲) **جهان بینی و ایدئولوژی** چیست؟ و چه ارتباطی با هم دارند؟
- (۳) آیا می توان گفت که به اندازه تعداد انسان ها ، همان مقدار هم **جهان بینی** داریم؟ نظر شما در این باره چیست؟
- (۴) در آیات قرآنی واژه **مسکن برای انسان** با کدام کلمات نامیده شده است و منظور همه آنها چیست؟
- (۵) **کوچکترین مولکول زنده و مولد در مجتمع زیستی** کدام است ؟ چرا ؟
- (۶) نگرش [از اویی] و [بسوی اویی] مربوط به کدام آیه مبارکه قرآنی است ؟ منظور از آن چیست؟ و چه نتیجه ای از آن می توان گرفت؟
- (۷) آیا شما **جهان** را یکپارچه می دانید و حرکت آن را بسوی معبود کامل می دانید؟ نظر قرآن را در این باره جویا شوید و آیات مربوطه را استخراج کنید؟
- (۸) از مجموعه آیاتی که در **وصف زمین** (محل سکونت انسان) آمده است به کدام نقطه نظر و جمع بندی می توان رسید؟
- (۹) از مجموعه ایاتی که در **وصف آسمان** آمده است به کدام نقطه نظر و جمع بندی می توان رسید؟
- (۱۰) از مجموعه ایاتی که در **وصف شب** آمده است به کدام نقطه نظر و جمع بندی می توان رسید؟
- (۱۱) از مجموعه ایاتی که در **وصف روز** آمده است به کدام نقطه نظر و جمع بندی می توان رسید؟
- (۱۲) چرا **اولین خانه** مناسب برای انسان همان خانه کعبه است ؟ نظر شما در این باره چیست؟
- (۱۳) در معماری و آثار هنری ناشی از **تفکرات مادیگرایی و پوزیتیویستی** (حس گرایی) چرا از آرامش گریزانند؟
- (۱۴) از آغاز **مدرنیسم** تا به امروز در طراحی های معماری و شهرسازی و مجموعه های هنری عناصر تشکیل دهنده چه چیزی بوده است؟
- (۱۵) از آیاتی که در باره **مسکن** (خانه) در قرآن آمده است به چه جمع بندی می رسید؟

- ۱۶) با توجه به منابع موثق اسلامی چه توصیه‌هایی در باره داشتن یک **خانه و محله مطلوب** شده است؟ برای هر کدام ۵ مثال ذکر کنید / اگر نظر دیگری دارید مطرح سازید؟
- ۱۷) حکمت عملی اسلامی در **ایجاد محله‌های یک شهر** را بیان کنید؟
- ۱۸) اعتقادات ایمانی مردم در دوره اسلامی چه **تأثیری بر خانه‌سازی شهرها** داشته است؟ نظر شما چیست؟
- ۱۹) **محله‌های یک شهر** بر اساس اسلوب معماری و شهرسازی اسلامی در دوران تمدن اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟
- ۲۰) **فرهنگ غربی و اومانیستی** در بافت‌های **خانه و محله** ایران امروز چه تأثیری داشته است؟ ذکر کنید؟
- ۲۱) **فرهنگ غربی و اومانیستی** در باره **زندگی فردی و اجتماعی** ایران امروز چه تأثیری داشته است؟ ذکر کنید؟
- ۲۲) منظور از اینکه [بطور کلی معماری پوسته فضای درونی است] چیست؟ **نظر شما** در این باره چیست؟

مقاله شانزدهم

(کاربردی - معماری و شهرسازی)

(و مال‌الحیوة الدنيا الا الغرور - ۱۸۰/آل عمران)
زندگی دنیا بجز متاعی فریبنده و فناپذیر برای شما هیچ نخواهد بود

الگوبرداری و بکارگیری ارزش‌های اسلامی

در

معماری و شهرسازی ایران امروز

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

۱- اغتشاش در ساخت و ساز و مشکلات زیست محیطی شهرهای بزرگ را تهدید می کند

در اینکه اغلب شهرهای موجود از جمله تهران از ناهنجاریها و مشکلات همجواری بسیاری رنج می‌برند و اغتشاش و ناامنی و بخصوص مشکلات زیست محیطی، زندگی و حیات طبیعی انسان ها را در معرض خطرات جبران ناپذیر روحی و جسمی قرار داده است، تردیدی نیست. در این رابطه به لحاظ اهمیت و اولویت موضوع با طرح چند سؤال به کندکاو این معضل اساسی شهرهای بزرگ ایران می‌پردازیم:

◆ سؤال اساسی این است: مگر چه اتفاقی افتاده است که شهرهای آرام، دلپذیر و باصفای ما چنین سرنوشت نامطلوب و نامناسبی را پیدا نموده اند؟

ممکن است پاسخ داده شود: شهرهای موجود نتیجه پیشرفت تکنولوژی و ماشین است و با وجود تکنولوژی صنعتی و مدرن، چنین سرنوشتی گریزناپذیر است.

پاسخ ما این خواهد بود: تکنولوژی و صنعت فقط وسیله و ابزار است و در دست برنامه ریزان و شهرسازان شایسته و لایق می‌تواند نرم و رام باشد و در خدمت شهر مطلوب قرار گیرد.

◆ حقیقت چیست؟ چرا شهرهای باصفا، باروح و با هویت معنوی و هماهنگ و وحدت بخش ما اینچنین مغشوش، ناهماهنگ، مزاحم، پردردسر و ناهنجار شده اند؟

برای پاسخ باید گفت: ما از سنت ها و ارزشهای خود بریده و غرب زده شده ایم. معماران و شهرسازان غربی تحت تأثیر اندیشه ها و معتقدات مادی گرایی و پوزیتیویستی خودشان که بخصوص بعد از رنسانس رواج یافته بود و در قرن نوزدهم با انقلاب صنعتی بسیار اوج یافت، مجموعه نیازهای انسان را در شهر «مسکن، کار، تفریح و سایر خدمات عمومی» تعریف نموده اند و مراکز مذهبی و علمی را که در فرهنگ ما و در شهرهای ما «قلب و روح» شهر است بی اهمیت و نادیده گرفته اند.

۲- مسکن، کار، تفریح و عبودیت چهار رکن شهرسازی اسلامی

در حالی که حضرت امام صادق(ع) علاوه بر سه رکن فوق (مسکن، کار، تفریح) «عبادت» و سیر و سلوک الهی را نیز به عنوان یک نیاز اساسی انسان مطرح می نمایند تا آنجا که گفته می شود: (ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون: یعنی ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای عبادت) مراکز مذهبی و زیارتی و حتی علمی و فرهنگی در شهرهای اصیل و سنتی ما نه یک نیاز در کنار سایر نیازهای شهروندان، بلکه به عنوان یک هدف و آرمان زندگی انسانها تلقی می شود.

با این تفکر و اندیشه است که معماران و شهرسازان سنتی ما شهرها را فقط برای امور دنیوی انسانها طراحی نمی کردند، بلکه شهر در مجموع ضمن برآوردن نیازهای مادی انسان به صورت یک عبادتگاه جمعی و زمینه معراج روحی و معنوی شهروندان بود، به همین دلیل سرشار از آرامش، هماهنگی، وحدت، متانت و صفای روحی و معنوی و در یک جمله شهر مشحون از عطر ذکر و یاد خدا بود. بنابراین برای داشتن یک شهر مطلوب باید سیاستگذاران، شهرداران و معماران و شهرسازان جنبه‌های معنوی زندگی انسانها را جزء اصلی ترین محورهای برنامه و کار خود قرار دهند.^۱

^۱ روایت «الدنيا مزرعة الاخرة» شاید یک تفسیر آن این باشد که باید زندگی مادی انسان مزرعه حیات روحی و معنوی او باشد نه بالعکس.

۳- مهم ترین ابعاد فرهنگی معماری و شهرسازی اسلامی



تصویر ۱- منظر از شهر تاریخی یزد

♦ **حال با توجه به فرهنگ بسیار غنی و عمیق ما در معماری و شهرسازی چه باید کرد تا هم شهرهای موجود را تا حدودی اصلاح نماییم و هم شهرهای آینده را با الهام از فرهنگ حیاتبخش اسلامی طراحی کنیم؟**

چند نکته از مهمترین ابعاد فرهنگ معماری و شهرسازی را از دیدگاه اسلامی و تجربیات تمدن دوران اسلامی مطرح می

نماییم:



تصویر ۲- اصفهان، پل خواجه

○ در اسلام توجه و تأکید بیشتر نسبت به خدمات عمومی و جمعی است تا شخصی. از تأسیسات زیربنایی نظیر آب و فاضلاب و فضای سبز و پلها و راهها گرفته تا بخصوص مراکز عبادی و زیارتی و مراکز علمی و هنری و آموزشی و سایر خدمات عمومی و

○ مسائلی که در فرهنگ اسلامی ما از گذشته نسبت به آن بسیار توصیه شده است، **ساختن مساجد، آب انبارها، حوزه های علمیه، پلها و کتابخانه ها و مسئله وقف** که این اماکن را به رایگان برای استفاده عموم و به صورت مستمر تأمین می نموده است.

○ این نکته بسیار حائز اهمیت است که **بهترین معماران و بهترین مصالح و امکانات در ساخت این مراکز عمومی بخصوص مراکز عبادی و زیارتی به کار گرفته شده اند و شاهکارهای بی بدیل معماری و شهرسازی دنیا را به وجود آورده است.**

۴- وضعیت معماری و شهرسازی در یکصد سال اخیر



تصویر ۳- کاشان، مسجد آقابزرگ

✱ اما متأسفانه بخصوص در **یکصد سال اخیر**، شهرها، شمال و جنوب پیدا کرد و امکانات متوجه ساختن قصرها و کاخها شد و خانه های اشراف و باشگاههای خصوصی و مراکز تجمع دوله ها و سلطنه ها به قیمت تخریب مراکز خدمات عمومی اکثریت مردم، رونق گرفت. محله ها و ناحیه ها و مناطق شهری و مجموعه خدمات عمومی به حال خود گذاشته شد و مسیر فرودگاه تا هتلها و سفارتخانه ها و قصرها و کاخها آباد گردید.

✱ **بافت قدیمی شهر** نه تنها بازسازی و احیا نشد، بلکه با ایجاد خیابانهای نامناسب، شکل طبیعی و آرام خود را نیز از دست داد و به جای ایجاد وسایل نقلیه عمومی، ماشین سواری شخصی، تبلیغ و تشویق شد.

❖ **بعد از انقلاب** نیز در تهران به جای اینکه اول به فکر دودزدایی و اصلاح اساسی ساختار حمل و نقل شهری و تأمین خدمات عمومی محله ها و مناطق توجه گردد، بیشتر به توسعه راهها پرداخته شد و ساختن برجهای اشرافی و گران قیمت بجای خانه های مناسب و ارزان قیمت در الویت قرار گرفت.

۵- راه حل اجرایی برای حل معضلات شهرهای بزرگ

- باید **امکانات اجتماعی** را برای احیا و زنده سازی خدمات عمومی در مراکز محله ها و ناحیه ها و مناطق بسیج نمود و محرومیت دوران شاهنشاهی را از میان برداشت و این کار نیاز به برنامه ریزی و همکاری همه دست اندرکاران دولتی و مردمی دارد و البته با تکیه روی و خودمحموری و قانون گریزی ارگانها و نهادهای امکان پذیر نیست.
- یکی از مهمترین و شگفت انگیزترین ویژگیهای شهرهای سنتی و اصیل ما که با الهام از فرهنگ اسلامی ایجاد شده است، **احداث فضاهای بسته** و عملکردی نظیر خانه های مسکونی و مراکز مذهبی و آموزشی است (مثل مساجد و حوزه های علمیه) و ... کاملاً در کنار مسیرهای عبوری و مراکز پر ازدحام شهری نظیر بازارها و سایر خدمات عمومی حتی صنعتی (صنایع سبک) قرار می گیرند و در عین حال کمترین مزاحمت ممکن را برای یکدیگر دارند و در کنار یکدیگر، مکمل هم می باشند و در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی شهروندان بسیار زیبا و متناسب طراحی و اجرا شده اند.

- راه حل اعجاب انگیزی که معماران و شهرسازان خردمند و خلاق ما در طراحی خود به کار برده اند **ایجاد درونگرایی در فضاهای عملکردی** است. هنرمندان معمار و شهرساز ما با ایجاد فضای باز داخلی یعنی حیاط مرکزی، پنجره ها و ایوانها و تراسهای خانه را رو به حیاط داخلی طراحی نموده اند. با این ابتکار هم ساختمان را از حداکثر نور و آفتاب و باد و فضای سبز و آب برخوردار نموده اند و هم با ایجاد دیوارهای بسته نسبت به بیرون و پنجره های کوچک مزاحمتهای متقابل همجواری را به حداقل ممکن رسانیده اند.



تصویر ۴- خانه های درونگرا، خانه صدوری

- شما در **شهرهای سنتی** در کنار پر ازدحام ترین نقاط شهر یعنی بازارها، مساجد و حوزه های علمیه و کتابخانه ها و خانه ها و حمامها را می بینید که در کمال آرامش هر کدام زندگی طبیعی خود را می گذرانند و کمترین مزاحمت را دارند،
- اما در **شهرهای امروز** متأسفانه حریمها شکسته می شود، پنجره ها و تراسها و ایوانها به سوی فضاهای عبوری و عمومی گشوده می شود. مزاحمتهای همجواری نه فقط بین راهها و فضای عملکردی خانه ها و مدرسه هاست، بلکه با بی حرمتی نسبت به ارزشها و با ایجاد اشراف بین مجموعه فضاهای عمومی، نقطه امن و آرامش بخشی در شهر باقی نمی ماند.

۶- حال چه باید کرد و اقدام فوری چیست!!

- ❖ باید **مسئله اشراف داشتن** که ساختمانی بر ساختمان و به داخل حریم آن دید داشته باشد و از محرمات قطعی اسلامی بشمار می آید، به هر ترتیب ممکن در ضوابط شهرسازی بخصوص در احداث واحدها و مجموعه های مسکونی مد نظر قرار داده و با برنامه ریزی جلوگیری کرد.

♣️ طراحان باید از **ادغام و تداخل نامناسب فضاهای عملکردی و عمومی** به شدت پرهیز نمایند نظیر فضاهای مسکونی، اداری، تجاری و آموزشی و مذهبی (همانطور که در شهرسازی سنتی ملاحظه شد این فضاها می توانند کاملاً در کنار هم قرار گیرند اما بدون تداخل و مزاحمتهای همجواری)

♣️ برخلاف آنچه متأسفانه و ناآگاهانه تبلیغ شده است، **ساختمانهای مسکونی بلندمرتبه** و آپارتمان سازی نه تنها اقتصادی نیست و هیچ مشکلی از مسائل شهرسازی ما را حل نخواهد کرد، بلکه بالعکس بسیاری از ناهنجاریهای روحی و روانی و فرهنگی را به دنبال دارد و باید در مقوله خانه سازی به شدت از ایجاد ساختمانهای مسکونی بلندمرتبه جلوگیری نمود.

♣️ در طراحی راهها و **مسیرهای عبوری** با الهام از فرهنگ معماری و شهرسازی سنتی به این نکته باید توجه نمود که اصل، فضاهای داخلی و عملکردی است و مسیرهای عبوری به عنوان وسیله تلقی می شوند. مسیرهای عبوری را باید با توجه به شرایط طبیعی و اصالت دادن به بافتها و فضاهای عملکردی، طراحی و اجرا نمود و از ایجاد هر نوع مزاحمت مسیرها برای فضاهای داخلی جلوگیری و اجتناب نمود. بخصوص از هر نوع مزاحمت مسیرهای ماشین رو برای پیاده روها و از مزاحمت مجموع آنها برای خانه ها و مدرسه ها و ... اجتناب کرد. در این مورد بخصوص توصیه می شود **مسیرهای سواره** را بجای آنکه به صورت روگذر اجرا نماییم و دود و سر و صدا و لرزش ماشینها را بر خانه ها و ادارات تحمیل و مسلط نماییم، لازم است مسیرهای سواره به صورت زیرگذر طراحی و اجرا شوند تا مزاحمتهای آنها به حداقل ممکن برسد.

در خاتمه اعتقاد تجربی و قطعی دارم در صورتی که از غرب زدگی و خودباختگی در مقابل فرهنگ و هنر غرب پرهیزیم می توانیم با استفاده از امکانات و تکنولوژی زمان و بهره برداری از فرهنگ غنی و سرشار اسلامی هم شهرهای موجود را اصلاح و بازسازی کنیم و هم شهرهایی بی بدیل و متناسب برای آینده گان طراحی و اجرا نماییم.



تصویر ۶- شیراز، باغ ارم



تصویر ۵- اصفهان، ارسیه های یک خانه

پرسش ها و پژوهش ها (مقاله شانزدهم)

(۱) آیا شهرهای موجود ایران از **مشکلات همجواری، ناامنی و معضلات زیست محیطی** رنج می برند ؟ چرا؟

(۲) **برنامه ریزان و شهرسازان** چه تأثیری می توانند از رسیدن به شهر مطلوب داشته باشند ؟ بیان کنید؟

- ۳) شهرسازان ما **مجموعه نیاز انسان در یک شهر** را چه عواملی می دانند؟ در این نگرش چه عنصری نادیده گرفته شده است؟
- ۴) **از دیدگاه امام صادق علیه السلام** چهار عنصری که هدف و آرمان زندگی شهری را تشکیل می دهند کدام است؟
- ۵) چرا در اسلام در باره **ارائه خدمات عمومی** اصرار و تأکید شده است ؟ چند نمونه از این خدمات را نام ببرید؟
- ۶) **معماری و شهرسازی یکصد سال اخیر** با چه مشکلاتی روبروست ؟ ذکر نموده و توضیح دهید؟
- ۷) برای رفع **مشکلات معماری و شهرسازی موجود در ایران** ، چه راه حل هایی را پیشنهاد می کنید؟
- ۸) **شهر سنتی و شهر امروزی** در ایران چه تفاوتی با هم دارند به اختصار و دقت توضیح دهید؟
- ۹) **اشراف داشتن** در شهرسازی جدید ایران را چگونه می توان حل نمود؟ شما در این باره چه نظری دارید؟
- ۱۰) آیا ساخت ساختمان های **بلند مرتبه (برج سازی)** چقدر می تواند مشکلات تراکم جمعیت را حل نماید؟
- ۱۱) چرا باید **مسیرهای سواره** زیرگذر طراحی شوند ، فرق آن با روگذر بودن چیست؟ نظر تحقیقاتی خود را بیان کنید؟

مقاله هفدهم

(کاربردی - معماری و شهرسازی)

مرا به کار جهان هرگز التفات نبود رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست
لسان الغیب حافظ

دسته بندی معماران امروزی ایران و نقدی بر نظرات آنان

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

پیشگفتار

درباره معماری و شهرسازی هم در حوزه نظر سخن بسیار رفته است و هم در عرصه عمل و همچنان بازار مدعیان گرم بوده و هست. اما آنچه را در مجموع و به حقیقت می توان ادراک نمود، عرصه مغشوشی است از نظریات ناهمگن و متعارض و از آن ناستوده تر، اغلب بی بنیان و ناستوار. نظریاتی که بعضاً از **بدیهی ترین مبانی معرفت شناسی و انسان شناسی و فلسفه هنر و زیبایی در اندیشه اسلامی که نه شرقی است و نه غربی**، محروم می باشند. در حالی که نظریه پردازی در فرایند هنری جز با طرح و تبیین واژه ها و باورها، مضمونی را برای نقد و تحلیل و مقایسه ارزشیابی محقق نمی نماید و نظریه در **محاق ابهام و توهم و تناقض**، سرنوشتی جز **پوچی (نیپیلیسم) و تخریب (آنارشسیسم) و ناتوانی** در ایجاد رابطه با مخاطب نخواهد داشت. و در عرصه ابداع و عمل نیز بخصوص در نیم قرن اخیر، در عین تقلید بازیگوشانه از هنر وارداتی و اسیر کمیت غربی، این هنر تقلیدی نه پختگی اجرایی و عملی و به اصطلاح علمی و تجربی تمدن صنعتی دوران مدرنیسم را با خود دارد و نه شبهه بازنگری تاریخی، متافیزیکی، انسان مداری و تأویلی و سنتی و... پست مدرنیسم ساحر و بازیگر را.

معماران و شهرسازان ما و از آن مهمتر **مدیران و برنامه ریزان و تصمیم سازان ما، در تداوم میراث دوران خودباختگی ستم شاهی و در شرایط نه چندان طبیعی و در گذار قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به بعد از آن، همچنان از موازین و معیارهای مدون و فرهنگی در حوزه نظر و عمل محروم بوده اند** و در فراموشی تأسف بار حکمت نظری و عملی فرهنگ اسلامی، عرصه برای ارائه کالاهای نامرغوب ساحران و سامریان باز شده است. و نبود فضای لازم و مناسب برای مباحثه و مناظره و مشاوره و نقد و تحلیل و مقایسه و ارزیابی و در نهایت همفکری و همکاری در بازآفرینی اصالتها و ارزشها، همچنان به بقای آن فرهنگ وارداتی و محروم از حق تداوم بخشیده است و خودبینی و خودبنیادی و خودخواهی و تشدید انحصارات شخصی و گروهی و تقلید و بی هویتی و ابتذال استمرار در معماری و شهرسازی امروز همچنان باقی مانده است.

در جهت اصلاح معماری و شهرسازی معاصر ما، لازم است ابتدا **طبقه های مختلف معماران و شهرسازان معاصر** را بازشناخت و به نقد و ارزیابی سنتها و روشهای هر گروه پرداخت و راه را برای بازبینی و بازآفرینی اصالتها و ارزشها در این هنر جامع، آنچنان که شایسته ساحت قدسی اسلام و رسالت جهانی تمدن اسلامی است، بازیافت. در یک طبقه بندی کلی و جوهری، معماران و شهرسازان معاصر ما را می توان در تقسیم بندی ذیل خلاصه نمود:

۱- معماران و شهرسازان غیر متخصص

در محدودیت های خاص وجود نیروهای ذو وجه متخصص و متعهد در سرآغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به حق یا به ناحق و شاید اضطراراً، اغلب افرادی بر مسند مراکز برنامه ریزی و تصمیم سازی، نظیر شهرداریها، معاونتهای عمران استانداریها، وزارت مسکن، سازمان برنامه و بودجه و سایر وزارتخانه ها و نهادها بودند و یا قرار گرفتند که متأسفانه واجد شرایط لازم کافی برای مقام خود نبودند و در مواردی هنوز نیستند. این افراد به دلیل عدم تخصص لازم، نه خود توان کافی برای انجام کاری شایسته و با کیفیت کامل را داشتند و نه می توانستند کارشناسان خبره و اهل را از نااهل تشخیص دهند. **این افراد اغلب در دام کارناشناسان غیر متخصص و غیر متعهد و سودجو اسیر می شوند و یا نهایتاً به دلیل مجموع شرایطی که اضطراری می دانند، کیفیت را فدای کمیت کرده و می کنند.**

مهمترین ویژگی این طیف، عمل زدگی، روزمرگی، درآمدسازی و آمارسازی، تسلیم بودن در برابر کارناشناسان هفت خط و پیمانکاران طماع و بساز و بفروش بوده و هست که بخش عمده ای از مشکلات جاری بر دوش آنان سنگینی می نماید.

۲- معماران و شهرسازان غیر متعهد

این طیف در واقع همزاد و همساز گروه نخست اند، جز در ظلمت جهل و مرداب غفلت نمی رویند و رشد نمی نمایند، جز سود و منافع و مصالح شخصی به چیزی نمی اندیشند و به راه دیگری نمی روند. از هرچه بوی معنویت و رشد و کمال و فرهنگ و هنر و... بدهد بیزاری می جویند و هر جا منافع آنان اقتضا کند به ارزشها تظاهر می کنند. نتیجه کار این طیف همان نتایج کار گروه قبلی است، با این تفاوت که این گروه صرفاً به منافع شخصی می اندیشند و با حقوق ملی و اجتماعی بیگانه اند و وجدان علمی و تخصصی خود را به بهایی اندک می فروشند و در کار خود عملاً غیرمتخصص و غیرمتعهد می شوند!!

۳- معماران و شهرسازان غرب زده و طرفدار مد روز

برخی از کارشناسان نسل قدیم و جدید می خواهند از موی سر تا بن ناخن غربی باشند و غربی شوند. این خواست اغلب نه از سر علم و معرفت، بلکه از منتهای خودباختگی و از خودبیگانگی محقق شده و می شود. آنها نه خود اسلامی را می شناسند و نه از نظر فرهنگی غربی هستند، بلکه از خود واقعی بریده و به اصطلاح به بیماری «غرب زدگی» و «خود غربی پنداری» گرفتار شده اند. از واژه های سنت، تجدد، علمی، عقلانیت، واقعیت، حقیقت، توسعه، خلاقیت، دین، آزادی، انسان مداری، تمدن، فرهنگ، اسطوره، تأویل، رمزپردازی و رمزگشایی و ... استفاده می نمایند، بدون آنکه بدانند و یا بخواهند که بدانند مفهوم و مصداق آنها در فرهنگ و تمدن و تجربیات تاریخی اروپایی چیست و مفهوم و مصداق آنها در فرهنگ و تمدن اسلامی چیست و تفاوتشان از کجاست تا به کجاست! به تحولات سریع و گرایشهای صد در صد متناقض و اندیشه ها و باورها و تجربیات متنافر و متضاد غربی که ناشی از رویکرد انسان به ساحت غربی وجود و عالم کثرت است و می تواند برای انسان اسلامی، تأمل برانگیز و عبرت آموز باشد، بی توجه و تسلیمند. از میان مجموع سبکها و گرایشات بسیار متنوع تمدن غرب در قرن اخیر اغلب دنبال سطحی ترین و مبتذل ترین مدهای هرزه ای هستند که تراستهای سرمایه داری و تهاجم فرهنگی برای کشورهای جهان سوم انتخاب و تبلیغ می نمایند. این قشر مدزده و بی آرمان، از هر نوع بازاندیشی اصیل و نقد و ارزیابی کیفی به شدت می هراسند و می گریزند و متأسفانه هنوز در سطوحی از مراکز اجرایی و آموزشی حضور دارند و هر روز رنگی دارند و نیرنگی!!

۴- معماران و شهرسازان غرب زده ولی نا آشنا با هنر اسلامی

در عرصه کارشناسان و فارغ التحصیلان دانشکده های معماری و شهرسازی ما کسانی هستند که اعتقادات اسلامی دارند و اغلب اشخاص متدینی نیز می باشند، اما باورهای آنها در حوزه اخلاق فردی و عبادی خلاصه شده است. از آنجا که آموزشهای تخصصی آنها اکثراً از طریق اساتید خارجی و یا اساتید غرب زده صورت پذیرفته است و هیچ ارتباطی نخواسته یا نتوانسته اند بین مصادیق تخصصی و تجربی خود با اندیشه ها و باورهای اسلامی داشته باشند، از فلسفه هنر و زیبایی شناسی و تمدن اسلامی غافل و مهجوراند، از مقایسه مکتبهای هنری شرق و غرب و از درک مفاهیم بلند و والای ادبیات و هنر و معماری عرفانی-اسلامی ناتوانند و یا در غفلت به سرمی برند، یا صرفاً بر حسب علوم مهندسی، سازندگان پیکره مادی ساختمانند و یا اسیر انفعالات، توهّمات و القائات هنر هزار چهره و به حق نرسیده و از حق گریز غربی هستند و مقلد بازار مکاره آن.

۵- معماران و شهرسازان غرب زده ولی آشنا با هنر اسلامی

در این طیف گروهی قرار می گیرند که کمابیش با حکمت نظری و فلسفه هنر و زیبایی شناسی اسلامی و شرقی، به صورت انتزاعی و تئوری، آشنایی هایی دارند. می توانند تا حدودی فرهنگهای هنری غرب و شرق و اسلامی را مقایسه نمایند، اغلب اهل مقاله و کتاب و سخنرانی هم هستند، اما از آنجا که قادر نیستند اصول جاودان و بی زمان و مکان هنر شرقی و اسلامی را استنتاج کنند و مصادیق شایسته و بارز آن را تجزیه و تحلیل کالبدی نمایند، از نظر معرفت شناسی تا حوزه علوم عقلی و فلسفی یا حتی حکمت نظری پیش رفته اند، اما از حکمت و عرفان عملی، حضوری و شهودی محروم مانده اند. از نگاه تمثیلی و تأویلی و رازپردازی و رازگشایی و آیه نگری بی بهره اند. در کار خود یا مقلد تمدن سنتی و بازسازی عناصر و اجزاء آن می شوند و یا وجهی از وجوه هنر کثرت گرا و

هزارچهره غربی برای آنها مشتبه شده و با تأویل و تفسیر به رأی به تقلید و تکرار آنها می پردازند. این تعجب انگیز نیست که حاصل کار آنها که نتوانند بین ظاهر و باطن و بین صورت و محتوای هنر و معماری رابطه رمزی و رازگونه آن را کشف و تجلی باطن را در ظاهر شهود نمایند، اینچنین دوگانه و متمایز باشد.

۶- معماران و شهرسازان هنرمند و آشنا با هنر اسلامی

دین باورانی اهل نظر، حکمت و عرفان هستند که اهل سیر از ظاهر به باطن و اهل شهودند. هم در عرصه علوم حصولی و هم در معرفت حضوری که خطاناپذیر و یقین آور است به آگاهی رسیده اند. اهل سیر و سلوک اند. هنر آنها قبل از آنکه زمینی باشد، آسمانی است. از ساحت قدس نازل می شود، در کار هنری خود پیام آوران و بسترسازان کمال انسان همراه با دانایی و آگاهی هستند. همچون اسلاف و اصل خود قبل از هنرمندی، سفر از خلق به سوی حق و از حق در حق را طی کرده اند. از کثرت به وحدت رسیده اند و سپس در سفر از حق به سوی خلق، رسالت و تعهدشان، کار هنری آنها است. رازآشنا، دانا و رمزپرداز اصول هستند. پای در وادی کثرت و ظاهر دارند و سر در حال و هوای وحدت و باطن. در سفر روحانی از حس تا خیال و عقل و شهود، هنرشان بستر معراج انسان است، آنان آفرینندگان هنر اصیل و بدیع هستند.

اگر بگویید **کجایند آنان و کارشان کدام است؟** باید گفت هنر و تمدن جدید و تک ساحتی غرب حداقل محصول پانصد سال تلاش و تجربه فکری و عملی از دوران رنسانس تا به امروز بوده تا به ظهور تام خود رسیده است. از پیروزی انقلاب اسلامی ما، بیش از سی و چهار سال طوفانی نمی گذرد. اگر قبول داریم آن گفته حکیمانه را که قرنهای آینده یا اسلامی و معنوی خواهند بود و یا وجود نخواهند داشت و اگر قبول داریم برای نجات انسانها و بحران زدایی از معماری و شهرسازی بحران زده و بحران زای امروزی هیچ راهی جز بازگشت به معنویت و ارزشهای الهی نیست، باید با اراده ای تزلزل ناپذیر و با توکل در ساحت ربوبی در حوزه نظر و عمل اینچنین باشیم و اینچنین شویم.

امید است در بحث ها و مقالات آینده با دیدگاهها و آثار مثبت و منفی این گروهها و اقشار متکثر و زیرمجموعه های متنوع آنها بیشتر آشنا شده و دقیق تر و مشخص تر به آن بپردازیم و بپردازند. ان شاء الله.



تصویر ۱- اصفهان، مسجد نصیرالملک

پرسش ها و پژوهش ها (مقاله هفدهم)

- ۱) چرا معماران و شهرسازان امروز ایران اغلب دارای **نظرات ناهمگن و متعارضی** هستند؟ دلیل این اختلاف از کجا ریشه دارد؟
- ۲) **مهمترین ویژگی طیف مدیرانی** که به ساخت و ساز کشور مسلط شدند چیست؟

- (۳) **معماران و شهرسازان غیر متعهد** چه دیدگاه هایی در رابطه با شهرها دارند ؟ عملکرد آنان را تجزیه و تحلیل نمائید؟
- (۴) شما چه نقدی بر نظرات و عملکرد **معماران و شهرسازان غرب زده و طرفدار مد دارید؟** ذکر کنید؟
- (۵) آن دسته از **معماران و شهرسازی که غرب زده و نا آشنا با هنر اسلامی** هستند چه ضرر و زیان هایی می توانند به شهر و محل زندگی ما وارد سازند؟
- (۶) **معماران و شهرسازان غرب زده ولی آشنا با هنر اسلامی** تنها یک مقلد سستی در بازسازی عنصر و اجزاء آن می باشند؟ نظر شما چیست؟
- (۷) **معماران و شهرسازان هنرمند و آشنا با هنر اسلامی** دارای چه مشخصاتی هستند؟
- (۸) در معماری و شهرسازی [بازگشت به معنویت و احیاء ارزش های متعالی] منظور چیست؟ شما در این باره چگونه می اندیشید؟
- (۹) اگر شما یک معمار و یا یک شهرساز باشد **دوست دارید در کدام دسته قرار گیرید ؟** چرا؟

مقاله هجدهم

(کاربردی - معماری و شهرسازی)

همیشه در جنگ های حق و باطل ، انسان می بیند که باطل بطور موقت می آید روی حق را می پوشاند ولی بعد، آن نیرو را ندارد که بتواند به صورت دائم باقی بماند.(استاد شهید مرتضی مطهری - مجموعه آثار ۱۵-ص ۱۰۱۲)

نظام مهندسی ساختمان ایران

و

اصول حکمت و ارزش های عملی اسلام

مهندس عبد الحمید نقره کار
دانشیار دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

مقدمه

نظام مهندسی ساختمان را بر محور **مجموع فرآیندهای معماری و شهرسازی و ایجاد فضای مصنوع در نظر گرفته اند**. و بطور بدیهی آنرا ترکیبی از حوزه های مهندسی ساختمان بعلاوه هنر ساختمان می شناسیم و روند احداث بناها را از تشخیص نیازهای فردی و اجتماعی انسانها تا تحقیقات لازم و برنامه ریزی و کارشناسی های خاص و طراحی و نهایتاً خلق و ایجاد آثار و حفظ و نگهداری و مرمت آنها که به طور طبیعی از گذار تدوین قوانین مربوطه و تعلیم و تربیت کارگزاران امر ساخت و ساز نیز خواهد گذشت، مورد توجه قرار می دهیم. آنچه در این مقاله به آن تأکید خواهد شد، پاسخ به این سؤال است که:

سؤال: آیا در ایجاد آثار معماری و شهرسازی و نظام مهندسی وابسته به آن ارزش‌هایی از پیش تعیین شده و جهانی و جاودانی می توانند مطرح باشند و به طور خاص در این باره دیدگاه اسلامی چه می گوید؟

لازم است یاد آوری کنیم که در سیر تحولات فرهنگ و هنر غربی در **اواخر قرن نوزدهم** و بعد از انقلاب صنعتی و دوران به اصطلاح مدرنیسم از آنجا بیکه علم و هنر به وحدت گرایش داشتند و غرب سبک بین المللی را در هنرها و صدور دستاوردهای صنعتی در راستای اهداف سیاسی - اقتصادی، آرمان خود قرار داده بود، در حوزه هنر به طور کلی گرایشهای عقلی (راسیونالیسم) و تجربی (پوزیتیویسم) و واقع گرایی (رنالیسم) تبلیغ و توصیه می شد و در مجموع علوم تجربی بانگ «انا الحق» می زد و ابزار حس و شیوه آزمایش و استقراء عقلی به عنوان ارزشهای پایدار و بی بدیل در کلیه عرصه های علوم و فنون و هنرها قهرمان بلامنازع تلقی و تأکید می گردید.

اما در **اوایل قرن بیستم** با ظهور فاشیسم از دل فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب و ایجاد جنگهای خونبار اول و دوم جهانی در قلب تمدن غربی و فرو ریختن ایده آلهای ذهنی، ناامیدی و یأس از دستاوردهای صرفاً مادی علوم تجربی و سیطره کمیت، شکها و تردیدها و نقدها و ارزیابی های مجدد را باعث شد ولی از آنجا که مبانی فلسفی و مذهبی محکم و غیرقابل خدشه ای پشتوانه شکها و تردیدها نبود عملاً دوران بعد از مدرنیسم که در حوزه فرهنگ و هنر با عنوان های (پست مدرنیسم و لیت مدرنیسم) مطرح گردیده و در دل خود شکها و شیوه های بسیار مختلف و متکثر و متضادی را به وجود آورده است، در مجموع فاقد یک پایگاه فکری و اعتقادی انسانی و جهانی و پایدار گردید.

بنابراین **مدرنیسم غربی** نه درحوزه مسائل نظری و فلسفی (حکمت نظری) و نه درحوزه احکام عملی و اخلاقی (حکمت عملی) ارزشهای ثابت و استواری را برای همه انسانها قائل نیست و نوع جدیدی از **شکاکیت و لادری گری و نسبی گرایی** را بر مبنای هوسها و سلیقه ها و مصلحت های نفسانی و شخصی تبلیغ و توصیه می نماید و به این نیز قانع نبوده و با طرح اصطلاحاتی نظیر **(ساختار شکنی و ساختار زدایی)** به مقابله با همه ارزشها و اصالتهای شناخته شده و تجربه شده و پذیرفته شده در عرصه هنر و فرهنگ می پردازد و تاریکی و جهل مرکبی را در حوزه فرهنگ و هنر انسانی بوجود آورده است که باید گفت از این نظر، انسانها در طول تاریخ تا این درجه از ساحت حق و معرفت مهبجور نبوده اند و **شکاکیت معاصر که سومین دوره شکاکیت و رویدادی تاریک در فرهنگ غربی است**، در طول تاریخ همچون یک بیماری روحی و معنوی به ظهور رسیده است. **اولین دوره آن قبل از حکماء یونان باستان و دومین دوره در اواخر رنسانس بسط یافته است.**

[پس بطور کلی می توان تطورات و تحولات فکری و فرهنگی غرب در عرصه هنر و معماری را در سه دوره اینگونه نام برد:

دوره اول: شک گرایی و مغلطه گرایی قبل از ظهور حکمای یونان قدیم

دوره دوم: رنسانس و تجدید حیات علمی و صنعتی در اروپا

دوره سوم: شکاکیت و ساختار شکنی مدرنیسم که دوره جاهلیت نوین و تاریک غربی است]

در یک نگرش جامع و کلی همیشه پیامبران و حکماء الهی و به طور خاص اسلامی بوده اند که با این بیماری معنویت بر انداز و یأس آور و آرمان ستیز و موجب غربت و پوچی انسانها و تضاد و تنازع و در نهایت حاکمیت نفس حیوانی انسان بر سیاست و حکومت و فرهنگ و هنر جوامع، مبارزه و مقابله نموده اند و با طرح وجود توحید و خداپرستی و کلام الهی و فطرت خداجویی و نوعی انسانها و استعدادهای عظیم انسان در معرفت هستی و کشف مراتب وجود و امکان مشهودات عرفانی در حوزه (حکمت نظری) ارزشهای حقیقی و جاودانی و در عین حال استدلال پذیر را مبتنی بر کلام وحی تبیین و تشریح نموده اند و در حوزه (حکمت عملی) با صدور احکام ثابت و اولیه مبتنی بر کتاب تشریع و باز گذاشتن حوزه اجتهاد و پذیرفتن شرایط اضطراری و مصلحتی در حوزه احکام ثانویه، عملاً مجموع شرایط زمانی و مکانی و نسبی را مورد توجه قرار داده و سامانه و ساختاری فرهنگی و معرفتی را به وجود آورده اند که تمامی نیازهای فردی و اجتماعی، فکری و عملی انسانها را در هر شرایط ممکن جهت و بالندگی می دهد و در مجموع می تواند بستر ساز و زمینه ساز رشد و تعالی همه انسانها باشد و حیات طیبه انسان ها را در طول زندگی تضمین نماید.

با توجه به مقدمه فوق و در یک تقسیم بندی کلی **انواع مکاتب فکری و اعتقادی** را می توان از بُعد قبول اصول و ارزشهای پایدار و انسان شمول (در دو حوزه نظری و عملی) به شرح ذیل خلاصه نمود:

❖ افراد و مکاتبی که هیچ گونه اصل و ارزش پایدار و انسان شمولی را نه در حوزه نظر و نه در حوزه عمل قائل نیستند.

❖ افراد و مکاتبی که به اصول و ارزشهای پایدار و انسان شمول فقط در حوزه نظر معتقدند و تنها گزاره های این حوزه را حقیقی می دانند و گزاره های حوزه عمل را اعتباری و نسبی و وابسته به شرایط زمان و مکان و غیر حقیقی می پندارند.

❖ افراد و مکاتبی که نظیر اسلام به اصول و ارزشهای پایدار و انسان شمول هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل معتقد هستند، گزاره های نظری را استدلال پذیر و در عین حال مبتنی بر وحی، حقیقی و خدشه ناپذیر می دانند و گزاره های عملی را نیز ضمن پذیرش اعتباری بودن آنها مبتنی بر گزاره های نظری اما با اتکاء به کلام الهی (وحی) و اصول اولیه آنها را حقیقی و خدشه ناپذیر دانسته و در عین حال اجتهاد پذیری و نسبی بودن آنها را با توجه به شرایط زمان و مکان در عرصه عمل می پذیرند.^۱

از آنجا که ارزشهای نظری اسلام اغلب جزء مطالعات عمومی و اصول اعتقادی ما می باشند و تقلیدی نیستند و ما به عنوان یک مسلمان موظف به اندیشه و تفکر و باور قلبی در این حوزه می باشیم از طرح آن در فرصت کوتاه این مقاله خودداری نموده و فقط تعدادی از مهمترین احکام عملی اسلام را به شرح ذیل ارائه خواهیم نمود.

اساسی ترین ارزش های پایدار اسلامی در حوزه عمل و اجرای ساختمان

بخشی از مهمترین ارزشهای پایدار اسلامی در حوزه عمل و در رابطه با (نظام مهندسی ساختمان و هنر ساختمان)^۲ که لازم است یک مهندس مسئول قبل از دست زدن به هر عملی با این دستور العمل های مسلم و شناخته شده اسلامی آشنا باشد تا در ساخت و ساز و کنترل و نظارت بر ساختمان دچار اشتباه و خطا نگردد.

۱-جامعیت و فراگیر بودن دستورالعمل های اسلامی

^۱ حضرت صادق (ع) در پاسخ کسی که سؤال نمود در غیبت شما چگونه عمل کنیم؟ فرمودند: (علینا بالقاء اصول و علیکم بالتفریع) ارائه اصول با ماست و استنباط فروع با شما.

^۲ با استفاده از کتاب مشخصات اسلام، از شهید مرتضی مطهری، انتشارات ستاد بزرگداشت ایشان

علمای اسلام به کمک منابع چهارگانه اسلامی یعنی (قرآن، سنت، عقل و اجماع) می توانند نظر اسلام را درباره موضوعهای مختلف استخراج نمایند و هیچ موردی را بالاتکلیف نگذارند. بنابراین یک نظام مهندسی و بالتبع آن یک مهندس در هر لحظه و موضوع کاری باید نیت و عمل خود را در راستای احکام و اخلاق اسلامی بداند و مورد قضاوت و داوری قرار دهد.

۲- اجتهاد پذیری

اجتهاد یعنی کشف و استنتاج موارد جزئی و متغیر از اصول کلی و ثابت. در این مورد حضرت امام صادق (ع) در پاسخ فردی که سؤال نمود در غیبت شما چگونه عمل نماییم؟ فرمودند: (علینا بالقاء اصول و علیکم بالتفریع^۱)، یعنی ارائه اصول کلی با ما است و کشف و استنتاج موارد جزئی و موردی با شما. یعنی یک مهندس ساختمان یا یک معمار با توجه به احکام کلی اسلام و به کمک عقل خود و اجماع، یعنی نظر اکثریت کارشناسان و خبرگان در آن مورد خاص می تواند راه صحیح و منطقی را از مسیر نادرست تشخیص داده و عمل نماید.

۳- رعایت اصل بنیانی «عدالت» به مفهوم بجا و شایسته بودن

اگر در حوزه مباحث نظری اصل «حق» یعنی واقعی و حقیقی بودن دائرمدار سایر اصول این حوزه است، در حوزه احکام عملی اصل «عدل» یعنی بجا بودن و متناسب بودن دائرمدار کلیه اصول این حوزه می باشد. در این مورد پیامبر اکرم (ص) می فرماید: (قامت السموات و الارض بالعدل^۲ = آسمان و زمین بر مبنای عدالت بر پا شده است)، و حضرت امیر (علی) کلمه «عدل» را اینچنین معرفی می نمایند: (العدل وضع کل شی فی موضعه^۳ = عدالت یعنی قرار دادن هر چیز در جای متناسب خودش). و در قرآن تأکید می شود که: (ان الله یامرکم بالعدل و الاحسان^۴ = خداوند شما را به عدالت و احسان امر می نماید). با توجه به اصل بنیانی فوق باید مهندسی ما و نظام مهندسی ما بتواند با توجه به مجموع شرایط متغیر زمانی و مکانی ارزشها و اصول پایدار را به صورت متناسب و بجا در مصادیق متنوع و متکثر کاری خود اجتهاد نموده و پیاده نمایند

۴- سادگی و پذیرش نسبیت در کار

دستورالعملهای اسلامی به تعبیر رسول اکرم (ص)، «شریعت سمعه سهله»^۵ است، علیرغم مباحث نظری که ظرافتی بین بودن و نبودن و کفر و ایمان دارند، احکام عملی اسلام دارای این دو ویژگی است :

اول آنکه سهل و ساده هستند و بدون سختی و دشواری زیاد قابل عمل و اجرا می باشند. (ما جعل علیکم فی الدین

من حرج = خداوند برای شما در اجرای احکام دین تنگنایی قرار نداده است^۶).

دوم آنکه هر جا که انجام تکالیفی توأم با مضیقه و تنگنا شود، آن تکلیف ملغی شده و در حد توان و امکانات پذیرفته

می شود، مانند نوع نماز خواندن بیماران.

از این سخنان این نتیجه گیری صورت می گیرد که دستورالعملهای کارشناسانه یک نظام مهندسی نباید خیلی شاق و دشوار و غیر قابل اجرا باشد، و یک مهندس در مواجهه با مشکلات عملی نباید اصول را بطور کلی فراموش کند، بلکه در حد توان و به هر ترتیب ممکن باید اصول کارشناسی را در کار خود پیاده نماید. و از آن پا فراتر نگذارد.

^۱ بحار، جلد ۲، صفحه ۲۴۵

^۲ تفسیر صافی

^۳ نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷

^۴ سوره مبارکه نحل آیه شریفه ۹۰

^۵ پیامبر اکرم (ص)، یثت علی الشریعه السمعه سهله، شهید مطهری، کتاب مشخصات اسلام، صفحه ۲۳

^۶ سوره حج، آیه ۷۸

۵- اهمیت دادن به توسعه و آبادانی

اسلام با هردو وجه زندگی گریزی و آخرت گریزی مبارزه نموده است، هم **رهبانیت** را نفی نموده (لا رهبانية في الاسلام) = در اسلام رهبانیت نیست^۱) و هم **آخرت گریزی** را (ان الآخرة خير و ابقى = همانا آخرت بهتر و پایدارتر است^۲)، از نظر اسلام راه آخرت از متن زندگی و مسئولیتهای آن می گذرد و به آبادی و آبادانی بسیار توصیه و تأکید شده است: (هو انشاءكم من الارض، فاستعمر فيها^۳) = شما را از زمین آفریدیم، پس آبادش کنید). یعنی زمین مادر ماست و همان احترام و حفظ حرمت را که برای مادر خود قائل هستیم، برای حفظ و احیاء و آبادانی زمین باید بکار گیریم و از هر آنچه که محیط زیست را آلوده و تخریب می نماید، بپرهیزیم.

۶- مسئولیت پذیری نسبت به جامعه و گرایش به کارهای گروهی

مقررات و احکام اسلامی اغلب ماهیت اجتماعی دارند. حتی در اجرای احکام انفرادی از قبیل نماز و روزه نیز چاشنی جمع گرایی وجود دارد. قوانین فراوان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، جزایی، نظامی و اخلاقی و علمی-فرهنگی اسلام ناشی از این اصول است. خداوند کارهای جمعی را مورد حمایت و نصرت قرار داده است (يد الله مع الجماعة^۴) = دست خداوند با اجتماع است). شاید یکی از مهمترین نقاط ضعف ما تک روی در کارها و بی توجهی به دیگران و یا بی توجهی به سایر شاخه های تخصصی در سلسله مراتب کاری است. یک مهندس آگاه می داند که یک نظام مهندسی جامع از گرایشها و تخصصهای بسیار متنوع و متکثر تشکیل شده و موقعی نتیجه کار فردی او می تواند مطلوب باشد که به تمام جنبه های فنی و مهندسی کار و بُعد هنری آن نیز توجه نماید و از تک روی و تک بُعدی بودن در یک فرآیند جمعی و چند بُعدی بپرهیزد و خود را حلال مشکلات تصور نکند و جلودار نباشد.

۷- رعایت حقوق و آزادی فرد

اسلام در ضمن اینکه دینی اجتماعی است و به جامعه می اندیشد و فرد را مسئول جامعه می شمارد، در عین حال حقوق و آزادی فرد را نادیده نمی گیرد و فرد و نقش آن در جامعه اصالت و ارزش می دهد و همه انسانها را در هر مقام و موقعیتی را مسئول رعایت حقوق افراد می داند: (كلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة^۵) = همه شما نگاهبان و مسئول حقوق مردمید). بنابراین هر مهندس و هر نظام مهندسی باید ضمن رعایت حقوق جامعه و ابعاد تخصصی کارها، حقوق و مصلحت های فردی و شخصی افراد جامعه را در نظر داشته باشد و بطور کامل رعایت نماید.

۸- حق تقدم جامعه بر فرد

آنجا که میان حق جامعه و حق فرد تعارض و تزاخم ایجاد می شود، حق جامعه بر حق فرد و حق عام بر حق خاص تقدم می یابد، البته تصمیم در موارد اختلافاتی که پیش می آید با حاکم شرع و قضات محکمه است. بنابراین یک مهندس یا یک نظام مهندسی ضمن رعایت کلیه حقوق جامعه و افراد در کارها در شرایط تعارض و تزاخم حقوق جامعه با فرد، حقوق جمع و مصلحت های عمومی را بر مصلحت ها فردی ترجیح داده و برتری می دهند.

۹- اصل مشورت با خبرگان

در مواردی که به طور مشخص از اسلام حکمی صادر نشده است، استفاده از اصل شوری و مشورت، یعنی مراجعه به خبرگان متخصص و استفاده از عقل جمعی توصیه و تأکید شده است. بنابراین مهندس و یک نظام مهندسی در موارد و مصادیق بسیار متنوع و

^۱ نهایه ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۸

^۲ سوره مبارکه اعلی آیه شریفه ۱۷

^۳ سوره مبارکه هود آیه شریفه ۶۱

^۴ نهج الفصاحة ص ۴۵.

^۵ بحار الانوار، ج ۷۲ ص ۳۸

متکثر عملی و تخصصی حیران و سردرگم نمی شود، بلکه با تبعیت از اصل شوری و با ارجاع کار به خبرگان متخصص و عقل جمعی، مسائل را حل نموده و راه یابی می نماید.

۱۰-دوری از وارد نمودن ضرر و زیان

دستورهای اسلامی که شامل همه می شود و عام است، تا آن حد لازم الاجرا است که مستلزم ضرر و زیان نباشد. قانون کلی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» یک قاعده کلی است که نسبت به هر قانونی که منتهی به ضرر شود، حق «وتو» دارد. بنابراین یک مهندس یا یک نظام مهندسی در عمل به قوانین باید به گونه ای عمل نماید که موجب ضرر زیان به غیر نشود. اصل تقدم حق جامعه بر حق فرد و سایر الویتهای حقوقی در نظام ارزشها و اخلاق اسلامی، این الویتهای را مشخص نموده است. (بطور مثال دستور پیامبر اکرم (ص) مبنی بر کندن درخت شخصی که در خانه دیگری بود که نه رعایت حقوق خانوادگی همسایه را می نمود و نه حاضر بود درخت خود را بفروشد) یعنی تقدم حقوق یک خانواده به حق مالکیت یک فرد بر درخت.

۱۱-اصل قرار دادن فایده در کارها و پرهیز از کارهای بیهوده و لغو

از نظر اسلام هر کار فردی و اجتماعی انسان باید مفید و با فایده باشد و هر کار بیهوده و بی ثمر (لغو) ممنوع می باشد. (والذین هم عن اللغو معرضون)^۱ = مؤمنین از کار بیهوده پرهیز می نمایند). مانند اضافه کاریهای بیفایده در پیمانکاریها یا تزئینات بیجا و عناصر غیر مفید در طراحی ها. بنابراین مهندسین ما و نظام مهندسی ما باید اصل را بر مفید بودن و با فایده بودن کارهای تخصصی قرار دهند.

۱۲-اصالت خیر در مبادرات

گردش مال و ثروت و نقل و انتقال آن باید در مقابل یک خیر مادی و یا معنوی صورت گیرد وگرنه گردش مال به باطل و حرام است: (ولا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل)^۲ = اموال خود را به باطل در میان خود نخورید (مبادله نکنید))، مانند گرفتن درصد در مقابل واگذاری کارها به دیگران و بدون انجام کار مفید و یا بورس بازی و خرید و فروش زمینهای بایر و...، بنابراین مهندسین و نظام مهندسی ما باید بر محور کارهای خیر مادی و معنوی جهتگیری نمایند.

۱۳-پرهیز از ربا و نزول (که جنگ با خدا و رسول است)

سرمایه ای که از جریان عمل و فعالیت و تولید، در معرض کاستی و ضرر خارج شد و صورت قرض به خود گرفت، هیچ سودی به آن تعلق نمی گیرد و هر چه از این راه گرفته شود ربا و حرام مؤکد است. بنابراین نظام اقتصادی و سرمایه داری کشور باید در خدمت کار و تولید و نظام مهندسی و مهندسین کشور باشد.

۱۴-انجام معاملات شفاف با اطلاعات کافی

هر قرار داد باید از روی آگاهی کامل طرفین نسبت به تعهدات متقابل باشد وگرنه معاملات جاهلانه و ریسکی بوده و باطل است: (نهی النبی عن الغرر)^۳ = پیامبر اکرم (ص) از معامله جاهلانه نهی فرمودند). بنابراین مهندس و نظام مهندسی ما باید ضوابط و قواعدی پیش بینی نماید که تعهدات متقابل مهندسان مشاور و پیمانکاران و کارفرمایان برای دو طرف کاملاً روشن و شفاف باشد و دادن هر نوع اطلاع غلط و ارائه آمار و برآوردهای نادرست حرام است.

۱۵-رعایت خردگرایی و منطقی بودن

اسلام عقل را محترم و آنرا پیامبر باطنی و درونی انسان می شمارد. و اصول دین جز با تحقیق عقلانی پذیرفته نیست و در فروع دین و حوزه احکام نیز، همچنان که گفته شد، عقل یکی از منابع اجتهاد است. بنابراین کلیه امور مهندسی و نظام مهندسی ما باید بر اساس موازین و معیارهای منطقی و عقلایی برنامه ریزی، طراحی و اجرا شود و از هر نوع کار غیر عقلانی و عبث و پوچ احتراز گردد.

^۱ سوره مبارکه مؤمنون ، آیه شریفه ۳

^۲ سوره مبارکه بقره ، آیه شریفه ۱۸۸

^۳ وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۴۸.

۱۶- دوری از کارهای پوچ، بیهوده، بی معنی و هوس آلوده

همچنان که در نظام ارزشهای اسلامی عقل محترم است، اراده آزاد انسان نیز که قوه مجریه عقل است، نیز محترم می باشد بنابراین هر کار لهو و لعبی یعنی از سربازی و سرگرمی، هوسرانی و کارهای تصادفی حرام و ممنوع است. یعنی هنرهایی که بر مبنای بازی و سرگرمی و هوسرانی و تصادف برنامه ریزی و ایجاد می شود، حرام و ممنوع است. بنابراین مهندسی و نظام مهندسی ما بخصوص معماران و هنرمندان ما باید از هنرهای لهو و لعب اجتناب نموده و خط مشی هنری آنها باید عاقلانه، آگاهانه و با اراده و نیت خیر و آرمانخواه باشد.

۱۷- اهمیت دادن به کار و تولید

اسلام دشمن بیکاری و تنبلی و بیکارگی است. انسان در مقابل بهره گیری از جامعه باید به جامعه بهره برساند. اسلام انگل بودن و سربار جامعه بودن را حرام و ممنوع می داند: (ملعون من اقی کله علی الناس)^۱ = کسی که سربار جامعه است، لعنت شده است). بنابراین مهندسی ما و نظام مهندسی ما از هر نوع واسطگی، باجگیری و رانت خواری افراد و تشکیلاتی که کار مفید و سازنده انجام نمی دهند، باید جلوگیری کند.

۱۸- تأمین نیازهای جامعه از طریق کسب تخصص های لازم

داشتن شغل و تخصص حرفه ای علاوه بر اینکه یک تکلیف اجتماعی است، یک امر مقدس و محبوب خدا و شبیه جهاد است: (ان الله یحب المؤمن المحترف)^۲ = خداوند مؤمن صاحب تخصص را دوست دارد). در اسلام متخصص درستکار مؤمن مورد رضایت و محبت خداوند است. بنابراین مهندسی ما و نظام مهندسی ما باید به عنوان یک واجب کفایی در عالی ترین درجات ممکن تخصصهای مورد نیاز جامعه را برآورده سازند و در عالی ترین سطوح علمی و تخصصی قرار گیرند.

۱۹- هر گونه استثمار و بهره برداری از دسترنج دیگران ممنوع است

اسلام بهره کشی بلاعوض از کار دیگران را به هر شکل و هر طریق، ناروا و مطرود می شمارد. برای نامشروع بودن یک کار کافی است که ثابت شود ماهیت استثمار دارد. بنابراین مهندسی و نظام مهندسی ما که در یک فضای بسیار وسیع مبادلات کاری قرار دارند و از دسترنج اقشار مستضعف و زحمات سنگین آنها در فرآیندهای خود بهره برداری می نمایند، باید در هر شرایط با اجرای همه جانبه عدالت از استثمار کارگزاران خود بپرهیزند.

۲۰- دوری از مصرف بی رویه و بالابردن میزان بهره وری

تضییع مال و امکانات به هر شکل و به هر صورت، به شکل مصرف بیش از حد نیاز، صرف کردن در خرید و مصرف اشیاء لوکس و ایجاد تجملهای بیفایده و اشرافی در ساخت و سازها، ایجاد عناصر بی مصرف و غیر کاربردی، طولانی تر کردن کارها و به هدر دادن نیروهای کار، از بین بردن تجهیزات و کم کردن عمر مفید آنها و هزاران نوع دیگر از اسراف و تبذیر از نظر اسلام حرام و ممنوع می باشد. بنابراین مهندسی و نظام مهندسی ما بخصوص در شرایط کنونی و بحرانی کشور که امکانات موجود بسیار پایین تر از استانداردهای متوسط بین المللی است، باید کمال توجه خود را نسبت به جلوگیری از اسراف و تبذیر در کارها و حداکثر بهره وری را از امکانات و تجهیزات بعمل آورند.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸

^۲ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳

۲۱-جدیت در تأمین نیازهای عمومی و روزمره مردم

اسلام مسلمانان را مکلف به تأمین نیازهای عمومی و خدمات لازم برای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی متعادل و برخوردار از مواهب الهی نموده است و کسی را که در این جهت تلاش ننماید، مسلمان نمی داند: (من اصبح و لم یهتّم بامور مسلمین، فلیس بمسلم^۱)، کسی که صبح کند و به رفع نیازهای مسلمین اهتمام نرزد، مسلمان نیست). بنابراین مهندسین ما و نظام مهندسی ما باید نهایت تلاش و همت خود را در جهت رفع کمبودها و تأمین نیازمندیهای فردی و اجتماعی جامعه اسلامی به طور خستگی ناپذیر بکار گیرند.

۲۲-حرام بودن رشوه دادن و رشوه گرفتن و واسطه بودن

در اسلام رشوه دهنده و رشوه گیرنده و آن کسی که واسطه این عمل زشت است به شدت محکوم و مستحق آتش معرفی شده اند و پولی که از این راه تحصیل می شود، حرام و نارواست. بنابراین مجموعه نظام ما باید با این عمل نکوهیده و ناعادلانه و قانون ستیز، که مردم را ناراضی و انجام کارها را برای اقشار ضعیف تنگ و دشوار خواهد نمود به شدت مبارزه نماید.

۲۳-احتکار و عرضه نکردن هر گونه کالای مورد نیاز جامعه ممنوع است

جمع آوری ارزاق عمومی (و سایر نیازمندیهای روزمره مردم) و نگهداشتن آنها به منظور گران تر فروختن حرام و ممنوع است. بنابراین مجموعه نظام ما باید با پیش بینی قوانین و نظارت بر بازار عرضه و تقاضا از احتکار نیازمندیهای عمومی به شدت جلوگیری نماید.

۲۴-مکاسب مُحرّمه (اصولی که معاملات بر اساس آن مجاز شمرده نمی شوند)

معمولاً در روابط بین خریداران و کارفرمایان با مشاوران و پیمانکاران، رابطه عرضه و تقاضا برقرار است، یعنی هر آنچه کارفرما و خریدار مطالبه نماید و میل داشته باشد، مشاور و پیمانکار باید تبعیت کند. اما اسلام منبع مشروع درآمد را صرف تمایلات مردم نمی شمارد، بلکه علاوه بر زمینه تمایلات و مطلوبیت تقاضا کننده، موافقت با مصلحت و رعایت ارزشهای علمی و فرهنگی را نیز شرط مشروعیت کار می داند. به عبارت دیگر اسلام وجود تقاضا را برای مشروعیت عرضه کافی نمی داند. از این رو در اسلام پاره ای از کارها بعنوان «مکاسب مُحرّمه» خوانده شده است که به طور کلی چند نوع می باشد:

🚫 ممنوعیت فریب مردم در انجام مبادلات و معاملات

کارها و کسب هایی که عملاً باعث شود مردم به جهل و یا انحراف فکری و عقیده ای تشویق شوند، هر چند تقاضا و میل و رغبت مردم به قدر کافی وجود داشته باشد. نظیر (بت فروشی، صلیب فروشی، آرایش زنان برای فریب خواستگاران، مدح کسی که استحقاق مدح ندارد، غیب گویی و...) حرام است و تحصیل درآمد از این طرق ممنوع است. بنابراین، تزیین ساختمانها برای فریب مشتری و از ساختمانها بتی ساختن بدون توجه به ارزشهای فرهنگی و تخصصی و امثالهم حرام و ممنوع می باشد.

🚫 حرام بودن مبادلاتی که موجب گمراهی و اغفال مردم می شود

نظیر خرید و فروش کتابها، فیلمها و... هر عملی که به نحوی موجبات گمراهی و اغفال جامعه را ایجاد می کند حرام و ممنوع است. بنابراین ایجاد ساختمانها و یا مراکزی که موجبات فوق را فراهم کند و یا مقدمه آن تلقی شود، فرضاً ایجاد اشراف و سایر مزاحمتهای همجواری که مقدمات انحرافات فوق را ایجاد نماید ممنوع و حرام می باشد.

🚫 ممنوعیت مبادلاتی و معاملاتی که موجب تقویت دشمنی شود

^۱ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳

کلیه کارها و یا مبادلاتی که موجب تقویت دشمن از بُعد نظامی یا سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی و هنری و ... متقابلاً موجب تضعیف جبهه اسلامی شود، ممنوع و حرام است. بنابراین پیروی از مدها و جریانهای فرهنگی - هنری و یا استفاده از مصالح و امکانات خارجی که موجب تقویت فرهنگی و اقتصادی دشمنان و تضعیف فرهنگ و اقتصاد خودی شود ممنوع و حرام می باشد.

تحریم مبادلات و معاملاتی که در آن زیان جامعه باشد

درآمد از طریق مشروب فروشی، آلات قمار و جنسهای تقلبی و مغشوش، هجو مؤمن، اعانت ظلمه، پذیرفتن جنس از دست ستمگر و غیره ممنوع و حرام می باشد. بنابراین اجرای ساختمانها و پروژه های شهرسازی به نحوی که برای همسایگان و همشهریان ایجاد مزاحمت نماید و به حقوق مشروع آنها زیان وارد نماید، نظیر تراکم فروشی (علاوه بر طرحهای جامع) و پارکینگ فروشی و در نظر نگرفتن استانداردها در خدمات عمومی و بسیاری از اقدامات دیگر که موجب زیان مادی یا معنوی فرد و جامعه شود ممنوع و حرام می باشد.

مشاغل خاصی که تنها دولت عهده دار تأمین و اداره آن طبق برنامه ریزی می باشد

تحصیل درآمد از طریق افتاء یا قضاء یا تعلیم اصول و فروع دین یا وعظ و اندرز و احتمالاً پزشکی به دلیل شرافت و قداست آنها، مبادله اقتصادی تلقی شده و به دلیل اهمیت و ضرورت آنها برای جامعه باید بلاعوض در اختیار عموم قرار گیرد و بیت المال مسلمین عهده دار هزینه آنها باشد. بنابراین تشکیل نهادهای و ارگانهایی که مطالعات بنیادی و ملی را در سطح کل کشور و برای برنامه ریزیهای اصولی و دراز مدت نظیر برنامه های پنج ساله و بیست ساله و تهیه استانداردهای مورد نیاز و تهیه طرحهای آماده سازی و طرحهای جامع و تفصیلی برای کلیه شهرها و روستاها و آموزشهای لازم کارگزاران و مجریان و بسیاری از نیازهای اساسی اجتماعی کشور باید توسط حکومت اسلامی و بیت المال تأمین و فراهم شود.

۲۵- وجوب دفاع از حقوق فردی و اجتماعی

مبارزه با متجاوزان به حقوق افراد و اجتماع واجب و مقدس است. رسول اکرم (ص) فرمودند: (برترین جهادها سخن عدالت در برابر پیشوایی ستمگر است^۱). و حضرت علی (ع) فرمودند: (هیچ قوم و ملتی به مقام قداست نمی رسد مگر آنکه به مرحله ای برسند که ضعیف بدون بیم و ترس و بدون لکنت زبان حق خود را از قوی بازستاند^۲). بنابراین هر فرد چه در نظام اداری و چه در نظام مشاغل آزاد و در هر سلسله مراتب مدیریتی و کاری موظف است حداقل در امور مربوطه به تخصص خود از حقوق افراد و جمع حمایت نماید و در مقابل هر تخلفی و هر متخلفی با قدرت و با مقاومت بایستد.

۲۶- اصل رعایت امر به معروف و نهی از منکر

اصل امر به معروف و نهی از منکر در اسلام بنیانی است که به تعبیر حضرت باقر (ع) پایه و استوانه سایر فرائض اسلامی است. این اصل، مسلمانان و جامعه اسلامی را در حال یک انقلاب فکری مداوم و اصلاح جویی مستمر امور و مبارزه پیگیر و ناآرام با همه فسادها و نارساییها قرار می دهد. خداوند می فرماید: (شما به این دلیل با ارزش ترین جامعه ها هستید که امر به معروف و نهی از منکر می نمایید^۳). بنابراین یک مسلمان و یک جامعه اسلامی همیشه آرمانگرا و اصلاح طلب است و با هیچ فساد و نارسایی در کارها و امور سرسازش و تسلیم ندارد و در حرفه و تخصص خود درجا نمی زند و پیشتاز و راه گشای هر گره و کمبودی در کارهاست و در تخصص خود باید بتواند حرف آخر را بزند.

^۱ افضل الجهاد، کلمه عدل عند امام جعفر، کافی، ج ۵، صفحه ۶۰

^۲ لن تقس امه حتی یؤخذ للضعیف حقه من القوی غیر متعنت، نهج البلاغه، عهدنامه به مالک اشتر نخعی

^۳ - سوره مبارکه آل عمران آیه شریفه ۱۱۰

۲۷- اصل توکل و اعتقاد به مؤثر دانستن خداوند در همه امور

در اسلام هر کاری با نام خدا و استعانت از او آغاز می‌شود^۱ و با نام خدا و اعتماد و اتکای به او جریان می‌یابد^۲ و با نام خدا و سپاس او پایان می‌پذیرد^۳. توحید صرفاً یک اندیشه و عقیده خشک نیست، همان‌طور که ذات احدیت از مخلوقات خود جدا نیست و با همه هست و بر همه محیط است، اندیشه توحید نیز بر سراسر وجود یک موحد واقعی احاطه دارد و بر همه اندیشه‌ها، اخلاق و رفتارهای او سیطره پیدا می‌کند و به همه آنها جهت می‌بخشد. بنابراین یک مسلمان واقعی هیچ چیز را شریک خدا قرار نمی‌دهد، ابزار و وسایل، سبک‌ها و سلیقه‌ها برای او بُت نمی‌شود، هنر برای هنر، هنر برای ارضاء هواهای نفسانی (کبر و لذت و قدرت و ثروت) و هنر برای (فراموشی و غفلت) و بسیاری از انحرافات دیگر در خط مشی کاری و هنری او قرار نمی‌گیرد و کار را برای رضای خدا انجام می‌دهد و در جهت بسترسازی کمال و تعالی انسانها.

۲۸- نفی و الغای واسطه‌هایی که بین انسان و خدای متعال قرار گرفته اند

با اینکه اسلام واسطه‌ها را در نزول فیض می‌پذیرد و نظام علت و معلول را، چه در امور مادی و چه در امور معنوی، حقیقی و واقعی می‌شمارد، اما در مقام پرستش و عبادت و رابطه انسان با معبود خود، همه واسطه‌ها را ملغی می‌سازد. در مذاهب تحریف شده، فرد ارزش ارتباط مستقیم با خداوند را از دست داده است. تنها کاهن یا روحانی می‌تواند مستقیماً در حال راز و نیاز باشد و او باید پیام دیگران را به خدا ابلاغ کند. در اسلام این کار نوعی شرک تلقی می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: (اگر بندگان من درباره من از تو پرسش کنند، بگو من نزدیکم، دعای دعاکننده را اجابت می‌کنم^۴). بنابراین فرمالیسم بت‌پرستانه در معماری محکوم است، عناصر معماری نظیر حجم‌ها، هندسه‌ها، نقش‌ها و نمادها و مواد و مصالح خاص در صورتی که مستقل از نیازهای مادی و روحی انسان مطلق شوند و اصالت پیدا کنند و تکرار شوند نوعی بت‌پرستی و شرک تلقی می‌گردند و در مجموع هنر و همه ابزار هنری باید در خدمت انسان و کمال انسان پیش‌بینی و اجرا گردد.

۲۹- همزیستی با اهل توحید و پرهیز از هر گونه عمل شرک آمیز در جامعه

مسلمانان می‌توانند در داخل کشور با پیروان ادیان دیگری که ریشه توحیدی دارند، از قبیل نصاری و یهود و زرتشتیان، هر چند بالفعل از توحید منحرف باشند، تحت شرایط معینی همزیستی داشته باشند ولی نمی‌توانند با کشورهای مشرک قرار داد صلح و عدم تعرض منعقد نمایند و یا در موضوع خاص پیمان ببندند. بنابراین مهندسين ما و نظام مهندسی ما باید مجموع کارهای خود را در ارتباط با فرهنگ اسلامی پیش‌بینی و طراحی نمایند و فقط موارد خاص مربوط به اقلیت‌های توحیدی را مطابق فرهنگ آنها در نظر گیرند و در نظر گرفتن هیچ نوع دیدگاه شرک‌آمیز در جامعه اسلامی مجاز نیستند.

۳۰- رعایت اصل مساوات بین انسانها

یکی از اصول اسلامی رعایت اصل مساوات و نفی تبعیض بین انسانهاست. از نظر اسلام، انسانها ذاتاً برابرند، رنگ، خون، نژاد، قومیت و... ملاک برتری نیست. آزادی، مردم سالاری و عدالت در اسلام معلول برابری و مساوات ذاتی انسانهاست. بنابراین مهندسين ما و نظام مهندسی ما در کلیه امور تخصصی خود باید این اصل را در بین مردم رعایت نمایند. به طور مثال در برنامه‌ریزی و طراحیهای شهری همه شهروندان باید از خدمات و امکانات شهری بطور مساوی و منصفانه برخوردار شوند و در شرایط تبعیض‌آمیز موجود باید مناطق محروم بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

^۱ - بسم الله الرحمن الرحيم

^۲ - توكلت على الله

^۳ - الحمد لله رب العالمين

^۴ - سوره مبارکه بقره آیه شریفه ۱۸۶

۳۱- رعایت شرایط متفاوت زنان و مردان

حقوق و تکالیف و مجازاتها تا آنجا که به مشترکات دو جنس مرد و زن و انسانیت آنها مربوط است، مشترک و متساوی است، از قبیل حق تحصیل علم، حق عبادت و پرستش، حق انتخاب همسر و حق مالکیت و... . آنجا که به جنسیت و مختصات فرعی آنها مربوط است حقوق و تکالیف و مجازاتهای آنها ناهمسان و نامتشابه و دوجنسی است. بنابراین مهندسين ما و نظام مهندسی ما شرایط خاص ناهمسان و نامتشابه دو جنسی مردان و زنان را باید در کارها و برنامه- های خود مورد توجه قرار دهند و به طور مثال در برنامه ریزیها و طراحیهای معماری و شهرسازی نیازهای متفاوت و مستقل دو قشر را در کنار هم و رعایت ظرایف اخلاقی را در طراحی فضاهای مشترک مورد توجه و دقت قرار دهند.

۳۲- نفی شباهت ظاهری به کفار

در اسلام احادیثی است که علاوه بر عدم شباهت باطنی با کفار، شباهت ظاهری به کفار و تقلید از آنها را نیز در زمینه های مختلف نظیر لباس و آرایشهای ظاهری و سبک طراحی خانه ها و شهرها و... را نفی و محکوم می نماید. بنابراین مهندسين ما و نظام مهندسی ما باید با اتکاء به فرهنگ و هنر خودی و استعدادهای خدادادی و ایمانی خود خالق ارزشهای جدید و بدیع هنری بوده و همانطور که در باطن از کفار بسیار جدا و متمایز می باشند، در ظاهر نیز که قاعداً باید تجلی باطن باشد، نباید به آنها شباهت داشته باشند.

۳۳- نفی مالکیت مطلق انسان بر زمین (روی این اصل خیلی دقت شود!!)

در اسلام زمین های بایر متعلق به حکومت اسلامی است و فقط بر حسب نیاز و درخواست کشاورزان یا شهرنشینان به اندازه رفع نیاز و به شرط بهره‌وری صحیح در اختیار آنها قرار می گیرد و بر حسب فتوی مجتهدان حداکثر سه تا پنج سال اگر از زمین بهره برداری نشود، دولت اسلامی مجدداً عرصه زمین را در اختیار می گیرد و از بهره بردار سلب اختیار می نماید. امروز متأسفانه ما شاهد هستیم که میراث زمین خوارگی و سندسازی و بورس بازی در خرید و فروش زمینهای شهری و کشاورزی، حتی در نظام جمهوری اسلامی بعنوان یکی از ارکان اقتصادی مطرح بوده و بیشترین مصیبت را به طبقات ضعیف جامعه و طبقه جوان در شرف ازدواج وارد نموده است. امید است مهندسين ما و نظام مهندسی ما با این میراث شوم دوران طاغوت، که نظیر بردگی دوران پیامبر اکرم (ص) می باشد، با قدرت و جدیت مبارزه مستمر و بی امانی را شروع نمایند.

۳۴- استحباب مؤکد وقف

در اسلام اهدای وسایل و تجهیزات یا زمین و ساختمان و... برای استفاده عموم، بسیار مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است. بسیاری از خدمات عمومی و شهری ما در گذشته، علیرغم بی توجهی و بی قیدی حاکمان در این موارد، نتیجه دلسوزیها و زحماتی است که افراد مؤمن برای آسایش و راحتی مردم ایجاد و وقف نموده اند. بنابراین مهندسين ما و نظام مهندسی ما باید ارزش این جنبش مردمی را دانسته و مشوق و هدایتگر مردم در احیا و گسترش این سنت حسنه اسلامی باشند.

۳۵- اصل انجام کلیه امور بر اساس حکمت

حکمت یعنی قرار دادن هر امری در جهت سعادت و کمال مقدر آن. به طور خاص اسلام در کلیه اموری که به انسان مربوط می شود، همه امور را فرع و کمال و سعادت ابدی انسان را اصل و هدف غایی خلقت می داند. بنابراین مهندسين ما و نظام مهندسی ما باید در نظام برنامه ریزی و طراحی و اجرایی خود همه عوامل و شرایط موجود و مورد نظر را فرع بر اصل زمینه سازی برای سعادت و کمال انسانها قرار دهند، نه بالعکس.

اصول فوق تنها بخشی از بایدها و نبایدها در ایدئولوژی عظیم و عمیق اسلامی است، که رعایت نسبی آنها قطعاً جامعه مهندسی و نظام مهندسی ما را با تحول و انقلاب بنیادی مواجه نموده و قادر خواهد بود. نمونه بی بدیلی را از یک نظام مهندسی آرمانی و ایده آل به جهان معاصر تقدیم دارد.

پرسش‌ها و پژوهش‌ها (مقاله هجدهم)

- (۱) چرا بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم **مکتب مدرنیسم غربی** دچار شک‌گرایی شد؟
- (۲) **شکاکیت و لادری‌گری** در نظام فلسفی و فکری غربی بر چه پایه و ارکانی استوار است؟
- (۳) **ساختار شکنی و ساختار زدایی** در عرصه هنر و معماری غرب چه مفهوم و معنایی دارد؟
- (۴) **انواع مکتب فکری و اعتقادی** را در قبول ارزش‌ها در حوزه‌های نظری و عمل به چند دسته می‌توان تقسیم نمود؟
- (۵) علمای اسلام به کمک کدام **منابع** توانسته‌اند موضوعات گوناگون را استخراج نمایند؟
- (۶) **اجتهاد چیست؟** و چه نقشی در استخراج احکام و کشف حقایق دارد؟
- (۷) **حق و عدل چیست؟** در این زمینه حداقل دو آیه از قرآن بعنوان شاهد ذکر کنید؟
- (۸) معنای این سخن حضرت رسول(ص) چیست که فرمود: **شریعت سمعه سهله** ؟
- (۹) چرا اسلام با **رهبانیت و آخرت‌گریزی** مخالف است ؟ در این زمینه تحقیق نمائید؟
- (۱۰) آیا مقررات و احکام اسلامی **جنبه اجتماعی** دارد؟ این موضوع را چگونه اثبات و تحلیل می‌کنید؟
- (۱۱) **مشورت با خبرگان** چه فوایدی برای فرد و جامعه دارد؟
- (۱۲) اصل **لاضرر و لاضرار فی الاسلام** چیست؟
- (۱۳) گردش سرمایه‌ها در اقتصاد جامعه **مبنای نزول** مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار دهید؟
- (۱۴) **نقش و تأثیر رشوه** (گرفتن -دادن -واسطه شدن) در کار مهندسی را ابتدا بررسی و آنگاه در یک جمع‌بندی ارائه دهید؟
- (۱۵) اصولی که در اسلام معاملات بر اساس آن مجاز نمی‌باشد (**مکاسب محرمه**) را در پنج مورد بیان کنید؟
- (۱۶) به نظر شما **امر به معروف و نهی از منکر** چقدر قادر است روش‌های اشتباه و خسارت‌آور نظام مهندسی را مانع گردد؟
- (۱۷) در معماری و شهرسازی **اصل نفی شباهت به کفار** چه مطالبی را می‌تواند به ما بیاموزد؟
- (۱۸) **از زمین‌های موجود شهری** چگونه می‌توان به نفع مردم جامعه و نیازهای واقعی آنان مورد استفاده و بهره‌برداری قرار داد؟
- (۱۹) **وقف و موقوفات** چه تأثیری در روند اصلاح جامعه و خدمات‌رسانی به مردم ضعیف داشته‌اند ؟ پس از تحقیقات از منابع معتبر یک جمع‌بندی ارائه



دانشگاه علم و صنعت ایران

Islamicarchitecture.ir

کتابخانه

قطب علمی
معماری اسلامی

کد فایل: قطب علمی معماری اسلامی - تالیفات قطب علمی